



متن کامل
قوانین اساسی افغانستان
(ده قانون اساسی از ۱۳۰۱ تا ۱۳۸۲)

با ضمیمه:

طرح قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان

(طرح پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان در دوره

رهبر شهید؛ استاد عبدالعلی مزاری)

تصحیح و تنظیم: سرور دانش

انتشارات بنیاد اندیشه بهار ۱۳۹۸

سرشناسه: دانش، سرور
عنوان: متن کامل قوانین اساسی افغانستان (ده قانون اساسی از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۸۲)، سرور دانش.
مشخصات نشر: چاپ اول، کابل، انتشارات بنیاد اندیشه، بهار ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: رقعی، ۴۳۶ صفحه
موضوع:
شابک: ۹-۱۵-۶۳۵-۹۹۳۶-۹۷۸

ISBN: 978-9936-635-15-9



.....

متن کامل قوانین اساسی افغانستان (ده قانون اساسی از ۱۳۰۱ تا ۱۳۸۲)

تهیه و تنظیم: سرور دانش

ناشر: انتشارات بنیاد اندیشه

ویراستار: حسین حیدریگی

صفحه‌آرایی و طرح جلد: محمدرضا قربانی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۸، کابل

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۱۰ افغانی

شابک: ۹-۱۵-۶۳۵-۹۹۳۶-۹۷۸

ISBN: 978-9936-635-15-9

آدرس مرکز پخش (۱): کابل، سرک دارالامان، سرک اول، خانه ۸.

بنیاد اندیشه، شماره تماس: ۰۷۸۸۳۱۱۵۲۴

آدرس مرکز پخش (۲): کابل، پل سرخ، مارکیت ملی، انتشارات بنیاد

اندیشه، شماره تماس: ۰۷۰۰۲۰۰۵۱۹

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

یادداشت ناشر

مقدمه

الف. فهرست اجمالی

- ۱-۲. نظامنامهٔ اساسی دولت علیّهٔ افغانستان- دورهٔ امان‌الله خان، ۱۳۰۱ و ۱۳۰۳.
۳. اصول اساسی دولت علیّهٔ افغانستان- دورهٔ محمدنادرشاه، ۱۳۱۰.
۴. قانون اساسی افغانستان- دورهٔ محمدظاهر شاه، ۱۳۴۳.
۵. قانون اساسی جمهوری افغانستان- دورهٔ محمدداود خان، ۱۳۵۵.
۶. اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان- دورهٔ ببرک کارمل، ۱۳۵۹.
۷. قانون اساسی جمهوری افغانستان- دورهٔ دکتور نجیب‌الله، ۱۳۶۶.
۸. قانون اساسی جمهوری افغانستان- دورهٔ دکتور نجیب‌الله، ۱۳۶۹.
۹. اصول اساسی دولت اسلامی افغانستان- دورهٔ دولت اسلامی مجاهدین به رهبری استاد برهان‌الدین ربانی، ۱۳۷۲.
۱۰. قانون اساسی افغانستان- دورهٔ ریاست جمهوری حامد کرزی، ۱۳۸۲.

ضمیمه:

قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان

(طرح پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان در دورهٔ

رهبر شهید؛ استاد عبدالعلی مزاری)

ب. فهرست تفصیلی

۲۵(۲-۱) نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان.....
۲۵دورهٔ امان الله خان.....
۲۶نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان.....
۳۵حقوق عمومیه تبعه افغانستان.....
۳۸وزرا.....
۴۲مأمورین.....
۴۳مجالس مشاوره.....
۴۳و شورای دولت.....
۴۵محاکم.....
۴۶دیوان عالی.....
۴۷امور مالیه.....
۴۸اداره ولایات.....
۴۹مواد متفرقه.....
۵۱(۳) اصول اساسی دولت علیه افغانستان.....
۵۲اصول کلیه.....
۵۳حقوق پادشاه.....
۵۴حقوق عمومیه تبعه افغانستان.....
۵۸شورای ملی.....
۵۸تشکیلات مجلس.....
۶۰قسم نامه.....
۶۱وظایف.....

۶۴	عنوان مطلب از طرف مجلس.....
۶۷	مجلس اعیان.....
۶۸	مجالس مشاوره ولایات.....
۶۸	وظایف و حقوق وزرا.....
۷۰	حقوق مأمورین.....
۷۱	محاکم.....
۷۲	دیوان عالی.....
۷۳	امور مالیه.....
۷۴	اداره ولایات.....
۷۵	عسکر.....
۷۵	اصول متفرقه.....
۷۹	(۴) قانون اساسی افغانستان سال ۱۳۴۳.....
۸۲	فصل اول: دولت.....
۸۳	فصل دوم: پادشاه.....
۸۹	فصل سوم: حقوق و وظایف اساسی مردم.....
۹۶	فصل چهارم: شورا.....
۱۰۶	فصل پنجم: لویه جرگه.....
۱۰۷	فصل ششم: حکومت.....
۱۱۱	فصل هفتم: قضا.....
۱۱۵	فصل هشتم: اداره.....
۱۱۷	فصل نهم: حالت اضطرار.....
۱۱۹	فصل دهم: تعدیل.....
۱۲۰	فصل یازدهم: احکام انتقالی.....

۱۲۳	۵) قانون اساسی جمهوری افغانستان ۱۳۵۵
۱۲۸	فصل اول: هدف‌های اساسی
۱۲۹	فصل دوم: اساسات اقتصادی
۱۳۱	فصل سوم: دولت
۱۳۲	فصل چهارم: حقوق و وجایب مردم
۱۳۸	فصل پنجم: ملی جرگه
۱۴۲	فصل ششم: لویه جرگه
۱۴۴	فصل هفتم: رئیس جمهور
۱۴۸	فصل هشتم: حکومت
۱۵۱	فصل نهم: قضاء
۱۵۷	فصل دهم: اضطرار
۱۵۸	فصل یازدهم: تعدیل
۱۵۹	فصل دوازدهم: احکام انتقالی
۱۶۲	فصل سیزدهم: احکام عمومی
۱۶۳	۶) اصول اساسی سال ۱۳۹۵
۱۶۹	فصل اول: اساسات نظام اجتماعی سیاسی و اقتصادی
۱۷۸	فصل دوم: حقوق اساسی و مکلفیت‌های اتباع
۱۸۱	فصل سوم: لویه جرگه شورای عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان
۱۸۲	فصل چهارم: شورای انقلابی جمهوری: دموکراتیک افغانستان
۱۸۶	فصل پنجم: شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان
۱۸۸	فصل ششم: ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره
۱۸۹	فصل هفتم: نظام قضایی و فعالیت محاکم
۱۹۱	فصل هشتم: سارنوالی
۱۹۲	فصل نهم: نشان، بیرق، پایتخت

فصل دهم: احکام نهایی.....	۱۹۳
۷) قانون اساسی جمهوری افغانستان سال ۱۳۶۶.....	۱۹۵
فصل اول: اساسات نظام سیاسی.....	۱۹۸
فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی - اقتصادی.....	۲۰۰
فصل سوم: تابعیت، حقوق، آزادی‌ها و مکلفیت‌های اساسی اتباع... ..	۲۰۵
فصل چهارم: لویه جرگه.....	۲۱۲
فصل پنجم: رئیس جمهور.....	۲۱۴
فصل ششم: شورای ملی.....	۲۱۶
فصل هفتم: شورای وزیران.....	۲۲۳
فصل هشتم: قضا.....	۲۲۶
فصل نهم: سازنوالی.....	۲۲۸
فصل دهم: شورای قانون اساسی.....	۲۲۹
فصل یازدهم: شوراهاى محلى.....	۲۳۱
فصل دوازدهم: سیاست خارجی.....	۲۳۲
فصل سیزدهم: احکام متفرقه.....	۲۳۴
۸) قانون اساسی جمهوری افغانستان سال ۱۳۶۹.....	۲۳۹
فصل اول: اساسات نظام سیاسی.....	۲۴۲
فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی، اقتصادی.....	۲۴۴
فصل سوم: تابعیت، حقوق، آزادی‌ها و مکلفیت‌های اساسی اتباع... ..	۲۴۹
فصل چهارم: لویه جرگه.....	۲۵۶
فصل پنجم: رئیس جمهور.....	۲۵۸
فصل ششم: شورای ملی.....	۲۶۱
فصل هفتم: شورای وزیران.....	۲۶۸
فصل هشتم: قضا.....	۲۷۱

۲۷۳	فصل نهم: سارنوالی
۲۷۴	فصل دهم: شورای قانون اساسی
۲۷۵	فصل یازدهم: اداره
۲۷۶	فصل دوازدهم: سیاست خارجی
۲۷۸	فصل سیزدهم: احکام متفرقه
۲۸۳	۹) اصول اساسی دولت اسلامی مجاهدین
۲۸۵	فصل اول: اساسات کلی
۲۸۸	فصل دوم: حقوق و واجبات اساسی مردم
۲۹۳	فصل سوم: شورای عالی
۲۹۴	فصل چهارم: رئیس دولت
۲۹۷	فصل پنجم: حکومت
۳۰۰	فصل ششم: قضا
۳۰۳	فصل هفتم: شوراهاى محلی
۳۰۳	فصل هشتم: نظام اقتصادی و امور مالی
۳۰۶	فصل نهم: سیاست خارجی
۳۰۸	فصل دهم: حکام متفرقه
۳۱۱	۱۰) قانون اساسی افغانستان سال ۱۳۸۲
۳۱۵	فصل اول: دولت
۳۲۰	فصل دوم: حقوق اساسی و واجبات اتباع
۳۳۰	فصل سوم: رئیس جمهور
۳۳۶	فصل چهارم: حکومت
۳۳۹	فصل پنجم: شورای ملی
۳۴۸	فصل ششم: لویه جرگه
۳۵۰	فصل هفتم: قضاء

۳۵۵	فصل هشتم: اداره.....
۳۵۷	فصل نهم: حالت اضطرار.....
۳۵۹	فصل دهم: تعدیل.....
۳۶۰	فصل یازدهم: احکام متفرقه.....
۳۶۱	فصل دوازدهم: احکام انتقالی.....
۳۶۵	قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان.....
۳۶۹	فصل اول: نظام سیاسی.....
۳۷۴	فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی.....
۳۷۶	فصل سوم: اساسات اقتصادی.....
۳۸۰	فصل چهارم: تابعیت، آزادی، حقوق اساسی و وجایب اتباع کشور....
۳۸۸	فصل پنجم: مجلس مؤسسان.....
۳۸۹	فصل ششم: شورای ملی فدرال.....
۳۹۸	فصل هفتم: رئیس جمهور و معاونان او.....
۴۰۳	فصل هشتم: هیأت وزرا.....
۴۰۵	فصل نهم: قوه قضائیه فدرال.....
۴۱۰	فصل دهم: مدعی العمومیت (سارنوالی).....
۴۱۱	فصل یازدهم: محکمه قانون اساسی.....
۴۱۳	فصل دوازدهم: اداره.....
۴۱۴	فصل سیزدهم: سیاست خارجی.....
۴۱۵	فصل چهاردهم: حالت اضطرار.....
۴۱۷	فصل پانزدهم: تعدیل.....
۴۱۸	فصل شانزدهم: احکام انتقالی.....
۴۱۹	قانون اساسی ایالت فدرال.....
۴۱۹	فصل اول: نظام سیاسی ایالت.....

- فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی اقتصادی..... ۴۲۲
- فصل سوم: شورای ایالتی قوه مقننه ۴۲۶
- فصل چهارم: رئیس هیأت اجرائیه ایالت و معاونان او..... ۴۳۱
- فصل پنجم: قوه قضائیه ایالت (شورای قضایی)..... ۴۳۳

یادداشت ناشر

خوشبختانه در طی یک دهه اخیر، صنعت چاپ و نشر کتاب در افغانستان رو به رشد بوده است؛ این بهبودی را هم می‌توان در نوع کتاب‌آرایی دید و هم در کیفیت چاپ، و این جایی بسی مباهات است؛ اما چیزی که این بازار را مغشوش ساخته است، عدم نظارت رسمی نسبت به کیفیت چاپ محصولات فکری و فرهنگی است؛ هر بنگاه نشراتی دیدگاه ارزشی-کیفی خاصی برای خودش تعریف کرده است. این مسئله اگرچند به نحوی سوار بر بال آزادی بیان است؛ اما پی‌آیندش گاه چاپ‌آثاری است که از نگاه کیفی، بافت ساختاری، زبان و قدرت محتوایی ضعیف به نظر می‌نماید.

انتشارات بنیاد اندیشه با توجه به این کم‌وکاستی‌ها، گام به میدان نشر گذاشته و سعی دارد، علاوه بر حمایت نیروهای پژوهشگر و فرهنگی و چاپ‌آثارشان، نگاه کیفی، از لحاظ فرم و محتوا نسبت به آثار پژوهشی و آفرینشی داشته باشد.

از سوی دیگر، در دهه‌های پرشر و شور و گذشته تاریخی نابسامان این آب‌وخاک، آثار بسیاری در زمینه‌های تاریخ، ادبیات و مباحث فکری خلق شده و بار تحولات و درد و رنج این ملت را در سینه دارند، تحولات و رنج‌هایی که همزاد و دوشادوش انسان افغانستانی حرکت کرده و با قلم و فکر نسل‌های گذشته و امروز، میراث تلخ نسل‌های آینده شده‌اند؛ اما بسیاری از همین میراث خلق شده در دهه‌های گذشته در پستوها مانده‌اند که کم‌کم در غبار شتاب‌آلود زمانه گم می‌شوند؛ آثاری که نمی‌دانیم

برای خلقش چه خون دل‌هایی خورده شده‌اند و چه رنج‌هایی تحمل. انتشارات بنیاد اندیشه بر این است که نگاه ویژه‌ای نسبت به چاپ این گونه آثار داشته باشد و از اولویت‌های خودش تعریف کند. امید است که مورد قبول طبع خوانندگان و پژوهشگران افتد.

انتشارات بنیاد اندیشه

کابل، بهار ۱۳۹۸ شمسی

مقدمه

وضع قانون اساسی مدون و مکتوب به مفهوم امروزی آن، سابقه چندان طولانی ندارد. در جهان معاصر، قدیمی‌ترین قانون اساسی مکتوب، قانون اساسی ایالات آمریکا در سال ۱۷۷۶م و قانون اساسی ایالات فدرال آمریکا در سال ۱۷۸۷م و بعد هم قانون اساسی فرانسه در سال ۱۷۹۱م است. در قرن ۱۹ جنبش تدوین قانون اساسی در سطح جهان گسترش یافت و در قرن ۲۰، مخصوصاً بعد از جنگ جهانی اول و دوم، همزمان با کسب استقلال کشورهای مستعمره در آسیا، آفریقا و اروپا، تدوین قانون اساسی به یک رکن عمده و اساسی برای موجودیت دولت‌ها تبدیل شد و حتی به عنوان نشانه استقلال کشورها شناخته شد.

اما در افغانستان، تدوین قانون اساسی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر آن، از نه دهه پیش و از آغازین سال‌های استقلال کشور آغاز شد که تا کنون می‌توانیم از نگاه تاریخی از ده قانون اساسی نام ببریم. تاریخچه مختصر این ده قانون اساسی قرار ذیل است:

قانون اساسی اول و دوم

سال ۱۳۰۱ ش (۱۹۲۲)، آغاز تدوین و تصویب قوانین و نظام‌نامه‌ها در افغانستان محسوب می‌شود. در این سال برای اولین بار طرح قانون اساسی افغانستان با عنوان «نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان» در ۷۳ ماده در دورهٔ زمامداری امیر امان‌الله خان تهیه شد و در زمستان همان سال (۱۰ حوت ۱۳۰۱) در لویه‌جرگه جلال‌آباد مرکب از ۸۷۲ نفر به تصویب رسید. این قانون در لویه‌جرگه ۲۰ سرطان الی ۹ اسد ۱۳۰۳ ش در پغمان، با تعدیلات اندکی باز هم به تصویب رسید که در واقع دومین قانون اساسی شمرده می‌شود. در لویه‌جرگه پغمان ۱۰۵۲ نفر از صاحب‌منصبان اردو، علما و روحانیون، خوانین و رؤسای قبایل شرکت کرده بودند. این کنگرهٔ بزرگ در ماه ذی‌الحجه و همزمان با عید سعید قربان در پغمان و به مدت دو هفته ادامه یافت و در آن، در کنار نظامنامهٔ اساسی، نظامنامه‌های دیگر و موضوعات گوناگون حقوقی، سیاسی و اجتماعی مورد بحث و تصویب قرار گرفت.^۱

قانون اساسی سوم

طرح سومین قانون اساسی افغانستان در زمان نادرشاه در لویه‌جرگه ماه سنبله ۱۳۰۹ ش با حضور ۵۲۵ نفر پیشنهاد شد. مرحوم فرهنگ در این

۱. یکی از بهترین منابعی که گزارش این لویه‌جرگه را به تفصیل ثبت کرده، «رویداد لویه‌جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳» تألیف مولوی برهان‌الدین کشکی است که به حیث سوانح نگار دولت وقت، رویدادهای لویه‌جرگه را از روز حضور نمایندگان در کابل و اقامه نماز عید قربان به امامت امان‌الله خان و ایراد بیانیه در قصر سلام‌خانه و عزیمت آنان به پغمان به تاریخ ۲۲ سرطان گرفته تا آغاز جلسات لویه‌جرگه و تصویب نظامنامهٔ اساسی و سایر نظامنامه‌ها و نظریات و مباحثات مطرح شده توسط اعضا و شخص امان‌الله خان را به تفصیل و با جزئیات نقل کرده و در پایان هم لیست مکمل اشتراک کنندگان لویه‌جرگه از همه ولایات کشور را ارائه کرده است.

زمینه می گوید: نادرشاه نخست در ماه میزان ۱۳۰۹ مطابق با سپتامبر ۱۹۳۰ لویه جرگه را مرکب از اشخاص دست‌چین از سران قبایل و اقوام و ریش‌سفیدان مناطق شهری در کابل دایر کرد. این مجلس علاوه بر تأیید پادشاهی محمدنادر خان، هیأتی را مرکب از ۱۰۵ نفر از بین اعضای خود جهت تصویب قانون اساسی تعیین کرد. هیأت مذکور که شورای ملی نامیده شد، در ماه اکتبر ۱۹۳۱ (برابر با ۸ عقرب ۱۳۱۰) قانون اساسی جدید را با عنوان «اصول اساسی دولت علیه افغانستان» در ۱۱۰ ماده به تصویب رسانید.^۱

قانون اساسی چهارم

چهارمین قانون اساسی در دوره ظاهرشاه تدوین شد که در ابتدا به تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۶۳ م کمیته‌ای مرکب از هفت نفر به ریاست سید شمس‌الدین مجروح، وزیر عدلیه وقت، مأمور تهیه مسوده شدند که به مدت یک سال به عنوان کمیته تسوید قانون اساسی روی آن کار کردند. پس از تهیه مسوده، «کمیسیون قانون اساسی» مرکب از ۲۸ نفر مأمور شدند که باز هم آن را بررسی کنند که از اول مارچ تا اول ماه می ۱۹۶۴ م، مواد پیش‌نویس را بررسی کردند و به تاریخ ۱۸ سنبله ۱۳۴۳ ش (سپتامبر ۱۹۶۴ م) لویه جرگه، مرکب از ۴۵۴ نفر، برای تصویب نهایی قانون اساسی تشکیل شد. به تاریخ ۲۹ سنبله ۱۳۴۳ متن قانون اساسی در ۱۱ فصل و ۱۲۸ ماده به امضای اعضای جرگه رسید و ده روز پس از آن در ۹ میزان ۱۳۴۳ (اوایل اکتبر ۱۹۶۴) قانون جدید با توشیح از جانب ظاهرشاه در محل تطبیق قرار گرفت و قانون اساسی زمان نادرشاه ملغی اعلام شد.

۲. محمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، مباحث مربوط به دوره سلطنت نادر خان.

قانون اساسی پنجم

پنجمین قانون اساسی در زمان ریاست جمهوری داود خان تدوین و تصویب شد. داود خان پس از سرنگونی نظام سلطنت، قانون اساسی قبلی و شورا را ملغاً ساخته و هیأتی، مرکب از ۴۱ نفر را مأمور تدوین قانون اساسی جمهوری کرد که به تاریخ ۲۶ حوت ۱۳۵۴ کار آن‌ها تکمیل شد. سپس به تاریخ ۲۹ حوت همان سال هیأت ۲۰ نفره دیگری مأمور شدند که مجدداً متن پیش‌نویس را مطالعه کنند و سرانجام به تاریخ ۱۰ دلو ۱۳۵۵ لویه جرگه، مرکب از ۳۲۵ نفر، آغاز به کار کرد و پس از ۱۵ روز به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۵ قانون اساسی جدید را در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده تصویب کرد و شخص داود خان هم در همین جرگه به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد و به تاریخ ۲۶ دلو در حضور اعضای جرگه، حلف وفاداری یاد کرد و در ۵ حوت ۱۳۵۵ قانون اساسی جمهوری را توشیح کرده و انفاذ آن را اعلام داشت.

قانون اساسی ششم

ششمین قانون اساسی افغانستان به نام «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» در ۲۵ حمل ۱۳۵۹ توسط «شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان» در ۶۸ ماده به طور موقت تصویب و از اول ثور ۱۳۵۹ به اجرا گذاشته شد. این اصول اساسی که در سال اول اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی سابق و در زمان ریاست جمهوری ببرک کارمل وضع گردید، در واقع نمایانگر اهداف و افکار حزب کمونیست پرچم بود.

قانون اساسی هفتم و هشتم

هفتمین قانون اساسی در زمان ریاست جمهوری داکتر نجیب‌الله، آخرین رئیس جمهور رژیم خلقی افغانستان، وضع شد که در لویه جرگه منعقد

در ۸ و ۹ قوس سال ۱۳۶۶، در ۱۳ فصل و ۱۴۹ ماده، به تصویب رسید و دکتر نجیب‌الله به عنوان رئیس جمهور در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۹ آن را توشیح کرد و «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» را ملغاً ساخت. این قانون در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۸ توسط لویه جرگه‌ای، مرکب از ۷۷۲ عضو، مجدداً مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفت که می‌توان آن را هشتمین قانون اساسی نامید.

قانون اساسی نهم

نهمین قانون اساسی افغانستان که به توشیح نرسید و نافذ نشد، متن پیشنهاد شده «اصول اساسی دولت اسلامی افغانستان» توسط دولت اسلامی به رهبری استاد برهان‌الدین ربانی بود که به تاریخ میزان ۱۳۷۲ش توسط یک شورا مرکب از حدود پنجاه نفر از افراد انتصابی دولت در ۱۱۴ ماده تدوین و تصویب شد؛ اما چون مورد قبول احزاب جهادی واقع نشد و اقبال مختلف ملت آن را مورد انتقاد قرار دادند، به توشیح نهایی رئیس دولت آقای ربانی نرسید.

قانون اساسی دهم

دهمین قانون اساسی افغانستان در ۱۴ جدی ۱۳۸۲ توسط لویه جرگه قانون اساسی، در خیمه لویه جرگه، به تصویب رسید. برای تسوید این قانون، کمیسیون نه نفره تسوید در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱۳ با فرمان رئیس دولت انتقالی افغانستان تشکیل شد. کار این کمیسیون تا آخر سال به پایان رسید و در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۳ کمیسیون تدقیق ۳۵ نفره با فرمان رئیس دولت تشکیل شد و سرانجام لویه جرگه قانون اساسی، مرکب از ۵۰۲ نفر، نمایندگان انتخابی و انتصابی از ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ این قانون را مورد بحث قرار داده و به تصویب رسانید و در ۶ دلو ۱۳۸۲ توسط حامد

کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح شده و انفاذ آن اعلام شد.

بدین ترتیب، کشور ما در طول نود و سه سال گذشته، ده قانون اساسی را پشت سر گذاشته است و اکنون در زمان حاضر دیدگاه‌هایی وجود دارد که ضرورت تعدیل در قانون اساسی فعلی را نیز مطرح می‌کند. اهمیت قوانین اساسی متعدد کشور از این جهت است که قانون اساسی از آنجا که حاوی قواعد حقوقی بوده و شکل و ساختار نظام‌های حقوقی، سیاسی، اداری، فرهنگی و اداری را نشان می‌دهد، می‌تواند به عنوان یک سند زنده رسمی و مکتوب و به حیث یک منبع معتبر، برای همه پژوهشگران عرصه‌های سیاست، تاریخ، اقتصاد، فرهنگ، اداره و حتی ادبیات و اندیشه‌های دینی و سیاسی حاکم در کشور، مورد استفاده و مطالعه قرار گیرد.

مطالعه ده قانون اساسی افغانستان نشان می‌دهد که ما نظام‌های متعدد سیاسی از سلطنت مطلقه و مشروطه و نظام مبتنی بر دموکراسی پارلمانی گرفته تا جمهوری ریاستی و تا نظام استبدادی جمهوری دموکراتیک و تا دولت اسلامی و امارت اسلامی و بالاخره نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر دموکراسی نیمه‌ریاستی را تجربه کرده‌ایم و در کنار این نظام‌های سیاسی، انواع مختلف نظام‌های حقوقی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و اجتماعی را نیز داشته‌ایم.

از مطالعه ده قانون اساسی افغانستان و مقایسه آن‌ها با همدیگر، استفاده می‌شود که علی‌رغم تفاوت نوع نظام‌های سیاسی‌ای که در این قوانین ارائه شده، می‌توان همه آن‌ها را در یک دسته‌بندی کلی و عمومی، به سه گروه طبقه‌بندی کرد:

الف. نظامنامه اساسی سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۳ و اصول اساسی سال ۱۳۱۰

نسل اول قوانین اساسی افغانستان است که از نظر شکلی و از نگاه محتوایی شباهت‌های زیادی با همدیگر دارد و برای مدت نسبتاً طولانی یعنی ۴۳ سال در کشور نافذ بوده است.

ب. قوانین اساسی سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۵۵ و ۱۳۶۶ با تعدیل آن در ۱۳۶۹ و قانون اساسی ۱۳۸۲ نسل دوم و مدرن قوانین اساسی کشور است که باز هم علی‌رغم تفاوت نظام‌های سیاسی، در شکلیات و در نورم‌های حقوقی و حتی در ادبیات و شیوه تدوین و اصطلاحات، مشترکات فراوانی با هم دارند و در طول نیم قرن اخیر و در مقاطع مختلف و متفاوت در کشور نافذ بوده‌اند.

ج. اصول اساسی جمهوری دموکراتیک در سال ۱۳۵۹ که تا ۱۳۶۶ نافذ بود و اصول اساسی دولت اسلامی در سال ۱۳۷۲ که به توشیح نرسیده و نافذ نگردید، گروه سوم است که هر کدام برای یک دوره موقت تدوین شده و از دو نظام سیاسی متضاد نمایندگی می‌کند و در عین حال نشان‌دهنده دو دوره بحرانی در تاریخ سیاسی کشور است.

مقایسه ده قانون اساسی در قالب هر سه گروه فوق نشان می‌دهد که تدوین قانون اساسی در افغانستان، یک سیر تکاملی را طی کرده و قانون اساسی فعلی علی‌رغم برخی از کاستی‌ها، کامل‌ترین، جامع‌ترین و مدرن‌ترین آن‌ها است. این قانون در ایجاد توازن بین «قدرت» و «آزادی» و تعادل بین اقتدار و صلاحیت‌های دولت از یکسو و حقوق اساسی و آزادی‌های مردم از سوی دیگر، موفقیت بیشتری داشته و با یک دید تکثرگرایانه در عرصه‌های مختلف سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی، یک نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی و فرهنگ اسلامی و ملی را مطرح کرده که بعد از یک دوره بحرانی، حیات سیاسی مردم افغانستان را به شکل مناسب و متوازن تنظیم کرده است.

با توجه به اهمیت این ده قانون اساسی و از آنجا که چاپ‌های اولیه این قوانین (به استثنای قانون اساسی فعلی) نایاب بود و متن کامل آن‌ها در اختیار علاقه‌مندان قرار نداشت، این جانب در کنار سایر مطالعات و نوشته‌هایی که دربارهٔ حقوق اساسی و قانون اساسی افغانستان داشته‌ام، در طول حد اقل ۲۰ سال اخیر تلاش کرده‌ام که متن کامل قوانین اساسی افغانستان را گردآوری کرده و به صورت یک مجموعه تنظیم و نشر نمایم.

برای اولین بار مجموعه کامل این قوانین اساسی را که با زحمات فراوان گردآوری کرده بودیم، در تابستان سال ۱۳۷۴ از طریق انتشارات «مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان» در ایران به چاپ رساندیم که بسیار زود نایاب شد. این مجموعه مشتمل بود بر هشت قانون اساسی به شمول اصول اساسی دولت اسلامی افغانستان در دورهٔ دولت استاد برهان‌الدین ربانی و طرح قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی که از سوی رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان در زمان حیات رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری تهیه شده بود. اما در این مجموعه، قانون اساسی ۱۳۶۹ که تعدیل قانون ۱۳۶۶ بود، به خاطر این که در دسترس نداشتم، از چاپ باز مانده بود. از سوی دیگر در این مجموعه، نظامنامهٔ اساسی ۱۳۰۱ از یک منبع نامعتبر نقل شده بود که با منبع اصلی تفاوت‌های زیادی داشت و در عین حال تعدیلات سال ۱۳۰۳ را نیز با خود نداشت.

برای بار دوم در دوره‌ای که به عنوان وزیر عدلیه انجام وظیفه می‌کردم، در خزان سال ۱۳۸۶ این مجموعه را مجدداً از طریق ریاست نشرات وزارت عدلیه چاپ کردیم که باز هم بسیار زود نایاب شد. این مجموعه نیز مشتمل بر هشت قانون اساسی بود، با حذف اصول اساسی دولت اسلامی و طرح قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی و با اضافه

شدن قانون اساسی ۱۳۶۹ و قانون اساسی ۱۳۸۲. اما در این مجموعه، نظامنامه اساسی از متن تعدیل شده سال ۱۳۰۳ گرفته شده بود و متن ۱۳۰۱ را نداشت، در حالی که نظامنامه ۱۳۰۱ در حقیقت اولین قانون اساسی افغانستان شمرده می‌شود.

در هر دو مجموعه قبلی علاوه بر تفاوت در محتوا از نگاه تعداد قوانین اساسی، اشتباهات فراوان املائی و چاپی وجود داشت و در عین حال با منابع اولیه و اصلی نیز به طور دقیق مطابقت داده نشده بود و از این رو در هر دو مجموعه نواقص زیادی مشاهده می‌شد.

اما در چاپ فعلی که در حقیقت مجموعه سوم و یا چاپ سوم است، کوشش کردم که تمام نواقص چاپ‌های قبلی رفع گردد و لذا همه ده قانون اساسی‌ای که در این مجموعه گرد آمده، مجدداً به طور کامل و دقیق با منابع اولیه و اصلی مطابقت داده شده و با تصحیح، تنظیم و ویرایش مجدد، نسخه کامل‌تر و دقیق‌تر آن، برای پژوهشگران و حقوقدانان عرضه می‌گردد. امیدوارم چاپ و نشر این مجموعه جدید، هم به عنوان یک منبع معتبر و ارزشمند، مورد استفاده علاقه‌مندان اسناد رسمی حقوقی و استادان و محصلان تاریخ سیاسی و حقوق اساسی کشور قرار گیرد و هم گام دیگری در جهت غنای کتابخانه حقوقی و علمی ما محسوب شود.

سرور دانش

کابل، بهار ۱۳۹۴

(۲-۱)

نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان^۱ دورهٔ امان‌الله خان

(۱۰ حوت ۱۳۰۱ و ۲۸ سرطان ۱۳۰۳ شمسی)

-
۱. در نقل نظامنامهٔ اساسی، از منابع اصلی ذیل استفاده کرده‌ایم:
۱. نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان، مطبعه دایره تحریرات مجلس عالی وزرا، ۱۴ میزان ۱۳۰۳، طبع ثانی، کابل. این متن در لویه جرگه سمت مشرقی در ۱۰ حوت ۱۳۰۱ به تصویب رسیده است.
 ۲. نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان، مطبعه ریاست شرکت محترم رفیق، ماشین‌خانه دارالسلطنه کابل، یوم شنبه ۱۶ برج دلو ۱۳۰۵، تعداد طبع ۳۰۰۰ جلد. این متن در لویه جرگه ماه سرطان ۱۳۰۳ در پغمان به تصویب رسیده است.
 ۳. اساسی نظامنامه لور دولت د افغانستان (متن پشتو) ۲۲ حمل ۱۳۰۶، مطبعه شرکت رفیق، کابل.
- این متن به زبان پشتو و متن اصلی است که در لویه جرگه ۱۳۰۳ تصویب شده و همین متن، به فارسی ترجمه شده است. زیرا در آخر متن‌های فارسی نظامنامه، بعد از توشیح امیر امان‌الله، عبارت ذیل آمده است: «این ترجمه فارسی، با اصل نظامنامهٔ اساسی افغانی، موافق است.» منظور از کلمه «افغانی» پشتو است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان^۱

۱. اولین قانون اساسی افغانستان به نام «نظامنامهٔ اساسی دولت علیه افغانستان» به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۰۱ در لویه جرگه‌ای که در سمت مشرقی با اشتراک ۸۷۲ نفر منعقد شده بود، در ۷۳ ماده به تصویب رسید. اما از تاریخ ۲۸ سرطان الی ۹ اسد ۱۳۰۳ در لویه جرگه دیگری که در پغمان دایر شد و شخص امان‌الله خان در تمام جلسات آن اشتراک داشت، متن مذکور دوباره مورد بحث قرار گرفته و با تعدیل موارد اندکی مجدداً در ۷۳ ماده به تصویب رسید. از این رو، باید گفت که در دورهٔ امان‌الله خان در واقع دو قانون اساسی داشته‌ایم، یکی نظامنامهٔ اساسی سال ۱۳۰۱ به عنوان اولین قانون اساسی افغانستان و دیگری نظامنامهٔ اساسی ۱۳۰۳ که تعدیل نظامنامهٔ قبلی و به یک معنا، دومین قانون اساسی افغانستان است. آنچه در متن می‌خوانید، متن کامل تعدیل شده سال ۱۳۰۳ است، ولی از آنجا که اولین قانون اساسی در ۱۳۰۱ به تصویب رسیده، این سال را باید آغاز تاریخ تدوین قانون اساسی در کشور دانست. اما برای این که موارد تعدیل و تفاوت‌های دو متن برای خوانندگان و پژوهشگران روشن گردد، در پاورقی‌ها موارد تفاوت در مقایسه با متن نظامنامه سال ۱۳۰۱ را نیز نقل کرده‌ایم تا در حقیقت هر دو نظامنامه را در این مجموعه داشته باشیم.

اهمیت این قانون از این جهت بود که برای اولین بار نظام سلطنتی مشروطه و مبتنی بر قانون را بنیاد می‌گذاشت. هم‌چنین جنبهٔ مهم دیگرش این بود که حقوق اساسی اتباع را در زمینه‌های آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی مالکیت، برابری همهٔ اتباع در برابر قانون، منع بردگی (اسارت)، منع شکنجه و سایر حقوق و آزادی‌ها را به رسمیت می‌شناخت.

مرحوم فرهنگ دربارهٔ فضای لویه جرگه پغمان و دسته‌بندی‌های موجود در این جرگه می‌گوید:

«امیر در زیر فشار این حوادث (شورش قوم منگل و سایر اقوام جنوبی)، لویه جرگه را در پغمان دایر نموده در آن موضوع مطابقت یا عدم مطابقت اصلاحات، خصوصاً نظامنامهٔ اساسی را با احکام شرع مطرح ساخت. علی‌رغم مقاومت شاه و روشنفکران، لویه جرگه احکام مواد دوم، نهم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و چهل و دوم نظامنامه را به شکلی تعدیل نمود که نقش فقه حنفی را در امور دولتی تقویت نمود و آزادی‌های

مادهٔ اول

دولت افغانستان، اداره امور داخله و خارجه خود را به استقلال تامه حائز بوده، همهٔ محلات و قطعات مملکت، به زیر امر و اراده سنیهٔ ملوکانه، به صورت یک وجود واحد تشکیل می‌یابد و به هیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمی‌شود.

مادهٔ دوم

دین افغانستان، دین مقدس اسلامی^۱ و مذهب رسمی و عمومی آن

شخصی را محدود ساخت. امیر برای اثبات همراهی‌اش با این روحیه، امر اعدام دعوات مذهب قادیانی را که جهت تبلیغ مذهب مذکور از هند به افغانستان آمده بودند، صادر کرد. هر چند مطبوعات هند بر این عمل که با سیاست اعلان شده امیر مخالف بود اعتراض کردند، اما عناصر محافظه کار در داخل از آن به عنوان نشانه برگشت شاه به سوی فقه حنفی استقبال نیک نمودند و در پایان لویه جرگه، شرکت کنندگان، که در بین ایشان تعداد زیادی از عالمان دینی موجود بودند، سیاست حکومت را تأیید نمودند. (میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۳۸۵ (چاپ یک جلدی)، ص ۵۷۴).

از نگاه تاریخی، تنها منبعی که به تفصیل تمام وقایع و فیصله‌های لویه جرگه ۱۳۰۳ را با جزئیات آن ثبت کرده، منبع ذیل است:

«رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ که از روز پنجشنبه ۲۰ سرطان الی یوم پنجشنبه ۹ برج اسد در صیفیه پغمان تحت صدارت شهریار دیانت پناه اعلی حضرت غازی امان‌الله خان، شرف انعقاد و اختتام را پذیرفته است.»

این گزارش در ۴۶۰ صفحه خطی به قلم مولوی برهان‌الدین خان کشکی سوانح نگار دولت امان‌الله خان، نگارش یافته و در همان زمان در کابل به چاپ رسیده است. مطالعه این گزارش به درک و فهم درست افکار و مواقف حکومت امان‌الله خان و روابط بین‌المللی او و چالش‌های آن روزگار افغانستان و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سیاسی، دینی، فرهنگی و حقوقی کشور در آن مقطع از تاریخ، کمک بزرگی محسوب می‌شود. در این گزارش سخنرانی‌های شخص امان‌الله خان در جریان مباحثات لویه جرگه و پیشنهادات و بیانه‌های اعضا به تفصیل ثبت شده است. در مطالب بعدی هم قسمت‌هایی از این گزارش را نقل می‌کنیم.

۱. تعبیر «اسلام» صحیح است. اما در منبع اصلی «اسلامی» ذکر شده است.

مذهب^۱ منیف حنفی است.^۲ دیگر ادیان، اهل هنود، یهودی که در

۱. در نظامنامه^۱ اساسی سال ۱۳۰۱ عبارت (و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب منیف حنفی) وجود نداشته و در لویه جرگه ۱۳۰۳ این عبارت اضافه شده و ماده قبلی تعدیل شده است.

۲. جایگاه دین یا مذهب رسمی در قوانین اساسی افغانستان، فراز و فرودهای زیادی داشته است که به جا است در آغاز این مجموعه این موضوع را در مواد مختلف قوانین اساسی به گونه^۱ مقایسه‌ای مطالعه کنیم:
اول. قانون اساسی دوره^۱ امان‌الله خان:

چنان که گفته شد، مذهب رسمی در نظامنامه^۱ ۱۳۰۱ وجود نداشت و به ذکر دین اسلام، به عنوان دین رسمی کشور اکتفا شده بود، اما در روز دوشنبه ۳۰ سرطان ۱۳۰۳ در لویه جرگه پغمان در حضور امان‌الله خان، بحث طولانی و داغی در این مورد مطرح شد. برخی از اعضا مانند فیض محمد کاتب پیشنهاد کرد که در این ماده بعد از دین اسلام، عبارتی افزوده شود تا فرقه‌هایی که در ظاهر مسلمان، اما در واقع مسلمان نیستند مانند قادیانی و مانند آن را شامل نشود. عده‌ای دیگر اصرار ورزیدند که باید بعد از دین اسلام، مذهب حنفی یا لفظ سنت و الجماعه ذکر شود.

امان‌الله خان در ابتدا در مقابل این پیشنهاد گفت: «اگر ما در دستور اساسی خویش لفظ سنت و الجماعه را تحریر کنیم، آیا این قدر شیعه‌ای را که به دولت ما می‌باشند چه خواهیم گفت و بدان‌ها کدام شیوه و معامله برادرانه را مرعی و معمول خواهیم داشت؟ ضرور یک نفاق مابین خود ما تولید خواهد شد.»

هم‌چنین بعد از مباحثاتی بین اعضای لویه جرگه، وی دوباره پیشنهاد کرد: «به خیال خودم باید چنین لفظی در این جا تحریر شود که مذاهب قدیمه‌ای که در افغانستان موجودند، مانند شیعه‌ها، آن‌ها نیز تحت تأمین بیایند و دیگر مذاهب جدید الخروج نیز از میان برداشته شود و تبلیغ و اشاعت آن در مملکت مان مسدود باشد.»

اما جمعی از ملاها و مولوی‌ها و از آن جمله ملا عبدالواسع با بحث‌های طولانی و ابراز احساسات و اصرار زیاد، ابراز داشتند که از ۷۲ فرقه اسلامی، در سال ۴۰۰ هجری تنها چهار مذهب حقه تثبیت گردید و کسی که مذهب پنجمی را در اسلام بنا بگذارد، لعنت خدا بر او باد. ملا عبدالواسع سپس گفت: «علمایی را که اعلی حضرت در لویه جرگه جهت تدقیق و تحقیق نظامات خواسته‌اند، بدین غرض که باید نظامات طوری جامع و مانع باشند که عموم مذاهب اسلامی را در بر بگیرد و دیگر مذاهب باطله از میان برداشته شود. خیال شخصی خودم نیز همین است که باید به قرار گفته عموم علمای مذهب حنفیه که پاکترین و بهترین مذاهب اسلامی است در تشریح دین اسلام افغانستان ایزاد کرده شود.»

سرانجام، امیر امان‌الله خان نیز تحت تأثیر این بحث‌ها و جنجال‌ها، در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری‌ای که معمولاً در آخر هر بحث، خودش انجام می‌داد گفت: «خودم علی‌العموم احساسات جرگه را مطلع شده، از طرف عموم و کالتاً عرض می‌دارم؛ اگر پسند خاطر تان افتد فنعم المطلوب و الّا باز میدان مباحثه و مذاکره برای تان حاضر است. در نظامنامهٔ اساسی این‌طور بنویسید که: دین افغانستان دین اسلام و مذهب رسمی آن مذهب حنفی است و در نظامنامه جزای عمومی، برای ادیان باطله که نو ظهور کند و در افغانستان خیال تبلیغ و اشاعت مسلک خود را بنماید، مجازاتی را بر طبق شریعت مقرر و معین دارید.»

گزارشگر لویه‌جرگه ۱۳۰۳ در مورد اظهارات امیر امان‌الله خان، در پایان این بحث می‌نویسد:

«لویه‌جرگه علی‌العموم از این فیصله اسلامیت کارانه ذات شاهانه چندان اظهار خرمی و شادمانی نمودند که در تمام‌شان یک غلغله و ولوله دعاگویی اعلیٰ حضرت غازی و تحسین و آفرین برپا شده، با آوازه‌های تکبیر و تهلیل این مبحث را نیز خاتمه دادند و عموم بر این نظریات همایونی اظهار بشاشت کرده، گفتند که هم‌چنین در نظامنامهٔ اساسی و جزای عمومی ایزاداتی به عمل آید.»

نگاه کنید به: برهان‌الدین کشککی، رویداد لویه‌جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳، پیشین، ص ۱۴۹ الی ص ۱۵۴.

دوم. اصول اساسی دورهٔ نادر خان:

در مادهٔ اول این قانون اساسی آمده است: «دین افغانستان، دین مقدس اسلام و مذهب رسمی و عمومی آن، مذهب منیف حنفی (رح) است. پادشاه افغانستان باید دارای این مذهب باشد. دیگر ادیان مثل اهل هنود و یهودی که در افغانستان هستند، به شرطی که آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند، نیز به تحت تأمین گرفته می‌شوند.»

سوم. قانون اساسی دورهٔ ظاهر شاه:

در مادهٔ دوم این قانون اساسی آمده است: «دین افغانستان دین مقدس اسلام است. شعائر دینی از طرف دولت مطابق به احکام مذهب حنفی اجرا می‌گردد. آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند، در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودی که قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین می‌کند، آزاد می‌باشند.»

در مادهٔ هشتم این قانون آمده است: «پادشاه باید از تبعه افغانستان، مسلمان و پیرو مذهب حنفی باشد.»

چهارم. قانون اساسی دورهٔ جمهوریت داودخان:

در مادهٔ ۲۲ این قانون اساسی آمده است: «دین افغانستان، دین مقدس اسلام است. آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند، در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودی

که قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین می کند، آزاد می باشند.»
 پنجم. قانون اساسی دوره نجیب الله (۱۳۶۶ و ۱۳۶۹):
 در فقره اول ماده دوم این قانون اساسی آمده است: «دین افغانستان دین مقدس اسلام است.»

ششم. قانون اساسی فعلی:
 در ماده دوم این قانون اساسی آمده است: «دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.»
 قابل ذکر است که در قانون اساسی دوره امان الله خان، از پیرو حنفی بودن شاه یاد نشده، ولی در قانون اساسی دوره نادر خان و هم چنین قانون اساسی دوره ظاهر شاه، چنان که پیشتر نقل شد، آمده که شاه باید پیرو مذهب حنفی باشد، اما در قوانین اساسی دوره های داود خان و نجیب الله و قانون اساسی فعلی درباره شرایط رئیس جمهور، تنها به مسلمان بودن اکتفا شده و از پیرو مذهب حنفی بودن، یاد نشده است.
 نکته دیگری که قابل توجه است، رابطه قانون و قانون گذاری و قضا با فقه و شریعت در این قوانین است. به مواد مربوطه ذیل در این مورد دقت نمایید:
 اول. تعریف قانون:

۱. در ماده ۶۹ قانون اساسی ۱۳۴۳ در تعریف قانون آمده است: «به استثنای حالاتی که برای آن طرز العمل خاصی در این قانون اساسی تصریح گردیده، قانون عبارت است از مصوبه موافق هر دو جرگه که به توشیح پادشاه رسیده باشد، در ساحه ای که چنین مصوبه ای موجود نباشد، عبارت است از احکام فقه حنفی شریعت اسلام.»

۲. در ماده ۶۳ قانون اساسی ۱۳۵۵ آمده است: «قانون عبارت است از مصوبه ملی جرگه که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.»

۳. در ماده ۹۴ قانون اساسی ۱۳۸۲ آمده است: «قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر این که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.»
 اما در قانون اساسی ۶۶ و ۱۳۶۹ تعریفی درباره قانون ذکر نشده است.
 دوم. رابطه قانون و اسلام:

۱. در ماده ۶۵ اصول اساسی ۱۳۱۰ آمده است: «موادی که در مجلس شورای ملی تصویب می شود، باید با حکم دین مبین اسلام و سیاست مملکت مخالفت نداشته باشد.»
 ۲. در ماده ۶۴ قانون اساسی ۱۳۴۳ آمده است: «شورا برای تنظیم امور حیاتی افغانستان، مطابق به احکام این قانون اساسی، قوانین وضع می کند. هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.»

۳. در ماده ۶۴ قانون اساسی ۱۳۵۵ نیز آمده است: «هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام، نظام جمهوری و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.»

۴. در ماده ۲ قانون اساسی ۱۳۶۶ و تعدیل آن در ۱۳۶۹ آمده است: «در جمهوری افغانستان هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.»

۵. در ماده ۳ قانون اساسی ۱۳۸۲ آمده است: «در افغانستان هیچ قانون، نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.»
سوم. رابطه قضا و اسلام:

۱. در نظامنامه اساسی دوره امان الله خان، بدون این که از فقه حنفی یاد شود، تأکید شده بر این که منبع فیصله محاکم، شریعت است و اصول محاکم حقوقیه و جزائیه. در ماده ۲۱ آمده است: «در محاکم عدلیه، عرض و داد عمومی مطابق شریعت و اصول محاکم حقوقیه و جزائیه، فیصله کرده می شود.»

۲. در اصل ۸۸ اصول اساسی ۱۳۱۰ در این مورد آمده است: «در محاکم شرعیه دعا وی مرجوعه، مطابق مقررات مذهب مذهب حنفی (رح) فیصله می شوند.»
بر اساس قانون اساسی دوره نادر خان، محاکم باید مستند به احکام مذهب حنفی فیصله صادر کنند. به عبارت دیگر قانون منبع احکام قضایی نیست و محکمه باید به طور مستقیم از فقه حنفی استفاده کند.

۳. در ماده ۱۰۲ قانون اساسی ۱۳۴۳ در این رابطه آمده است: «محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود، احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق می کنند. هر گاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، در چنین احوال حکمی صادر می کنند که در نظرشان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.»

۴. در ماده ۹۹ قانون اساسی ۱۳۵۵ عین آنچه در قانون ۱۳۴۳ ذکر شده بود، تکرار شده است: «محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود، احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق می کنند. هر گاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، در چنین احوال حکمی صادر می کنند که در نظرشان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.»

در هر دو متن فوق، بر خلاف قانون اساسی ۱۳۱۰ فیصله محاکم باید در مرحله نخست مبتنی بر قانون باشد و بعد از قانون، فقه حنفی به عنوان منبع دوم ذکر شده، اما در عین حال

بر رعایت حدود قانون اساسی و تأمین عدالت نیز تأکید شده است.
 ۵. در ماده ۱۱۲ قانون اساسی ۱۳۶۶ و ۱۳۶۹ آمده است: «قضات حین بررسی قضایا احکام قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را تطبیق می نمایند. در حالاتی که قانون صراحت نداشته باشد، محکمه قضایا را طبق احکام شریعت اسلام به نحوی حل و فصل می نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تأمین نماید.»

در این قانون، فقه حنفی حذف شده و تنها به احکام شریعت اسلام اشاره شده است.
 ۶. در ماده ۱۳۰ قانون اساسی ۱۳۸۲ آمده است: «محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.»

هم چنین در ماده ۱۳۱ این قانون آمده است: «محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.»

چنان که از صراحت مواد فوق استفاده می شود در این قانون، به واقعیت‌های جامعه افغانستان توجه صورت گرفت و آنچه امان‌الله خان در لویه جرگه ۱۳۰۳ ابراز داشت ولی پذیرفته نشد، در لویه جرگه ۱۳۸۲ جامه عمل پوشید و برای اولین بار در تاریخ حقوقی افغانستان، در محاکم کشور در کنار فقه حنفی، فقه شیعه نیز برای اهل تشیع رسمیت پیدا کرد و در واقع یک نوع تکثر در منابع حقوقی و قضایی کشور پذیرفته شد.

۷. در پایان هم در رابطه با مسائل فوق، موادی از اصول اساسی دولت اسلامی مجاهدین در زمان ریاست استاد برهان‌الدین ربانی را نیز ذیلاً مطالعه می کنیم:

ماده دوم: «نظام دولت اسلامی افغانستان، بر مبنای نص قرآنی (ان الحکم الا لله) استوار است.»

ماده سوم: «دین افغانستان، دین مقدس اسلام است.»

ماده چهارم: «مذهب رسمی افغانستان، مذهب حنفی است.»

ماده پنجم: «شریعت اسلام، یگانه مصدر تقنینی در کشور بوده، تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی مردم در فروغ تعالیم زندگی ساز اسلام، تنظیم و به هیچ وجه قوانین و مقررات خلاف اساسات شریعت وضع شده نمی تواند.»

ماده ششم: «دولت اسلامی افغانستان، بر مبنای نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستند به اصول و موازین اسلامی، پایه گذاری شده، روش قانون گذاری و تنظیم مجدد زندگانی ملی، بر اساس احکام قرآن و سنت، مطابق فقه حنفی عیار می گردد.»

افغانستان هستند، به تأدیة جزیه و داشتن علامات ممیزه تابع بوده^۱، به شرطی که آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند، نیز به تحت تأمین گرفته می‌شوند.

مادۀ سوم

پایتخت مملکت افغانستان، شهر کابل است و اهالی تمامی مملکت افغانستان، بالمساوی به نظر حکومت هستند که هیچ امتیازی، اهالی شهر کابل نسبت به دیگر شهرها و قصبات مملکت محروسه افغانیه ندارند.

مادۀ چهارم

بنا بر خدمات فوق‌العاده اعلی حضرت همایونی که در راه ترقی و تعالی و استقلال ملت افغانیه ابراز نموده‌اند، ملت نجیبه افغانستان متعهد می‌شوند که سلطنت افغانستان به اولاد این پادشاه ترقی خواه افغانیان به اصول اولادیت، به انتخاب اعلی حضرت پادشاهی و اهالی ملت انتقال می‌کند و ذات ملوکانه در حین جلوس اریکه سلطنت، بالمواجهه اشراف و اهالی، متعهد می‌شوند که مطابق شرع شریف و این نظامنامه اساسی، اجرای اوامر حکومت نموده، استقلال افغانستان را رعایت و برای وطن و ملت خود صداقت نمایند.

مادۀ پنجم

ذات حضرت پادشاهی، خادم و حامی دین مبین اسلام و حکمدار و پادشاه عموم تبعه افغانستان است.

مادۀ پنجاه و دوم: «رئیس دولت، مرد مسلمان پیرو مذهب حنفی بوده، تابعیت افغانی داشته، از پدر و مادر مسلمان افغانی الاصل متولد باشد.»
۱. عبارت (به تأدیة جزیه و داشتن علامات ممیزه تابع بوده) نیز در نظامنامه اساسی ۱۳۰۱ وجود نداشته و در سال ۱۳۰۳ این ماده تعدیل شده است.

ماده ششم

امور مملکت به ذریعه وزرای دولت که به اراده سنیّه، انتخاب و تعیین می‌شوند، اداره می‌شود و هر کدام وزرا مسئول امور متعلقه‌شان شناخته می‌شوند. ازین سبب ذات همایونی غیر مسئول می‌باشند.^۱

ماده هفتم

در خطبه‌ها ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه به نام پادشاه و تعیین رتب مناصب^۲، مطابق قوانین مخصوصه و اعطای نشان و انتخاب و تعیین

۱. مسئول نبودن شاه در نظام‌های مبتنی بر نظام دموکراسی پارلمانی بدین معنی است که قوه مجریه تحت نظر صدراعظم، مسئول همه امور حکومت بوده و در مقابل نمایندگان مردم پاسخگو است و پادشاه یا رئیس جمهور صرفاً یک مقام تشریفاتی و سمبولیک بوده و در مقابل پارلمان مسئولیتی ندارد. اما شاه امان‌الله از این اصل گویا برداشت دیگری داشته و کوشش داشته خود را مسئول تلقی کرده و امور اجرایی را خود شخصاً کنترل نماید. در این رابطه به سخنان امیر امان‌الله در لویه‌جرگه ۱۳۰۳ در مورد مسئول نبودن پادشاه توجه کنید:

«اعلی حضرت بعد از قرائت ماده‌ای که در آن بار حکومت و مسئولیت بر دوش وزرا بوده، ذات ملو کانه غیر مسئول قرار داده شده است، فرمودند که این لفظ غیر مسئولیت را مجلس شورا و وزرا بر خلاف خواهش و میل من ایزاد نموده‌اند، حال آن که من خودم را ایمانا و وجدانا و عقیدتاً غیر مسئول در اجرائات سلطنت و مملکت نمی‌انگارم و انصافاً می‌گویم در صورتی که عزل و نصب و تنزیل و ترفیع وزرا و مأمورین را خودم می‌نمایم، باید ضرور در بدنامی و نیک‌نامی آن‌ها نیز خود را به درجه اول مسئول بیانگارم. خدای خود را شاکرم که مرا یک پادشاه عیش پرست تنبل و کاهل نیافریده است تا خودم در خانه نشسته مشغول لهو و لعب و ساعت تیری بوده، متسلی باشم که کارهای مملکت را وزرا می‌کنند. نی خداوند شاهد است (و کفی بالله شهیدا) خودم به نفس خود در هر وزارت طوری کار می‌کنم که یک وزیر بسیار جدی فعال کار کند. از این رو این لفظ غیر مسئولیت در این جا بی‌معنا است و من خودم را به همین یک لفظ از این بار گران امانت خالق منان، سبکدوش و غیر مسئول گفته‌ام زیرا که مردن دارم و خداوند از من به روز حشر خواهد پرسید!» (نگاه کنید به: رویداد لویه‌جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳، پیشین، ص ۱۳۰ و ۱۳۱).

۲. چنان که در متن پشتوی نظامنامه آمده، تعبیر صحیح «رتب و مناصب» است. اما در منبع فارسی «رتب مناصب» آمده است.

صدراعظم و دیگر هیأت وزرا و عزل و تبدیل شان و تصدیق نظامات عمومی و اعلان مرعیت شان و محافظت و اجرای احکام شرعی و نظامیه و قوماندانی عموم قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب و عقد مصالحه و علی العموم معاهدات و عفو و تخفیف مجازات قانونیه عموماً یا خصوصاً از حقوق جلیله پادشاهی شمرده می شوند.

حقوق عمومی تبعه افغانستان

ماده هشتم

همه افرادی که در مملکت افغانستان می باشند، بلا تفریق دینی و مذهبی، تبعه افغانستان گفته می شوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق نظامنامه مخصوصه، استحصال و یا اضاعه کرده می شود.

ماده نهم

کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاسی دولت علیّه خود، پابند و مقید بوده، آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند.^۱

ماده دهم

حریت شخصیه از هر گونه تعرض و مداخلت مصون است. هیچ کس بدون امر شرعی و نظامات مقننه، تحت توقیف گرفته و مجازات کرده نمی شود. در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است. از زن و مرد، هیچ کس، دیگری را به طور اسارت استخدام کرده نمی تواند.

۱. ماده ۹ در نظامنامه اساسی ۱۳۰۱ با عبارت دیگر تصویب شده که در نظامنامه ۱۳۰۳ کاملاً عبارت تغییر یافته و تعدیل شده است. متن ۱۳۰۱ چنین است: «کافه تبعه افغانستان آزادی شخصی خود را مالک بوده، حریت دیگر اشخاص را اخلال و ضایع نمی کنند.»

مادهٔ یازدهم

مطبوعات و اخبارات داخلی، مطابق نظامنامه مخصوص آن آزاد می‌باشند. نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا اهالی تبعه افغانیه است. دربارهٔ مطبوعات خارجه، دولت علیه افغانستان بعضی شرایط و قیود نهاده می‌تواند.

مادهٔ دوازدهم

تبعه افغانستان مطابق نظامات موضوعه، برای تجارت و صنعت و زراعت، هرگونه شرکت‌ها کرده می‌توانند.

مادهٔ سیزدهم

تبعه افغانستان مفرداً یا مجتمعاً اگر خلاف شریعت غرّاً یا نظامات دولت، از طرف مأمورین یا دیگری، حرکت و رفتاری ملاحظه کنند، به اداره‌های دولت عرض می‌کنند. اگر در دوایر حکومتی مرجوعه‌شان، به بازخواست و استماع عرض‌شان پرداخت نکنند، علی‌الترتیب به مافوق‌شان استغاثه نمایند. در صورتی که هیچ‌یک، بازخواست نکرد، رسماً به حضور اشرف پادشاهی عرض نموده می‌توانند.

مادهٔ چهاردهم

امر تدریس بالکل آزاد است. مطابق نصاب معارف عمومیه، هر فرد تبعه افغانستان عموماً به طور عمومی و خصوصی برای تدریسات مأذون و مجاز می‌باشند. اما اشخاص اجنبی به استثنای نفرهایی که برای تعلیم استخدام می‌شوند، به داخل مملکت افغانستان به افتتاح و اداره مکاتب، مجاز نیستند.

مادهٔ پانزدهم

عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تفتیش حکومت می‌باشند.

حکومت به همه اسباب و تدابیری که برای تربیه علمیه و ملیه همه اتباع افغانستان بر سیاق انتظام و اتحاد می‌باشند، نظر دقت می‌گیرد. اما اصول تعلیمیه که به امور اعتقادی و مذهبی اهل ذمه و افراد مستأمنه تعلق دارد، اخلاص کرده نمی‌شود.

ماده شانزدهم

کافه تبعه افغانستان به حضور شریعت غرا و نظامات دولت، در حقوق و وظایف مملکت حق مساوات دارند.

ماده هفدهم

عموم تبعه افغانستان به اندازه قابلیت و اهلیت‌شان، در همه مأموریت‌ها، به اندازه احتیاج دولت، استخدام می‌شوند.

ماده هجدهم

مالیات و محصولات مقرر، مطابق نظامنامه‌های مخصوصه، بر تبعه افغانستان به نسبت ثروت و اقتدارشان، تعیین و گرفته می‌شوند.

ماده نوزدهم

در افغانستان هر شخص از مال و ملک خودش که در تصرف او باشد، در امن می‌باشد. اگر یک ملکی به مقصد منافع عمومی به کار دولت شود، موافق نظامنامه مخصوصه آن، اولاً قیمت آن را به صاحبش تأدیه نموده، بعد ملک را گرفته می‌توانند.

ماده بیستم

مسکن و جای هر فرد تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصون است و هیچ کس از طرف حکومت و سائره، بدون احکام نظامات، به خانه شخصی جبراً و بلا استیذان، داخل شده نمی‌تواند.

ماده بیست و یکم

در محاکم عدلیه عرض و داد عمومی مطابق شریعت و اصول محاکم حقوقیه و جزائیه فیصله کرده می‌شود.

ماده بیست و دوم

مصادره و بیگار بالکل ممنوع است، اما کار و تکالیفی که در زمان محاربه پیش شود، مطابق نظامنامه مخصوصه آن از این قاعده مستثنی است.

ماده بیست و سوم

خارج نظامات دولت از هیچ کس چیزی گرفته نمی‌شود.

ماده بیست و چهارم

شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شرع شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته، برای هیچ کس مجازات داده نمی‌شود.^۱

وزرا

ماده بیست و پنجم

در افغانستان وظیفه اداره حکومت، مفوض است به هیأت وزرا و اداره مستقله. در حین اجتماع هیأت وزرا، ریاست مجلس را ذات ملوکانه ایفا می‌نمایند و اگر ذات شاهانه تشریف نداشته باشند، صدر اعظم به وظیفه ریاست می‌پردازد و اگر صدر اعظم اثبات وجود نداشته، از جمله وزرا،

۱. متن این ماده در نظامنامه ۱۳۰۱ چنین است: «شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج نظامنامه جزای عمومی و عسکریه برای هیچ کس مجازات داده نمی‌شود.» این ماده در سال ۱۳۰۳ به صورت فوق تعدیل شده است.

وزیر وزارت اول، وظیفه ریاست را اجرا می‌دارد.^۱

۱. چنان‌که از مواد مختلف نظامنامه اساسی به دست می‌آید نظام سیاسی آن دوره مبتنی بر وجود دو رکن یکی پادشاه و دیگری صدراعظم بوده است. اما بر خلاف حکم قانون اساسی، امان‌الله خان تا آخر عمر سلطنت خود حاضر نشد در کنار خود، مقام دیگری به نام صدراعظم را به رسمیت بشناسد و کسی را در این سمت تعیین کند و حتی از اظهارات امان‌الله در لویه‌جرگه ۱۳۰۳ استفاده می‌شود که ایشان به دلایل غیر منطقی علاقه‌مند بوده که خود هم پادشاه باشد و هم صدراعظم و این یکی از اشتباهات بزرگ امان‌الله بود که هم قانون را نقض می‌کرد و هم با مشروطیت و دموکراسی مغایرت داشت و هم گروه وسیعی از آزادی‌خواهان و روشنفکران را از اصلاحات شاه ناامید ساخت.

گزارشگر لویه‌جرگه ۱۳۰۳ از زبان امان‌الله خان چنین نقل می‌کند:

«اعلی حضرت در ذیل آن ماده‌ای که در آن ذکر صدراعظم بود، فرمود: بعضی از حضرات خواهند گفت که در این نظامنامه نام صدراعظم است و نشانی از آن به نظر نمی‌آید. لهنذا معروض می‌دارم چون خودم یک مرد جوان و شوق و محبت فوق‌العاده را نسبت به خدمات ملت و مملکت خود دارم و هم رجال دانشمندی را که متحمل همچه یک‌بار گران مملکت شده بتواند، سراغ ندارم و هم خواهشمند نیستم که مابین من و ملت من، یک سد و حایلی در میان باشد، از این رو، فعلاً تا وقتی که می‌توانم این کار را علاوه‌تا بر ایفای وظایف امارت بر دوش خود گرفته‌ام. چنانچه فعلاً این کاری را که در لویه‌جرگه با شما می‌نمایم، حیثیت صدارت عظمی را دارد و اموراتی که بعد از فراغ مجلس در شب و صبح و عصر اجرا می‌کنم، از وظایف پادشاهی است و من شاکرم که اکثری از مأمورین ما به همین خیال و مسلک من رفتار داشته، شوق مزیدی در انجام مهام مملکت خویش دارند. چنانچه رئیس صاحب عمومی شورای دولت، هم کارهای وزارت خارجیه را به صورت و کالت می‌نماید و هم، امورات شورائیه را به قسم اصالت ایفا می‌نمایند.» وی سپس می‌افزاید: «لویه‌جرگه بر این مساعیات و خدمات و جانفشانی‌های همایونی عموماً یک غلغله دعا‌گویی و یک آوازه شادمانی را بلند نموده، دعای مزید موفقیت و توفیق خدمت و شوق تحفظ شریعت و احکام اسلامیت را به حضور اعلی حضرت تحفه نمودند.» (نگاه کنید به: رویداد لویه‌جرگه دارالسلطنه، پیشین، ص ۱۳۵ و ۱۳۶).

در این مورد میر محمد صدیق فرهنگ مورخ توانای کشور، انگیزه‌ها و عوامل مؤثر در این تصمیم شاه امان‌الله خان را به تفصیل شرح داده که بسیار جالب و خواندنی است. (نگاه کنید به: افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ ۱۹، انتشارات عرفان، تهران (چاپ یک جلدی)، ص ۵۷۹ و ۵۸۰).

ماده بیست و ششم

وکیل که در حال غیاب یکی از وزرا تعیین می‌شود، عیناً اختیارات و حقوق همان وزیر را دارا است.

ماده بیست و هفتم

در هر سال قبل از عید عمومی استقلال، به یک روز مخصوص که از طرف ذات شاهانه معین فرموده می‌شود، در زیر ریاست شهرداری یک دربار عالی انعقاد خواهد یافت. دربار مذکور مرکب است از رجال مأمورین دولت و اکابر و اشرافی که از طرف ذات شاهانه انتخاب شده باشند. در مواجهه آن، هر وزیر و مدیر مستقلمه، اجرائات و خدمات یک‌ساله خودشان را علناً بیان و ایضاح خواهد نمود.

ماده بیست و هشتم

صدراعظم و دیگر وزرا از طرف قرین الشرف پادشاهی انتخاب و تعیین می‌شوند.

ماده بیست و نهم

مجلس وزرا مرجع امور مهمه داخلی و خارجی دولت است. مذاکرات مجلس وزرا و قراردادهایی که محتاج تصدیق می‌شوند، بعد امضای اعلی‌حضرت همایونی در معرض اجرا گذاشته می‌شوند.

ماده سی ام

وزرا امورات مربوط وزارت متعلقه خود را به اندازه‌ای که در حوصله اختیارات خودشان است، اجرا و مافوق آن را آنچه رأساً به حضور اشرف ملوکانه تقدیم می‌شود، به حضور اعلی‌حضرت پادشاهی و آنچه موافق تفصیل لایحه وظایف مجلس وزرا، مواد متعلقه مجلس مذکور باشد، به مجلس عالی وزرا تقدیم و القا می‌نمایند.

مجلس وزرا در مواد مقدمه، موافق نظام مخصوصه مجلس وزرا، مذاکره و مباحثه نموده، حل و فصل و آرای خود را امضا می نمایند.

ماده سی و یکم

هر یک از وزرا در سیاست عمومیه دولت مشترکاً و در امور موظف وزارت متعلقه خود خصوصاً، به حضور اشرف ملوکانه مسئول شناخته می شوند.

ماده سی و دوم

در اموری که از حضور شاهانه به یکی از وزرا و یا دیگر مأمورین امر شفاهی شود، احکام تحریری آن را به امضای همایونی حاصل دارند.

ماده سی و سوم

یکی از وزرای دولت اگر از روی وظیفه مأموریت شان تحت محاکمه گرفته شوند، محاکمه آنها به دیوان عالی عاید و راجع است و اصول محاکمه شان موافق نظامنامه مخصوصه، حل و فصل می گردد و دیگر دعاوی شخصیه وزرا که خارج وظیفه مأموریت شان باشد، مانند سایر رعایا به محاکم عدلیه مراجعت می نمایند.

ماده سی و چهارم

وزیری که از طرف دیوان عالی تحت اتهام آید، الی نتیجه محاکمه و برائت شان، از وظیفه وزارت معطل می ماند.

ماده سی و پنجم

مقدار وزارات و تشکیلات دوائر و وظایف شان در نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

مأمورین

ماده سی و ششم

بالعموم مأمورین مطابق موادی که در نظامات مخصوصه ایضاح گردیده، به مأموریت‌هایی که الیق و مناسب باشند، تعیین کرده می‌شوند و هیچ‌یک از مأمورین تازمانی که از وظیفه خود مستعفی نشوند و یا از سوء رفتارشان موجب عزل نگردند و یا از طرف دولت بنا بر یک امر ضروری لازم، تبدیل و موقوفی نباشند، اصلاً عزل و موقوف نمی‌شوند و مأمورینی که حسن سلوک و استقامت خدمت خودها را ابراز نمایند، استحقاق ترقی رتبه و مأموریت و مستمری را دارند.

ماده سی و هفتم

وظایف مأمورین در نظامات مخصوصه، تعیین و تفریق گردیده، هر مأمور موافق نظامنامه‌های مخصوص از وظایف موظف‌اش مسئول شناخته می‌شود.

ماده سی و هشتم

همه مأمورین علی‌المراتب در اطاعت آمر مافوق‌شان، موافق نظامات دولت مکلف و موظف هستند و اگر از طرف آمر مافوق آن‌ها در اجرای کدام امر خلاف نظامات دولت اصرار شود، مأمورین ماتحت‌شان به مرکز وزارت اطلاع نمایند و هرگاه بدون اطلاع مرکز اوامر خلاف قانون را اجرا کنند، آن‌ها نیز مسئول شناخته می‌شوند.

مجالس مشاوره و شورای دولت

ماده سی و نهم

در مرکز دارالسلطنه، یک هیأت شورای دولت و در نایب‌الحکومه گی و حکومتی‌های اعلی و حکومتی‌های درجه اول و دوم و سوم و علاقه‌داری، یک یک مجلس مشوره موجود است.

ماده چهلیم

اعضای مجالس مشاوره و شورای دولت، از اعضای طبیعی و اعضای منتخبه، مرکب می‌باشند.

ماده چهل و یکم

اعضای طبیعی مجالس مشاوره، از مأمورینی که در نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته، تشکیل می‌یابد و اعضای طبیعی شورای دولت بالمساوی تعداد اعضای منتخبه شورا، رأساً از طرف قرین الشرف اعلی حضرت همایونی، منتخب و تعیین کرده می‌شوند. اعضای منتخبه تماماً از طرف اهالی معین و مقرر می‌شوند. در باب صورت انتخاب آن‌ها در نظامنامه تشکیلات اساسی مواد جداگانه موجود است.

ماده چهل و دوم

مجالس مشاوره و شورای دولت علاوه بر وظایفی که در نظامنامه تشکیلات اساسی نشان داده شده، به وظایف ذیل موظف هستند:

الف. برای ترقی صناعات، تجارت، زراعت، معارف، همه تکالیفی که

لازم ببینند به دولت عرض می نمایند.

ب. در خصوص مالیات و محصولات و دیگر معاملات حکومت، اگر مخالف اصول نظامات معاینه نمایند، به مقصد اصلاح این چنین امور، به حکومت عرض و الحاح نموده می توانند.

ج. اگر در حقوقی که موافق این نظامنامه برای اهالی داده شده، از یک طرف اخلال و اضعاف ملاحظه کنند، در نزد حکومت، صلاحیت عرض و استغاثه را دارند.

مادهٔ چهل و سوم

فقراتی که مجالس مشاوره ولایات و محلات به حضور نائب الحکومه‌ها و حکام عرض و تقدیم می نمایند، آنچه به اندازه اختیارات نائب الحکومه و حکام باشد، خودشان اجرا و مافوق آن را به وزارت متعلقه همان شعبه ارجاع می دارند. از وزارت منسوبه‌اش اگر لازم اجرا باشد، اجرا نموده و الا بر وفق ماده (۳۰) تعمیم می نمایند و اگر مسأله مواد قانونیه باشد، به موجب قاعده (۴۶) این نظامنامه پردازند.

مادهٔ چهل و چهارم

در فقراتی که از مجالس مشاوره برای نائب الحکومه و حکام محلی عرض می شود، و از جانب آن‌ها الی یک‌ماه نتیجه و جوابی برای شان ظاهر نشود، مجالس مشاوره صلاحیت دارند که به شورای دولت عرض حوایج خود را نمایند.

مادهٔ چهل و پنجم

شورای دولت فقراتی را که مجالس مشاوره شکایتاً می نویسند، رأی خود را در آن باب نوشته، به وزارت متعلقه همان فقره اطلاع می دهد، اگر در اجرای آن از طرف وزارت معطلی واقع شود، شورای دولت آن فقره را تقدیم حضور همایونی می تواند.

مادهٔ چهل و ششم

نظامات دولت از طرف شورای دولت تدقیق گردیده، به مجلس وزرا تقدیم می‌شود و بعد تصویب مجلس وزرا و منظوری حضور شاهانه، در موقع اجرا می‌دراید.

مادهٔ چهل و هفتم

علاوه بر اعضای طبیعیه دائمی شورای دولت، مأمورین ملکی، از نائب‌الحکومه الی حکام اعلی و از منصبداران عسکری، تا لوامشر، که از مأموریت سبکدوش شده باشند، به استثنای اشخاصی که در تحت محاکمه بیابند، در جمله اعضای طبیعیه شورای دولت موقتاً الی تعیین مأموریت‌شان، داخل شده می‌توانند.

مادهٔ چهل و هشتم

بودجه سالانه را که به وزارت مالیه تنظیم و ترتیب می‌شود، مطابق نظامنامه بودجه عمومی، به شورای دولت تدقیق می‌نمایند.

مادهٔ چهل و نهم

مقاولات و تعهدات که با اجانب می‌شود، از طرف شورای دولت مذاکره و تدقیق می‌گردد.

محاکم

مادهٔ پنجاهم

در محاکم عدلیه هر نوع محاکمات به طور علنی اجرا می‌شود. بعضی فقراتی که در نظامنامه مخصوصه محاکم نشان داده شده، محاکمه آن را قاضی به طور خفیه اجرا کرده می‌تواند.

ماده پنجاه و یکم

در حضور محاکم هر کس برای محافظه حقوق خود، همه و سائط مشروعه را پیشنهاد نموده می تواند.

ماده پنجاه و دوم

محاکم عدلیه در رؤیت و فیصله دعاوی ای که داخل وظیفه شان باشد، تعطیل و ممانعه کرده نمی تواند.

ماده پنجاه و سوم

همه محاکم از هر گونه مداخلت آزاد هستند.

ماده پنجاه و چهارم

صنوف و درجات محاکم و صلاحیت شان به نظامنامه تشکیلات اساسی ایضاح یافته.

ماده پنجاه و پنجم

هیچ کس خارج محاکم عدلیه، برای فیصله بعضی فقرات مخصوصه، یک محکمه فوق العاده تشکیل داده نمی تواند.

دیوان عالی

ماده پنجاه و ششم

دیوان عالی خاص، برای محاکمه وزرای دولت، عندالافتضا موقتاً تشکیل می یابد و بعد ایفا و سر انجام نمودن کاری که به او سپرده شده، فسخ می شود.

ماده پنجاه و هفتم

طرز تشکل دیوان عالی و اصول محاکمه در آن، مطابق نظامنامه مخصوص آن اجرامی شود.

امور مالیه

ماده پنجاه و هشتم

همه محصولات دولت مطابق قانون مخصوص آن اخذ کرده می شود.

ماده پنجاه و نهم

هر سال برای واردات و مصارفات دولت، یک بودجه تنظیم کرده می شود و این بودجه برای واردات و مصارفات دولت، اساس بوده، همه واردات و مصارف، از روی آن اخذ و صرف می شود.

ماده شصتم

بعد از تطبیق و اجرای بودجه سالانه، یک محاسبه قطعی تنظیم کرده می شود و این محاسبه قطعی، مقدار حقیقی واردات و صرفیات این سال را حاوی می باشد.

ماده شصت و یکم

برای تحقیق و تدقیق این که آیا واردات و مصارفات دولت حقیقتاً موافق نظامنامه بودجه ایفا گردیده است یا نه، یک دیوان سنجش تشکیل می یابد. در خصوص دیوان سنجش، نظامنامه مخصوص موجود است.

ماده شصت و دوم

برای تنظیم محاسبه قطعی و برای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجرای آن، نظامنامه مخصوصه موجود است.

اداره ولایات

ماده شصت و سوم

اصول اداره ولایات از سه قاعده اساسیه مبنی است:

۱. توسیع مآذونیت؛ ۲. تفریق وظایف؛ ۳. تعیین مسئولیت.

بنا بر قواعد مذکور همه وظایف مأمورین ولایات مطابق نظامات موضوعه، تعیین و تفریق کرده شده است و اختیارات مأمورین نیز بر طبق نظامات مخصوصه محدود است و هر مأمور در وظایف خود علی المراتب نزد مافوقش مسئول شناخته می شود.

ماده شصت و چهارم

در ولایات از هر شعبه وزارت، مأمورین جداگانه مقرر هستند. افراد اهالی برای اجرای کار و انجام حوایج خود، ابتداء به مأمورین شعبات مراجعت نمایند.

ماده شصت و پنجم

اگر برای کار اهالی به مأموریتها نشود و یا درباره آنها مأمورین خلاف نظامات دولت رفتار نمایند، افراد اهالی از تعطیل کار و سوء رفتار آنها نزد آمر مافوق شان و عندالافتضا نزد نائب الحکومه ها و حکام اعلی، عرض و استغاثه کرده می توانند.

ماده شصت و ششم

تشکیل دواير بلديه و وظایف آن در نظامنامه مخصوص توضیح یافته.

ماده شصت و هفتم

هرگاه در یک حصه مملکت آثار عصیان و بغاوت که محل امنیت عمومی باشد، حس کرده شود، دولت اعلان حکومت عسکریه می نماید و اداره عسکریه تشکیل می یابد.

مواد متفرقه

ماده شصت و هشتم

برای تبعه افغانستان درجه ابتدائیه تحصیل معارف، حتمی و مجبوری است. درجات و تفرعات آن به یک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بر طبق آن معمول می شود.

ماده شصت و نهم

یک ماده این نظامنامه اساسی به هیچ سبب و حیثیت تعطیل و یا حکم اجرای آن ساقط نمی شود.

ماده هفتادم

بنا بر ایجاب اگر از مواد مندرجه این نظامنامه اساسیه، لزوم تغییر و تبدیل شود، بعد آرای ثلثان اعضای شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزرا به حضور اشرف همایونی عرض می شود و بعد منظوری حضور شاهانه، تغییر و تبدیل آن ممکن است.

ماده هفتاد و یکم

تشریح و تغییر یک ماده این نظامنامه اساسی و دیگر نظامات دولت، اگر لزوم دیده شود، به شورای دولت حواله گردیده، بعد تصحیح و توضیح شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزرا، طبع نشر می شود.

ماده هفتاد و دوم

در حین تنظیم نظامات، معاملات اهالی و مقتضیات زمان مخصوصاً احکام شرعیه به نظر دقت گرفته می‌شود.

ماده هفتاد و سوم

مصونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالی است و همه مکاتیب و مراسلات محصولی اهالی که تودیع پسته می‌شود، تا از طرف یک محکمه جواز تجسس نشود، در هیچ پسته‌خانه و دیگر جا باز کرده نمی‌شود و هم‌چنان سر بسته به مرسل الیه سپرده می‌شود.

مواد این نظامنامه اساسی که به اتفاق آرای وزیر دولت و تمامی وکلای ملت در مجلس (۱۰ حوت ۱۳۰۱) لویه جرگه سمت مشرقی برای اساس دولت علیه افغانستان تصویب یافته و هشت صد و هفتاد و دو نفر اعیان مجلس مذکور در موفقیت آن مهر و امضا کرده‌اند و نیز در مجلس معظم لویه جرگه که به ماه سرطان ۱۳۰۳ در پغمان از علما و سادات و مشایخ و وکلا و رؤسای تمام مملکت افغانستان تشکیل یافته، تصویب گردیده، ۲ منظور است، ادخال آن را در جمله نظامات دولت و اجرای احکام موادش را امر و اراده می‌کنم.

الغازی امیر امان‌الله

۱. احتمالاً «موافقت» صحیح باشد. اما در متن اصلی منبع «موفقیت» آمده است.
۲. قسمت ذیل از متن بالا: «و نیز در مجلس معظم لویه جرگه که به ماه سرطان ۱۳۰۳ در پغمان از علما و سادات و مشایخ و وکلا و رؤسای تمام مملکت افغانستان تشکیل یافته، تصویب گردیده»، در نظامنامه ۱۳۰۳ افزوده شده و در نظامنامه ۱۳۰۱ وجود نداشته است.

(۳)

اصول اساسی دولت علیه افغانستان^۱

دوره محمدنادر شاه

(۸ عقرب ۱۳۱۰ شمسی)

۱. در این اصول اساسی، از منبع اصلی ذیل استفاده شده است:
اصول اساسی دولت علیه افغانستان، طبع ثالث، ۳ جدی ۱۳۱۱، مطبعه عمومی ریاست
مطابع کابل.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اصول اساسی دولت علیه افغانستان
اصول کلیه

اصل اول

دین افغانستان، دین مقدس اسلام و مذهب رسمی و عمومی آن، مذهب منیف حنفی (رح) است. پادشاه افغانستان باید دارای این مذهب باشد. دیگر ادیان، مثل اهل هنود و یهودی که در افغانستان هستند، به شرطی که آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند، نیز به تحت تأمین گرفته می شوند.

اصل دوم

دولت علیه افغانستان، اداره امور داخله و خارجه خود را به استقلال تامه حائز بوده، همه محلات و قطعات مملکت، به زیر امر و اراده سنیّه ملوکانه، به صورت یک وجود واحد تشکیل می یابد و به هیچ حیثیت، در اجزای مملکت تفریق کرده نمی شود.

اصل سوم

پایتخت افغانستان، شهر کابل است و تمام اهالی مملکت، به نظر حکومت، مساوی هستند که هیچ امتیازی، اهالی شهر کابل، نسبت به دیگر شهرها و قصبات مملکت محروسه افغانیه ندارند.

اصل چهارم

بیرق رسمی افغانستان دارای الوان سیاه و سرخ و سبز و در وسط آن خوشه گندم و محراب و منبر می باشد.

حقوق پادشاه

اصل پنجم

بنا بر تقدیر فدا کاری و خدماتی که اعلیٰ حضرت غازی (محمندادر شاه افغان) در راه استقلال و نجات وطن افغانستان و برانداختن بنیان ظلم و استبداد ابراز فرموده‌اند، ملت افغانستان عموماً ذات شاهانه‌شان را پادشاه صحیح و لایق مملکت خود شناخته و با نهایت تقدیر و احترام تعهداً پذیرفته و می‌پذیرند و ذات همایونی در حین جلوس بر تخت سلطنت مستقله افغانیه بالمواجهه عموم و کلا و اشراف اهالی افغانستان تعهد نموده‌اند که مطابق اوامر مُفتی‌بهای شرع شریف نبوی (صلعم) و مذهب مهذب حنفی (رح) و اصول اساسی مملکت، اجرای اوامر حکومت شاهانه خود را فرموده، محافظت و رعایه استقلال افغانستان را مهم‌ترین وظایف خود دانسته، به ملت و وطن صداقت نموده، از تعمیل شرایط فوق مخالفت نمایند. بناءً علیه، ملت نجیبه افغانستان متعهد می‌شوند که سلطنت افغانستان به خاندان این پادشاه ترقی خواه مملکت، به انتخاب اعلیٰ حضرت پادشاهی و اهالی ملت افغانستان انتقال می‌کند.

تبصره:

خاندان عبارت است از اولاد ذکور کبیر و برادر.

اصل ششم

پادشاه افغانستان باید قبل از جلوس بر تخت سلطنت عهدنامه ذیل را به مقام شورای ملی به حضور و کلا، اظهار و امضا نماید:
«به خدای عظیم و قرآن کریم عهد می‌کنم که در اعمال و افعال خود

خداوند (جَلَّ شَأْنُهُ) را حاضر و ناظر دانسته، به حفاظت دین مبین اسلام و استقلال افغانستان و حفظ حقوق ملت و حراست و ترقی و سعادت و وطن، به اساس شرع مبین محمدی (صلی الله علیه وسلم) و مقررات اصول اساسی مملکت، سلطنت نمایم و به برکت روحانیت مقدس اولیای کرام (رض) برای خود استمداد می نمایم.»

اصل هفتم

در خطبه‌ها ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه به نام پادشاه، تعیین رتب و مناصب، اعطای نشان، تعیین صدراعظم، منظوری وزرا، عزل و تبدیل شان، تصدیق اصولات مصوبه شورای ملی، اعلان مرعیت و محافظت آن‌ها، حفاظت و اجرای احکام شرعیه و اصولیه، قوماندانی عموم قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب و عقد مصالحه و علی العموم معاهدات، عفو و تخفیف مجازات تعزیری مطابق شرع شریف، از حقوق جلیله پادشاهی شمرده می شوند.

اصل هشتم

پول مصارفات پادشاهی، باید در بودجه مملکتی معین باشد.

حقوق عمومیه تبعه افغانستان

اصل نهم

همه افرادی که در مملکت افغانستان می باشند، بلا تفریق دینی و مذهبی، تبعه افغانستان گفته می شوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق اصولنامه تابعیت، استحصال یا اضعاعه می شود.

اصل دهم

کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و اصولات سیاسی دولت متبوعه خود مکلف و مقید بوده، آزادی حقوق مشروعه خود را مالک هستند.

اصل یازدهم

حریت شخصیه از هر گونه تعرض مصون است. هیچ کس بدون امر شرعی و اصولنامه‌های موضوعه، توقیف و مجازات نمی‌شود. در افغانستان، اصول اسارت ممنوع است. از زن و مرد، هیچ کس، دیگری را به طور اسارت استخدام کرده نمی‌تواند.

اصل دوازدهم

تبعه افغانستان در امور تجارت، صنعت و زراعت، در داخل اصولات موضوعه آزادند.

اصل سیزدهم

کافه تبعه افغانستان به حضور شریعت غرا و اصولات موضوعه دولت، در حقوق و وظایف مملکت، حق مساوات دارند.

اصل چهاردهم

عموم تبعه افغانستان، نظر به قابلیت و اهلیت، به قدر ضرورت حکومت استخدام می‌شوند.

اصل پانزدهم

در افغانستان مال و ملک هر شخص در امن می‌باشد. اگر یک ملک به مقصد منافع عمومی به کار دولت شود، موافق حکم شرع شریف و اصولنامه مخصوصه آن، اولاً قیمت آن را به مالکش تأدیه نموده، بعد ملک را گرفته می‌تواند.

اصل شانزدهم

مسکن و جای هر فرد تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصون است. هیچ کس از طرف حکومت و سائره، بدون احکام شرع و اصولنامه‌های موضوعه، به خانه شخص بلا استیذان، داخل شده نمی‌تواند.

اصل هفدهم

ضبط املاک و اموال اهالی ممنوع است، به استثنای کسانی که در خارج مملکت متوقف بوده و بر علیه حکومت افغانستان، تحریکات و نشریات می‌نمایند.

اصل هجدهم

مصادره و بیگار ممنوع است. اما کار و تکالیفی که در زمان محاربه پیش شود، از این قاعده مستثنی است.

اصل نوزدهم

شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شرع شریف و اصولنامه‌های دولت برای هیچ کس مجازات داده نمی‌شود.

اصل بیستم

تعلیم ابتدائیه برای اطفال تبعه افغانستان، واجبی و حتمی است.

اصل بیست و یکم

در افغانستان تدریس علوم اسلامیة آزاد است. هر فرد تبعه افغانستان عموماً و خصوصاً برای تدریسات علوم اسلامیة، مأذون و مجاز می‌باشد. اما اشخاص اجنبی به استثنای نفری که برای تعمیم فنون و صنایع و تعلیم زبان‌های اجنبی استخدام می‌شوند، به داخل مملکت افغانستان، به افتتاح و اداره مدارس مجاز نیستند.

اصل بیست و دوم

عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تفتیش حکومت می باشند، تا امور تربیه و تعلیمیه آن ها بر خلاف عقاید و مصطلحات اسلامی نبوده، به منافع علمیه و فنیه و صناعیه موافق باشد. اما اصول تعلیمیه که به امور اعتقادی و مذهبی اهل ذمه تعلق دارد، اخلال کرده نمی شود.

اصل بیست و سوم

مطبوعات و اخبارات داخله که خلاف مذهب نباشد، مطابق اصولنامه مخصوص آن آزاد می باشد. نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و تبعه افغانیه است. مطبوعات و جراید خارجه که به مذهب و سیاست حکومت علیه افغانستان اخلال نرساند، ادخال آن به افغانستان آزاد است.

اصل بیست و چهارم

فیصله منازعات شخصیه و دیگر امورات افراد تبعه که به محاکم عدلیه و دوایر رسمیه متعلق است، هر گاه به فیصله و حکم دوایر منسوبه قناعت حاصل نکنند، می توانند که به مقامات بالاتر تا وزارت متعلقه و در صورت عدم قناعت، به مقام صدارت عظمی و به حضور شاهانه، عرض و طلب غوررسی نمایند.

اصل بیست و پنجم

مالیات و محصولات مقرره، مطابق اصولنامه های علیحده آن گرفته می شود.

اصل بیست و ششم

خارج اصولنامه های دولت از هیچ کس چیزی گرفته نمی شود.

شورای ملی تشکیلات مجلس

اصل بیست و هفتم

مجلس شورای ملی به عزم و تصمیم اعلیٰ حضرت همایونی و تصویب جرگه ۱۳۰۹ منعقدہ مرکز کابل، دایر و مؤسس است.

اصل بیست و هشتم

این مجلس تمام و کمال، مرکب از افرادی است که در امورات معاشی و سیاسی افغانستان مشارکت دارند یعنی نماینده قاطبه اهالی مملکت است.

اصل بیست و نهم

ترکیب و تشکیل مجلس شورای ملی از وکلایی است که از ولایت کابل و سایر ولایات و حکومتات و علاقہ‌داری‌ها منتخب می‌گردند و محل انعقاد آن در پایتخت است.

اصل سی‌ام

تعداد وکلای شورای ملی در اصولنامه مصوبه انتخابات، درج و تعیین گردیده است.

اصل سی و یکم

موعد انتخاب وکلای این مجلس در جمیع ادوار سه سال است و شروع دوره اول اعتباراً از روز افتتاح شورای ملی است و مقرر است که بعد سرآمد هر سه سال، وکلا مجدداً انتخاب شوند. انتخاب کنندگان در

این که بخواهند از^۱ و کلای سابقه را تکراراً انتخاب کنند، در صورت رضایت مختار و مخیرند.

اصل سی و دوم

اوقات تعطیل و موعد اشغال شورای ملی در اصولنامه داخلی مجلس مشخص و محدود کرده خواهد شد. در اثنای تعطیل اگر حکومت به وضع کدام اصولنامه ضرورت حس کند، این اصولنامه موقتاً از طرف حکومت تصویب و به موجب فرمان پادشاهی تعمیم می شود. در موقع اشغال اگر اصول موقتی از طرف شورای ملی تسلیم کرده شد، در عداد اصول دایمی ادخال و الا از طرف مجلس مذکور تعدیل یا تردید می شود.

اصل سی و سوم

مجلس شورای ملی برای تحقیق و فیصله مسائل مهم در هنگام تعطیل هم دایر شده می تواند و هر گاه به جهت فوت مسأله مباحث عنها، فرصت اجتماع عموم، ممکن نشود، تنها به حضور و کلای مرکز و قریب آن، مجلس شورای ملی انعقاد می یابد.

اصل سی و چهارم

وقتی به مذاکرات آغاز می شود که اقلاً مناصف اعضا حضور داشته باشند و فیصله مقررات آن، هم به اساس اتفاق یا اکثریت آرا است.

اصل سی و پنجم

مجلس شورای ملی در موقع افتتاح هر یک از ادوار خود، خطابه ای به پیشگاه پادشاهی عرض و تبیین داده و از طرف قرین الشرف همایونی مجاب می گردد.

۱. کلمه «از» اضافه به نظر می رسد، اما در منبع اصلی به همین ترتیب ذکر شده است.

اصل سی و هشتم

ابتداءً اعضای شامله مجلس، به ترتیب مذیله سوگند یاد می نمایند و قسم نامه را امضا می کنند.

قسم نامه

اصل سی و هفتم

«ما امضا کنندگان ذیل از جهت اعتمادی که ملت و حکومت بر ما نموده، به خداوند عظیم و قرآن کریم سوگند می نمایم که برای ملت و حکومت خود صادق می باشیم.»

اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی، در اظهار رأی در مجلس شورا به حضور جمیع و کلا آزاد و از هرگونه اعتراض مصونند.

اصل سی و نهم

کافه مذاکرات مجلس شورای ملی، به باعشی که نتیجه آن به منصفه اجرا گذارده می شود، علنی است. نمایندگان جراید و معاینه کنندگان در تحت قیودات اصولنامه داخلی مجلس، تنها حق حضور و استماع مذاکرات را دارند.

وظایف

اصل چهارم

مجلس شورای ملی، امورات داخلی خود را مثل انتخاب رئیس اول و ثانی و هیأت تحریر و سایر اجزا و اصول مذاکرات و شعبات و غیره بر اساس اصولنامه داخلی دایر خواهد کرد.

اصل چهارم و یکم

کلیه اصولات و ضوابطی که وضع و موجودیت آن برای تشیید مبانی حکومت و انتظام امور مملکتی لازم باشد، به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسند.

اصل چهارم و دوم

تسویه امورات مالی، رد یا قبول عوارض و فروعات و هم ممیزی‌های جدید که دولت اقدام نماید، به تصویب مجلس خواهد بود.

اصل چهارم و سوم

تدقیق و تصویب بودجه مملکت بعد از ترتیب و پیشنهاد وزارت مالیه، از وظایف شورای ملی است.

اصل چهارم و چهارم

وضع اصولنامه جدید با تغییر و فسخ قوانین مقرر، به تصویب شورای ملی صورت خواهد گرفت، خواه لزوم آن از مجلس عنوان و خواه از طرف وزرا اظهار شده باشد.

اصل چهل و پنجم

تصویب امتیاز تشکیل کمپانی‌ها و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و به هر عنوان که باشد از طرف شورای ملی خواهد شد.

اصل چهل و هشتم

عقد مقاولات و معاهدات اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره، خواه از طرف داخله باشد یا خارجه، به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد.

اصل چهل و هفتم

استقراض دولتی اعم از این که از داخله یا خارجه، به هر عنوان و اسم باشد، به اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی کرده خواهد شد.

اصل چهل و هشتم

تمدید خط آهن و شوسه، به پول دولت و یا به خرچ شرکت و کمپانی‌های داخلی و یا خارجی، تماماً وابسته به تصویب مجلس شورای ملی است.

اصل چهل و نهم

مجلس شورای ملی حق دارد که در اوقات لازمه، عریضه‌ای به پیشگاه همایونی تقدیم دهد. اما تقدیم این عریضه به همه حال به توسط هیأتی مرکب از رئیس و شش نفر اعضا که سایر طبقات از بین خود انتخاب می‌کنند، خواهد بود. وقت شرفیابی حضور هم اولاً توسط وزارت دربار استیدان می‌شود.

اصل پنجاهم

وزرا برای استماع مذاکرات، در جلسات مجلس شورای ملی حضور به هم رسانده می‌توانند و نیز حق دارند که در صورت لزوم به استجازه رئیس

مجلس، برای مذاکره و تدقیقات امور توضیحات بدهند. در مجلس برای حضور وزرا، موضع معینه می‌باشد.

پنجاه و یکم

هر گونه قوانین جدیدی که به وضع آن احتیاج حس شود، از طرف وزارت تجویز و انشا گردیده، توسط وزرا یا صدراعظم به مجلس شورای ملی اظهار می‌شود و بعد از تصویب مجلس، به صحنه پادشاهی مزین گشته، قابل التعمیل می‌گردد.

اصل پنجاه و دوم

لزوماً رئیس مجلس می‌تواند که شخصاً یا به پیشنهاد ده نفر از اعضای مجلس و یا وزیری، بدون حضور نمایندگان جراید و معاینه کنندگان، اجلاس محرمانه تشکیل دهد و نیز می‌تواند انجمن محرمانه مرکب از یک‌عده منتخبین اعضای مجلس که اعضای سایرۀ مجلس، حق دخول در آن نداشته باشند، ترتیب نماید. مگر نتیجه انجمن یا اجلاس محرمانه وقتی مرعی خواهد بود که در هر دو صورت، مسئله مبحوث عنها، به حضور سه ربع از منتخبین، مطرح مذاکره شده و به اکثریت آراء قبول شده باشد. در صورتی که مطلب در انجمن محرمانه قبول نشود، در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند.

اصل پنجاه و سوم

در صورتی که مجلس محرمانه به خواهش رئیس دایر شده باشد، اگر از مذاکرات را تا اندازه مناسب، به اطلاع عموم برساند، اختیار دارد. اما اگر تشکیل مجلس به تقاضای وزیری بوده است، در آن صورت افشای مذاکرات هم وابسته به اجازه خود وزیر خواهد بود.

اصل پنجاه و چهارم

وزرا مطلب اظهار نمودگی خود را ولو هر قدر بر وی مباحثه شده باشد، حق دارند که از مجلس مسترد کنند. اما اگر اظهار ایشان به خواهش مجلس بوده است، برای استرداد مطلب، موافقت مجلس هم شرط است.

اصل پنجاه و پنجم

اگر لایحه اظهار نمودگی وزیری را مجلس قبول ننماید، با ملاحظات خود عودت خواهد داد. این لایحه وقتی به مجلس ثانیاً اظهار خواهد شد که وزیر ملاحظات مجلس را رد یا قبول نماید.

اصل پنجاه و ششم

اظهار رأی از طرف اعضای مجلس شورای ملی راجع به تردید یا قبول مطلب، واضح و بالتصریح می شود و هیچ کس نمی تواند ایشان را به دادن رأی خویش تحریض یا تهدید نماید. اظهار رد یا قبول اعضای مجلس به علامات ظاهری، امثال ورقه سیاه و سفید بوده، محل ادراک و افادات نمایندگان جراید و معاینه کنندگان خواهد بود.

عنوان مطلب از طرف مجلس

اصل پنجاه و هفتم

هر یک از مطالبی که از طرف اعضای مجلس عنوان می شود، آن وقت قابل مذاکره خواهد بود که اقلأ ربع اعضا، مذاکره مطلب مذکور را تصویب بدارند. در این صورت عنوان مذکور کتباً به رئیس مجلس

تقدیم می‌شود و اگر رئیس مجلس آن لایحه را بدواً در انجمن تحقیق، تحت تدقیق بگیرد، می‌تواند.

اصل پنجاه و هشتم

یک عده از اعضای شورای ملی که با انتخاب سایر اعضا و تصویب رئیس شورا، منتخب و تجزیه می‌شود به نام (انجمن تحقیق) سنجش‌های ابتدایی مسائل وارده شورا را به دقت نموده، از آن جمله مواد قابل‌الذکر مجلس را همراه یک لایحه نظریه خودها به رئیس مجلس پیش می‌دارند و به اجازه رئیس، مطرح مذاکره می‌شود و موادی که اکمال بخواند یا مذاکره مجلس را ایجاب نکند، با اسباب موجب آن از طرف رئیس به وزارت منسوبه‌اش اعاده می‌شود. اعضای انجمن تحقیق اقلاً ده نفر خواهد بود.

اصل پنجاه و نهم

مطالبی که نظر به اصل (۵۷) در مجلس عنوان می‌شود، اگر متعلق به یکی از وزرا باشد، در وقت مذاکره و تدقیق لایحه مذکوره، چه در انجمن تحقیق و یا در مجلس، باید به وزیر متعلقه‌اش خبر داده شود که شخصاً خودش حاضر شود و یا معین خود را بفرستد و یک نقل لایحه و ضمایم آن را باید مجلس، قبل از احضار وزیر و یا معین برای مسبوقیت‌شان از ده‌الی پانزده روز به استثنای مطالب ضروری به وزارت منسوبه ارسال دارد.

اصل شصتم

در صورتی که وزیر بنا بر کدام مصلحتی در مطالب معنون از طرف مجلس موافقت نتواند، لازم است معاذیر خودش را مواجهاً تصریح و مجلس را قانع بسازد.

اصل شصت و یکم

وزیری که مجلس شورای ملی از وی توضیحات بطلبد، از جواب ناگزیر

و مسئول است و بدون عذر موجه و علاوه از اقتضا، به تعویق و تأخیر جواب هم مجاز نیست، الا در صورتی که مطالب، محرمانه و در اختفای آن برای یک مدت، صلاح ملت و دولت باشد. اما بعد موعده معینه، به ابراز مطلب مذکور به حضور مجلس مکلف است.

اصل شصت و دوم

عرض شخصی افراد تبعه که به دوایر رسمیه تا مرکز وزارت منسوبه، غور آن نشود، ذریعۀ وکیل محلی خود شامل مجلس شورا، عرض و استغاثه کرده می‌توانند. از ریاست شورا این قسم عرایض برای غور و تحقیق به مقام صدارت فرستاده می‌شود.

اصل شصت و سوم

در وقت رحلت پادشاه، اگر مجلس شورای ملی تعطیل باشد، حتماً انعقاد خواهد شد و انعقاد مجلس از فوت پادشاه باید زیاده از بیست روز معطل نشود.

اصل شصت و چهارم

قبل از رحلت پادشاه، اگر دوره و کالت و کلا تمام شده باشد و در موقع رحلت، دیگر و کلا معین نگردیده باشند، مجلس با وجود و کلائی دورۀ سابقه انعقاد می‌شوند.

اصل شصت و پنجم

موادی که در مجلس شورای ملی تصویب می‌شود، باید با حکم دین مبین اسلام و سیاست مملکت مخالفت نداشته باشد.

اصل شصت و ششم

مصوبات و قرارهای مجلس شورا بالعموم بعد از امضای ذات شاهانه در موقع اجرا گذارده می‌شود.

مجلس اعیان

اصل شصت و هفتم

مجلس اعیان مرکب است از اشخاص تجربه کار و با بصیرت که رأساً از طرف قرین الشرف پادشاهی انتخاب و تعیین می شوند. مرکز انعقاد آن کابل است.

اصل شصت و هشتم

تصویب اصولات موضوعه، متعلق است به مجلسین شورای ملی و اعیان. پیشنهادهاتی که از طرف هیأت وزرا در این مجلس عنوان می شود، پس از مذاقه و مذاکره، به اکثریت تصدیق و به غرض تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده می شود. برعکس آن مواد مصوبه شورای ملی، در مجلس اعیان ملاحظه و تصویب می گردد.

اصل شصت و نهم

در وقت افتتاح مجلس شورای ملی، اگر مجلس اعیان منعقد نشده باشد، مصوبات مجلس شورای ملی معطل نمی ماند و بعد از صحه همایونی در معرض اجرا گذارده می شود.

اصل هفتادم

مطالبی که در مجلس اعیان تصویب و به مجلس شورای ملی فرستاده می شود، در صورتی که به مجلس شورای ملی قبول نشود، نظر به اهمیت مطلب، مجلس دیگری مرکب از یک عده اعضای مجلسین تشکیل می گردد. تعداد اعضای این مجلس که بالتساوی انتخاب می شوند، اقل بیست نفر خواهند بود. مجلس منتخبه به مسأله متنازع فیه، غور و دقت

نموده، رأی خود را به مجلس شورای ملی ارائه می دهند. اگر بر رأی مجلس منتخبه، مجلس شورای ملی موافقت نکرد، موضوع به حضور ملوکانه معروض می گردد و به اراده سنیه فیصله می شود.

مجالس مشاوره ولایات

اصل هفتاد و یکم

در مرکز نایب الحکومه گی ها و حکومتات اعلی و کلان، یک یک مجلس مشوره تشکیل می شود.

اصل هفتاد و دوم

صورت انتخاب و تعداد اعضا و وظایف آن مجلس در اصولنامه مخصوص آن، بیان و ایضاح می گردد.

وظایف و حقوق وزرا

اصل هفتاد و سوم

امور اجراییه مملکت به ذریعه وزرای دولت که به انتخاب صدراعظم و منظوری حضور ملوکانه تعیین می شوند اداره می شود.

اصل هفتاد و چهارم

ریاست هیأت وزرا مفوض است به صدراعظم. در غیاب صدراعظم، وزیر وزارت اول وظیفه ریاست را ایفا می دارد.

اصل هفتاد و پنجم

هیچ کس نمی تواند مقام وزارت را اشغال نماید، بدون این که مسلمان و از تبعه افغانستان باشد.

اصل هفتاد و هشتم

هر یک از وزرا در سیاست عمومی دولت مشترکاً و در امور موظفۀ وزارت متعلقۀ خود مخصوصاً، به نزد شورای ملی مسئول اند. بناءً علیه، ذات شاهانه غیر مسئول می باشند.

اصل هفتاد و نهم

مسئولیت وزرا و سیاستی را که راجع به آنها می شود، اصول تعیین خواهد نمود.

اصل هفتاد و دهم

وزرا امورات مربوط متعلقۀ خود را به اندازه اختیارات خود اجرا و مافوق آن را به حضور صدراعظم تقدیم می دارند. صدراعظم به درجه صلاحیت و ظایف خود اجرا نموده، مافوق آن را به حضور ملوکانه عرض و هدایت می گیرد.

اصل هفتاد و یازدهم

هر گاه یکی از وزرای دولت، به جرم خلاف ورزی در حدود وظیفۀ رسمی شان مظنون واقع شوند، مرجع محاکمۀ شان دیوان عالی شناخته می شود. دیگر دعاوی شخصیه وزرا که خارج وظیفۀ مأموریت شان باشد، مانند سایر رعایا به محاکم عدلیه مراجعت می نمایند.

اصل هشتادم

وزیری که تحت اتهام می آید، الی نتیجه محاکمه و براءت آن، از وظیفه رسمی معطل می ماند.

اصل هشتادویکم

در غیاب وزرا، معین وزارت یا وکیل که عنداللزوم مقرر شود، تمام اختیارات شخص وزیر را دارا می‌گردد.

اصل هشتادودوم

برای تفتیش احوال عمومی وزرا و مأمورین، یک هیأت تفتیشیه به استیذان حضور شاهانه مطابق لایحه مخصوصه آن، از شورای ملی انتخاب و تعیین می‌شود.

اصل هشتادوسوم

تعداد وزارت و تشکیل دواير و وظایف‌شان در اصولنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

حقوق مأمورین

اصل هشتادوچهارم

بالعموم مأمورین مطابق موادی که در اصولنامه‌های مخصوصه ایضاح گردیده، به مأموریت‌هایی که لایق و مناسب باشند، تعیین کرده می‌شوند و هیچ یک از مأمورین تازمانی که از وظیفه خود مستعفی نشود و یا از طرف دولت بنا بر یک امر ضروری لازم، تبدیلی و یا موقوفی نباشد، اصلاً عزل و موقوف نمی‌شود و مأمورینی که حسن سلوک و استقامت خدمت خودها را ابراز نمایند، مطابق اصولنامه‌های مخصوصه، استحقاق ترقی رتبه و مأموریت و مستمری را دارند.

اصل هشتادوپنجم

همه مأمورین علی‌المراتب در اطاعت امر مافوق‌شان، مطابق اصولنامه‌های

موضوعه، مکلف هستند. آمران مافوق و مأمورین ماتحت، هیچ یک امر را خلاف آن اجرا کرده نمی توانند. هر گاه از طرف آمران مافوق، در اجرای کدام امر خلاف اصول بالای مأمورین ماتحت امر اجرا شود، مأمورین ماتحت، قبل از اجرای آن، به مرکز وزارت الی صدارت عظمی باید اطلاع نمایند.

اصل هشتادوشم

وظایف مأمورین در اصولنامه های مخصوصه، تعیین و تفریق گردیده، هر مأمور موافق هدایات اصولنامه های موضوعه و وظایف موظفه اش، مسئول شناخته می شود.

محاکم

اصل هشتادوهفتم

محاکم عدلیه مرجع دعاوی عمومیه شرعیه می باشد.

اصل هشتادوهشتم

در محاکم شرعیه دعاوی مرجوعه، مطابق مقررات مذهب مهذب حنفی (رح) فیصله می شوند.

اصل هشتادونهم

همه محاکم از هر گونه مداخلت آزاد هستند.

اصل نودم

در محاکم عدلیه، دعاوی به صورت علنی فیصله می شود، به استثنای مسائلی که شارع فیصله آن را به طریق خفیه هدایت داده است.

اصل نودویکم

در حضور محاکم هر شخص برای محافظه حقوق خود، همه وسائط مشروع را پیشنهاد نموده می تواند.

اصل نودودوم

محاکم عدلیه در رؤیت و فیصله دعاوی به استثنای امر شرعی، تأخیر و ممانعت کرده نمی تواند.

اصل نودوسوم

هیچ کس خارج محاکم برای فیصله بعضی فقرات مخصوصه، یک محکمه فوق العاده تشکیل داده نمی تواند.

اصل نودوچهارم

صنوف و درجات محاکم و صلاحیت شان به اصولنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

دیوان عالی

اصل نودوپنجم

دیوان عالی برای محاکمه وزرای دولت عند الاقتضا موقتاً تشکیل می یابد و بعد انجام اموری که به او سپرده می شود، فسخ می گردد.

اصل نودوششم

طرز تشکیل دیوان عالی و اصول محاکمه در آن، مطابق اصولنامه مخصوصه آن اجرا می شود.

امور مالیه

اصل نودوهفتم

همه محصولات دولت مطابق اصولنامه مخصوصه آن اخذ می شود.

اصل نودوهشتم

هر سال برای واردات و مصارفات دولت، یک بودجه مطابق اصل (۴۳) تنظیم کرده می شود. این بودجه برای واردات دولت، موازنه و برای مصارفات، اساس بوده، همه مصارفات از روی آن اخذ و صرف می شود.

اصل نودونهم

بعد از تطبیق و اجرای بودجه سالانه، یک محاسبه قطعی تنظیم می شود. این محاسبه قطعی مقدار حقیقی واردات و مصارفات این سال را حاوی می باشد.

اصل یکصدم

برای تنظیم محاسبه قطعی و برای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجرای آن، اصولنامه مخصوصه موجود است.

اصل یکصد و یکم

تخفیف و یا معافی مالیات به موجب اصولنامه مخصوصه آن اجرا می شود.

اداره ولایات

اصل یکصد و دوم

اصول اداره ولایات از سه قاعده اساسیه مبنی است: ۱. توسیع مآذونیت؛ ۲. تفریق وظایف؛ ۳. تعیین مسئولیت.

بنابر قواعد مذکوره همه وظایف مأمورین ولایات، مطابق اصولنامه های موضوعه، تعیین و تفریق کرده شده است و اختیارات مأمورین نیز بر طبق اصولات موضوعه، محدود است و هر مأمور در وظایف خود علی المراتب نزد آمر ما فوقش مسئول شناخته می شود.

اصل یکصد و سوم

در ولایات از هر شعبه وزارت، مأمورین جداگانه مقرر هستند. افراد اهالی برای اجرای کار و انجام حوایج خود به شعبات مرجوعه مراجعت می کنند.

اصل یکصد و چهارم

هرگاه در یک حصه مملکت، آثار عصیان و بغاوت که مخل امنیت عمومی باشد، حس کرده شود، حکومت برای دفع بغاوت و قیام امنیت، تدابیر لازمه کرده می تواند.

اصل یکصد و پنجم

تشکیل دوائر بلدییه و وظایف آن قرار اصولنامه مخصوص آن اجرا می شود.

عسکر

اصل یکصد و ششم

صورت اخذ عسکر به موجب اصول مخصوصه آن اجرا می شود. وظایف و حقوق عسکری و ترقی در مناصب به موجب اصول است.

اصل یکصد و هفتم

حقوق و مناصب هیچ یک افراد عسکری سلب نمی شود، مگر به موجب اصول.

اصل یکصد و هشتم

تبعه خارجه در مسلک عسکری، به استثنای صنف داکتری و معلمی حربی قبول نمی شوند.

اصول متفرقه

اصل یکصد و نهم

مصونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالی است. همه مکاتیب و مراسلات محصولی اهالی که تودیع پوسته می شود، تا از طرف یک محکمه، حکم جواز تجسس نشود، در هیچ پوسته خانه و دیگر جا باز نمی شود و هم چنان سر بسته به مرسل الیه سپرده می شود.

اصل یکصد و دهم

در اموری که از حضور شاهانه و یا صدراعظم، به یکی از وزرا یا دیگر

مأمورین، امر شفاهی فرموده شود، باید احکام تحریری آن را به امضای همایونی و یا صدراعظم حاصل دارند.

تعمیل و اجرای احکام مواد اصولنامه هذا را امر و اراده می فرمایم.

محل مهر نادر خان^۱

تحریر (۸) عقرب ۱۳۱۰ شمسی،

مطابق (۱۹) جمادی الثانی

۱۳۵۰ قمری.

ضمیمه اصول اساسی مملکت

۱. مأمورین وزارت خارجه و صاحب منصبان عسکری و هم چنان محصلین افغانی که به پول دولت برای تحصیل در خارج مملکت اعزام می شوند، به از دواج از تبعه خارجه مجاز نیستند.

۲. اتباع خارجه در افغانستان قطعاً حق استملاک ندارند. با سفارت های دول خارجه مقیمین افغانستان، حسب مقاولات طرفین به صورت معامله متقابل رفتار می شود.

مورخه ۱۲ سنبله ۱۳۱۱ شمسی، مطابق غره جمادی الاول ۱۳۵۱ قمری.

تعدیل اصل ۲، ضمیمه نمبر اول

اصول اساسی مملکت

اتباع خارجه در افغانستان حق استملاک ندارند. با سفارت خانه ها و

۱. در داخل مهر، عبارت ذیل دیده می شود: الامیر الغازی محمدنادر پادشاه افغانستان. به موجبش تعمیل شود.

قونسلگری‌های خارجه در افغانستان، حسب مقاولات طرفین به صورت معامله متقابله رفتار می‌شود.

مورخه ۲۴ اسد ۱۳۱۷.

تعدیل اصل (۵۱) اصول اساسی

هرگاه یکی از وزارت یا دوائر مستقله، به وضع اصولنامه احتیاج حس نماید، لایحه آن را ترتیب نموده، در مجلس وزرا تدقیق و بعد از تصویب مجلسین شورا و اعیان و صحه همایونی، قابل التعمیل می‌گردد.
مورخه ۲۶ حمل ۱۳۱۳ شمسی، مطابق ۳۰ ذی الحجه ۱۳۵۲ قمری.

(۴)

قانون اساسی افغانستان^۱ دورهٔ محمدظاهر شاه^۲ (۹ میزان ۱۳۴۳ شمسی)

۱. منبع اصلی این قانون اساسی: جریدهٔ رسمی افغانستان، شمارهٔ فوق‌العاده، مسلسل ۱۲، شنبه ۱۱ میزان ۱۳۴۳، کابل.

۲. برای تدوین این قانون اساسی در ابتدا به تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۶۳ کمیته‌ای مرکب از ۷ نفر به ریاست سید شمس‌الدین مجروح وزیر عدلیه وقت، موظف به تهیه مسوده قانون شدند که به مدت یک‌سال به عنوان کمیته تسوید قانون اساسی کار کردند. سپس کمیسیون مشورتی مرکب از ۲۸ نفر، مسوده تهیه شده را از اول مارچ تا اول ماه می ۱۹۶۴ مورد بررسی و تدقیق مجدد قرار دادند. به تاریخ ۱۸ تا ۲۸ سنبله ۱۳۴۳ (سپتمبر ۱۹۶۴)، لویه‌جرگه قانون اساسی مسوده مذکور را مورد مطالعه و بحث قرار داده و سرانجام به تاریخ ۲۹ سنبله در ۱۱ فصل و ۱۲۸ ماده مورد تصویب قرار دادند و ده روز بعد به تاریخ ۹ میزان با توشیح از طرف ظاهرشاه نافذ گردید و قانون اساسی زمان نادرشاه ملغی اعلام شد.

از آنجا که میر محمدصدیق فرهنگ خود یکی از اعضای کمیته تسوید بوده، در کتاب خود مراحل تسوید و تصویب این قانون و اختلاف نظرهای مطرح در میان صاحب نظران و اراکین قدرت و هم‌چنین بحث‌های مطرح شده در لویه‌جرگه را به طور دقیق و به اختصار بیان کرده است. (نگاه کنید به: میر محمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ ۱۹، انتشارات عرفان، تهران، ۱۳۸۵، از ص ۷۷۵ الی ۷۸۷. هم‌چنین نگاه کنید به: صباح‌الدین کشککی، دههٔ قانون اساسی).

توشیح پادشاه افغانستان

ما المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان، مسوده قانون اساسی جدید افغانستان که از طرف لویه جرگه ای که از هجدهم تا بیست و هشتم ماه سنبله سال ۱۳۴۳ هـ.ش، در شهر کابل انعقاد یافت، تصویب گردیده، به نام خداوند بزرگ توشیح می کنیم و سر از امروز آن را به حیث قانون اساسی افغانستان، در تمام نقاط دولت، نافذ اعلام می نمایم.

سر از امروز قانون اساسی ای را که از طرف لویه جرگه سال ۱۳۰۹ هـ.ش، تصویب گردیده و تاکنون در کشور نافذ بوده، با تمام ضمائم آن ملغی اعلام می داریم.

محمد ظاهر شاه
پادشاه افغانستان
قصر گلخانه
۹ میزان ۱۳۴۳

بسم الله الرحمن الرحيم به نام خداوند توانا و دادگر

به منظور تنظیم حیات ملی افغانستان، مطابق به مقتضیات عصر و براساس
واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی؛

به منظور تأمین عدالت و مساوات؛

به منظور تطبیق دموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

به منظور تنظیم شئون و ارکان دولت، برای تأمین آزادی و رفاه افراد

و حفظ نظم عمومی؛

به منظور انکشاف متوازن تمام امور حیاتی افغانستان؛

و در نهایت:

به منظور تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و

حفظ کرامت انسانی؛

ما مردم افغانستان با درک تحولات تاریخی که در زندگانی ما به
حیث یک ملت و یک جزء جامعه بشری به وقوع پیوسته، در حالی که
ارزش‌های فوق‌راحق همه جوامع بشری می‌دانیم، به قیادت اعلی حضرت
محمدظاهر شاه پادشاه و پیشوای زندگانی ملی افغانستان، این قانون اساسی
را برای خود و نسل‌های آینده وضع کردیم.

فصل اول دولت

ماده اول

افغانستان، دولت پادشاهی مشروطه، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه است. حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت دولت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند. بر هر فرد از افراد مذکور کلمه افغان اطلاق می شود.

ماده دوم

دین افغانستان دین مقدس اسلام است. شعایر دینی از طرف دولت مطابق به احکام مذهب حنفی اجرا می گردد. آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند، در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودی که قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین می کند، آزاد می باشند.

ماده سوم

از جمله زبان های افغانستان، پشتو و دری، زبان های رسمی می باشد.

ماده چهارم

بیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه به رنگ های سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی به اندازه های مساوی از چپ به راست در کنار هم واقع شده. عرض مقدار هر رنگ معادل نصف طول آن است. در وسط، نشان

محراب و منبر به رنگ سفید جا دارد که در دو گوشه آن دو بیرق نصب و از دو طرف به دو خوشه گندم احاطه شده است.

ماده پنجم

پایتخت افغانستان شهر کابل است.

فصل دوم پادشاه

ماده ششم

در افغانستان، پادشاه حاکمیت ملی را تمثیل می کند.

ماده هفتم

پادشاه حامی اساسات دین مقدس اسلام، حافظ استقلال و تمامیت ساحه، نگهبان قانون اساسی و مرکز وحدت ملی افغانستان است.

ماده هشتم

پادشاه باید از تبعه افغانستان، مسلمان و پیرو مذهب حنفی باشد.

ماده نهم

پادشاه دارای حقوق و وظایف آتی می باشد:

۱. قیادت اعلاى اردوى افغانستان؛
۲. اعلان حرب و متارکه؛
۳. دایر کردن و افتتاح لویه جرگه؛
۴. افتتاح اجلاس عادى شورا؛
۵. دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورا؛

۶. منحل ساختن شورا و اصدار فرمان انتخابات مجدد؛
انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه از تاریخ انحلال شورا انجام
می یابد؛
۷. توشیح قوانین و اعلام انفاذ آن؛
۸. اصدار فرامین تقنینی؛
۹. اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام
قانون؛
۱۰. توشیح معاهدات بین الدول؛
۱۱. تعیین صدراعظم و قبول استعفای او، تعیین وزرا به پیشنهاد
صدراعظم و قبول استعفای آنها؛
۱۲. تعیین اعضای غیرانتخابی مشرانو جرگه و تعیین رئیس جرگه
مذکور از جمله اعضای آن؛
۱۳. تعیین قاضی القضاة و اعضای ستره محکمه؛
۱۴. تعیین و تقاعد قضاة و تعیین و تقاعد مأمورین و صاحب منصبان
عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛
۱۵. تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی،
تعیین نمایندگان دایمی افغانستان نزد مؤسسات بین المللی و قبول
اعتمادنامه های نمایندگان سیاسی خارجی؛
۱۶. اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن؛
۱۷. تخفیف و عفو مجازات.

ماده دهم

سکه به نام پادشاه ضرب می شود.

ماده یازدهم

در خطبه ها نام پادشاه ذکر می گردد.

ماده دوازدهم

نشان از طرف پادشاه مطابق به احکام قانون اعطا می شود. اعطای نشان متضمن هیچ نوع امتیاز مادی نمی باشد.

ماده سیزدهم

مصارف پادشاهی در بودجه دولت مطابق به قانون مصارف پادشاهی تعیین می گردد.

ماده چهاردهم

استفاده از صلاحیت های مندرج این فصل در داخل حدودی صورت می گیرد که احکام این قانون اساسی تعیین نموده است.

ماده پانزدهم

پادشاه غیر مسئول و واجب الاحترام است و با حضور اعضای خانواده پادشاهی، حکومت و اعضای ستره محکمه در برابر جلسه مشترک هر دو جرگه شورا حلف آتی را به جا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خدای عظیم سو گند یاد می کنم که در کافه اعمال خود، خداوند (جل جلاله) را حاضر دانسته، اساسات دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی را حراست، استقلال وطن، تمامیت ساحه، قوانین دولت و حقوق مردم را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار برطبق احکام قانون اساسی افغانستان پادشاهی نمایم و مساعی خود را در راه سعادت و ترقی ملت افغانستان به کار برم.»

ماده شانزدهم

پادشاهی افغانستان در خانواده اعلی حضرت محمدنادر شاه شهید، برحسب احکام این قانون اساسی انتقال می نماید.

ماده هفدهم

هر گاه پادشاه، اراده استعفا بنماید، به مجلسی مرکب از رئیس ولسی جرگه، رئیس مشرانو جرگه، صدراعظم، قاضی القضاة و وزیر دربار پادشاهی اطلاع داده، بعد در خلال مدت هفت روز لویه جرگه را دایر می کند و استعفای خود را شخصاً یا توسط وزیر دربار به جرگه مذکور ابلاغ می نماید. در صورتی که لویه جرگه تصدیق نماید که استعفا از اراده پادشاه نشأت نموده، از تاریخ تصدیق آن استعفای پادشاه نافذ شمرده می شود.

ماده هجدهم

در موقع استعفا یا وفات پادشاه، پادشاهی به پسر بزرگش انتقال می یابد. در صورتی که پسر بزرگ پادشاه، واجد شرایط پادشاهی، که در این قانون اساسی ذکر گردیده، نباشد، پادشاهی به پسر دوم او و هم چنان الی آخر انتقال می کند.

ماده نوزدهم

هر گاه پادشاه وفات کند یا استعفا نماید و پسری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد، پادشاهی به بزرگترین برادر پادشاه انتقال می نماید. در صورتی که بزرگترین برادر پادشاه، واجد شرایط نباشد، پادشاهی به برادری که از نظر سن میان برادران بلافاصله بعد از او واقع باشد و هم چنان الی آخر انتقال می یابد.

در صورتی که پادشاه برادری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد، جانشین پادشاه از جمله بازماندگان پسری اعلی حضرت محمدنادر شاه شهید انتخاب می گردد.

در این حالت انتخاب پادشاه توسط مجلسی مرکب از لویه جرگه، حکومت و اعضای ستره محکمه صورت می گیرد. این مجلس در صورت

وفات، در خلال مدت پانزده روز از تاریخ وفات و در صورت استعفا در خلال مدت هفت روز از تاریخ نفاذ آن از طرف صدراعظم دایر می‌شود. تصمیم این مجلس به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد و بعد از موافقت شخصی که به حیث پادشاه انتخاب شده، نافذ شمرده می‌شود. از تاریخ وفات پادشاه یا نفاذ استعفای او تا انتخاب جانشین پادشاه، وزیر دربار، نائب پادشاه شناخته می‌شود.

ماده بیستم

هنگامی که پادشاه اراده سفر به خارج مملکت بنماید، یک یا چند نفر را به حیث وکیل خود تعیین می‌کند. شخص یا اشخاص مذکور در غیاب پادشاه، به وکالت از او امور پادشاهی را در حدود صلاحیتی که از طرف پادشاه به او داده می‌شود، بر طبق احکام این قانون اساسی اجرا می‌نماید. اشخاص ذیل به حیث وکیل تعیین نمی‌شوند:

۱. صدراعظم؛
۲. رئیس ولسی جرگه؛
۳. رئیس مشرانو جرگه؛
۴. قاضی القضاة.

ماده بیست و یکم

هرگاه پادشاه وفات کند و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد، تا موقعی که سن مذکور را تکمیل می‌کند، ملکه نیابت پادشاه را به عهده می‌گیرد. در صورتی که ملکه وجود نداشته باشد، مجلسی که در ماده نوزدهم ذکر گردید، شخصی را از جمله بازماندگان پسر اعلی حضرت محمدنادر شاه شهید به حیث نائب پادشاه انتخاب می‌کنند.

ماده بیست و دوم

هرگاه پادشاه استعفا نماید و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد، تا موقعی که سن مذکور را تکمیل می کند، مجلسی که در ماده نوزدهم ذکر گردیده، شخصی را از جمله بازماندگان پسری اعلی حضرت محمدنادر شاه شهید به حیث پادشاه انتخاب می نماید.

ماده بیست و سوم

نائب و وکیل پادشاه باید و اجد شرایط مندرج ماده هشتم باشد. نائب پادشاه امور شاهی را بر طبق احکام این قانون اساسی اجرا می کند. در صورتی که ملکه نیابت پادشاه را به عهده داشته باشد، از صلاحیت مندرج فقره دوم ماده نهم، به مشوره حکومت استفاده می کند. نائب پادشاه نمی تواند در مدت تصدی این عهده به مشاغل دیگر اشتغال ورزد. شخصی که بر حسب احکام مواد بیست و یکم و بیست و دوم این قانون اساسی، به صفت نائب پادشاه تعیین می گردد، هیچگاه به حیث پادشاه افغانستان انتخاب نمی شود.

در دوره نیابت پادشاهی مواد مربوط به جانشین فصل پادشاه این قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده بیست و چهارم

پسر و دختر و برادر و خواهر پادشاه و ازواج و زوجات و ابناء و بنات شان و عم و ابنای عم پادشاه، خانواده پادشاهی را تشکیل می دهند. در تشریفات رسمی دولت، خانواده پادشاهی بعد از پادشاه و ملکه اخذ موقع می نماید. مصارف خانواده پادشاهی در بودجه مصارف پادشاهی تعیین می شود. القاب مختص به خانواده پادشاهی می باشد و مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

اعضای خانواده پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمی‌ورزند و وظایف آتی را احراز نمی‌کنند:

۱. صدارت عظمی و وزارت؛

۲. عضویت شورا؛

۳. عضویت ستره محکمه.

اعضای خانواده پادشاهی حیثیت خود را به صفت عضو خانواده پادشاهی مادام الحیات حفظ می‌کنند.

فصل سوم حقوق و وظایف اساسی مردم

ماده بیست و پنجم

تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز، در برابر قانون، حقوق و وظایف مساوی دارند.

ماده بیست و ششم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه، که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است و انفکاک نمی‌پذیرد. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.

هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمی‌توان مجازات نمود، مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت که بعد از محاکمه علنی و حضوری صادر گردیده باشد.

هیچ کس را نمی توان مجازات نمود، مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمی توان تعقیب یا گرفتار نمود، مگر بر طبق احکام قانون. هیچ کس را نمی توان توقیف نمود، مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار نگیرد بی گناه شناخته می شود.

جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

تعذیب انسان جواز ندارد. هیچ کس نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر دهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد. اظهاری که از متهم یا شخص دیگر به وسیله اکراه به دست آورده شود اعتبار ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از اعترافی که متهم به رضای کامل در حالت صحت عقل، به ارتکاب جرمی که قانوناً به او نسبت داده شده، در حضور محکمه با صلاحیت می نماید.

هر شخص حق دارد برای دفع اتهامی که قانوناً به او متوجه شده و کیل مدافع تعیین کند.

مدیون بودن یک شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون شده نمی تواند. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

هر افغان حق دارد در هر نقطه ای از ساحه دولت خود سفر نماید و

مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هم چنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند. هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان و خارج از افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و هفتم

هیچ افغان به علت اتهام به یک جرم به دولت خارجی سپرده نمی شود.

ماده بیست و هشتم

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ کس به شمول دولت نمی تواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده، به مسکن کسی داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در موارد جرم مشهود مأمور مسئول می تواند به مسکن شخص بدون اجازه او یا اجازه قبلی محکمه، به مسئولیت خود داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از دخول یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند، فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده بیست و نهم

ملکیت از تعرض مصون است.

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود. استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه به موجب احکام قانون مجاز می باشد. هیچ کس از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود مگر در حدود قانون. طرز استعمال ملکیت به منظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمونی می شود.

تفتیش و اعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت می گیرد. دول و اتباع خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری ندارند. فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی براساس رویه بالمثل و به مؤسسات بین المللی ای که دولت افغانستان عضو آن باشد، بعد از موافقه حکومت مجاز می باشد.

ماده سی ام

آزادی و حریمت مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفن و تلگراف و یا وسایل دیگر، از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد، مگر به موجب فیصله محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون. در حالات عاجل که در قانون تعریف می گردد، مأمور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسئولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می کند فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و یکم

آزادی فکر و بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار کند. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی پردازد. اجازه و امتیاز تأسیس مطابع عمومی و نشر مطبوعات تنها به اتباع و دولت افغانستان مطابق به احکام قانون داده می شود. تأسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص به دولت است.

مادهٔ سی و دوم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، مطابق به احکام قانون، بدون اجازه قبلی دولت اجتماع نمایند. اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند. اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند مشروط بر این که:

۱. هدف و فعالیت حزب و مفکوره‌هایی که تشکیلات احزاب روی آن بنا شده، مناقض ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد.
 ۲. تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد.
- حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌یابد، بدون موجبات قانونی و حکم ستره محکمه منحل نمی‌شود.

مادهٔ سی و سوم

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود، مستحق جبران خساره می‌باشد و می‌تواند برای حصول آن در محکمه دعوی اقامه کند. دولت نمی‌تواند به جز در حالاتی که قانون تصریح می‌کند، بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

مادهٔ سی و چهارم

تعلیم حق تمام افراد افغانستان است و به صورت مجانی از طرف دولت و اتباع افغانستان فراهم می‌شود. هدف دولت در این ساحه رسیدن به مرحله‌ای است که در آن تسهیلات مناسب تعلیم و تربیه برای همهٔ افراد افغانستان، مطابق به احکام قانون، فراهم گردد. دولت مکلف است برای تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان

پروگرام موثری وضع و تطبیق نماید. رهنمونی و نظارت تعلیم و تربیه و وظیفه دولت است.

تعلیمات ابتدایی برای تمام اطفال در نقاطی که وسایل آن از طرف دولت تهیه شده حتمی می باشد.

تأسیس و اداره مؤسسات تعلیم عالی و عمومی تنها حق و وظیفه دولت است. در خارج این ساحه اتباع افغانستان حق دارند مکاتب اختصاصی و سوادآموزی تأسیس نمایند. شروط تأسیس، نصاب تعلیم و شرایط تحصیل در چنین مکاتب توسط قانون تنظیم می گردد.

حکومت می تواند مطابق به احکام قانون، به اشخاص خارجی اجازه تأسیس مکاتب خصوصی بدهد. از این مکاتب تنها اشخاص خارجی می توانند استفاده کنند.

ماده سی و پنجم

دولت موظف است پروگرام موثری برای انکشاف و تقویه زبان ملی پشتو وضع و تطبیق کند.

ماده سی و ششم

دولت موظف است در حدود توان خود، وسایل وقایه از امراض و علاج آن را به صورت متوازن، برای همه افغانها تهیه کند. هدف دولت در این ساحه، رسیدن به مرحله ای است که در آن تسهیلات صحی مناسب برای تمام افراد افغانستان فراهم گردد.

ماده سی و هفتم

کار حق و فریضه هر افغانی است که قدرت اجرای آن را داشته باشد. هدف عمده قوانینی که برای تنظیم کار وضع می گردد، رسیدن به مرحله ای است که در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود؛

شرایط مساعد کار فراهم گردد و روابط بین کارگران و کار فرمایان به صورت عادلانه و مترقی تنظیم یابد.

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین می نماید آزاد می باشد. تحمیل کار اجباری اگرچه برای دولت باشد جواز ندارد. تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانینی نمی شود که به منظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع می گردد.

ماده سی و هشتم

هر افغان مکلف است به دولت مالیه و محصول تأدیه کند. هیچ نوع محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمی شود. اندازه مالیه و محصول طرز تأدیه آن بارعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین می گردد. این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق می شود.

ماده سی و نهم

دفاع از وطن وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است. کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت عسکری مطابق به احکام قانون مکلف می باشند.

ماده چهلیم

پیروی از احکام قانون اساسی، وفاداری و احترام به پادشاه، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی، وظیفه تمام مردم افغانستان می باشد.

فصل چهارم شورا

مادهٔ چهل و یکم

شورای افغانستان مظهر اراده مردم آن است و از قاطبهٔ ملت نمایندگی می‌کند. مردم افغانستان به توسط شورا در حیات سیاسی مملکت سهم می‌گیرند.

هر عضو شورا در حالی که از یک حوزه معین انتخاب شده، در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی افغانستان را مدار قضاوت خود قرار می‌دهد.

مادهٔ چهل و دوم

شورا دارای دو مجلس می‌باشد: ولسی جرگه و مشرانو جرگه.

مادهٔ چهل و سوم

اعضای ولسی جرگه توسط انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم، مطابق به احکام قانون، از طرف مردم افغانستان انتخاب می‌شود.

افغانستان به این منظور به حوزه‌های انتخابی تقسیم می‌گردد. تعداد و ساحه حوزه‌ها توسط قانون تعیین می‌شود. از هر حوزه یک نفر وکیل انتخاب می‌گردد. داوطلبی که در حوزهٔ خود مطابق به احکام قانون، رأی بیشتر حاصل می‌کند، وکیل شناخته می‌شود.

مادهٔ چهل و چهارم

اعضای ولسی جرگه برای مدت چهار سال که یک دوره تقنینیه است، انتخاب می‌شوند.

هر گاه شورا مطابق به احکام این قانون اساسی منحل شود، ولسی جرگه جدید برای یک دورهٔ تقنینیه انتخاب می‌گردد. ولی تاریخ ختم آن طوری تنظیم می‌شود که جرگه مابعد، به تاریخی که در مادهٔ پنجاه و نهم تثبیت گردیده افتتاح شود.

مادهٔ چهل و پنجم

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل تعیین و انتخاب می‌شود:

۱. یک ثلث اعضا از جمله افراد خیر و باتجربه برای مدت پنج سال از طرف پادشاه تعیین می‌شود.

۲. دو ثلث دیگر اعضا بر حسب آتی انتخاب می‌شوند:

الف. هر جرگه ولایت، یک نفر از جمله اعضای خود را برای مدت سه سال به عضویت مشرانو جرگه انتخاب می‌کند.
ب. ساکنین هر ولایت، یک نفر را از طریق انتخابات، آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای مدت چهار سال به عضویت مشرانو جرگه انتخاب می‌کنند.

مادهٔ چهل و ششم

شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین می‌گردد. اشخاصی که به عضویت شورا تعیین یا انتخاب می‌شوند، باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان، واجد او صاف ذیل باشند:

۱. اقلاً ده سال قبل از تاریخ تعیین یا انتخاب، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشند.

۲. بعد از نفاذ این قانون اساسی، از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشند.

۳. خواندن و نوشتن بدانند.

۴. اعضای ولسی جرگه، باید سن بیست و پنج را در موقع انتخاب و اعضای مشرانو جرگه سن سی را در موقع تعیین یا انتخاب تکمیل کرده باشند.

مادهٔ چهل و هفتم

رئیس و اعضای حکومت، قضات، صاحب منصبان و افراد اردو، مأمورین و دیگر کارکنان اداری، نمی توانند در هنگام تصدی و وظیفه به عضویت شورا تعیین یا انتخاب شوند.

مادهٔ چهل و هشتم

هیچ کس نمی تواند در یک وقت عضو هر دو جرگه باشد.

مادهٔ چهل و نهم

با رعایت احکام این قانون اساسی، انتخابات مطابق به احکام قانون صورت می پذیرد.

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات در دو سال اخیر دورهٔ تقنینیه ولسی جرگه، در فهرست کار هیچ یک از دو جرگه داخل شده نمی تواند.

مادهٔ پنجاهم

و ثایق عضویت در هر جرگه توسط خود جرگه، تدقیق می گردد. طرز تدقیق و ثایق در اصول و ظایف داخلی هر جرگه تعیین می شود.

مادهٔ پنجاه و یکم

هیچ عضو شورا به علت رأی یا نظریه ای که هنگام اجرای وظیفه، در داخل شورا یا خارج از آن ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

هر گاه یک عضو شورا به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع، به جرگه ای که متهم عضو آن است اطلاع می دهد و بعد از آن که جرگه مذکور با اکثریت دو ثلث اعضا اجازه بدهد، متهم تحت تعقیب عدلی

قرار می‌گیرد. جرگه می‌تواند اجازه خود را به اکثریت دو ثلث اعضا مسترد نماید.

در موارد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه جرگه‌ای که او عضو آن می‌باشد، تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع جرگه مربوطه برساند و در صورتی که جرگه مذکور اجازه بدهد متهم توقیف شده می‌تواند.

در صورتی که اتهام در هنگام تعطیل جرگه صورت بگیرد، اجازه توقیف از هیأت اداری جرگه حاصل می‌گردد. فیصله هیأت به نخستین جلسه آینده جرگه جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

ماده پنجاه و دوم

اعضای شورا نمی‌توانند به شغل دیگری اشتغال ورزند. این حکم شامل زراعت و دیگر مشاغل آزاد نمی‌باشد.

ماده پنجاه و سوم

برای اعضای شورا معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد.

ماده پنجاه و چهارم

هر عضو شورا حق دارد در جرگه مربوطه خود در موضوع مورد مباحثه، نظریه خود را مطابق به اصول و وظایف داخلی اظهار کند.

ماده پنجاه و پنجم

هر دو جرگه در وقت واحد، به صورت جداگانه اجلاس می‌کنند. مشرانو جرگه می‌تواند برای مطالعه طرح بودجه دولت در مدت تعطیل ولسی جرگه، جلسه فوق‌العاده خود را دایر کند.

در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف پادشاه افتتاح

می‌گردد، جلسه مشترک هر دو جرگه دایر می‌شود.

ماده پنجاه و هشتم

حکومت می‌تواند در جلسات هر یک از دو جرگه اشتراک ورزد. هر جرگه می‌تواند حضور رئیس یا اعضای حکومت را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده پنجاه و نهم

مباحثه جلسات هر دو جرگه علنی می‌باشد، مگر این که رئیس حکومت، رئیس جرگه یا اقلاده نفر از اعضا، سری بودن آن را درخواست نماید و جرگه این درخواست را بپذیرد. جرگه می‌تواند با اکثریت دو ثلث اعضا جریان مباحثه‌ای را که به طور سری صورت گرفته، دوباره علنی بسازد. جریان مباحثه هر دو جرگه ثبت می‌گردد. هیچ کس نمی‌تواند عنفاً به مقرر شورا داخل شود. متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات می‌شود.

ماده پنجاه و دهم

جز در مواردی که حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده، تصمیم هر جرگه به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده پنجاه و یازدهم

هر جرگه در هر سال یک اجلاس عادی دایر می‌کنند که به تاریخ بیست و دوم میزان آغاز می‌گردد. تعداد اجلاس سالانه توسط قانون تعیین شده می‌تواند. در این صورت تاریخ آغاز اجلاس و مدت آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مدت کار هر جرگه در هر سال هفت ماه است. در صورت ایجاب کار هر جرگه می‌تواند این مدت را تمدید نماید.

در هنگام تعطیل به امر پادشاه، به درخواست حکومت یا رئیس یکی از دو جرگه یا یک خمس از اعضای آن اجلاس فوق العاده شورا دایر می شود. جلسه فوق العاده توسط فرمان پادشاهی که بعد از مشوره با رؤسای دو جرگه صدور می یابد، ختم می گردد.

ماده شصتم

رئیس مشرانو جرگه از بین اعضای آن از طرف پادشاه تعیین می شود. ولسی جرگه از بین اعضای خود یک نفر را به حیث رئیس انتخاب می کند. هر جرگه از بین اعضای خود یک نفر نائب اول رئیس، یک نفر نائب دوم رئیس، یک نفر منشی و یک نفر نائب منشی انتخاب می کند. اشخاص فوق هیأت اداری جرگه را تشکیل می دهند. هیأت اداری ولسی جرگه در آغاز دوره تقنینیه انتخاب می شود. نایبان رئیس، منشی و نائب منشی مشرانو جرگه، در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب می گردد.

رئیس هر جرگه مباحثه جرگه مذکور را اداره می نماید و برای برقراری نظم و امنیت در مقرر جرگه تدابیر لازم اتخاذ می کند. سایر وظایف رئیس در اصول وظایف داخلی تعیین می گردد.

در غیاب رئیس، نائب اول و در غیاب نائب اول، نائب دوم وظیفه رئیس را اجرا می کند. منشی هر جرگه مباحثات آن را ثبت می کند و امور دارالانشای جرگه را سرپرستی می نماید. در غیاب منشی، نایب وظیفه او را اجرا می کند.

ماده شصت و یکم

هر جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث، بر طبق احکام اصول وظایف داخلی، انجمن ها تعیین می نماید.

ماده شصت و دوم

هر جر که اصول و وظایف داخلی خود را وضع می نماید.

ماده شصت و سوم

شورا می تواند به امر پادشاه منحل شود. انحلال شورا در حالت مندرج ماده یک صد و بیست و یکم حتمی است. انحلال شورا شامل اعضای غیر انتخابی مشرانو جر که نیز می باشد.

ماده شصت و چهارم

شورا برای تنظیم امور حیاتی افغانستان، مطابق به احکام این قانون اساسی قوانین وضع می کند. هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات اردوی افغانستان به خارج، اعطای امتیازات دارای اهمیت در اقتصاد ملی به شمول انحصار، اجازه نشر پول و اخذ قرضه از صلاحیت شورا می باشد. امتیازاتی که اعطای آن از صلاحیت شورا می باشد، توسط قانون تعیین می گردد.

ماده شصت و پنجم

حکومت نزد ولسی جر که مسئول می باشد.

ماده شصت و ششم

اعضای ولسی جر که می توانند از حکومت استیضاح نمایند. مباحثه در مورد توضیحی که از طرف حکومت داده می شود، به تصمیم جر که منوط می باشد.

ماده شصت و هفتم

اعضای شورا می توانند از صدر اعظم یا وزرا در موضوعات معین سؤال بنمایند. اشخاصی که از آن ها سؤال به عمل آمده، مکلف اند جواب

شفوی یا تحریری بدهند. این جواب مورد مباحثه قرار نمی گیرد.

ماده شصت و هشتم

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث از اعضای خود، جهت تحقیق و مطالعه اعمال حکومت و اجرائات اداره، انجمن تحقیق تعیین نماید. ترکیب و طرز العمل انجمن تحقیق در اصول و ظایف داخلی تثبیت می گردد.

ماده شصت و نهم

به استثنای حالاتی که برای آن طرز العمل خاصی در این قانون اساسی تصریح گردیده، قانون عبارت است از مصوبه موافق هر دو جرگه که به توشیح پادشاه رسیده باشد. در ساحه‌ای که چنین مصوبه‌ای موجود نباشد، عبارت است از احکام فقه حنفی شریعت اسلام.

ماده هفتادم

پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه صورت گرفته می تواند.

ماده هفتاد و یکم

پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا ستره محکمه به هر یک از دو جرگه تقدیم شده می تواند.

ماده هفتاد و دوم

هرگاه پیشنهاد وضع قانون از طرف اعضای یکی از دو جرگه صورت بگیرد، بعد از تأیید ده نفر از اعضای جرگه‌ای که پیشنهاد به آن ارائه شده در فهرست کار داخل می گردد.

هرگاه پیشنهاد وضع قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می شود که در متن پیشنهاد

مدرک جبران، پیش‌بینی شده باشد. این حکم بر پیشنهاد وضع قانون از طرف ستره محکمه تطبیق نمی‌شود.

ماده هفتادوسوم

وقتی پیشنهاد وضع قانون در فهرست کاری یکی از دو جرگه داخل گردید، نخست به انجمن مربوط محول می‌گردد و بعد از آن که انجمن نظر خود را درباره آن ابراز کرد، طرح قانون با نظریه انجمن در جرگه، قرائت شده، بحث روی آن صورت می‌گیرد. بعد در مورد هر ماده رأی گرفته می‌شود و سپس طرح بار دوم قرائت شده، درباره رد یا تصویب آن به صورت یک کل رأی گرفته می‌شود.

ماده هفتادوچهارم

هرگاه تصویب یک جرگه از طرف جرگه دیگر رد شود، برای حل اختلاف، هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو جرگه مطابق به احکام قانون دایر می‌گردد. فیصله هیأت بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده می‌شود. در صورتی که هیأت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، تصویب رد شده به حساب می‌رود و هرگاه تصویب از طرف ولسی جرگه به عمل آمده باشد، دوره تقنینیه جدید ولسی جرگه می‌تواند آن را به اکثریت آرای اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده می‌شود.

هرگاه اختلاف دو جرگه در مورد طرح قوانین مالی باشد، در صورتی که هیأت مختلط به حل آن موفق نشود، ولسی جرگه می‌تواند در اجلاس مابعد، طرح مذکور را به اکثریت آرای اعضا تصویب نماید. طرح بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه قانون شمرده می‌شود.

ماده هفتادوپنجم

بودجه دولت از طریق مشرانو جرگه و توأم با نظریه مشورتی آن به

ولسی جرگه تقدیم می‌شود. رئیس ولسی جرگه بودجه و نظریات مشرانو جرگه را به انجمن مربوط تفویض می‌کند. بعد بودجه با نظریات انجمن مربوط در ولسی جرگه مطالعه می‌شود و درباره آن تصمیم اتخاذ می‌گردد. این تصمیم بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده می‌شود. این حکم در مورد مذاکرات ولسی جرگه راجع به پلان انکشافی حکومت نیز تطبیق می‌گردد.

هر گاه نظر به عللی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه سال جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌شود. حکومت مکلف است اقلأً یک‌ماه قبل از تقدیم طرح بودجه، حساب قطعی بودجه یک سال قبل را به ولسی جرگه تقدیم کند.

ماده هفتادوششم

هر گاه مشرانو جرگه فیصله خود را در مورد مصوبه ولسی جرگه در خلال مدت شش ماه از تاریخ وصول آن صادر نکند، مصوبه مذکور قبول شده به شمار می‌رود. در سنجش این مدت دوره تعطیل به حساب گرفته نمی‌شود.

ماده هفتادوهفتم

در هنگام تعطیل یا انحلال شورا حکومت می‌تواند در ساحه مذکور فقره اول ماده شصت و چهارم برای تنظیم امور عاجل، فرامین تقنینی ترتیب کند. این فرامین بعد از توشیح پادشاه حکم قانون را حائز می‌شود. فرامین تقنینی باید در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورا به شورا تقدیم گردد و در صورتی که از طرف شورا رد شود، از اعتبار ساقط می‌گردد.

فصل پنجم لویه جرگه

ماده هفتاد و هشتم

لویه جرگه مرکب است از اعضای شورا و رؤسای جرگه‌های ولایات. در حالت انحلال شورا اعضای آن حیثیت خود را به صفت اعضای لویه جرگه تا دایر شدن شورای جدید حفظ می‌کنند.

ماده هفتاد و نهم

با رعایت احکام مواد نوزدهم، بیست و یکم و بیست و دوم، لویه جرگه توسط فرمان پادشاه دایر می‌شود.

ماده هشتادم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه، حکم ماده پنجاه و یکم، در مورد اعضای آن تطبیق می‌گردد.

ماده هشتاد و یکم

مباحثه لویه جرگه علنی می‌باشد، مگر این که حکومت یا بیست نفر از اعضا، سری بودن آن را درخواست نماید و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده هشتاد و دوم

رئیس ولسی جرگه و در غیاب او رئیس مشرانو جرگه، از جلسات لویه جرگه ریاست می‌کند. لویه جرگه در اولین جلسه، یک نفر را از بین اعضای خود به حیث منشی انتخاب می‌کند.

ماده هشتادوسوم

جز در مواردی که حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده، تصمیم لویه جرگه به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می گردد. با رعایت احکام این قانون اساسی، طرز العمل لویه جرگه توسط قانون تنظیم می شود.

ماده هشتادوچهارم

لویه جرگه دارای صلاحیت هایی می باشد که در این قانون اساسی تعیین گردیده است.

فصل ششم حکومت

ماده هشتادوپنجم

حکومت افغانستان متشکل است از صدراعظم و وزرا. صدراعظم رئیس و وزرا اعضای حکومت می باشند. تعداد وزرا و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هشتادوششم

هر شخصی که بر طبق احکام این قانون اساسی، اهلیت انتخاب شدن را به عضویت ولسی جرگه دارا باشد، می تواند به حیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود.

رئیس حکومت باید افغان تولد شده باشد.

رئیس و اعضای حکومت می توانند از اعضای شورا یا خارج از آن تعیین شوند. هر عضو شورا که به حیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود، عضویت خود را در شورا از دست می دهد.

ماده هشتاد و هفتم

صدراعظم و وزرا نمی‌توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگر اشتغال ورزند.

ماده هشتاد و هشتم

برای رئیس و اعضای حکومت معاش مناسب توسط قانون تعیین می‌گردد.

ماده هشتاد و نهم

حکومت توسط شخصی که از طرف پادشاه به حیث صدراعظم موظف شده تشکیل می‌گردد. اعضا و خط‌مشی حکومت توسط صدراعظم به ولسی جرگه معرفی می‌شود و جرگه پس از مباحثه راجع به اعتماد بر حکومت تصمیم می‌گیرد. در صورت صدور رأی اعتماد، فرمان پادشاهی راجع به تعیین رئیس و اعضای حکومت صادر می‌گردد. سپس صدراعظم خط‌مشی حکومت را به مشرانو جرگه معرفی می‌نماید.

ماده نودم

هرگاه حکومت به علت فوت یا استعفای صدراعظم در هنگام انحلال شورا از بین برود، حکومت جدید به فرمان پادشاه تعیین می‌شود. در آغاز دوره تقنینیه جدید، صدراعظم اعضای حکومت و خط‌مشی آن را به ولسی جرگه معرفی و رأی اعتماد مطالبه می‌کند.

ماده نود و یکم

حکومت در احوال آتی از بین می‌رود:

۱. در حالت استعفا یا فوت صدراعظم؛
۲. در حالت سلب اعتماد ولسی جرگه از حکومت؛
۳. در حالت اتهام رئیس یا تمام اعضای حکومت به جرم خیانت ملی مطابق به حکم ماده نود و سوم؛

۴. در حالت انحلال شورا؛

۵. در حالت ختم دوره تقنینیه.

در دو حالت اخیر حکومت توأم با اولین جلسه لوی جرگه از بین می‌رود. در حالت استعفای صدراعظم پس از منظوری استعفا از طرف پادشاه، حکومت از بین می‌رود. در صورت فوت صدراعظم یک نفر از وزرا به امر پادشاه وظایف صدراعظم را تا تشکیل حکومت جدید اجرا می‌کند.

در صورتی که حکومت به علت اتهام به جرم خیانت ملی مطابق به حکم ماده نودوسوم از بین برود، شخصی که از طرف پادشاه به حیث صدراعظم تعیین می‌شود، می‌تواند تا اولین جلسه ولسی جرگه، به تعقیب تصمیم لویه جرگه در مورد اتهام مذکور، قبل از حصول رأی اعتماد وظایف صدراعظم را اجرا نماید. در سایر احوال حکومتی که از بین رفته تا تشکیل حکومت جدید به وظیفه خود دوام می‌دهد.

ماده نودودوم

رأی سلب اعتماد از حکومت باید صریح و مستقیم باشد. این رأی در مورد حکومتی که در خلال دودوره تقنینی اول به تعقیب نفاذ این قانون اساسی به وجود می‌آیند، به اکثریت دو ثلث آرا و در مورد حکومت‌های مابعد، به اکثریت آرای اعضای ولسی جرگه صادر می‌گردد.

ماده نودوسوم

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه صدراعظم یا تمام یا اکثر اعضای حکومت را براساس اتهام به جرم خیانت ملی تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضا تصویب کند، حکومت سقوط می‌نماید و لویه جرگه برای تعیین هیأت تحقیق دایر می‌گردد. اگر بعد از مطالعه راپور هیأت، لویه جرگه به اکثریت دو ثلث

اعضا، اجرای محاکمه را لازم بدانند، یک نفر از اعضای ولسی جرگه را موظف می‌نماید، تا علیه متهم در ستره محکمه دعوی اقامه کند .
حکم فقره فوق در حالتی نیز تطبیق می‌شود که اتهام خیانت ملی به یک یا چند نفر وزیر که تعدادشان از نصف اعضای حکومت بیشتر نباشد متوجه گردد. در نتیجه این اتهام متهم از وظیفه سبکدوش می‌شود، ولی حکومت سقوط نمی‌کند.

ماده نود و چهارم

تعمیل احکام این قانون اساسی و تمام قوانین، تعمیل فیصله‌های قطعی محاکم، اتخاذ تدابیر لازم جهت برقراری نظم و امن عامه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه، انکشاف وضع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم، حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ساحه، صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی و وظیفه حکومت می‌باشد.
حکومت برای تنظیم وظایف خود براساس قوانین، مقررات وضع می‌کند. این مقررات، باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده نود و پنجم

مجلس وزرا خطوط اساسی سیاست حکومت را تعیین می‌کند و مقرراتی را که وضع آن از صلاحیت حکومت می‌باشد، تصویب می‌نماید.
صدراعظم از مجلس وزراء ریاست می‌نماید، فعالیت حکومت را اداره و رهنمونی می‌کند و در اجرائات آن هماهنگی را تأمین می‌نماید. حفظ رابطه حکومت با پادشاه و شورا نیز وظیفه صدراعظم می‌باشد.
وزرا وظایف خود را به حیث آمرین واحدهای اداری و به حیث اعضای حکومت، تحت امر و رهنمایی صدراعظم در داخل حدودی که این قانون اساسی و قوانین تعیین می‌کند، اجرا می‌نماید.

ماده نودوششم

صدراعظم و وزرا از سیاست عمومی حکومت مشترکاً و از وظایف مشخصه خود منفرداً نزد ولسی جرگه مسئولیت دارند.

صدراعظم و وزرا از آن اعمال حکومت که درباره آن بر طبق احکام این قانون اساسی فرمان پادشاهی را حاصل می کنند، نیز مسئول می باشند.

فصل هفتم قضا

ماده نودوهفتم

قوه قضائیه یک رکن مستقل دولت است و وظایف خود را در ردیف قوه تقنینیه و قوه اجرائیه انجام می دهد.

ماده نودوهشتم

قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه و محاکم دیگری که تعداد آن توسط قانون تعیین می گردد.

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی ای است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته و در پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود. هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه ای را از دایره صلاحیت قوه قضائیه دولت، به نحوی که در این فصل تحدید شده خارج بسازد و به مقام دیگری تفویض کند.

این حکم، مانع تشکیل محاکم عسکری نمی گردد، ولی ساحه این نوع محاکم، به جرایم مربوط به اردوی افغانستان منحصر می باشد. تشکیل

و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم می شود.

ماده نودونهم

قضات به پیشنهاد قاضی القضاة از طرف پادشاه تعیین می گردند. هرگاه یک نفر قاضی مرتکب جرمی شود، ستره محکمه به حالت قاضی رسیدگی کرده، بعد از استماع دفاع او پیشنهاد عزلش را به پادشاه تقدیم کرده می تواند. در صورتی که پیشنهاد مذکور از طرف پادشاه تأیید گردد، قاضی از وظیفه عزل می شود. تبدیل، ترفیع، مؤاخذة و پیشنهاد تقاعد قضات، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد. برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد. قضات نمی توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده صدم

در محاکم افغانستان محاکمه به صورت علنی اجرا می شود و هر کس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد. محکمه می تواند در حالت استثنایی که در قانون تصریح گردیده باشد، جلسات سری دایر کند، ولی اعلام حکم باید به هر حال علناً صورت بگیرد. محاکم مکلفند اسباب حکمی را که صادر می کنند، در فیصله خود ذکر نمایند.

ماده یکصد و یکم

تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است، مگر در حالت حکم به مرگ شخص که تعمیم حکم محکمه، مشروط به توشیح پادشاه می باشد.

ماده یکصد و دوم

محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود، احکام این قانون اساسی و قوانین

دولت را تطبیق می کنند. هر گاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، در چنین احوال حکمی صادر می کنند که در نظرشان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.

ماده یکصد و سوم

تحقیق جرایم از طرف مدعی العموم که جزء قوه اجرائیه دولت است، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یکصد و چهارم

با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیلات و اجرائات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می گردد. هدف عمده این قوانین، توحید مرافق قضایی و توحید تشکیلات، صلاحیت و طرز العمل محاکمه می باشد.

ماده یکصد و پنجم

ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف پادشاه تعیین می شوند. پادشاه اعضای ستره محکمه را از بین اشخاصی تعیین می کند که دارای اوصاف ذیل باشند:

۱. سی و پنج سالگی را تکمیل کرده باشد؛
 ۲. اهلیت انتخاب شدن به عضویت شورا را مطابق به حکم ماده چهل و ششم داشته باشد؛
 ۳. از علم حقوق، اهداف ملی، حقوق و نظام حقوقی افغانستان آگاهی کافی داشته باشد.
- پادشاه یک نفر از جمله اعضای ستره محکمه را که سن آن از چهل،

کمتر و از شصت، زیادتر نباشد، به حیث قاضی القضاات تعیین می نماید. پادشاه می تواند بر تعیین قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه بعد از مرور هر ده سال از تاریخ تعیین شان به وظایف مذکور تجدید نظر بنماید. با رعایت این حکم و حکم ماده یک صد و ششم، قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه به هیچ وسیله دیگر از وظیفه شان برطرف نمی شوند. به استثنای حالت مندرج ماده یک صد و ششم، قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه، بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات مالی دوره خدمت شان مستفید می شوند.

قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه نمی توانند بعد از ختم دوره خدمت شان، رئیس یا اعضای حکومت، عضو شورا یا مأمور دولت باشند. قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه نمی توانند در مدت تصدی وظیفه و بعد از آن در احزاب سیاسی شمولیت ورزند.

ماده یک صد و ششم

هر گاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه قاضی القضاات یا یک یا چند عضو ستره محکمه را براساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نماید و جرگه مذکور این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه سبکدوش می شود و لویه جرگه برای تعیین هیأت تحقیق دایر می گردد.

هر گاه لویه جرگه بعد از مطالعه راپور هیأت به اکثریت دو ثلث اعضا، محاکمه متهم را لازم بداند، از بین اعضا یک نفر را جهت اقامه دعوا و هیأتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین می کند.

این هیأت تحت ریاست رئیس مشرانو جرگه، متهم را مطابق به طرز العمل محاکمه جزایی که در ستره محکمه تطبیق می گردد، محاکمه می نماید و در صورتی که جرم متهم ثابت شود او را از وظیفه عزل کرده، به جزا محکوم می سازد.

ماده یک صد و هفتم

ستره محکمه مرجع نهایی قضایی افغانستان است. ستره محکمه تشکیلات و اجرائات محاکم و امور قضایی دولت را مطابق به احکام این قانون اساسی و قوانین تنظیم می نماید. ستره محکمه تدابیر لازم را جهت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ می کند.

بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاة به مشوره حکومت ترتیب گردیده، بعد از موافقه ستره محکمه به حیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به شورا تقدیم می شود. تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد، ولی تعیین، ترفیع، عزل، مؤاخذه و تقاعدشان توسط ستره محکمه بر وفق قانون صورت می گیرد.

فصل هشتم اداره

ماده یک صد و هشتم

اداره افغانستان بر اصل مرکزیت، مطابق به احکام این فصل استوار است. اداره مرکزی به موجب قانون به یک عده واحدهای اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام آن یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایت توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و نهم

در هر ولایت، یک ولایت جرگه تشکیل می‌شود. اعضای ولایت جرگه توسط انتخابات آزاد، عمومی، مستقیم و سری از طرف ساکنین ولایت انتخاب می‌گردند.

ولایت جرگه یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می‌نماید.

ولایت جرگه در تأمین اهداف انکشافی دولت به نحوی که در قوانین تصریح می‌گردد سهم می‌گیرد. هم‌چنین این جرگه برای بهبود امور و انکشاف اوضاع عمومی ولایت، به حکومت ولایت مشوره می‌دهد.

ولایت جرگه وظایف خود را به همکاری حکومت ولایت اجرا می‌نماید. برای اعضای ولایت جرگه، معاش مناسب توسط قانون تعیین می‌گردد.

ماده یکصد و دهم

برای تنظیم امور مربوط به اداره محلی، قوانینی وضع می‌گردد که در آن اصول مندرج این فصل رعایت می‌شود. از جمله اهداف این قوانین، تعمیم جرگه‌ها تا درجه قری و تأمین اشتراک روز افزون آن در اداره محلی می‌باشد.

ماده یکصد و یازدهم

برای اداره امور شهری، شاروالی‌ها تشکیل می‌شود. مجالس شاروالی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، مستقیم و سری تأسیس می‌گردد. با رعایت احکام این فصل امور مربوط به شاروالی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و دوازدهم

وظایف اداره توسط مأمورین و سایر کارکنان اداری اجرا می‌شود.

برای مأمورین و سایر کارکنان اداری معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد. حقوق و وظایف مأمورین و سایر کارکنان اداری توسط قانون تنظیم می شود.

فصل نهم حالت اضطرار

ماده یکصد و سیزدهم

هرگاه به علت حرب، خطر حرب، اغتشاش و خیم یا حالت مماثلی که مملکت را با خطر مواجه سازد و حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف پادشاه اعلان می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از سه ماه دوام نماید، برای تمدید آن موافقت لویه جرگه شرط است.

ماده یکصد و چهاردهم

در حالت اضطرار، پادشاه می تواند تمام یا بعضی صلاحیت های شورا را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و پانزدهم

در حالت اضطرار، حکومت می تواند بعد از موافقه ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین تقنینی معطل سازد یا بر آن قیودی وضع نماید:

۱. حکم فقره اول ماده بیست و هشتم؛
۲. حکم فقره سوم ماده بیست و نهم؛

۳. حکم فقره دوم ماده سی ام؛
۴. حکم فقره اول ماده سی و دوم؛
۵. حکم فقره اول ماده سی و سوم.

ماده یک صد و شانزدهم

در حالت اضطرار، پادشاه می تواند پایتخت را به محل دیگری غیر از شهر کابل موقتاً انتقال دهد.

ماده یک صد و هفدهم

هر گاه دوره تقنینیه ولسی جرگه یا دوره خدمت یک قسمت از اعضای مشرانو جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود، پادشاه می تواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بگذارد و دوره تقنینیه ولسی جرگه یا دوره خدمت اعضای مذکور مشرانو جرگه را تا ختم حالت اضطرار تمدید دهد. بعد از ختم حالت اضطرار، بلافاصله انتخابات اجرا می گردد.

ماده یک صد و هجدهم

در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یک صد و نوزدهم

در ختم حالت اضطرار اقداماتی که بر اساس ماده یک صد و پانزدهم، به عمل آمده، بلافاصله از اعتبار ساقط می شود.

اقداماتی که بر اساس حکم ماده یک صد و چهاردهم از طرف حکومت به عمل آمده، در مدت یک ماه از تاریخ دایر شدن نخستین جلسه شورا بعد از ختم حالت اضطرار به شورا ارائه می شود و در صورتی که شورا آن را رد کند از اعتبار ساقط می گردد.

هر گاه در حالت اضطرار حکومتی تشکیل شده باشد که در اثر تطبیق ماده یک صد و چهاردهم، رأی اعتماد ولسی جرگه را حاصل نکرده باشد،

موضوع رأی اعتماد بر حکومت بلافاصله بعد از ختم حالت اضطرار، در ولسی جرگه مورد مباحثه قرار گرفته، راجع به آن تصمیم اتخاذ می شود.

فصل دهم تعدیل

ماده یکصد و بیستم

اصل پیروی از اساسات اسلام، اساس پادشاهی مشروطه مطابق به احکام این قانون اساسی و ارزش های مندرج ماده هشتم، تعدیل نمی شود. تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی به پیشنهاد مجلس وزرا یا یک ثلث از اعضای ولسی جرگه یا مشرانو جرگه، مطابق به احکام این فصل صورت می گیرد.

ماده یکصد و یکم

پیشنهاد تعدیل را لویه جرگه مطالعه می کند و در صورتی که اکثریت اعضای آن، ضرورت تعدیل را تصویب کند، هیأتی از بین اعضا جهت تهیه طرح تعدیل، تعیین می نماید. این هیأت طرح تعدیل را به مشوره مجلس وزرا و ستره محکمه تهیه نموده، به لویه جرگه تقدیم می کند. هرگاه لویه جرگه به اکثریت اعضا، طرح تعدیل را تصویب کند، طرح به پادشاه تقدیم می شود. پادشاه شورا را منحل ساخته، طرح تعدیل را به اطلاع عامه می رساند و تاریخ انتخابات مجدد را اعلام می کند. انتخابات مجدد در خلال چهار ماه از تاریخ انحلال شورا انجام می یابد.

ماده یکصد و دوم

به تعقیب افتتاح شورا و تشکیل حکومت، پادشاه لویه جرگه را دایر می کند. لویه جرگه طرح تعدیل را مطالعه کرده، متن آن را قبول یابد

می نماید. تصویب لویه جرگه در این مورد به اکثریت دو ثلث اعضا اتخاذ می شود و بعد از توشیح پادشاه نافذ می گردد.

فصل یازدهم احکام انتقالی

ماده یکصد و بیست و سوم

بارعایت محتویات این فصل، احکام این قانون اساسی از تاریخ توشیح و اعلام از طرف پادشاه نافذ می گردد.

ماده یکصد و بیست و چهارم

بعد از آن که پادشاه این قانون اساسی را اعلام نماید، مجلسین شورای ملی و اعیان منحل شناخته می شوند.

ماده یکصد و بیست و پنجم

شورای جدید روز بیست و دوم میزان ۱۳۴۴ هجری شمسی افتتاح می گردد. مدت بین تاریخ اعلام این قانون اساسی و افتتاح شورای جدید، دوره انتقال شمرده می شود.

در دوره انتقال صلاحیت شورا به حکومت تفویض می گردد. فرامین تقنینی ای که در خلال دوره انتقال بر وفق احکام این فصل صادر می گردد، مطابق به احکام ماده هفتاد و هفتم به شورا ارائه می شود.

اگر در اثنای دوره انتقال یکی از حالاتی ظهور نماید که بر طبق احکام این قانون اساسی، وجود لویه جرگه را ایجاب می کند، مجلسین منحل شده شورای ملی و اعیان دعوت گردیده، لویه جرگه بر طبق ماده هفتاد و هشتم دایر می شود. چون در موقع ظهور یکی از حالات مذکور،

هنوز جرگه‌های ولایات به وجود نیامده، لویه جرگه بدون وجود رؤسای جرگه‌های ولایات تشکیل می‌گردد.

ماده یک‌صد و بیست‌وششم

در دوره انتقال از جمله وظایف حکومت است که :

۱. فرامین تقنینی مربوط به انتخابات، تشکیلات اساسی، مطبوعات و تشکیلات و صلاحیت قضایی را ترتیب نموده، به پادشاه جهت توشیح تقدیم کند.

۲. مسوده قوانین مربوط به احزاب سیاسی و جرگه‌های ولایات را تهیه نموده، به شورایی که بعد از ختم دوره انتقال دایر می‌گردد، تقدیم کند.

۳. تدابیر لازم را جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی اتخاذ نماید.

ماده یک‌صد و بیست‌وهفتم

ستره محکمه روز بیست و دوم میزان ۱۳۴۶ هجری شمسی تشکیل می‌گردد. هرگاه در اثنای دوره انتقالی به تطبیق مواد پانزدهم، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و دوم و یک‌صد و پانزدهم این قانون اساسی ضرورت بیفتد، احکام مواد مذکور بدون شمول ستره محکمه یا قاضی القضاة تطبیق می‌گردد.

در مدت بین تاریخ نفاذ این قانون اساسی و تشکیل ستره محکمه، پادشاه صلاحیت دارد به منظور تأمین اجرای وظایف ستره محکمه تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده یک‌صد و بیست‌وهشتم

قوانینی که قبل از تاریخ نفاذ این قانون اساسی صادر گردیده، به شرطی نافذ شمرده می‌شود که مناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید آن را الغاء نکرده باشد.

(۵)

قانون اساسی جمهوری افغانستان^۱ دوره محمد داود خان^۲ (۵ حوت ۱۳۵۵ شمسی)

۱. منبع اصلی این قانون اساسی: جریده رسمی، شماره مسلسل ۳۶۰، مورخ ۱۳۵۶/۱/۱۵.

۲. داود خان با یک کودتای نظامی بدون خونریزی در سال ۱۹۷۳ (۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ش)، قدرت را به دست گرفته، قانون اساسی شاهی را ملغا و نظام جمهوری را اعلام کرد. با این کودتا با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته بود، بار دیگر بی قانونی حاکم شد، شورای ملی منحل و قضا در قوه مجریه یعنی وزارت عدلیه، مدغم شد و تفکیک قوا از بین رفت و همه قدرت در دست یک نفر متمرکز گردید. داود خان تلاش کرد که قانون اساسی جدیدی را به تصویب برساند. بنابراین، در سال ۱۹۷۷ (۵ حوت ۱۳۵۵ ش) یعنی سه سال و هفت ماه بعد از کودتا، «قانون اساسی جمهوری افغانستان» توسط لویه جرگه به تصویب رسید.

مطابق این قانون، در کشور «نظام ریاستی» حاکم شد، بدین معنی که بیشترین خصوصیات نظام ریاستی را برای افغانستان در نظر گرفته بود هر چند که انحلال پارلمان توسط رئیس جمهور که معمولاً از خصوصیات نظام پارلمانی است، در این قانون پیش‌بینی شده بود. مطابق این قانون، رئیس جمهور توسط لویه جرگه برای مدت ۶ سال انتخاب می‌گردید (مواد ۶۷ و ۷۶ قانون اساسی ۱۳۵۵)، حکومت یک رکنی شد (مواد ۷۵ و ۸۸)، صدارت حذف گردید و حکومت به‌طور مستقیم تحت نظر رئیس جمهور قرار گرفت، بدون این که از پارلمان رأی اعتماد بگیرد (ماده ۷۸ قانون اساسی)، در حالی که حق انحلال پارلمان برای رئیس جمهور حفظ شده بود (جزء ۶ ماده ۷۸ قانون اساسی) و شورای ملی از دو مجلسی بودن به یک مجلس به نام ملی جرگه تبدیل شد (ماده ۴۸ و مواد دیگر).

در ماده ۴۰ این قانون به خاطر عدم رشد سیاسی مردم، نظام تک حزبی پیش‌بینی شده بود که به‌طور مطلق خلاف دموکراسی و اصول قبول شده حقوقی و کاملاً شبیه آنچه بود که در رژیم‌های کمونیستی معمول بود. اما با همه این آرزوهای بلند، عمر این قانون خیلی کوتاه بود به گونه‌ای که اصلاً مجال تطبیق برای آن میسر نشد و تقریباً یک سال و دو ماه بعد، با کودتای دیگر، ملغاشد. (نگاه کنید به: سروردانش، حقوق اساسی افغانستان، چاپ دوم، کابل، انتشارات پوهنتون ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۲۶۱ و ۲۶۲).

هم‌چنین درباره نحوه تدوین و تصویب این قانون و ضعف‌های آن نگاه کنید به: محمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، پیشین، ص ۹۰۱ الی ۹۰۴.

بسم الله الرحمن الرحيم
توشیح رئیس جمهور افغانستان

به نام خداوند بزرگ و با آرزوی سعادت

مردم نجیب افغانستان

من محمد داود اولین رئیس جمهور افغانستان، به تاسی از وظیفه‌ای که نمایندگان نخستین لویه جرگه دولت جمهوری به استناد مصوبه تاریخی ۲۵ دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی، به اتفاق آرا به من سپرده است، این قانون اساسی را الیوم پنجشنبه ۵ حوت ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان توشیح و انفاذ آن را اعلام می‌نمایم.

محمد داود

اولین رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان

پنجم حوت ۱۳۵۵

دیباچه

از آنجایی که ملل و جوامع، پیوسته در مسیر تاریخ در حال تحول و تکامل می‌باشند و از آنجایی که این واقعیت در زندگی تاریخی ما به حیث یک ملت و جزء جامعه بشری پدیدار گشته، بناءً:

جهت تأمین یک زندگی آبرومند استوار بر پایه‌های متین عدالت و کفایت و مملو از سعادت، رفاه و اطمینان؛

جهت تأمین آرمان‌های مقدس ملی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲؛

جهت تقویه و استحکام روز افزون وحدت ملی، تضامن و تسانده، تأمین عدالت اجتماعی، امحای تضادها به شیوه مثبت و مترقی، مطابق به واقعیت‌های تاریخ، فرهنگ ملی و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ما؛

به منظور احترام عمیق به تاریخ باشکوه و گذشته پر عظمت مردم کشور ما و مبارزات مستدام‌شان در راه حفظ هویت ملی و استقلال کشور و ایفای رسالت تاریخی و انسانی آن‌ها؛

با ایمان به خداوند بزرگ (جل جلاله) و پیروی از اساسات دین مقدس اسلام؛

و بالاخره جهت تحقق این همه مقاصد و غایه‌ها؛

ما مردم افغانستان با درک شرایط و ایجابات عصر، تصمیم گرفته‌ایم تا زندگی ملی خود را براساس آزادی، ترقی، حق، عدالت و صلح روی اصول برادری و برابری استقرار بخشیم و فلسفه حیات و سرنوشت

نسل‌های امروز و فردای کشور را مطابق به اهداف اساسی و اقتصادی انقلاب ملی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ افغانستان بنیان‌گذاری نماییم. با درک این حقایق، این وثیقه ملی را به حیث قانون اساسی دولت جمهوری جهت تأمین سعادت، رفاه و ارتقای مادی و معنوی مردم نجیب افغانستان برای خود و رهنمایی نسل‌های آینده وضع نمودیم.

فصل اول هدف‌های اساسی

ماده اول

دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی.

ماده دوم

اجرای قدرت توسط مردم که اکثریت آن را دهقانان، کارگران، منورین و جوانان تشکیل می‌دهند.

ماده سوم

تحکیم اتحاد فکر و عمل به منظور سهم گرفتن کامل مردم برای ساختمان و انکشاف مادی و معنوی کشور.

ماده چهارم

تأمین دموکراسی متکی بر عدالت اجتماعی و منافع مردم.

ماده پنجم

احترام به آزادی و کرامت انسانی و از بین بردن هر گونه تعذیب و تبعیض.

ماده ششم

استقرار و استحکام روز افزون نظام جمهوری.

ماده هفتم

ایجاد تحولات دوامدار، عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی متکی بر اساسات و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی به منظور تأمین منافع اکثریت مردم افغانستان.

ماده هشتم

از بین بردن استثمار به هر نوع و شکلی که باشد.

ماده نهم

تضمین حق کار.

ماده دهم

تأمین و تعمیم تعلیمات ابتدایی اجباری، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی، مسلکی و عالی به صورت مجانی به منظور پرورش و اکمال کادرهای علمی و فنی جهت خدمت به مردم.

ماده یازدهم

بسط و توسعه طب و قایوی و معالجوی به منظور حفظ و بهبود صحت عامه.

ماده دوازدهم

احترام به اساسات منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و پشتیبانی از صلح عادلانه.

در نهایت تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی براساس برادری، برابری، تعاون و حفظ کرامت انسانی.

فصل دوم

اساسات اقتصادی

ماده سیزدهم

منابع از قبیل معادن، جنگلات و انرژی، صنایع بزرگ، مخابرات، تأسیسات مهم ترانسپورت هوایی و زمینی، بنادر، بانکها، بیمهها، تأسیسات مهم

تهیه ارزاق، آثار باستانی و تاریخی، مطابق به احکام قانون جزء دارایی ملت و اداره آن متعلق به دولت است.

ماده چهاردهم

حد نهایی ملکیت زراعتی توسط قانون اصلاحات ارضی تعیین و تثبیت می گردد.

ماده پانزدهم

ملکیت و تشبثات خصوصی متکی به اصل عدم استثمار توسط قانون تنظیم می شود.

ماده شانزدهم

کوپراتیف ها و شرکت های تعاونی تولید و مصرف با اشتراک مردم به منظور تأمین منافع اکثریت مردم، مطابق به احکام قانون، از طرف حکومت تشویق، حمایه و رهنمایی می شود.

ماده هفدهم

سرمایه گذاری ها و تشبثات خصوصی در ساحه صنایع متوسط، کوچک و دستی مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایه و رهنمایی می شود.

ماده هجدهم

تجارت کشور به اساس تجارت رهبری شده، به روی منافع اکثریت مردم مطابق به احکام قانون تنظیم می شود.

ماده نوزدهم

مالیات بر اساس عدالت اجتماعی مطابق به احکام قانون اخذ می گردد.

فصل سوم دولت

ماده بیستم

افغانستان دولت جمهوری، دموکراتیک، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد.

ماده بیست و یکم

حاکمیت ملی در افغانستان به مردم تعلق دارد.
ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت دولت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند.
بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌شود.

ماده بیست و دوم

دین افغانستان، دین مقدس اسلام است.
آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند، در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودی که قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین می‌کند، آزاد می‌باشند.

ماده بیست و سوم

از جمله زبان‌های افغانستان، پشتو و دری زبان‌های رسمی می‌باشد.

ماده بیست و چهارم

بیرق افغانستان، دارای رنگ‌های سیاه، سرخ و سبز می‌باشد که به صورت افقی به اندازه‌های معین از بالا به پایین واقع شده و در قسمت چپ بالایی

آن نشان ملی دولت نصب می‌باشد.
تعریف و اندازه بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده بیست و پنجم

قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان که به هدف‌های انقلاب ملی وفادار و به عنعنات ملی خود پابند می‌باشند، در خدمت مردم تحت اوامر حکومت قرار دارد.

قوای مسلح دفاع قلمرو افغانستان را به عهده داشته، از طریق شورای عالی قوای مسلح در فعالیت‌های ملی سهم می‌گیرد.

ماده بیست و ششم

اداره افغانستان بر اصل مرکزیت مطابق به احکام قانون استوار است. مرکز افغانستان شهر کابل می‌باشد.

فصل چهارم

حقوق و واجبات مردم

ماده بیست و هفتم

تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد، بدون تبعیض و امتیاز، در برابر قانون حقوق و واجبات مساوی دارند.

ماده بیست و هشتم

آزادی حق طبیعی انسان است، مگر این که به آزادی و شرافت دیگران یا به منفعت و امنیت عامه و مصالح ملی صدمه یا لطمه وارد کند. این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده بیست و نهم

هر افغان که سن هجده سالگی را تکمیل کند، مطابق به احکام قانون حق رأی دادن را دارد.

ماده سی ام

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بی گناه شناخته می شود. هیچ عملی را نمی توان جرم شمرد، مگر به موجب قانون. هیچ کس را نمی توان مجازات نمود، مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت.

هیچ کس را نمی توان مجازات نمود، مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد. هیچ کس را نمی توان تعقیب، گرفتار یا توقیف نمود، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و یکم

جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند. تعذیب و تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد. هر شخص حق دارد برای دفع اتهامی که قانوناً علیه او وارد گردیده وکیل مدافع تعیین کند.

ماده سی و دوم

مدیون بودن شخص در برابر شخص دیگر، موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی شده نمی تواند. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و سوم

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه کشور خود سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هم چنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به خارج سفر نماید و به وطن عودت کند.

ماده سی و چهارم

هیچ افغان به تبعید در داخل و یا خارج افغانستان محکوم شده نمی تواند. هیچ شخص به منع اقامت در محل معین یا انتقال از آن محکوم شده نمی تواند، مگر در حالاتی که قانون به منظور تأمین امنیت و منافع عامه اجازه داده باشد.

هیچ افغان به علت اتهام جرم به دولت خارجی سپرده نمی شود.

ماده سی و پنجم

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص به شمول دولت نمی تواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده، به مسکن کسی داخل شود یا آن را تفتیش کند.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند به مسکن شخص بدون اجازه او یا اجازه قبلی محکمه، به مسئولیت خود داخل شود و یا آن را تفتیش کند. مأمور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می کند، حکم محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و ششم

ملکیت از تعرض مصون است.

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت

مصادره نمی شود. استملاک ملکیت خصوصی تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض عادلانه به موجب قانون مجاز می باشد. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود قانون. طرز استعمال ملکیت به منظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمایی می شود.

ماده سی و هفتم

آزادی و محرمت مخابرات اشخاص، چه به صورت مکتوب و چه به وسیله تلیفون و تلگراف و یا وسایل دیگر باشد، از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد، مگر به موجب حکم قانون. در حالات عاجل که در قانون تعریف می گردد، مأمور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسئولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند. مأمور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می کند حکم محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و هشتم

آزادی فکر و بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویرها یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار کند.

اجازه و امتیاز تأسیس مطابع و نشر مطبوعات تنها به اتباع افغانستان مطابق به احکام قانون داده می شود. تأسیس مطابع بزرگ و تأسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص به دولت است.

ماده سی و نهم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق به احکام قانون اجتماع نمایند.

ماده چهلیم

برای انعکاس خواسته‌های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان، تا زمانی که این آرزو برآورده گردد و به رشد طبیعی خود برسد، سیستم یک حزبی در کشور به رهبری حزب انقلاب ملی که بانی و پیشاهنگ انقلاب مردمی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است برقرار خواهد بود.

ماده چهل و یکم

کار حق، شرف و فریضه هر افغانی است که قدرت اجرای آن را داشته باشد. هدف عمده قوانینی که برای تنظیم کار وضع می‌گردد، رسیدن به مرحله‌ای است که در آن حقوق و منافع تمام زحمتکشان، دهقانان، کارگران و اصناف حمایت شود، شرایط مساعد کار فراهم گردد [و] روابط بین کارگر و کارفرما به صورت عادلانه و مترقی تنظیم گردد. انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین می‌نماید آزاد می‌باشد.

ماده چهل و دوم

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می‌شوند.

ماده چهل و سوم

تحمیل کار اجباری اگرچه برای دولت باشد جواز ندارد. تحریم کار

اجباری مانع تطبیق قوانینی نمی شود که به منظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع می گردد.

مادهٔ چهل و چهارم

هر افغان مکلف است به دولت مالیه و محصول تأدیه کند. هیچ محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمی شود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین می گردد.

این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق می شود.

مادهٔ چهل و پنجم

دفاع از وطن، وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است. کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت زیر بیرق مطابق به احکام قانون مکلف می باشند.

مادهٔ چهل و ششم

پیروی از احکام قانون اساسی، وفاداری به اهداف انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و نظام جمهوری، احترام به رئیس جمهور، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی، وظیفه تمام مردم افغانستان است.

مادهٔ چهل و هفتم

هیچ کس نمی تواند با استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی به استقلال ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی و به خواسته های منافع اکثریت مردم و یا به هدف های انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ صدمه وارد کند.

فصل پنجم ملی جرگه

مادهٔ چهل و هشتم

ملی جرگه افغانستان، مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند.

مادهٔ چهل و نهم

اعضای ملی جرگه که پنجاه فی صد آن را دهقانان و کارگران تشکیل می‌دهد، از جانب حزب پیشنهاد و از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم، مطابق به احکام قانون، برای مدت چهار سال از طرف مردم انتخاب می‌شوند.

به این منظور افغانستان به حوزه‌های انتخاباتی تقسیم می‌گردد. تعداد و ساحه حوزه‌ها توسط قانون تعیین می‌شود.

مادهٔ پنجاهم

طرز و شرایط انتخاب و کلای ملی جرگه و وظایف‌شان مطابق به احکام قانون تنظیم می‌گردد. طرز تدقیق و ثایق و رسیدگی به اعتراض بر قانونی بودن انتخاب یک و کیل مطابق به اصول و وظایف داخلی ملی جرگه صورت می‌گیرد.

مادهٔ پنجاه و یکم

سلب امتیاز و کالت از و کیل تنها به موافقه دو ثلث اعضای ملی جرگه صورت می‌گیرد.

ماده پنجاه و دوم

شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین می گردد. شخصی که به عضویت ملی جرگه انتخاب می شود، باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف آتی باشد:

۱. اقلاً ده سال قبل از تاریخ انتخاب تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.

۲. از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد.

۳. سن بیست و پنج سالگی را در موقع انتخاب تکمیل کرده باشد.

ماده پنجاه و سوم

هر عضو ملی جرگه حق دارد در داخل جرگه در موضوع مورد مباحثه، نظریه خود را مطابق به اصول و وظایف داخلی اظهار نماید.

ماده پنجاه و چهارم

هیچ عضو ملی جرگه به علت رأی یا نظریه ای که هنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

هرگاه یک عضو ملی جرگه، به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع، به ملی جرگه اطلاع می دهد و بعد از آن که جرگه مذکور به اکثریت آراء اجازه بدهد، متهم تحت تعقیب عدلی قرار می گیرد.

در موارد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند متهم را بدون اجازه جرگه تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع جرگه و در هنگام تعطیل به اطلاع هیأت اداری جرگه برساند. هیأت اداری مکلف است موضوع را به اطلاع اولین جلسه ملی جرگه که بعد از تعطیل صورت می گیرد برساند.

ماده پنجاه و پنجم

حکومت می تواند در جلسات ملی جرگه اشتراک ورزد. جرگه می تواند حضور اعضای حکومت را در جلسه مطالبه و از آن ها استیضاح نماید. مباحثات جلسات ملی جرگه، علنی می باشد، مگر این که رئیس جمهور سری بودن جلسه را اعلام بدارد. هم چنان رئیس ملی جرگه، هر عضو حکومت و یا اقلاده نفر از اعضای ملی جرگه می تواند سری بودن آن را درخواست نمایند و جرگه این درخواست را بپذیرد. هیچ کس نمی تواند عنفاً به مقرر ملی جرگه داخل شود. متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات می شوند.

ماده پنجاه و ششم

جز در مواردی که حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده، تصمیم ملی جرگه به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می گردد.

ماده پنجاه و هفتم

ملی جرگه در هر سال یک اجلاس عادی برای مدت چهار ماه مسلسل که به تاریخ اول قوس آغاز می شود دایر می کند.

ماده پنجاه و هشتم

ملی جرگه در آغاز دوره تقنینیه، از بین اعضای خود یک نفر را به حیث رئیس انتخاب می کند. جرگه از بین اعضای خود دو نفر را به حیث نایب اول و دوم رئیس و دو نفر دیگر را به حیث منشی و نایب منشی در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب می کند.

اشخاص فوق هیأت اداری ملی جرگه را تشکیل می دهند و در ظرف مدت اعظمی پانزده روز از آغاز اجلاس باید انتخاب گردند.

ماده پنجاه و نهم

ملی جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث، بر طبق احکام اصول و ظایف داخلی، انجمن‌ها تعیین می‌کند.

ماده شصتم

ملی جرگه اصول و ظایف داخلی خود را وضع می‌نماید.

ماده شصت و یکم

برای اعضای ملی جرگه، معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد.

ماده شصت و دوم

ملی جرگه برای تنظیم امور حیاتی افغانستان، مطابق به احکام این قانون اساسی، بر مسوده قوانینی که از طرف حکومت و قوه قضائیه پیشنهاد می‌گردد، بعد از مطالعه و غور تصمیم لازم اتخاذ می‌نماید. اتخاذ تصمیم بر بودجه، تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان به خارج، از صلاحیت‌های ملی جرگه می‌باشد. در هنگام تعطیل یا انحلال ملی جرگه، حکومت می‌تواند برای تنظیم امور عاجل، فرامین تقنینی تسوید و ترتیب کند. این فرامین بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

این فرامین تقنینی جهت اتخاذ تصمیم به ملی جرگه، در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد اولین جلسه آن ارائه می‌شود.

ماده شصت و سوم

قانون عبارت است از مصوبه ملی جرگه که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.

ماده شصت و چهارم

هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام، نظام جمهوری و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

فصل ششم لویه جرگه

ماده شصت و پنجم

در افغانستان لویه جرگه عالی ترین مظهر قدرت و اراده مردم آن است. لویه جرگه مرکب است از:

- اعضای ملی جرگه؛

- اعضای شورای مرکزی حزب؛

- اعضای حکومت و شورای عالی قوای مسلح؛

- اعضای ستره محکمه؛

- پنج الی هشت نفر نماینده از هر ولایت؛

- سی نفر اعضا که به وسیله فرمان از طرف رئیس جمهور تعیین

می شود.

ماده شصت و ششم

لویه جرگه مطابق به احکام این قانون اساسی، توسط فرمان رئیس جمهور دایر می شود. رئیس جمهور، رئیس لویه جرگه می باشد.

در صورت وفات یا استعفای رئیس جمهور، در خلال مدت بیست

روز از تاریخ وفات یا استعفا، لویه جرگه از طرف مقام ریاست جمهوری

دایر می گردد.

ماده شصت و هفتم

لویه جرگه در حالات آتی تحت ریاست رئیس جمهور و یا نایب رئیس لویه جرگه دایر می گردد:

۱. تعدیل قانون اساسی؛
۲. انتخاب و قبول استعفای رئیس جمهور؛
۳. تصویب اعلان حرب و متارکه؛
۴. هر واقعه مهمی که تصویب لویه جرگه را ایجاب کند.

ماده شصت و هشتم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه، حکم ماده پنجاه و چهارم این قانون اساسی در مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

ماده شصت و نهم

مباحثات لویه جرگه علنی می باشد، مگر این که بیش از دو ثلث اعضای حکومت و یا شورای مرکزی حزب و یا سی نفر از اعضا، سری بودن آن را درخواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده هفتادم

لویه جرگه بعد از افتتاح، در اولین جلسه خود، نایب رئیس و دو نفر منشی را از بین اعضای خود به اکثریت آرای اعضا انتخاب می کند.

ماده هفتاد و یکم

جز در مواردی که احکام آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده، تصمیم لویه جرگه به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می گردد.

ماده هفتاد و دوم

با رعایت احکام این قانون اساسی طرز العمل لویه جرگه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتادوسوم

لویه جرگه دارای صلاحیت‌هایی می‌باشد که در این قانون اساسی تعیین گردیده است.

ماده هفتاد و چهارم

در حالات انحلال ملی جرگه، اعضای آن حیثیت خود را به صفت اعضای لویه جرگه تا دایر شدن ملی جرگه جدید حفظ می‌کنند. در حالت دایر بودن اجلاس لویه جرگه، همه اعضای آن بدون در نظر داشت مقام، رتبه و وظیفه حق مساوی دارند.

فصل هفتم

رئیس جمهور

ماده هفتاد و پنجم

رئیس جمهور در رأس دولت افغانستان قرار داشته، وظایف قوه اجرائیه و حزبی را که مطابق به احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب مستقیماً به عهده دارد، توسط ارگان‌های مربوط اداره و رهنمایی می‌کند.

ماده هفتاد و ششم

رئیس جمهور پس از نامزد شدن از طرف حزب، از طریق لویه جرگه، به اکثریت دو ثلث آرای اعضا برای مدت شش سال انتخاب می‌گردد.

ماده هفتاد و هفتم

رئیس جمهور باید تبعه افغانستان و مسلمان بوده، خود و همسر وی از والدین افغان متولد و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار و سن وی از چهل سال کم نباشد.

ماده هفتاد و هشتم

رئیس جمهور دارای صلاحیت‌ها و وظایف آتی می‌باشد:

۱. قیادت اعلی قوای مسلح کشور؛
۲. با مشوره لویه جرگه، اعلان حرب و متارکه؛
- در صورت خطر فوری و آشکاری که استقلال و تمامیت ارضی را تهدید کند و یادر حالات عاجل دیگر، رئیس جمهور می‌تواند تصمیمات استثنایی اتخاذ نماید و لویه جرگه را دایر کند.
۳. اعلان حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن؛
۴. دایر کردن و افتتاح لویه جرگه؛
۵. افتتاح اجلاس عادی ملی جرگه و دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق‌العاده آن؛
۶. منحل ساختن ملی جرگه و اصدار فرمان انتخابات مجدد؛
- انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه، از تاریخ انحلال ملی جرگه صورت می‌گیرد؛
۷. تحکیم وحدت ملی و پشتیبانی از منافع مردم افغانستان؛
۸. رهبری و هماهنگ‌سازی سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام این قانون اساسی؛
۹. تخفیف و عفو مجازات؛
۱۰. اعطای نشان مطابق به احکام قانون؛
۱۱. تعیین معاون یا معاونین ریاست جمهوری از جمله اعضای حزب و هم‌چنان تعیین وزرا از داخل و خارج حزب، عزل و قبول استعفا آن‌ها؛
۱۲. تعیین اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة؛
۱۳. تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح و مأمورین عالی‌رتبه مطابق به احکام قانون؛

۱۴. تعیین سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی، تعیین نمایندگان دایمی افغانستان نزد مؤسسات بین‌المللی و قبول اعتمادنامه‌های نمایندگان سیاسی خارجی؛

۱۵. توشیح قوانین و فرامین تقنینی و اعلام انفاذ آن‌ها و اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین‌الدول مطابق به احکام قانون و توشیح معاهدات بین‌الدول.

ماده هفتادونهم

رئیس جمهور می‌تواند در موضوعات مهم ملی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

ماده هشتادم

رئیس جمهور قبل از اشغال وظیفه در محضر اعضای لویه جرگه، حلف آتی را به جا می‌آورد:

«به حضور شما نمایندگان ملت افغانستان من... به نام خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت کنم، قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمارم و از آن‌ها پیروی کنم، از استقلال ملی و تمامیت ساحه حراست و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع مردم و اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان نمایم.»

ماده هشتادویکم

به استثنای حالاتی که در ماده سی‌وششم این قانون اساسی تصریح گردیده، رئیس جمهور در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام نمی‌دهد.

ماده هشتادودوم

رئیس جمهور در حالت مریضی و یا سفر، معاون یا معاونین ریاست جمهوری را موظف می سازد تا طبق هدایاتی که صادر می کند عوض وی کار نماید.

ماده هشتادوسوم

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تعیین می گردد.

ماده هشتادوچهارم

برای انتخاب رئیس جمهور باید چهل و پنج روز قبل از ختم دوره ریاست جمهوری، مطابق به احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب، اقدامات لازمه به عمل آید.

ماده هشتادوپنجم

هرگاه رئیس جمهور اراده استعفا بنماید، لویه جرگه را دایر و استعفا نامه خود را مستقیماً به لویه جرگه تقدیم می دارد. در صورتی که لویه جرگه این استعفا را قبول نماید، انتخاب رئیس جمهور جدید، طبق ماده هشتادوششم این قانون اساسی صورت می گیرد.

ماده هشتادوششم

هرگاه رئیس جمهور وفات نماید یا استعفا دهد، وظیفه ریاست جمهوری موقتاً به رئیس ملی جرگه سپرده می شود. در این حالت رئیس ملی جرگه به حیث نامزد ریاست جمهوری در انتخابات تعیین شده نمی تواند. در زمان تصدی رئیس ملی جرگه به حیث رئیس جمهور موقت، این قانون اساسی تعدیل شده نمی تواند.

رئیس جمهور جدید باید در ظرف سی روز بعد از تاریخ خالی شدن کرسی ریاست جمهوری، مطابق به احکام این قانون اساسی انتخاب گردد.

در صورت بروز حالات عاجل و مهم ملی ای که رئیس جمهور موقت را به اعمال صلاحیت‌های مندرج ماده هفتادوهشتم این قانون اساسی مجبور سازد، رئیس جمهور موقت می‌تواند با موافقه اعضای حکومت و شورای مرکزی حزب، با رعایت احکام مندرج این ماده از صلاحیت‌های متذکره ماده هفتادوهشتم این قانون اساسی استفاده نماید.

ماده هشتادوهفتم

اتهام به جرم خیانت ملی علیه رئیس جمهور، از طرف دو ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده می‌تواند. این تقاضا بعد از موافقه دو ثلث آرای اعضای شورای مرکزی حزب، به لویه جرگه ارائه می‌شود. در این حالت رئیس جمهور مکلف است لویه جرگه را دایر نماید.

رئیس ملی جرگه از جلسات لویه جرگه ریاست می‌نماید. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوبه را با دلایل ارائه شده آن به اکثریت دو ثلث آرای اعضای خود تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه سبکدوش می‌گردد. ترکیب محکمه و طرز العمل محاکمه طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم می‌شود.

در این حالت وظیفه ریاست جمهوری موقتاً به رئیس ملی جرگه سپرده می‌شود. رئیس جمهور موقت، تابع احکام مندرج ماده هشتادوششم این قانون اساسی می‌باشد.

فصل هشتم

حکومت

ماده هشتادوهشتم

حکومت ارگان عالی اجرائیوی و اداری دولت و متشکل از معاون یا

معاونین ریاست جمهوری و وزرا می‌باشد که تحت رهبری رئیس جمهور ایفای وظیفه می‌نمایند.

ماده هشتادونهم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزرا باید تبعه افغانستان بوده، خود و همسرانشان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ماده نودم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزرا قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور به جا می‌آورند:

«به نام خداوند بزرگ (جل جلاله) سوگند یاد می‌کنم که قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده، از اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان حمایت نمایم.»

ماده نودیکم

حکومت دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات حزب؛
۲. اداره، انسجام و مراقبت امور وزارت‌ها و سایر دوایر و مؤسسات عامه؛
۳. صدور تصامیم اجرائیوی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت بر تطبیق آن‌ها؛
۴. تسوید قوانین و وضع مقررات؛
۵. ترتیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و مالی؛

۶. طرح پلان‌های انکشافی دولت و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن؛

۷. مفاهمه و مذاکره راجع به گرفتن و دادن قروض داخلی و خارجی؛
۸. اتخاذ تدابیر برای تأمین نظم و امن عامه؛

۹. اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت از بین بردن هر نوع فساد اداری مطابق به احکام قانون؛

۱۰. عقد قراردادها با ممالک و مؤسسات خارجی مطابق به احکام قانون؛

۱۱. اجرای سایر وظایفی که این قانون اساسی و قوانین به حکومت سپرده باشد.

ماده نودودوم

حکومت برای تنظیم امور براساس قوانین، مقررات وضع می‌کند. این مقررات مناقض نص یا روح قانون بوده نمی‌تواند.

ماده نودوسوم

به استثنای حالاتی که در ماده سی‌وششم این قانون اساسی تصریح گردیده، معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزرا در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی‌توانند.

ماده نودوچهارم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزرا در برابر رئیس جمهور، شورای مرکزی حزب و ملی جرگه در قسمت اجرائات خود مسئول می‌باشند.

ماده نودوپنجم

اتهام جرم علیه معاون یا معاونین رئیس جمهور یا هر یکی از وزرا از طرف یک ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده می‌تواند. این تقاضا صرف به

اکثریت دو ثلث آرای اعضای ملی جرگه تصویب می گردد. متهم پس از تصویب از وظیفه منفصل می شود. محاکمه متهم در محضر محکمه خاص دایر می شود. ترکیب محکمه، و طرزالعمل محاکمه آن و هم چنان مجازات طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

فصل نهم قضاء

ماده نودوشم

قوه قضائیه یک رکن دولت و مرکب است از ستره محکمه و محاکم دیگری که تعداد آن توسط قانون تعیین می گردد. هدف عمده این قوانین توحید مرافق قضایی و تنظیم تشکیلات صلاحیت محاکم و طرزالعمل محاکمه می باشد.

ماده نودوهفتم

صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی ای است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده نودوهشتم

در هیچ حالت به استثنای حرب نمی توان قضیه یا ساحه ای را از دایره صلاحیت قوه قضائیه دولت به نحوی که در این فصل تحدید شده خارج ساخت و به مقام دیگری تفویض نمود.

این حکم مانع تشکیل محاکم عسکری نمی گردد، ولی ساحه این نوع

محاكم به جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان منحصر می باشد. تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نودونهم

محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود، احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، در چنین احوال حکمی صادر می کنند که در نظرشان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.

ماده صدم

قضات به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردند.

ماده یک صد و یکم

عزل قضات به اثر ارتکاب جرم به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت می گیرد. هرگاه قاضی به ارتکاب جرمی متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون، به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او در صورتی که ستره محکمه اتهام را وارد بداند، پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور قاضی از وظیفه عزل و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یک صد و دوم

تبدیل، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و مؤاخذه قضات توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یک صد و سوم

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد.

ماده یکصد و چهارم

به استثنای حالاتی که در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده، اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة در مدت تصدی و وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی‌توانند.

ماده یکصد و پنجم

در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی اجرا می‌شود و هر کس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد.

فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است، مگر در حالت حکم محکمه به مرگ شخص که تعمیم حکم نهایی مشروط به توشیح رئیس جمهور می‌باشد.

محکمه می‌تواند در حالت استثنایی که در قانون تصریح گردیده باشد، جلسات سری دایر کند، ولی اعلام حکم باید به هر حال علناً صورت بگیرد.

محاکم مکلف اند اسباب حکمی را که صادر می‌کنند در فیصله خود ذکر نمایند.

ماده یکصد و ششم

کشف جرایم از طرف پولیس، تحقیق، تعقیب و اقامه دعوای آن از طرف سارنوال که جزء قوه اجرائیه هستند، مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان توسط قانون خاص تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و هفتم

ستره محکمه مرکب است از (۹) عضو که از طرف رئیس جمهور تعیین

می شوند. عضو ستره محکمه باید دارای اوصاف ذیل باشد:

۱. سن سی و پنج سالگی را تکمیل نموده باشد؛
۲. اقلاً ده سال قبل از تاریخ تعیین تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛
۳. از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد؛
۴. از اهداف ملی، علم حقوق و نظام حقوقی افغانستان آگاهی کافی داشته باشد.

رئیس جمهور یک نفر از جمله اعضای ستره محکمه را که سن او از چهل سال کمتر نباشد، به حیث قاضی القضاات تعیین می نماید. رئیس جمهور می تواند بر تعیین اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات بعد از مرور هر پنج سال از تاریخ تعیین شان به وظایف مذکور تجدید نظر بنماید.

با رعایت این حکم اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات به هیچ وسیله دیگر، به استثنای حالت مندرج ماده (۱۱۱) این قانون اساسی از وظایف شان برطرف نمی شوند.

ماده یک صد و هشتم

اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را به حضور رئیس جمهور به جا می آورند:

به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که وظیفه قضا را با کمال امانت و شرافت اجرا نموده، حق و عدالت را بار رعایت اساسات دین مقدس اسلام و سایر احکام و ارزش های قانون اساسی و قوانین دولت جمهوری افغانستان تأمین نمایم و در همه اجراءات خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته، حقوق مردم و وطن را به نفع عدالت حمایت نمایم.

ماده یک صد و نهم

به استثنای حالت مندرج ماده (۱۱۱) این قانون اساسی، اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة بعد از ختم قانونی دوره خدمت، برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات مالی دوره خدمت شان مستفید می شوند.

اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة نمی توانند بعد از ختم دوره خدمت، عضو حکومت، عضو ملی جرگه و یا مأمور دولت باشند.

ماده یک صد و دهم

هر عضو ستره محکمه و قاضی القضاة می تواند طبق احکام قانون استعفا بدهد. استعفای اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة از تاریخ منظوری آن از طرف رئیس جمهور نافذ می گردد. قاضی القضاة و عضو مستعفی از امتیازات مالی مندرج ماده یک صد و نهم این قانون اساسی مستفید شده نمی تواند. قیود متذکره فقره اخیر ماده یک صد و نهم بالای هر عضو مستعفی و قاضی القضاة قابل تطبیق می باشد.

ماده یک صد و یازدهم

هر گاه یک ثلث اعضای ملی جرگه محاکمه قاضی القضاة یا یک یا چند عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نمایند و ملی جرگه این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه سبکدوش می شود.

ملی جرگه از بین اعضا یک نفر را جهت اقامه دعوا و هیأتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین می کند. این هیأت تحت ریاست رئیس ملی جرگه، متهم را مطابق به طرز العمل محکمه جزایی محاکمه می نماید و در صورتی که جرم متهم ثابت شود، او را از وظیفه عزل و به جزا محکوم می سازد.

ماده یک صد و دوازدهم

ستره محکمه تشکیلات و اجرائات محاکم و امور قضایی دولت را مطابق به احکام این قانون اساسی و قوانین تنظیم می نماید.

جز در مواردی که در این قانون اساسی تصریح گردیده، صلاحیت های قضایی و اداری ستره محکمه توسط قانون تنظیم می شود.

ستره محکمه تدابیر لازم را جهت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ می کند. بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاة به مشوره حکومت ترتیب گردیده، به حیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به ملی جرگه تقدیم می شود. تطبیق بودجه قضاء از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ستره محکمه می تواند در ساحة تنظیم امور قضایی، قوانین را تسوید و آن را مطابق به حکم مندرج ماده شصت و دوم این قانون اساسی به ملی جرگه پیشنهاد نماید.

ماده یک صد و سیزدهم

در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد، ولی تعیین، ترفیع، قبول استعفا، مؤاخذه و تقاعدشان توسط ستره محکمه بر وفق قانون صورت می گیرد.

فصل دهم اضطرار

ماده یکصد و چهاردهم

هرگاه حرب، خطر حرب، اغتشاش یا حالت مماثلی که کشور را با خطر مواجه سازد و حفظ استقلال و حیات ملی یا امنیت را برهم زند، به نحوی که تأمین آن از مجرایبی که در این قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور اعلان می شود. هرگاه حالت بیش از چهارماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت ملی جرگه شرط است.

ماده یکصد و پانزدهم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند تمام یا بعضی صلاحیت های ملی جرگه را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و شانزدهم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند با رعایت حکم مندرج ماده نودوهشتم این قانون اساسی، قسمتی از صلاحیت قضا را به محاکم عسکری انتقال دهد.

ماده یکصد و هفدهم

در حالت اضطرار حکومت می تواند با موافقه ستره محکمه، احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین جمهوری معطل بسازد و یا بر آن قیودی وضع نماید:

۱. حکم فقره پنجم ماده سی ام؛
۲. حکم فقره اول ماده سی و پنجم؛
۳. حکم فقرات سوم و چهارم ماده سی و ششم؛
۴. حکم فقره دوم ماده سی و هفتم؛
۵. حکم ماده سی و نهم.

ماده یکصد و هجدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند مرکز افغانستان را به محل دیگری غیر از شهر کابل انتقال دهد.

ماده یکصد و نوزدهم

هرگاه دوره و کالت اعضای ملی جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود، رئیس جمهور می تواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بسازد و دوره و کالت اعضای ملی جرگه را تا ختم حالت اضطرار تمدید دهد. بعد از ختم دوره اضطرار بلا فاصله انتخابات اجرا می گردد.

ماده یکصد و بیستم

در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمی شود.

فصل یازدهم

تعدیل

ماده یکصد و بیست و یکم

اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری مطابق به احکام این قانون اساسی تعدیل نمی شود. تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی نظر به تجارب و ایجابات عصر به پیشنهاد حکومت و یا شورای مرکزی حزب

و یا یک ثلث اعضای ملی جرگه مطابق به احکام این فصل صورت می گیرد.

ماده یکصد و بیست و دوم

پیشنهاد تعدیل رالویه جرگه غور نموده، در صورتی که اکثریت اعضای آن، ضرورت تعدیل را تصویب کند، هیأتی را از بین اعضا جهت تهیه طرح تعدیل تعیین می نماید. این هیأت طرح تعدیل را به مشوره حکومت و ستره محکمه تهیه نموده، به لویه جرگه تقدیم می کند. هرگاه لویه جرگه به اکثریت اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل دوازدهم احکام انتقالی

ماده یکصد و بیست و سوم

با نفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور فرمان انحلال حکومت را صادر می کند و حکومت جدید را بر طبق روحیه این قانون اساسی دولت جمهوری، تشکیل می نماید.

ماده یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور مطابق به احکام این قانون اساسی ملی جرگه را به تاریخ اول قوس سال ۱۳۵۸ هجری شمسی دایر می نماید. مدت بین انفاذ این قانون اساسی و افتتاح ملی جرگه دوره انتقال شمرده می شود. در دوره انتقال صلاحیت های ملی جرگه به حکومت تعلق می گیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم

هرگاه در دوره انتقال حالتی از حالات ظهور نماید که مطابق حکم ماده (۶۷) این قانون اساسی، وجود لویه جرگه را ایجاب کند رئیس جمهور اعلامیه‌ای مبنی بر دایر شدن لویه جرگه را صادر می‌کند. در چنین حالات تا زمان دایر شدن لویه جرگه، رئیس جمهور تمام صلاحیت‌های لویه جرگه را دارا می‌باشد. رئیس جمهور بلافاصله بعد از افتتاح لویه جرگه اجرائاتی را که مطابق به حکم این ماده به عمل آورده، به استحضار لویه جرگه می‌رساند و لویه جرگه در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کند.

هرگاه در موقع ظهور یکی از حالات مذکور هنوز شورای مرکزی حزب و یا شورای عالی قوای مسلح و یا ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل نشده باشد، لویه جرگه بدون موجودیت آن به شکل عنعنوی دایر می‌گردد.

ماده یکصد و بیست و هشتم

رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده یکصد و هفتم این قانون اساسی، تشکیل ستره محکمه را به تاریخ اول سرطان ۱۳۵۷ هجری شمسی اعلام می‌نماید.

رئیس جمهور از تاریخ نفاذ این قانون اساسی الی زمان تشکیل ستره محکمه، به منظور تأمین اجرای وظایف آن تدابیر لازم را اتخاذ می‌نماید.

ماده یکصد و بیست و نهم

فرامین تقنینی‌ای که در دوره انتقالی نافذ می‌گردد، بعد از دایر شدن ملی جرگه در اولین اجلاس آن در ظرف سی روز به ملی جرگه جهت اخذ تصمیم تقدیم می‌شود.

ماده یکصد و بیست و هشتم

در دوره انتقال، حکومت موظف است که:

فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ملی جرگه، مطبوعات، اجتماعات و تشکیلات اساسی دولت را ترتیب نموده و به توشیح رئیس جمهور برساند.

ماده یکصد و بیست و نهم

در دوره انتقال، حکومت تدابیر لازم را جهت هماهنگ ساختن اجراءات، تطبیق و عملی نمودن پروگرام‌های دولت بر طبق احکام این قانون اساسی اتخاذ می‌نماید.

ماده یکصد و سی ام

در دوره انتقال، مطابق به حکم ماده چهلیم این قانون اساسی، اساسنامه حزب انقلاب ملی به حیث اولین حزب که بانی و پیشاهنگ انقلاب ملی و مترقی (۲۶) سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است، از طرف رئیس جمهور نافذ و اعلام می‌گردد.

ماده یکصد و سی و یکم

در دوره انتقال رئیس جمهور شورای عالی قوای مسلح را تأسیس و اعلام می‌نماید.

ماده یکصد و سی و دوم

در دوره انتقال، رئیس جمهور صلاحیت دارد تا به منظور اجرای وظایف مقام ریاست جمهوری در حالت وفات وی، شورای موقت ریاست جمهوری را به اساس فرمانی که در مورد صادر می‌نماید پیش‌بینی کند. شورای موقت ریاست جمهوری مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ وفات، لویه جرگه را برای انتخاب رئیس جمهور جدید به شکل عنعنوی دایر نماید.

فصل سیزدهم احکام عمومی

ماده یکصد و سی و سوم

نخستین لویه جرگه‌ای که در نظام جمهوری به تاریخ دهم دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان دایر می‌شود، اولین رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان را به اکثریت دو ثلث آرای اعضا برای مدت شش سال انتخاب می‌نماید.

ماده یکصد و سی و چهارم

صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و مأمورین وزارت امور خارجه باید خود و همسرشان از والدین افغان متولد باشند.

ماده یکصد و سی و پنجم

مرجع باصلاحیت تفسیر این قانون اساسی ستره محکمه می‌باشد.

ماده یکصد و سی و ششم

با نفاذ این قانون اساسی، قانون اساسی سابق و فرامین جمهوری شماره اول، دوم و سوم مورخ چهارم اسد سال ۱۳۵۲ ملغی شناخته می‌شود. احکام قوانینی که قبل از انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده، به شرطی نافذ شمرده می‌شود که مناقض احکام و ارزش‌های این قانون اساسی نباشد.

(۶)
اصول اساسى
جمهورى دموکراتیک افغانستان^۱
دوره بېرک کارمل
(۲۵ حمل ۱۳۵۹ شمسی)

۱. منبع اصلى این قانون اساسى: وزارت عدلیه، جریده رسمى، شماره فوق العاده، مسلسل ۴۵۰، مورخ اول ثور ۱۳۵۹.

عبدالرشید آرین وزیر عدلیه

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان طی جلسه تاریخی ۲۵ حمل ۱۳۵۹ در مقر شورای انقلابی دایر و مسوده اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به داخل ده فصل و شصت و هشت ماده که در جلسه تاریخی ۲۳ حمل ۱۳۵۹ شورای وزیران و در جلسه تاریخی ۲۴ حمل ۱۳۵۹ هیأت رئیسه شورای انقلابی به تصویب رسیده، تحت فیصله شماره ۳ مورخه ۲۵ حمل ۱۳۵۹ تأیید و تصویب نمود.

مراتب تصویب شورای انقلابی که به منظوری رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان رسیده و به فرمان شماره ۷۸ مورخه ۱۳۵۹/۱/۲۷ به حکومت ابلاغ گردیده، به شما اطلاع و یک کاپی از اصول مذکور ارسال گردید تا در جریده رسمی نشر نمایند.

اسدالله سروری

معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان.

اعلامیه تاریخی شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
مبنی بر تصویب و اعلام اصول
اساسی جمهوری دموکراتیک
افغانستان

۲۵ حمل ۱۳۵۹

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان:

- به نمایندگی از تمام مردم مسلمان زحمت کش افغانستان؛
- به اساس اراده واقعی و منافع کارگران، دهقانان، کسبه کاران، کوچیان، روشنفکران و سایر زحمت کشان و کلیه نیروهای دموکراتیک و وطن پرست تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور؛
- با احترام عمیق و رعایت جدی به عنعنات تاریخی، ملی، فرهنگی و دینی مردم شرافتمند افغانستان؛
- با پیروی قاطعانه از دین مبین اسلام؛
- با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
- با پیروی از سیاست صلح جویانه، دوستی و همکاری با تمام خلق‌های منطقه و جهان؛
- به منظور دفاع از استقلال ملی و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و نظام مردمی جمهوری دموکراتیک افغانستان؛
- به منظور تحکیم وحدت، اتحاد و برادری خلق‌ها و تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل ساکن در وطن واحدمان افغانستان؛

- به منظور انکشاف پیروزمند انقلاب ملی دموکراتیک ثور و تحقق اهداف و آرمان‌های آن مبنی بر ایجاد جامعه نوین، صلح و کار، آزادی و عدالت، برادری و برابری، دموکراسی و ترقی؛
اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را تصویب؛ نشر و
انفاذ آن را از تاریخ اول ثور ۱۳۵۹ اعلام می‌دارد.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان

انقلاب ثور ۱۳۵۷ که در ۶ جدی ۱۳۵۸ وارد مرحله نوین خود در تاریخ پرافتخار ملی افغانستان گشت، انقلاب ملی، دموکراتیک، ضد فیودالی و ضد امپریالیستی را آغاز نمود. در نتیجه انقلاب ثور، دولت طراز جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان که بیانگر آرمان‌ها و مدافع منافع دیرینه زحمت‌کشان و تمام خلق‌های کشور می‌باشد به وجود آمد.

مردم شرافتمند و زحمت‌کش افغانستان در مسیر تحول انقلاب اجتماعی و قوام ملی و به پیروزی رساندن نهایی انقلاب ملی دموکراتیک و اعمار جامعه نوین که بر مبنای صلح و آزادی، ترقی و عدالت، برادری و برابری استوار است قرار گرفتند. سوق دادن افغانستان از عقب ماندگی به سوی پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و تمام زحمت‌کشان کشور، به اساس اراده توده‌های وسیع مردم، احترام عمیق و رعایت جدی عنعنات ملی، تاریخی، کلتوری و دینی مردم، با پیروی قاطعانه از اصول دین مبین اسلام، احترام به اعلامیه حقوق بشر، بر مبنای سیاست صلح‌جویانه، دوستی و همکاری با تمام خلق‌های منطقه و جهان صورت می‌گیرد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع از استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، تحکیم عمیق دستاوردهای انقلاب ثور و تحقق اهداف و آرمان‌های والای آن، تحکیم رشد و تکامل بیش از پیش نظام مترقی و

پیشرو در جمهوری دموکراتیک افغانستان، تأمین اشتراک وسیع و فعال زحمت‌کشان و تمام نیروهای دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور در تحولات انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالستی و دفاع از وطن و انقلاب ثور را که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی صورت می‌گیرد، وظیفه خود می‌داند. به منظور تحقق اهداف متذکره، شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه عالی‌ترین ارگان (مقام) قدرت دولتی کشور و ممثل واقعی آزادی اراده تمام مردم افغانستان فیصله نمود که تا زمان تصویب قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به وسیله لویه‌جرگه (شورای عالی) این اصول ساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، منظور و نافذ گردد.

فصل اول اساسات نظام اجتماعی سیاسی و اقتصادی

ماده اول

جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت مستقل و دموکراتیک تمام مردم زحمت کش مسلمان افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، کسبه کاران، کوچیان، روشنفکران و سایر زحمت کشان و تمام نیروهای دموکراتیک و وطن پرست کلیه ملیت‌ها و اقوام کشور می‌باشد.

ماده دوم

دولت برای رفاه و سعادت مردم خدمت نموده، زندگی صلح آمیز، مصون و آرام، رشد همه جانبه افراد، حفظ حقوق، ملکیت، حیثیت، رسوم و عنعنات ملی ایشان را تأمین می‌کند. در جمهوری دموکراتیک افغانستان، قدرت دولتی متعلق به زحمت کشان شهر و ده می‌باشد و توسط ارگان‌های کاملاً دولتی و محلی که از طریق دموکراتیک تأسیس می‌شود، عملی می‌گردد.

ماده سوم

قدرت زحمت کشان در جمهوری دموکراتیک افغانستان، متکی به جبهه وسیع ملی پدر وطن است که کلیه کارگران، دهقانان، کسبه کاران، کوچیان، روشنفکران، زنان، جوانان و نمایندگان تمام ملیت‌ها و اقوام، کلیه نیروهای مترقی، دموکراتیک و وطن پرست و سازمان‌های اجتماعی و سیاسی کشور را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اساس

برنامه عمومی اعمار جامعه نوین، آزاد و دموکراتیک متحد می سازد. جبهه ملی پدر وطن موظف است تا در اتحاد تمام نیروهای خلق، جهت فعالیت مشترک در تعمیم وظایف انکشاف ملی و دموکراتیک کشور، در تربیه مردم به روحیه وطن پرستانه و جلب وسیع اتباع در اداره امور دولت و جامعه مساعدت کند.

ماده چهارم

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و تمام زحمت کشان کشور، نیروی رهبری کننده و سوق دهنده جامعه و دولت بوده، بیانگر اراده و منافع کارگران، دهقانان، روشنفکران، تمام زحمت کشان و نیروهای ملی و دموکراتیک و مدافع ثابت قدم منافع واقعی تمام خلق های ساکن وطن واحد افغانستان می باشد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به اساس اراده خلق افغانستان، اصول انقلاب ملی و دموکراتیک را در سیاست داخلی و خارجی خویش ملاک عمل قرار داده، تعمیم تدریجی اهداف و وظایف انقلاب ثور را تعیین نموده، مبارزه تمام خلق افغانستان را در ایجاد جامعه نوین، عادلانه و فارغ [از] استثمار فرد از فرد رهبری می کند.

ماده پنجم

در جمهوری دموکراتیک افغانستان، احترام، رعایت و حفظ دین مبین اسلام تأمین می شود و آزادی اجرای مراسم دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می گردد.

پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم دینی و مذهبی شان که آسایش و امنیت جامعه را تهدید نماید، آزادی کامل دارند. هیچ یک از اتباع حق ندارد از دین به مقصد تبلیغات ضد ملی و ضد مردمی و وسیله ارتکاب سایر اعمال خلاف منافع جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق افغانستان استفاده کند.

دولت به فعالیت‌های وطن پرستانه روحانیون و علمای دینی در اجرای وظایف و مکلفیت‌های شان کمک و مساعدت می‌کند.

ماده ششم

در جمهوری دموکراتیک افغانستان، فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های زنان و جوانان، انجمن‌های علمی، کلتوری و هنری و سایر سازمان‌های اجتماعی و دموکراتیک زحمت‌کشان که در صفوف خویش کارگران، دهقانان، کسبه کاران، روشنفکران و سایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل و ارتقای فعالیت‌های اجتماعی و تولیدی، تعمیل اهداف و وظایف انقلاب ثور و تأمین منافع خاصه ایشان متحد می‌سازند، تشویق و پشتیبانی می‌شود.

ماده هفتم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، سیاست تساوی حقوق، دوستی برادرانه و رشد همه‌جانبه تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل اعم از خورد و بزرگ ساکن در وطن واحد افغانستان را عملی ساخته، به همبستگی زحمت‌کشان تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور در مبارزه به منظور تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب ثور مساعدت کرده و حقوق قانونی ایشان را تأمین و تضمین می‌کند.

هدف جمهوری دموکراتیک افغانستان، امحای عدم تساوی در سطح رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام مناطق کشور می‌باشد. جمهوری دموکراتیک افغانستان بهترین و گران‌مایه‌ترین آثار میراث فرهنگی و عنعنات تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور را حفظ و انکشاف می‌دهد.

ماده هشتم

قوای مسلح و سارندوی جمهوری دموکراتیک افغانستان، از دست آوردهای

انقلاب ثور، استقلال ملی، وحدت و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور دفاع می‌کند.

دولت به منظور تقویه و استحکام قوای مسلح و سارندوی و تربیه منسوبین آن به روحیه وطن پرستی و عشق به وطن، صداقت به اهداف و آرمان‌های انقلاب ثور، همبستگی با زحمت‌کشان سایر ممالک و به منظور تأمین اشتراک منسوبین قوای مسلح در حیات اجتماعی و سیاسی و بهبود وضع مادی فامیل‌های‌شان تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

ماده نهم

دولت نقش وطن پرستانه سران و ریش سفیدان و تمام اعضای قبایل کشور را که در نواحی خود صلح، برادری و آرامی را تأمین و از سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع می‌کنند، پشتیبانی به عمل می‌آورد و در تعمیم مؤثر این فعالیت نجیبانه، مساعدت همه‌جانبه را به آنان مبذول می‌دارد.

ماده دهم

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان، بر تحکیم صلح عام و تام، انکشاف همکاری‌های وسیع بین‌المللی و حفظ منافع دولتی کشور استقرار است.

اساس فعالیت سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان را اصول همزیستی مسالمت آمیز و سیاست عدم انسلاک مثبت و فعال تشکیل می‌دهد.

ماده یازدهم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، دوستی و همکاری همه‌جانبه عنعنوی خود را با اتحاد شوروی و همکاری و مناسبات دوستی را با سایر ممالک اتحاد سوسیالیستی بر اصل همبستگی انترناسیونالیستی توسعه و استحکام می‌بخشد.

ماده دوازدهم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، به حیث یک کشور صلح جو، برای حفظ و تحکیم مناسبات دوستانه با سایر ممالک، به خصوص با ممالک همسایه و تمام ملل و دول مسلمان، بر اساس احترام متقابل به استقلال ملی و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، مجدانه سعی نموده و جهت توحید مساعی مسلمانان و سایر خلق ها در تلاش عمومی برای صلح، آزادی، ترقی و همکاری بین ایشان مساعدت می کند.

ماده سیزدهم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، برای حل عادلانه و صلح آمیز تمام مسائل حل نشده موجوده بین کشورهای همسایه در منطقه بر اساس اراده نیک و اصول همزیستی مسالمت آمیز صرف مساعی می کند.

ماده چهاردهم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، از مبارزه ملل و خلق های جهان برای صلح، آزادی ملی و اجتماعی، دموکراسی، ترقی و بر ضد استعمار، استعمار نو و امپریالیزم، بر ضد صهیونیزم، راسیسم، فاشیسم، تبعیض نژادی و آپارتاید پشتیبانی می کند.

ماده پانزدهم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، به خاطر دفاع از صلح جهانی، در جهت خلع سلاح عمومی و قطع مسابقات تسلیحاتی، جلوگیری از توسعه اسلحه ذروی، از بین بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان، انکشاف و تعمیق پروسه تخفیف تشنجات بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی به عمل می آورد. در جمهوری دموکراتیک افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است.

ماده شانزدهم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، منشور سازمان ملل متحد و اصول قبول شده عمومی حقوق بین‌المللی را احترام و رعایت کرده، از فعالیت‌های سازمان ملل متحد مبنی بر تحکیم صلح و انکشاف همکاری‌های بین‌المللی پشتیبانی می‌کند.

ماده هفدهم

در جمهوری دموکراتیک افغانستان، ملکیت به اشکال دولتی (ملکیت عامه مردم) کوپراتیفی، خصوصی و ملکیت شخصی وجود دارد. دولت تمام اشکال ملکیت قانونی را حفظ و دفاع می‌کند. ملکیت منابع زیرزمینی، سایر منابع طبیعی، منابع انرژی، بانک‌ها، مؤسسات بیمه، وسایل عمده تولید در صنایع ثقیله، دستگاه‌های مخابراتی رادیو و تلویزیون، منحصر به دولت می‌باشد. ملکیت عامه مردم از حمایت مخصوص برخوردار است. دولت فعالیت شرکت‌هایی را که در آن سهم دارد تشویق، حمایت و نظارت می‌کند.

ماده هجدهم

دولت رشد اقتصاد ملی را به منظور امحای عقب ماندگی اقتصادی کشور، ارتقای سطح زندگی خلق‌های تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان، امحای تمام انواع استثمار و اعمار جامعه نو مطابق به آرمان‌های انقلاب ثور سوق می‌دهد.

دولت به این منظور، پلان‌های انکشاف اجتماعی و اقتصادی را که متکی به فعالیت سازنده و خلاق زحمت‌کشان است، عملاً طرح و تنظیم می‌کند. دولت تشبثات خصوصی را تشویق، حمایت و کنترل می‌کند و در زمینه مساعدت مادی و معنوی می‌نماید.

ماده نوزدهم

دولت ملکیت دهقانان و سایر زمین‌داران را بر زمین مطابق به احکام قانون، محترم شمرده و تضمین می‌کند. دولت جهت تعمیم تحولات دموکراتیک در زراعت به نفع توده‌های وسیع دهقانان و با اشتراک فعال ایشان، تدابیر اتخاذ می‌کند [و] به دهقانان از طریق قرضه‌های بانکی کمک لازمه می‌نماید [و] برای دریافت ماشین‌آلات زراعتی، تخم‌های بذری اصلاح شده، کود کیمیاوی، فروش محصولات و مواد خام مساعدت می‌کند [و] رشد و انکشاف کوپراتیف‌های تولیدی استهلاکی و سایر انواع آن را در زراعت، تشویق و حمایت می‌نماید.

ماده بیستم

دولت برای کوچیان، قبایل و مالداران، امکانات استفاده رایگان را از چراگاه‌ها به صورت عادلانه تضمین می‌نماید و برای کوچیان حق سیر آزادانه را در قلمر و کشور نیز تضمین می‌کند. دولت برای کوچیان، قبایل و مالداران از طریق کمک‌های بلاعوض و قرضه‌های بانکی به شرایط، با امتیاز، مساعدت لازمه می‌نماید و سایر مساعدت‌ها را در راه رشد مالداری، فروش محصولات و ارتقای سطح زندگی مادی، فرهنگی و معیشتی ایشان مبذول می‌دارد.

ماده بیست و یکم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، فعالیت‌های تولیدی کسبه کاران، اتحاد داوطلبانه ایشان را در کوپراتیف‌های تولیدی، به منظور مؤثریت بیشتر سازماندهی تولید، تأمین مواد خام و فروش محصولات، تشویق و حمایت می‌کند.

دولت مطابق به قانون، مصونیت سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را به

منظور انکشاف اقتصاد ملی، تضمین و اشتراک سرمایه‌داران ملی را در انکشاف صنایع، خدمات ترانسپورت و زراعت، تشویق و حمایت می‌کند. دولت با در نظر داشت منافع ملی تمام مردم افغانستان در عرصه تجارت، انکشاف تجارت داخلی و خارجی را تشویق و نظارت می‌کند. به این منظور دولت پرچون‌فروشی و عمده‌فروشی آزادانه را مجاز دانسته و کنترل عمومی قیمت را به دوش دارد [و] به شرکت‌های تجارتي و تاجران ملی در عملی ساختن تجارت خارجی، واردات و صادرات، مساعدت می‌کند [و] افزایش تولیدات و ارتقای کیفیت اموال صادراتی را تشویق و در مقابل رقابت انحصار امپریالیستی، حمایت می‌کند.

ماده بیست و دوم

دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ و حمایت می‌کند. استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه و مردم مجاز نیست. دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز به دست آمده تضمین می‌کند. قانون حق وراثت ملکیت خصوصی و شخصی را تعیین و تضمین می‌کند. استملاک ملکیت خصوصی در بدل تأدیه قیمت، مطابق به عدالت اجتماعی و قانون مجاز است.

ماده بیست و سوم

دولت مطابق به قانون و متکی بر اصل عدالت، انواع و اندازه مالیات را طبق عایدات شخص تعیین می‌کند.

ماده بیست و چهارم

پالیسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ساحه انکشاف اجتماعی، فرهنگی و کلتوری، بر تحکیم وحدت کارگران، دهقانان، کوچیان، روشنفکران، کسبه کاران، تاجران، روحانیون و علمای وطن پرست و تمام

نیروهای دموکراتیک و وطن پرست کشور، تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان، امحای بقایای مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی، عقب ماندگی، بیکاری، بیسوادی، فقر، مرض و ارتقای سطح زندگی مادی و کلتوری هر خانواده استوار است.

به این منظور پروگرام‌های مبنی بر امحای کامل بیسوادی، انکشاف وسیع معارف، حفظ‌الصحه و تأمینات اجتماعی، علم و تخنیک، کلتور و هنر، تربیت بدنی، سپورت و خدمات معیشتی، به صورت متداوم عملی می‌گردد.

ماده بیست و پنجم

دولت تأمین منازل مسکونی مساعد را برای زحمت کشان یکی از وظایف عمده خود می‌شمارد.

ماده بیست و ششم

خانواده، مادر و طفل، تحت حمایه خاص دولت قرار می‌گیرد. دولت در مورد صحت مادر و طفل توجه خاصی مبذول می‌دارد و جهت ایجاد شرایط وسیع برای زن در تحصیل، کسب مسلک و تدارک کار، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و مکاتب موظف‌اند در تربیه اطفال به خانواده‌ها کمک کنند. دولت مواظبت جوانان را به عهده می‌گیرد [و] برای آنان امکانات تعلیم و آموزش مسلکی را فراهم می‌سازد [و] جهت تأمین کار به آنان [و] ایجاد شرایط مساعد جهت تربیه معنوی و اخلاقی، رشد جسمانی و اشتراک وسیع خلاق در اعمار جامعه نوین، مساعدت می‌کند.

فصل دوم حقوق اساسی و مکلفیت‌های اتباع

ماده بیست و هفتم

تابعیت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای تمام مردم افغانستان، یکسان و مساوی است. حصول تابعیت جمهوری دموکراتیک افغانستان و سلب آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.

اتباع افغانستان در خارج از حمایت و پشتیبانی جمهوری دموکراتیک افغانستان برخوردارند. هیچ‌یک از اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان به دولت خارجی تسلیم داده نمی‌شود.

ماده بیست و هشتم

تمام اتباع افغانستان در مقابل قانون مساوی‌اند. تمام اتباع افغانستان بدون در نظر داشت تعلق نژادی، ملی، قبیله‌ای، زبان، جنس، محل سکونت و اقامت، دین، تحصیلات، نسب، دارایی و موقف اجتماعی، حقوق و مکلفیت‌های مساوی دارند. تساوی حقوق اتباع در تمام شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلتوری تأمین می‌گردد. هیچ‌کس نمی‌تواند از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، علیه منافع جمهوری دموکراتیک افغانستان و حقوق سایر اتباع استفاده کند.

ماده بیست و نهم

برای اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک ذیل تأمین و تضمین می‌گردد:

۱. حق زندگی و مصونیت.

۲. آزادی کامل ادای مناسک دین مبین اسلام و هم‌چنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون؛
۳. حق کار.

دولت جهت تأمین حق کار مفید اجتماعی برای تمام مردم تدابیر، اتخاذ می‌نماید [و] شرایط کار را کنترل و در مورد کار، قوانین متری، وضع و تطبیق می‌کند.
۴. حق وقایه صحت و تأمینات اجتماعی.

دولت جهت انکشاف شبکه‌های مؤسسات حفظ‌الصحه دولتی و در صورت امکان توسعه خدمات رایگان طبی، بهبود تأمینات اجتماعی زحمت‌کشان در صورت از دست دادن قدرت کار و در کهنسالی و هم‌چنین در صورت از دست دادن متکفل برای اعضای خانواده تدابیر اتخاذ می‌نماید.
۵. حق تحصیل.

دولت جهت رشد و تکامل معارف ملی و متری، امحای بیسوادی، تعلیم به زبان مادری، رشد و توسعه تعلیمات رایگان متوسطه، عالی، مسلکی و تخنیکی تدابیر اتخاذ می‌کند.
۶. آزادی فعالیت‌های علمی، تخنیکی، کلتوری و هنری مطابق به اهداف انقلاب ثور.

۷. حق بیان آزادانه و علنی فکر، حق تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز و هم‌چنین حق اتحاد و وطن‌پرستانه در سازمان‌های دموکراتیک و متری اجتماعی.

استفاده از حقوق متذکره در چوکاتی که نظم اجتماعی، آسایش و امنیت کشور را مختل نکند توسط قانون تنظیم می‌گردد.

۸. مصونیت منزل، محرمیت مراسلات، صحبت‌های تیلیفونی، مخابرات

تلگرافی و سایر انواع مخابرات، به استثنای حالاتی که در قانون پیش‌بینی شده است.

۹. حق شکایت، عرض حال فردی و دسته‌جمعی به ارگان‌های مربوطه دولت.

ماده سی‌ام

هیچ کس را نمی‌توان متهم به ارتکاب جرم نمود، مگر مطابق به احکام قانون. هیچ کس را نمی‌توان گرفتار و توقیف نمود، مگر مطابق به احکام قانون. هیچ کس را نمی‌توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه و مطابق به احکام قانونی که هنگام ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ باشد. متهم حق دفاع را دارد. متهم تازمانی که به حکم قطعی محکمه محکوم نشده است، بی‌گناه شناخته می‌شود.

جرم یک امر شخصی است و با ارتکاب آن شخص دیگر مجازات نمی‌گردد. مجازات مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب مجاز نیست.

ماده سی‌ویکم

اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان مکلف‌اند قوانین، موازین سلوک اجتماعی و آداب و اخلاق انسانی را احترام و رعایت کنند [و] وظایف و وجایب خود را صادقانه انجام دهند [و] حقوق و منافع قانونی سایر اشخاص را احترام نموده و به نام شایسته تبعه جمهوری دموکراتیک افغانستان افتخار نمایند.

ماده سی‌ودوم

کار مفید اجتماعی و صادقانه بر مبنای وجدان پاک و وطن پرستانه، وجبیه مهم و عمل پرافتخار هر تبعه مستعد به کار جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

ماده سی و سوم

دفاع از وطن و دستاوردهای انقلاب ثور، صداقت به اهداف و آرمان‌های آن و خدمت به خلق، وجیهه عالی و مقدس هر یک از اتباع می‌باشد. خدمت در صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، مکلفیت پرافتخار و وطن پرستانه عالی هر یک از اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد.

ماده سی و چهارم

جمهوری دموکراتیک افغانستان، تمام شرایط را مساعد می‌سازد تا اتباع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خویش طور مؤثر استفاده کنند.

فصل سوم لویه جرگه شورای عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان

ماده سی و پنجم

لویه جرگه (شورای عالی) عالی‌ترین ارگان قدرت دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد. ترکیب لویه جرگه، طرز و ترتیب کاملاً دموکراتیک انتخاب نمایندگان خلق‌های افغانستان و هم‌چنین تشکیل، صلاحیت و ترتیب فعالیت آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. انتخاب نمایندگان خلق‌ها در لویه جرگه، بر اساس رأی‌گیری عمومی، آزاد، سری، مستقیم و مساوی صورت می‌گیرد.

لویه جرگه در اولین اجلاس خود، قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را تصویب می‌کند. زمان انتخابات لویه جرگه از طرف شورای انقلابی تعیین و اعلام می‌گردد.

فصل چهارم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

ماده سی و ششم

تا زمانی که شرایط لازم جهت انتخاب آزاد و مصون لویه جرگه (شورای عالی) مساعد گردد، شورای انقلابی، عالی ترین ارگان قدرت دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشد.

تعداد، ترکیب و انتصاب یا انتخاب اعضای جدید برای شورای انقلابی که از تمام طبقات و اقشار دموکراتیک ملی و مترقی نمایندگی نماید، به پیشنهاد هیأت رئیسه توسط شورای انقلابی تصویب می گردد.

ماده سی و هفتم

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. تصویب فرامین و قوانین؛
۲. تصویب پلان های دولتی انکشاف اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان و گزارش های مبنی بر اجراءات آن؛
۳. تصویب بودجه دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و گزارش های مبنی بر اجراءات آن؛
۴. تشکیل هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای وزیران (حکومت) جمهوری دموکراتیک افغانستان، ستره محکمه جمهوری دموکراتیک افغانستان و تعیین لوی خانونال

جمهوری دموکراتیک افغانستان؛

۵. تشکیل و انحلال وزارتخانه‌ها، تعیین، تبدیل و عزل اعضای شورای وزیران؛

۶. تصویب مشی اساسی سیاست داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تصویب پروگرام فعالیت‌های حکومت؛
۷. اعلام رفراندوم (رأی‌گیری عمومی مردم)؛

۸. اعلام انتخابات لویه جرگه (شورای عالی) جمهوری دموکراتیک افغانستان؛

۹. اعلان حرب در صورتی که جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد تجاوز قرار گیرد و اعلان متارکه.

۱۰. تصویب و الغای قراردادهای بین‌المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق احکام قانون؛

۱۱. اجازه نشر پول؛

۱۲. تشکیل کمیسیون‌های اختصاصی در موارد لازم؛

۱۳. اتخاذ تصمیم درباره سایر موضوعاتی که تصویب شورای انقلابی را ایجاب نماید.

ماده سی و هشتم

شورای انقلابی سال دو مرتبه دوره اجلاسیه خود را دایر می‌کند. دوره اول اجلاسیه شورای انقلابی در ماه سنبله و دوره دوم آن در ماه حوت دایر می‌گردد. دوره اجلاسیه فوق‌العاده شورای انقلابی، به ابتکار هیأت رئیسه شورای انقلابی یا بر اساس پیشنهاد حداقل یک‌سوم اعضای شورای انقلابی دایر می‌گردد. شورای انقلابی از بین اعضای خود، رئیس شورای انقلابی، معاون و یا معاونان رئیس شورای انقلابی را انتخاب می‌کند.

ماده سی ونهم

جلسات شورای انقلابی با حضور حداقل دو ثلث اعضای آن دایر می گردد. جلسات شورای انقلابی به صورت علنی دایر می گردد، مگر این که منافع دولت، سری بودن آن را ایجاب نماید.

ماده چهلیم

تصویب قوانین، فرامین و سایر تصاویب شورای انقلابی به اکثریت آرای اعضاء صورت می گیرد. قوانین و فرامین بعد از نشر در جریده رسمی نافذ می گردد، مگر این که در متن قانون طور دیگری تصریح گردیده باشد. قوانین و فرامین شورای انقلابی به زبان های پشتو و دری نشر می شود و می توان آن ها را به سایر زبان های خلق های افغانستان نشر کرد.

ماده چهل ویکم

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، طرز العمل فعالیت های شورای انقلابی و هیأت رئیسه آن را تنظیم می کند.

ماده چهل و دوم

شورای انقلابی از جمله اعضای خود، هیأت رئیسه شورای انقلابی را تشکیل می دهد. هیأت رئیسه متشکل است از:

- رئیس شورای انقلابی به حیث صدر هیأت رئیسه؛

- معاون و یا معاونان صدر هیأت رئیسه؛

- منشی و اعضا.

هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ارگان دایماً فعال شورای انقلابی می باشد.

ماده چهل و سوم

هیأت رئیسه شورای انقلابی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. تعیین تاریخ انعقاد اجلاس عادی و فوق العاده شورای انقلابی؛
۲. تفسیر قوانین، تمهیل ابتکارات قانون گذاری و در صورت ضرورت برگزاری مباحثات عمومی مردم پیرامون مسودات قوانین؛
۳. کنترل رعایت قوانین و فرامین در اجراءات ارگان های دولتی؛
۴. تشکیل، تغییر و تعدیل اسم و ساحه ولایات، شهرها، ولسوالی ها و علاقه داری ها؛
۵. تعیین و اعطای نشان ها و مدال ها مطابق به احکام قانون؛
۶. عفو و تخفیف مجازات؛
۷. منظوری تعیین، تبدیل، عزل، تقاعد و استعفاء قضات، صاحب منصبان قوای مسلح و مأمورین مطابق به احکام قانون؛
۸. تعیین القاب نظامی، رتب سیاسی و اعطای آن مطابق به احکام قانون؛
۹. منظوری تعیین، تبدیل و عزل نمایندگان سیاسی و دایمی جمهوری دموکراتیک افغانستان در دول خارجه و در سازمان های بین المللی [و] اجازه افتتاح نمایندگی های سیاسی دول متحابه در کشور؛
۱۰. اعلام حالات نظامی، اضطراری و سفربری؛
۱۱. حل مسائل مربوط به تابعیت و اعطای حق پناهندگی برای خارجیان مطابق قانون؛
۱۲. اجرای سایر وظایف مطابق به احکام قانون.

مادهٔ چهل و چهارم

تمام صلاحیت های شورای انقلابی در خلال مدت بین دوره های اجلاس عادی، به هیأت رئیسه انتقال می یابد.

مادهٔ چهل و پنجم

- تا تعیین یا انتخاب صدراعظم، رئیس شورای انقلابی در عین زمان صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد.
- رئیس شورای انقلابی دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:
۱. رهبری فعالیت‌های شورای انقلابی، هیأت رئیسه و شورای وزیران؛
 ۲. قیادت قوای مسلح؛
 ۳. قبول اعتمادنامه‌های سران نمایندگی‌های دول خارجی؛
 ۴. توشیح قوانین، فرامین، تصاویب و سایر اسناد شورای انقلابی، هیأت رئیسه و شورای وزیران؛
 ۵. سایر صلاحیت‌های مندرج قانون.

فصل پنجم

شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان

مادهٔ چهل و هشتم

- شورای وزیران (حکومت) جمهوری دموکراتیک افغانستان، عالی‌ترین ارگان اجرائیوی قدرت دولتی بوده، مرکب است از:
- صدراعظم، معاون یا معاونان صدراعظم و وزراء؛
- شورای وزیران در اجراءات خود، نزد شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره‌های اجلاس آن نزد هیأت رئیسه مسئول می‌باشد.

مادهٔ چهل و نهم

شورای وزیران دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تعمیل سیاست داخلی و خارجی؛
۲. تقدیم طرح قوانین جهت بررسی و تصویب به شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره‌های اجلاسیه شورای انقلابی به هیأت رئیسه؛
۳. تصویب مقررہ و اساسنامه؛
۴. سازماندهی امور انکشاف اقتصاد ملی، طرح و پیشنهاد پلان‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی و بودجه دولتی و گزارش‌های تطبیق آن جهت منظوری شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره‌های اجلاسیه شورای انقلابی به هیأت رئیسه؛
۵. رهبری و مراقبت فعالیت‌های وزارت خانه‌ها؛
۶. رهبری و مراقبت فعالیت‌های ارگان‌های اجرائیوی محلی؛
۷. اتخاذ تدابیر جهت تأمین امنیت، نظم و آسایش اجتماعی و حفظ حقوق و آزادی‌های اتباع؛
۸. رهبری امور دفاعی کشور و تنظیم قوای مسلح؛
۹. رهبری روابط خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان به شمول انجام مذاکرات و عقد قراردادهای بین‌المللی در حدود صلاحیت؛
۱۰. معاونت و مساعدت به جمعیت‌العلمای دینی در پیشبرد وظایف مربوط؛
۱۱. سایر صلاحیت‌های مندرج قانون.

مادهٔ چهل و هشتم

تعمیل تصاویب و سایر اسناد شورای وزیران توسط ارگان‌ها، مؤسسات و اتباع در سراسر قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان حتمی می‌باشد.

مادهٔ چهل و نهم

تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت ادارات مرکزی و محلی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاهم

در رأس وزارتخانه‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان، وزرا قرار دارند. وزرا، فعالیت خود را مطابق به قانون انجام می‌دهند. وزرا در پیشبرد امور وزارت و انکشاف ساحات مربوط مسئولیت فردی دارند.

فصل ششم

ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره

ماده پنجاه و یکم

در ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها، جرگه‌های محلی (شوراها محلی) به مقصد حل و فصل تمام مسائل مربوط محل تشکیل می‌گردد.

طرز انتخاب دموکراتیک نمایندگان خلق در جرگه‌های محلی (شوراها محلی) و سایر مسائل مربوط به تشکیل و صلاحیت‌ها، مسئولیت و فعالیت آن‌ها توسط قوانین تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاه و دوم

در ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها، کمیته‌های محلی اجرائیوی قدرت دولتی تشکیل می‌گردد. رئیس و اعضای کمیته محلی اجرائیوی مطابق به احکام قانون تعیین می‌شود.

کمیته محلی اجرائیوی دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تأمین رعایت تطبیق قوانین، فرامین، تصاویر و سایر اسناد و فیصله‌های ارگان‌های مافوق.
۲. تأمین و حفظ نظم، امنیت، حقوق و آزادی‌های اتباع.

۳. اجرای پلان‌های دولتی انکشاف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۴. رهبری و هماهنگ‌سازی ساختن فعالیت ارگان‌های تحت اثر.
۵. اتخاذ تصمیم در حدود صلاحیت.

ماده پنجاه و سوم

ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداری، اصول کار جمعی، ابتکار جلب وسیع مردم، قانونیت و عدالت را ملاک عمل قرار می‌دهد.

فصل هفتم

نظام قضایی و فعالیت محاکم

ماده پنجاه و چهارم

قضاوت در جمهوری دموکراتیک افغانستان صرف توسط محکمه به اساس اصول دموکراتیک صورت می‌گیرد. قضاوت توسط ستره محکمه جمهوری دموکراتیک افغانستان، محاکم ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و هم‌چنین توسط محاکم قوای مسلح صورت می‌گیرد. جهت بررسی قضایای معین طبق احکام قانون، محاکم اختصاصی تشکیل می‌شود. تشکیل، صلاحیت و طرز تأسیس و فعالیت محاکم توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاه و پنجم

ستره محکمه عالی‌ترین ارگان قضایی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد و مرکب است از: رئیس، معاونان رئیس و اعضا. ستره محکمه طبق احکام قانون بر فعالیت قضایی محاکم نظارت و شکل واحد تطبیق قوانین را توسط محاکم تأمین می‌کند. ستره محکمه از فعالیت‌های خود به

شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره‌های اجلاسیه شورای انقلابی به هیأت رئیسه آن گزارش می‌دهد. قضات تمام محاکم توسط هیأت رئیسه شورای انقلابی تعیین می‌شوند.

ماده پنجاه و ششم

رسیدگی به تمام قضایای مدنی و جزایی از صلاحیت محاکم می‌باشد. قضات حین رسیدگی قضایا، مستقل و صرف تابع قانون می‌باشند. رسیدگی قضایا و اصدار حکم توسط محاکم به اساس اصول تساوی اتباع در برابر قانون و محکمه صورت می‌گیرد.

محکمه حین رسیدگی قضایا قوانین جمهوری دموکراتیک افغانستان را تطبیق می‌کند. در حالاتی که قانون صراحت نداشته باشد محکمه قضایا را طبق احکام شریعت و اصول قانونیت دموکراتیک و عدالت حل و فصل می‌نماید.

قضایا در تمام محاکم در جلسات علنی رسیدگی می‌شود. حالاتی که قضایا در جلسات سری رسیدگی می‌شود، توسط قانون تعیین می‌گردد. ابلاغ حکم در تمام حالات باید علنی باشد.

ماده پنجاه و هفتم

رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به زبان‌های پشتو و دری و یا به زبان اکثریت اهالی محل صورت می‌گیرد. اگر طرفین دعوی زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می‌گیرد ندانند، حق آشنایی با مواد و اسناد دوسیه از طریق ترجمان و حق صحبت در محکمه به زبان مادری‌شان تضمین می‌گردد.

ماده پنجاه و هشتم

تمام فیصله‌های محاکم به نام جمهوری دموکراتیک افغانستان صادر

می گردد. فیصله‌های محاکم باید مدلل باشد. تطبیق فیصله‌های تنفیذی و قطعی محاکم حتمی می‌باشد. حکم اعدام بعد از منظوری هیأت رئیسه شورای انقلابی تطبیق می‌گردد.

فصل هشتم سارنوالی

ماده پنجاه و نهم

لوی سارنوال جمهوری دموکراتیک افغانستان رهبری فعالیت ارگان‌های سارنوالی کشور را به دوش دارد. سارنوالی جمهوری دموکراتیک افغانستان سیستم واحد استوار بر اصل مرکزیت را تشکیل داده و مرکب از لوی سارنوالی و سارنوالی‌های ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها می‌باشد.

سارنوالی اختصاصی طبق احکام قانون تشکیل شده می‌تواند. ارگان‌های سارنوالی در اجرائات خود مستقل از ارگان‌های محلی بوده، صرف تابع لوی سارنوال می‌باشد.

ماده شصتم

لوی سارنوال و سارنوالان از تطبیق و رعایت یکسان قوانین توسط تمام ارگان‌های مرکزی و محلی قدرت دولتی و اداره، مؤسسات دولتی مختلط و خصوصی، سازمان‌های اجتماعی، مسئولین امور و اتباع نظارت می‌کنند.

ماده شصت و یکم

لوی سارنوال از فعالیت‌های خود نزد شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره‌های اجلاس آن، نزد هیأت رئیسه شورای انقلابی مسئول است.

لوی سارنوال به طور منظم از فعالیت‌های خود و قانونیت در کشور به شورای انقلابی و هیأت رئیسه گزارش می‌دهد.

ماده شصت و دوم

تا زمان تعیین لوی سارنوال صلاحیت و وظایف او به وزیر عدلیه تعلق دارد. تشکیلات، صلاحیت و طرز فعالیت ارگان‌های سارنوالی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

فصل نهم

نشان، بیرق، پایتخت

ماده شصت و سوم

نشان دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارت است از: تصویر محراب و منبر به روی متن سبز، کتاب مفتوح، اشعه طلوع خورشید در بین گراری که توسط خوشه‌های گندم مزین با فیته‌های سیاه، سرخ و سبز احاطه شده و ستاره سرخ پنج گوشه که در قسمت فوقانی در بین دو انجام خوشه‌های گندم قرار دارد.

ماده شصت و چهارم

بیرق دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان دارای سه رنگ می‌باشد که به شکل نوارهای سیاه، سرخ و سبز از بالا به پایین افقا به اندازه‌های مساوی واقع شده است. در ربع قسمت بالای بیرق از چوبه آن، نشان دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار دارد. نسبت عرض بیرق به طول آن یک بر دو است.

ماده شصت و پنجم

پایتخت جمهوری دموکراتیک افغانستان شهر کابل است.

فصل دهم احکام نهایی

ماده شصت و ششم

تعدیل این اصول اساسی به اساس پیشنهاد هیأت رئیسه و تصویب دو ثلث اعضای شورای انقلابی صورت گرفته می تواند.

ماده شصت و هفتم

تمام ارگان های مرکزی و محلی دولت تا زمان تشکیل ارگان های جدید دولتی که در این اصول اساسی پیش بینی شده است، طبق احکام این اصول اساسی و قوانین مربوطه اجرائات می کنند.

ماده شصت و هشتم

این اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق اعلامیه تاریخی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان با نشر آن از اول ثور سال ۱۳۵۹ نافذ می گردد و تا زمان تصویب قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتبار دارد.

فرامین، قوانین و سایر اسناد که قبل از انفاذ این اصول اساسی صادر گردیده، در صورت عدم مغایرت با احکام این اصول اساسی مورد اعتبار است.

(۷)

قانون اساسى جمهورى افغانستان^۱
دوره ۵ اکتبر نجیب الله
(۹ قوس ۱۳۶۶ شمسی)

۱. منبع اصلی: وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره فوق العاده، مسلسل ۶۶۰، مورخ ۱۲ حوت ۱۳۶۶.

فرمان رئیس جمهور جمهوری افغانستان

شهر کابل

شماره (۱)

مورخ ۱۳۶۶/۹/۹

درباره توشیح و اعلام قانون اساسی جمهوری افغانستان

لویه جرگه تاریخی ۸ و ۹ ماه قوس که در شهر کابل دایر گردید، قانون اساسی جمهوری افغانستان را به داخل سیزده فصل و یک صد و چهل و نه ماده به مثابه مهم ترین وثیقه ملی به تصویب رسانید.

مطابق به صلاحیتی که قانون اساسی برایم تفویض نموده، قانون اساسی ج.ا.ا. که از تاریخ تصویب نافذ گردیده، به خاطر تأمین صلح و آرامش، تحقق کامل مشی مصالحه ملی، سعادت مردم و ترقی افغانستان عزیز، توشیح و اعلام می دارم.

داکتر نجیب الله

رئیس جمهور افغانستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وطن محبوب ما افغانستان دارای تاریخ پر افتخار و مشحون از مبارزات قهرمانانه مردم دلیر ما به خاطر آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی می باشد.

تحولاتی که طی سال‌های اخیر در کشور ما به وقوع پیوست، شرایط مساعد را جهت نیل به اهداف عالی ترقی وطن و خوشبختی مردم فراهم ساخت. در مرحله کنونی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به مثابه طراح و سازمانده مشی مصالحه ملی یکجا با سایر نیروهای سیاسی، ملی و دموکراتیک، این مشی انسان‌دوستانه را فعالانه به پیش می برد. بنابراین به منظور:

تحکیم استقلال، حاکمیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی کشور؛
دستیابی به مصالحه، تحکیم وحدت ملی، با نظر داشت واقعیت‌های
عینی عنعنات و رسوم پسندیده مردم؛
تأمین عدالت اجتماعی و مساوات؛
رشد اقتصاد ملی و ارتقای سطح زندگی مردم؛
ارتقای نقش و اعتبار وطن محبوب ما افغانستان در عرصه بین‌المللی؛
مانندگان مردم افغانستان در لویه جرگه، با درک تحولات تاریخی
که در میهن ما و در جهان معاصر رونما گردیده و با پیروی از اساسات
دین مبین اسلام، حفظ و غنای موارث نهضت مشروطیت کشور، احترام
به منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ این قانون اساسی
را به مثابه مهم‌ترین وثیقه ملی به تاریخ ۱۳۶۶/۹/۹ در سیزده فصل و (۱۴۹)
ماده تصویب نمودیم.

فصل اول اساسات نظام سیاسی

ماده اول

جمهوری افغانستان دولت مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه بوده، بر تمام قلمرو خود دارای حاکمیت می باشد.

حاکمیت ملی در جمهوری افغانستان به مردم تعلق دارد. مردم حاکمیت ملی را توسط لویه جرگه، شورای ملی و شوراهای محلی تعمیم می کنند.

ماده دوم

دین افغانستان دین مقدس اسلام است.

در جمهوری افغانستان هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

ماده سوم

جمهوری افغانستان، کشور غیر منسلک بوده، در پیمان های نظامی شامل نمی شود و تأسیس پایگاه های نظامی خارجی را در قلمرو خود اجازه نمی دهد.

ماده چهارم

دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی از جمله وظایف اساسی دولت است. دولت امنیت و قابلیت دفاعی کشور را تأمین و قوای مسلح را تجهیز می نماید.

ماده پنجم

تشکیل احزاب سیاسی در جمهوری افغانستان مجاز است، مشروط بر این که مرامنامه، اساسنامه و فعالیت آن مغایر احکام قانون اساسی و قوانین کشور نباشد. حزبی که مطابق احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجب قانونی منحل شده نمی تواند.

ماده ششم

جبهه ملی جمهوری افغانستان، به مثابه وسیع ترین سازمان اجتماعی-سیاسی، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی و اعضای منفرد شامل صفوف خود را به خاطر تأمین شرکت فعال آن ها بر اساس برنامه مشترک در عرصه های اجتماعی، سیاسی و دولتی متحد می سازد.

ماده هفتم

تشکیل اتحادیه های صنفی و سازمان های اجتماعی در جمهوری افغانستان طبق قانون مجاز است. دولت در جهت ارتقای نقش اتحادیه های صنفی، کوپراتیف های دهقانی، سازمان های جوانان، زنان و سایر سازمان های اجتماعی، در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور مساعدت نموده، همکاری و مناسبات متقابل ارگان های دولتی را با آن ها تأمین می کند.

ماده هشتم

از جمله زبان های ملی کشور، پشتو و دری، زبان های رسمی می باشد.

ماده نهم

نشان دولتی جمهوری افغانستان، دارای تصویر آفتاب در حال طلوع، محراب و منبر در متن سبز، محاط با خوشه گندم، گراری و فите دارای سه رنگ سیاه، سرخ و سبز می باشد.

ماده دهم

بیرق دولتی جمهوری افغانستان، دارای سه رنگ می باشد که به شکل قطعات سیاه، سرخ و سبز از بالا به پایین به صورت افقی به اندازه مساوی واقع شده است. در ربع قسمت بالایی هر دو روی بیرق، به طرف چوب آن، نشان دولتی جمهوری افغانستان قرار دارد. طول بیرق نسبت به عرض آن دو چند می باشد.

ماده یازدهم

پایتخت جمهوری افغانستان، شهر کابل است.

ماده دوازدهم

سرود ملی جمهوری افغانستان توسط ولسی جرگه تصویب می گردد.

فصل دوم

اساسات نظام اجتماعی - اقتصادی

ماده سیزدهم

جمهوری افغانستان کشور کثیرالملیت است.

دولت سیاست رشد همه جانبه تفاهم، دوستی و همکاری همه ملیت ها، اقوام و قبایل کشور را به منظور تأمین برابری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رشد و انکشاف سریعتر مناطق عقب مانده از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تعقیب می کند. دولت زمینه ایجاد واحدهای اداری را بر مبنای خصوصیات ملی به تدریج مهیا می سازد.

ماده چهاردهم

دولت به منظور رشد فرهنگ، زبان و ادبیات مردم، تدابیر لازم اتخاذ کرده،

میراث شایسته فرهنگ، رسوم، زبان، ادبیات و فولکلور تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل را حفظ نموده، انکشاف می‌دهد.

مادهٔ پانزدهم

در جمهوری افغانستان، خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد. دولت به منظور تأمین صحت طفل و مادر و تربیه اطفال تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

مادهٔ شانزدهم

دولت از نسل جوان مواظبت دائمی نموده، شرایط لازم تعلیم و تربیه، تأمین کار، تفریح، استراحت، پرورش معنوی و جسمی آن‌ها را فراهم آورده، در جهت رشد استعداد نوجوانان و جوانان مساعدت می‌کند.

مادهٔ هفدهم

دولت به منظور اعمار منازل مسکونی دولتی و کوپراتیفی، امور ساختمانی را توسعه داده، در امر ساختمان منازل شخصی مساعدت می‌کند.

مادهٔ هجدهم

دولت سیاست اقتصادی را که هدف آن بسیج و به کار بردن تمام منابع کشور، به خاطر رفع عقب ماندگی، ارتقای سطح زندگی مردم، تکامل ساختار اجتماعی-اقتصادی جامعه می‌باشد، عملی می‌نماید و به این منظور پلان‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و تطبیق می‌کند.

مادهٔ نوزدهم

ملکیت در جمهوری افغانستان، به اشکال دولتی، مختلط، کوپراتیفی، اوقاف، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمان‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد. دولت از تمام انواع ملکیت قانونی حمایت می‌کند.

ماده بیستم

منابع زیر زمینی، جنگل‌ها، چراگاه‌ها و سایر ثروت‌های طبیعی، منابع اساسی انرژی، آبدات تاریخی، بانک‌ها، مؤسسات بیمه، وسایل مخابرات، تأسیسات رادیو و تلویزیون، بندهای بزرگ، بنادر، وسایل عمده تولید در صنایع ثقیله، خطوط مواصلاتی و ترانسپورت هوایی از جمله ملکیت دولت می‌باشد. دولت سکتور دولتی اقتصاد را انکشاف و استحکام می‌بخشد.

ماده بیست و یکم

دولت در امر تقویه و گسترش کوپراتیف‌ها مساعدت کرده، اشتراک داوطلبانه مردم را در آن تشویق می‌کند.

ماده بیست و دوم

دولت فعالیت‌های انفرادی پیشه‌وران و شرکت داوطلبانه آن‌ها را در اتحادیه‌های صنفی و کوپراتیف‌ها، تشویق و حمایه نموده، در امر ارتقای سطح مهارت حرفوی پیشه‌وران، تأمین وسایل کار، مواد خام و فروش محصولات‌شان، کمک‌های همه جانبه مبذول می‌دارد.

ماده بیست و سوم

دولت حق مالکیت دهقانان و زمین‌داران را بر زمین مطابق قانون تضمین می‌نماید. دولت جهت اجرای تحولات دموکراتیک در زراعت، با رعایت منافع دهقانان و زمین‌داران، تدابیر لازم اتخاذ می‌کند. دولت ایجاد فارم‌های بزرگ زراعتی و میکانیزه دولتی، مختلط و خصوصی را تشویق و در امر آبادی زمین‌های بکر و بایر مساعدت می‌نماید.

ماده بیست و چهارم

دولت برای کوچیان و مالداران، امکان استفاده از چراگاه‌ها را طبق قانون

تضمین نموده، جهت ایجاد شرایط مساعد برای رشد مالداری، فروش محصولات، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی آن‌ها مساعدت می‌کند.

ماده بیست و پنجم

دولت مصونیت سرمایه‌گذاری خصوصی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی تضمین نموده، اشتراک سرمایه‌داران ملی را در انکشاف صنایع تجارت، ساختمان، ترانسپورت، زراعت و عرصه‌های خدمات، طبق قانون تشویق و حمایت می‌کند.

دولت مناسبات سودمند و همه‌جانبه را با متشبثان خصوصی توسعه داده و از سکتور خصوصی در مقابل رقابت با سرمایه خارجی حمایت می‌کند و حین تنظیم سیاست مالی، کریدتی، گمرکی و قیم، منافع سکتور خصوصی را طبق قانون در نظر می‌گیرد.

ماده بیست و ششم

در جمهوری افغانستان، تجارت داخلی و خارجی با رعایت منابع مردم توسط دولت تنظیم می‌شود.

دولت به این منظور فعالیت سرمایه‌داران ملی را در امر توسعه صادرات و واردات اموال، انکشاف تجارت عمده و پرچون تشویق کرده، تعیین و کنترل قیم را به عهده می‌گیرد. دولت افزایش تولیدات و ارتقای کیفیت اموال صادراتی را تشویق و در برابر رقابت سرمایه و انحصارات خارجی از آن حمایت می‌کند.

ماده بیست و هفتم

دولت به منظور رشد اقتصاد ملی، سرمایه‌گذاری خارجی را در جمهوری افغانستان اجازه داده و طبق قانون تنظیم می‌نماید.

ماده بیست و هشتم

در جمهوری افغانستان، اشخاص خارجی حق ملکیت عقاری را ندارند. فروش عقار به نمایندگی‌های سیاسی و دول خارجی، بر اساس رویه‌های معمول و به مؤسسات بین‌المللی که جمهوری افغانستان عضو آن باشد، بعد از موافقه حکومت مجاز می‌باشد.

ماده بیست و نهم

حق وراثت ملکیت طبق شریعت اسلام توسط قانون تضمین می‌گردد.

ماده سی ام

استملاک طبق قانون تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل عوض عادلانه و قبلی صورت می‌گیرد. مصادره ملکیت بدون حکم قانون و فیصله محکمه جایز نیست.

ماده سی و یکم

در جمهوری افغانستان بر اساس قانون و عدالت اجتماعی، معیارها، اندازه و انواع مالیه و محصول تعیین می‌گردد.

ماده سی و دوم

دولت به منظور حفظ طبیعت، ثروت‌های طبیعی و استفاده معقول از منابع طبیعی، بهبود محیط زیست، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و ابقای عالم حیوانات و نباتات، تدابیر لازم اتخاذ و عملی می‌کند.

فصل سوم تابعیت، حقوق، آزادی‌ها و مکلفیت‌های اساسی اتباع

ماده سی و سوم

تابعیت جمهوری افغانستان برای تمام، اتباع مساوی و یکسان است. حصول و از دست دادن تابعیت و سایر مسائل مربوط آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. هر شخصی که تابعیت جمهوری افغانستان را طبق قانون دارا باشد، افغان نامیده می‌شود.

ماده سی و چهارم

هیچ یک از اتباع جمهوری افغانستان در داخل و یا خارج کشور تبعید نمی‌شود.

ماده سی و پنجم

هیچ یک از اتباع جمهوری افغانستان به دولت خارجی تسلیم داده نمی‌شود.

ماده سی و ششم

اتباع جمهوری افغانستان در خارج کشور تحت حمایت دولت قرار دارند. دولت از حقوق و منافع قانونی آن‌ها دفاع کرده، رابطه افغان‌های مقیم خارج را با کشور تحکیم می‌بخشد و به منظور بازگشت آن‌ها به وطن مساعدت می‌کند.

ماده سی و هفتم

جمهوری افغانستان، حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی و اشخاص بدون تابعیت مقیم افغانستان را طبق قانون تضمین می‌کند. آن‌ها مکلف اند قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را رعایت کنند.

ماده سی و هشتم

اتباع جمهوری افغانستان، اعم از زن و مرد بدون نظر داشت تعلقات ملیت، نژاد، لسان، قبیله، دین، مذهب، عقیده سیاسی، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت و اقامت، در برابر قانون دارای حقوق و مکلفیت‌های مساوی می‌باشند. تعیین هر نوع امتیاز غیر قانونی و یا تبعیض، نسبت به حقوق و مکلفیت‌های اتباع ممنوع است.

ماده سی و نهم

زندگی حق طبیعی انسان است. هیچ کس بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد.

ماده چهلیم

در جمهوری افغانستان، آزادی اجرای مناسک دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد. پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم مذهبی شان آزاد می‌باشند.

هیچ شخص نمی‌تواند به منظور تبلیغات ضد ملی و ضد مردمی، ایجاد دشمنی و ارتکاب سایر اعمال خلاف منافع جمهوری افغانستان از دین سوء استفاده کند.

ماده چهل و یکم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسانی

از تعرض مصون بوده، دولت آن را احترام و حمایت می کند. براءت ذمه، حالت اصلی است. متهم تا زمانی که به حکم قطعی محکمه محکوم نشده، بی گناه شناخته می شود.

هیچ عملی را نمی توان جرم شمرد، مگر مطابق به احکام قانون. هیچ کس را نمی توان متهم به ارتکاب جرم نمود، مگر مطابق به احکام قانون.

هیچ کس را نمی توان گرفتار و توقیف نمود، مگر مطابق به احکام قانون.

هیچ کس را نمی توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه، مطابق به احکام قانون و متناسب به جرمی که مرتکب شده است.

جرم امر شخصی است و با ارتکاب آن شخص دیگر مجازات نمی شود. متهم حق دارد شخصا و یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند.

مادهٔ چهل و دوم

در جمهوری افغانستان، جزای مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب جواز ندارد.

گرفتن اقرار، شهادت یا اظهار از متهم یا شخص دیگر به وسیله اکراه و تهدید ممنوع است. اظهار یا شهادتی که از متهم یا شخص دیگر، به وسیله اکراه گرفته شود اعتبار ندارد.

هر گاه موظف خدمات عامه متهم یا شخص دیگر را به منظور گرفتن شهادت، اظهار و یا اقرار شکنجه نماید، یا به تعمیل شکنجه امر کند مطابق قانون مجازات می گردد.

استناد به امر مقامات مافوق، مرتکب را از ارتکاب اعمال خلاف قانون براءت نمی دهد.

مادهٔ چهل و سوم

مدیون بودن شخص، موجب سلب آزادی وی شده نمی‌تواند. طرز و وسایل تحصیل دین، توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و چهارم

در جمهوری افغانستان، مصونیت مسکن تضمین می‌گردد. هیچ شخص به شمول نماینده دولت، بدون اجازه ساکن و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح گردیده، نمی‌تواند به مسکن شخص داخل شود و یا آن را تفتیش کند.

مادهٔ چهل و پنجم

در جمهوری افغانستان، محرمانه بودن مراسلات، صحبت‌های تلفنی، مخابرات تیلگرافی و سایر انواع مخابرات تضمین می‌گردد. هیچ شخص به شمول نماینده دولت نمی‌تواند بدون حکم قانون، به تفتیش صحبت‌های تلفنی، مراسلات و مخابرات اقدام ورزد.

مادهٔ چهل و ششم

اتباع جمهوری افغانستان که از ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و مسئولین امور حین اجرای وظیفه، به صورت غیر قانونی متضرر می‌گردند، دارای حق جبران خساره می‌باشند. شرایط و طرز جبران خساره توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و هفتم

اتباع جمهوری افغانستان حق دارند در زندگی اجتماعی، سیاسی و اداره امور دولت به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان خود شرکت نمایند.

مادهٔ چهل و هشتم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن

می‌باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و نهم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق آزادی فکر و بیان می‌باشند. اتباع می‌توانند از این حق به صورت علنی، شفاهی و تحریری طبق قانون استفاده کنند. سانسور مطبوعات قبل از نشر جواز ندارد.

مادهٔ پنجاهم

اتباع جمهوری افغانستان، طبق قانون دارای حق اجتماعات، تظاهرات مسالمت‌آمیز و اعتصاب می‌باشند.

مادهٔ پنجاه و یکم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق شکایت، انتقاد، پیشنهاد انفرادی و جمعی می‌باشند. ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و مسئولین امور موظف‌اند به شکایات، پیشنهادات و انتقادات در موعدی که قانون تعیین کرده، رسیدگی نموده، اجرائات لازم به عمل آورند. تعقیب به خاطر انتقاد ممنوع است.

مادهٔ پنجاه و دوم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق کار و دریافت مزد مساوی در مقابل کار مساوی می‌باشند. دولت از طریق وضع و تطبیق قوانین عادلانه و مترقی کار، شرایط لازم را برای استفاده اتباع از این حق مساعد می‌سازد.

مادهٔ پنجاه و سوم

تحمیل کار اجباری ممنوع است. اجرای کار اجباری در حالت جنگ، آفات طبیعی و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند از این امر مستثنی می‌باشد.

ماده پنجاه و چهارم

اتباع جمهوری افغانستان با نظر داشت نیازمندی جامعه، مطابق رشته تخصصی، دارای حق احراز وظایف دولتی و انتخاب شغل می‌باشد.

ماده پنجاه و پنجم

اتباع جمهوری افغانستان دارای حق استراحت می‌باشند. دولت تعیین ساعات کار و رخصتی نوبتی با مزد و چگونگی شرایط کار را در روزهای رخصتی، جشن‌ها و اعیاد تنظیم کرده، شرایط استراحت، گسترش شبکه‌های مؤسسات فرهنگی، هنری، رشد تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم را مساعد می‌سازد.

ماده پنجاه و ششم

اتباع جمهوری افغانستان دارای حق آموزش رایگان می‌باشند. دولت به منظور امحای بیسوادی، تعمیم تعلیم و تربیه متوازن، آموزش به لسان مادری، تأمین تعلیمات ابتدایی اجباری، گسترش تدریجی تعلیمات عمومی، تخنیک، حرفوی و مسلکی و رشد سیستم تحصیلات عالی جهت تربیه کادرهای ملی تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

در جمهوری افغانستان به اشخاص خارجی اجازه تأسیس مکاتب مطابق احکام قانون داده شده می‌تواند. از این مکاتب تنها اشخاص خارجی می‌توانند استفاده کنند.

ماده پنجاه و هفتم

اتباع جمهوری افغانستان دارای حق صحت و تأمینات اجتماعی می‌باشند. دولت از طریق توسعه همه‌جانبه و متوازن سیستم خدمات طبی سراسری ملی، توسعه شفاخانه‌ها، مراکز صحتی، پرورش دکتوران طب و کارمندان خدمات طبی، جلوگیری از امراض همگانی، توسعه خدمات صحتی رایگان، تنظیم و تشویق خدمات طبی خصوصی، بهبود تأمینات

مادی برای کهن سالان، معلولین جنگ و کار و بازماندگان شهدا تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده پنجاه و هشتم

اتباع جمهوری افغانستان دارای حق آزادی فعالیت‌های علمی، تخنیکی و هنری می‌باشند. دولت پیشرفت منظم علم و تربیه کادرهای علمی را تأمین، حقوق مؤلفان و مخترعان را حفظ و تحقیقات علمی را در تمام عرصه‌ها تشویق و حمایت کرده، استفاده مؤثر از نتایج تحقیقات علمی را تعمیم می‌بخشد.

ماده پنجاه و نهم

اتباع جمهوری افغانستان دارای حق مسافرت و انتخاب آزاد محل سکونت و اقامت در کشور می‌باشند. دولت می‌تواند به منظور حفظ امنیت و نظم عامه، جلوگیری از شیوع امراض، حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص، مسافرت، سکونت و یا اقامت را در بعضی مناطق کشور موقتاً ممنوع قرار دهد.

ماده شصتم

اتباع جمهوری افغانستان حق دارند طبق قانون به خارج کشور مسافرت و به وطن عودت کنند.

ماده شصت و یکم

هر تبعه جمهوری افغانستان مکلف است قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را رعایت کند. بی‌خبری از احکام قانون، عذر پنداشته نمی‌شود.

ماده شصت و دوم

اتباع جمهوری افغانستان و اشخاص خارجی مکلف‌اند به دولت طبق قانون مالیه و محصول بپردازند.

ماده شصت و سوم

دفاع از وطن، استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور، مکلفیت پرافتخار اتباع جمهوری افغانستان می باشد. شرایط خدمت در قوای مسلح مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده شصت و چهارم

دولت شرایط لازم را برای استفاده از حقوق و آزادی های اساسی و انجام مکلفیت های اتباع فراهم می سازد. هیچ کس حق ندارد از حقوق و آزادی های مندرج در قانون، علیه منافع عامه و به ضرر حقوق و آزادی های سایر اتباع استفاده نماید.

فصل چهارم لویه جرگه

ماده شصت و پنجم

لویه جرگه مطابق به سنن ملی و تاریخی، عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

ماده شصت و ششم

لویه جرگه متشکل است از:

۱. اعضای شورای ملی؛
۲. از هر ولایت و واحد معادل آن ده نفر به انتخاب مردم؛
۳. والیان و شاروال کابل؛
۴. صدراعظم، معاونان صدراعظم و اعضای شورای وزیران؛
۵. قاضی القضاة معاونان و اعضای ستره محکمه؛

۶. لوی سارنوال و معاونان او؛

۷. رئیس و اعضای شورای قانون اساسی؛

۸. اعضای هیئت اجرائیه جبهه ملی؛

۹. حداکثر (۵۰) نفر از جمله شخصیت‌های برجسته سیاسی، علمی،

اجتماعی و روحانی که بر اساس پیشنهاد دارالانشای جبهه ملی توسط رئیس جمهور تعیین می‌شوند.

ماده شصت و هفتم

لویه جرگه دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تصویب و تعدیل قانون اساسی؛

۲. انتخاب و قبول استعفای رئیس جمهور؛

۳. موافقت به اعلان جنگ و متارکه؛

۴. اتخاذ تصمیم در مورد مهم‌ترین مسائلی که به سرنوشت کشور

ارتباط می‌گیرد.

ماده شصت و هشتم

به استثنای حالاتی که در این قانون اساسی طور دیگر پیش‌بینی شده باشد، لویه جرگه توسط رئیس جمهور دعوت، افتتاح و جلسات آن تحت ریاست او یا شخص دیگری که رئیس جمهور به حیث نایب خود تعیین کند دایر می‌شود.

نصاب لویه جرگه با حضور دو ثلث مجموع اعضای آن تکمیل می‌گردد.

تصمیم لویه جرگه به اکثریت آرای مجموع اعضای آن اتخاذ می‌گردد.

ماده شصت و نهم

در حالت انحلال ولسی جرگه، اعضای آن الی انتخاب ولسی جرگه جدید، عضویت خود را به حیث اعضای لویه جرگه حفظ می‌نمایند.

ماده هفتم

انتخابات لویه جرگه توسط قانون و طرز العمل آن توسط خود لویه جرگه تنظیم می گردد.

فصل پنجم رئیس جمهور

ماده هفتاد و یکم

رئیس جمهور در رأس دولت قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های تقنینیه، اجرائیه و قضائیه مطابق احکام این قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان عمیل می کند.

ماده هفتاد و دوم

رئیس جمهور به اکثریت رأی اعضای لویه جرگه برای مدت هفت سال انتخاب می شود. یک شخص نمی تواند بیش از دوبار به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

رئیس جمهور نزد لویه جرگه مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید، لویه جرگه طی مدت سی روز قبل از ختم دوره صلاحیت رئیس جمهور دعوت می گردد.

ماده هفتاد و سوم

هر تبعه مسلمان جمهوری افغانستان که سن (۴۰) سالگی را تکمیل کرده، خود و همسر وی از والدین افغان متولد و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد، به حیث رئیس جمهور انتخاب شده می تواند.

ماده هفتاد و چهارم

رئیس جمهور بعد از انتخاب در لویه جرگه حلف آتی را به جامی آورد:
«به نام خداوند بزرگ سوگند یاد می کنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نموده، از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست کنم. حقوق و آزادی های اساسی اتباع را حفاظت نمایم و تمام مساعی خود را به خاطر تأمین عدالت اجتماعی، سعادت مردم، تحکیم صلح و ترقی کشور به کار برم.»

ماده هفتاد و پنجم

رئیس جمهور علاوه بر سایر صلاحیت های مندرج این قانون اساسی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. قیادت اعلاى قوای مسلح؛
۲. توشیح قوانین و مصوبات شورای ملی؛
۳. تعیین صدراعظم موظف به تشکیل حکومت؛
۴. منظوری رئیس و اعضای حکومت بعد از کسب رأی اعتماد از جانب ولسی جرگه و قبول استعفای آنها؛
۵. تدویر و ریاست جلسات شورای وزیران عنداللزوم؛
۶. منظوری، تقرر، ترفیع و تقاعد قضات، کارمندان عالی رتبه و افسران قوای مسلح مطابق به احکام قانون؛
۷. اتخاذ تصمیم در مورد تدویر نظر خواهی عمومی یا مراجعه به آرای عامه (رفراندوم) راجع به مسائل عمده سیاسی، اجتماعی اقتصادی؛
۸. عفو و تخفیف مجازات؛
۹. تعیین رؤسای نمایندگی های دیپلماتیک جمهوری افغانستان در

دول خارجی و سازمان‌های بین‌المللی؛

۱۰. قبول اعتمادنامه‌های رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک دول خارجی در جمهوری افغانستان؛
۱۱. اعلان حالت اضطرار، سفربری عمومی و قسمی و خاتمه دادن به آن؛

۱۲. اعلان جنگ و متار که به موافقه لویه جرگه؛

۱۳. اجازه نشر پول؛

۱۴. اعطای تابعیت و پناهندگی مطابق قانون؛

۱۵. اعطای نشان‌ها، مدال‌ها و القاب افتخاری مطابق قانون؛

۱۶. تعمیم سایر صلاحیت‌ها مطابق قانون.

ماده هفتادوششم

رئیس جمهور به جز از حالات بیماری صعب‌العلاج و دوامدار و یا استعفا الی ختم دوره صلاحیت به وظایف خود دوام می‌دهد. در تمام حالاتی که رئیس جمهور نتواند وظایف خود را ایفا نماید، این وظایف از طرف معاون اول رئیس جمهور اجرا می‌شود.

در صورت از دست دادن دایمی قابلیت کار، مرگ و یا استعفای رئیس جمهور، لویه جرگه توسط معاون اول او به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید طی مدت یک ماه دعوت می‌شود. در حالات استعفا، رئیس جمهور استعفای خود را مستقیماً به لویه جرگه ارائه می‌کند.

فصل ششم

شورای ملی

ماده هفتادوهفتم

شورای ملی عالی‌ترین ارگان تقنینی جمهوری افغانستان می‌باشد.

ماده هفتاد و هشتم

شورای ملی متشکل از دو مجلس ولسی جرگه و سنا می‌باشد.

ماده هفتاد و نهم

وکلای ولسی جرگه از طریق حوزه‌های انتخاباتی، بر اساس تعداد مساوی نفوس برای یک دوره تقنینیه پنج ساله انتخاب می‌شوند.

اعضای مجلس سنا (سناتورها) به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می‌شوند:

۱. از هر ولایت و واحدهای معادل آن دو نفر برای مدت پنج سال؛

۲. از جمله اعضای شورای هر ولایت و معادل آن دو نفر برای مدت

سه سال به انتخاب شورای مربوط؛

۳. یک ثلث باقیمانده از جمله افراد خبیر، دانشمند، با اعتبار و

شخصیت‌های ملی برای مدت چهار سال به تعیین رئیس جمهور.

ماده هشتادم

تعداد، شرایط، طرز انتخاب و انتصاب اعضای شورای ملی مطابق قانون

تنظیم می‌گردد.

ماده هشتاد و یکم

شورای ملی علاوه بر سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی

دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تصویب، تعدیل و لغو قوانین و فرامین تقنینی و تقدیم آن به رئیس

جمهور جهت توشیح؛

۲. تفسیر قوانین؛

۳. تصویب و فسخ معاهدات بین‌المللی؛

۴. تصویب پلان‌های انکشاف اقتصادی - اجتماعی و تأیید گزارش

حکومت در مورد اجرای آن؛

۵. تصویب بودجه دولتی و بررسی گزارش در مورد اجرای آن؛

۶. ایجاد واحدهای اداری و تعدیل آن؛
۷. تأسیس و لغو وزارت‌ها و ارگان‌های مرکزی معادل آن؛
۸. اتخاذ تصمیم در مورد تعیین و عزل معاونان رئیس جمهور به اساس معرفی و مطالبه رئیس جمهور؛
۹. اجازه اخذ قرضه به دولت و اعطای امتیاز دارای اهمیت اساسی در اقتصاد ملی به شمول اعطای انحصار؛
۱۰. وضع نشان‌ها، مدال‌ها و القاب افتخاری توسط قانون؛
۱۱. تأیید برقراری روابط با دول خارجی و سازمان‌های بین‌المللی؛
۱۲. استماع جواب صدراعظم و اعضای حکومت در مورد اجرائات شامل صلاحیت حکومت در جلسه استجواب.

ماده هشتاد و دوم

ولسی جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:

۱. اتخاذ تصمیم در مورد اعطای رأی اعتماد و یا سلب اعتماد از شورای وزیران و یا یکی از اعضای آن؛
۲. اتخاذ فیصله نهایی راجع به طرح پلان‌های انکشاف اقتصادی، اجتماعی و بودجه دولتی در صورت اختلاف نظر بین ولسی جرگه و سنا.

ماده هشتاد و سوم

هر مجلس شورای ملی در اولین اجلاس، کمیسیونی را از بین اعضای خود جهت بررسی و وثایق انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس مربوط گزارش می‌دهد.

مجلس بر اساس این گزارش، صلاحیت و کلا را تأیید و در صورت تخلف از قانون انتخابات، وثایق اعضای شورای ملی را از اعتبار ساقط می‌نماید.

ماده هشتاد و چهارم

ولسی جرگه از جمله اعضای خود، برای تمام دوره تقنینیه در اولین اجلاس، هیأت اداری را به ترکیب رئیس، دو معاون و دو منشی انتخاب می کند.

سنا از جمله اعضای خود هیأت اداری را به ترکیب رئیس برای مدت پنج سال، دو معاون و دو منشی را برای مدت یک سال انتخاب می کند. رؤسای مجالس شورای ملی، رهبری و تأمین نظم جلسات مربوط را به عهده دارند. در غیاب رؤسا وظایف آنها را یکی از معاونین انجام می دهد.

ماده هشتاد و پنجم

اجلاس عادی شورای ملی سالانه دو بار در هفته اول ماه سنبله و هفته اول ماه حوت دایر می شود. مدت هر اجلاس عادی شورای ملی سه ماه می باشد. در صورتی که در اجلاس شورای ملی بودجه سالانه یا پلان انکشافی مطرح باشد، مدت اجلاس شورای ملی قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی تواند.

هرگاه تصویب بودجه قبل از شروع سال مالی صورت نگیرد، بودجه سال گذشته تا زمان تصویب بودجه سال جدید تطبیق می شود.

اجلاس فوق العاده شورای ملی بر اساس تصمیم رئیس جمهور، مطالبه رئیس هر یک از مجالس و یا تقاضای یک خمس اعضای هر مجلس دایر شده می تواند.

ماده هشتاد و ششم

مجالس شورای ملی به صورت جداگانه یا مشترک تشکیل جلسه می دهد. جلسات مشترک مجالس شورای ملی، از طرف رؤسای آن بالنوبه رهبری می شود.

افتتاح و اختتام اجلاس شورای ملی توسط رئیس جمهور صورت می گیرد.

اولین اجلاس دوره تفنینه شورای ملی به وسیله رئیس جمهور طی مدت سی روز بعد از ختم انتخابات ولسی جرگه دعوت می شود.

ماده هشتاد و هفتم

نصاب هر مجلس شورای ملی با حضور دو ثلث اعضای آن تکمیل می شود. تصمیم هر مجلس به اکثریت آرای مجموع اعضای آن اتخاذ می گردد.

ماده هشتاد و هشتم

جلسات جداگانه و مشترک مجالس شورای ملی علنی می باشد، مگر این که مجلس به سری بودن آن تصمیم بگیرد. جریان مباحثات هر دو مجلس ثبت می گردد.

ماده هشتاد و نهم

هر مجلس شورای ملی کمیسیون های دایمی را از بین اعضای خود جهت بررسی مقدماتی و آماده ساختن مسائل داخل صلاحیت هر مجلس، مراقبت از تطبیق قوانین و تصامیم هر مجلس، انتخاب می کنند.

ماده نودم

هر مجلس شورای ملی صلاحیت دارد در صورت لزوم کمیسیون های تحقیق، تفتیش و سایر کمیسیون های موقتی را ایجاد کند. وظایف و طرز العمل کمیسیون های تحقیق و تفتیش توسط هر یک از مجالس شورای ملی تنظیم می گردد.

ماده نود و یکم

اعضای ولسی جرگه حق دارند در جلسه استیضاح، صدراعظم و یا هر

یک از اعضای حکومت را مورد استیضاح قرار دهند. پاسخ به استیضاح به صورت تحریری یا شفاهی ارائه می گردد.

ولسی جرگه می تواند بر اساس پاسخ ارائه شده، موضوع سلب اعتماد از حکومت را بررسی کند. در صورتی که حکومت مورد سلب اعتماد قرار گیرد، تا تشکیل شورای وزیران جدید به وظایف خود ادامه می دهد.

ماده نودودوم

اعضای شورای وزیران می توانند با رأی مشورتی در جلسات شورای ملی شرکت نمایند.

ماده نودوسوم

اعضای شورای ملی در اجلاس جداگانه و مشترک دارای حق رأی و اظهار نظر می باشند.

هیچ عضو شورای ملی به خاطر رأی یا اظهار نظر در داخل یا خارج اجلاس شورای ملی مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد. عضو شورای ملی بدون موافقه مجلس مربوط و در بین دو اجلاس شورای ملی بدون موافقه هیأت اداری آن، به استثنای حالات جرم مشهود گرفتار و توقیف شده نمی تواند و مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد. هرگاه عضو شورای ملی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد، باید به هیأت اداری مجلس مربوط اطلاع داده شود.

ماده نودوچهارم

مقامات ذیل حق پیشنهاد وضع، تعدیل و لغو قانون را به هر یکی از مجالس شورای ملی دارا می باشند:

۱. رئیس جمهور؛

۲. کمیسیون های دائمی مجلسین شورای ملی؛

۳. حداقل عشر اعضای هر مجلس؛
۴. شورای وزیران؛
۵. ستره محکمه؛
۶. لویه سارنوالی؛
۷. هیأت اجرائیه جبهه ملی؛
۸. شورای علما و روحانیون.

ماده نود و پنجم

به استثنای حالاتی که در این قانون اساسی طور دیگر پیش بینی شده است، تصامیم یک مجلس در مورد صلاحیت‌های مندرج ماده (۸۱) به مجلس دیگر فرستاده می‌شود.

در صورتی که تصویب یک مجلس از جانب مجلس دیگر رد شود، به منظور نیل به توافق، هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس ایجاد می‌گردد. تصمیم موافق هیأت مختلط بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

هر گاه هیأت مختلط موفق به رفع اختلاف نظر نشود، موضوع در جلسه مشترک شورای ملی بررسی و تصمیم در آن باره، به اکثریت آرای اعضای مجلس مشترک اتخاذ می‌گردد.

ماده نود و ششم

تصامیم شورای ملی بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد. در صورتی که رئیس جمهور به تصمیم شورای ملی موافقه نداشته باشد، می‌تواند آن را در ظرف سی روز از تاریخ تقدیم با تذکر دلایل به شورای ملی مسترد نماید.

با سپری شدن مدت سی روز و هم‌چنان در صورتی که شورای ملی در اجلاس آینده، آن را مجدداً به دو ثلث آرای اعضاء تصویب نماید،

تصمیم نافذ شمرده می شود و رئیس جمهور آن را توشیح می کند.

ماده نودوهفتم

رئیس جمهور می تواند بعد از مشوره، با رؤسای ولسی جرگه، سنا، رئیس شورای وزیران و قاضی القضاة، انحلال ولسی جرگه را با ذکر دلایل موجه آن اعلام نماید.

انتخابات مجدد در خلال مدت سی روز بعد از انحلال ولسی جرگه صورت می گیرد.

انحلال ولسی جرگه جدید الی یک سال بعد از انتخابات مجدد صورت گرفته نمی تواند. ولسی جرگه در جریان شش ماه اخیر دوره صلاحیت رئیس جمهور غیر قابل انحلال می باشد.

ماده نودوهشتم

قوانین و مصوبات شورای ملی به لسان های پشتو و دری به نشر می رسد و می توان آن را به زبان های سایر ملیت های کشور نشر نمود.

ماده نودونهم

طرز فعالیت هر مجلس شورای ملی و کمیسیون های دائمی آن توسط مجلس مربوط تنظیم می گردد.

فصل هفتم

شورای وزیران

ماده صدم

شورای وزیران (حکومت) عالی ترین ارگان اجرائیوی و اداری قدرت

دولتی جمهوری افغانستان می باشد.

شورای وزیران مرکب است از:

- صدراعظم؛

- معاونان صدراعظم؛

- وزرا و رؤسای ارگان‌های مرکزی معادل وزارت.

ماده یکصد و یکم

صدراعظم موظف در اولین اجلاس دوره تقنینیه، خط مشی سیاست داخلی و خارجی و ترکیب حکومت را جهت اخذ رأی اعتماد به ولسی جرگه ارائه و معرفی می کند.

صدراعظم بعد از اخذ رأی اعتماد و منظوری رئیس جمهور، خط مشی سیاست داخلی و خارجی و اعضای حکومت را به سنا ارائه و معرفی می کند.

ماده یکصد و دوم

شورای وزیران در برابر ولسی جرگه و رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

ماده یکصد و سوم

شورای وزیران دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می باشد:

۱. طرح و تطبیق خط مشی سیاست داخلی و خارجی؛
۲. تأمین اجرای امور اقتصاد ملی، طرح پلان‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی، ترتیب بودجه دولتی، تطبیق پلان‌ها و بودجه و ارائه گزارش مبنی بر اجرای آن به شورای ملی؛
۳. اتخاذ تدابیر به منظور دفاع از منافع دولت، حمایت تمام اشکال ملکیت قانونی، تأمین نظم و امنیت عامه و حراست از حقوق و آزادی‌های اتباع؛

۴. رهبری عمومی مناسبات خارجی، بر قراری روابط دیپلماتیک و عقد موافقتنامه‌ها با دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی مطابق به احکام قانون؛

۵. ایجاد ادارات و ارگان‌های وابسته به شورای وزیران؛

۶. سایر صلاحیت‌ها مطابق احکام قانون.

شورای وزیران جمهوری افغانستان در حدود صلاحیت‌های خویش مقرر و اساسنامه را به تصویب می‌رساند.

ماده یک‌صد و چهارم

در هنگام تعطیل شورای ملی و یا انحلال ولسی جرگه، شورای وزیران در صورت ضرورت عاجل می‌تواند در مورد مسائل شامل صلاحیت شورای ملی، به استثنای مسائل مربوط بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی وضع نماید.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

شورای وزیران، فرامین تقنینی را که مطابق حکم این ماده قانون اساسی وضع گردیده، در اولین اجلاس شورای ملی جهت منظوری ارائه می‌نماید.

فرامین تقنینی در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از تاریخ تصمیم شورای ملی از اعتبار ساقط می‌گردد.

رئیس جمهور می‌تواند در خلال دو اجلاس شورای ملی یا در جریان انحلال ولسی جرگه بر اساس پیشنهاد صدراعظم، بعضی از اعضای حکومت را سبکدوش و یا اعضای جدید را تعیین نماید. این موضوع در اولین اجلاس ولسی جرگه، جهت اتخاذ تصمیم ارائه می‌گردد.

ماده یک‌صد و پنجم

دوره صلاحیت شورای وزیران با ختم دوره تقنینیه خاتمه می‌یابد.

حکومتی که دوره صلاحیت آن خاتمه یافته، وظایف خود را الی تشکیل شورای وزیران جدید انجام می‌دهد.

ماده یک‌صد و ششم

تشکیل، ترکیب و طرز فعالیت شورای وزیران توسط قانون تنظیم می‌گردد.

فصل هشتم

قضا

ماده یک‌صد و هفتم

قضا یک رکن مستقل دولت می‌باشد.

ماده یک‌صد و هشتم

قضاوت در جمهوری افغانستان صرف توسط محکمه مطابق احکام قانون صورت می‌گیرد.

محاکم در جمهوری افغانستان عبارتند از: ستره‌محکمه، محاکم ولایات، لوی ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها، شهرها و نواحی و محاکم قوای مسلح. دولت می‌تواند در سیستم واحد قضایی، محاکم اختصاصی ایجاد نماید.

ماده یک‌صد و نهم

ستره‌محکمه به حیث عالی‌ترین ارگان قضایی در رأس سیستم واحد قضایی کشور قرار داشته، مرکب است از: قاضی‌القضات، معاونان قاضی‌القضات و اعضا.

ستره‌محکمه بر طبق احکام قانون، فعالیت‌های محاکم را نظارت نموده، تطبیق یکسان قانون را در فعالیت‌های محاکم تأمین می‌کند.

ماده یکصد و دهم

قاضی القضاة، معاونان و اعضای ستره محکمه برای مدت شش سال توسط رئیس جمهور تعیین می گردند.
ستره محکمه نزد رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

ماده یکصد و یازدهم

محاكم در قضاوت خود مستقل بوده، صرف تابع قانون می باشند.
رسیدگی و صدور حکم توسط محاکم بر اساس اصل تساوی طرفین در برابر قانون و محکمه صورت می گیرد.

ماده یکصد و دوازدهم

قضاة حین بررسی قضایا احکام قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را تطبیق می نمایند.
در حالاتی که قانون صراحت نداشته باشد، محکمه قضایا را طبق احکام شریعت اسلام به نحوی حل و فصل می نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تأمین نماید.

ماده یکصد و سیزدهم

در محاکم جمهوری افغانستان محاکمه به صورت علنی اجرا می شود.
حالاتی که قضایا در جلسات سری رسیدگی می شود، توسط قانون تعیین می گردد. ابلاغ حکم محکمه در همه حالات علنی است.

ماده یکصد و چهاردهم

رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به لسان های پشتو و دری و یا به لسان اکثریت ساکنین محل صورت می گیرد. اگر طرف دعوا لسانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق آشنایی با مواد

و اسناد قضیه توسط ترجمان و حق صحبت در محکمه به زبان مادری
برایش تضمین می گردد.

ماده یکصد و پانزدهم

فیصله‌های محاکم باید مدلل باشد و اسباب حکم در آن ذکر گردد.
فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است، به استثنای حکم به اعدام
که بعد از منظوری رئیس جمهور تعمیل می گردد.

ماده یکصد و شانزدهم

تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت محاکم توسط قانون تنظیم
می شود.

فصل نهم سارنوالی

ماده یکصد و هفدهم

سارنوالی جمهوری افغانستان سیستم واحد مبتنی بر اصل مرکزیت بوده،
متشکل است از:

لویه سارنوالی، سارنوالی‌های ولایات، لوی ولسوالی‌ها، ولسوالی‌ها،
علاقه داری‌ها، شهرها، نواحی و سارنوالی قوای مسلح.
دولت می تواند در سیستم واحد سارنوالی، سارنوالی اختصاصی ایجاد
نماید.

ماده یکصد و هجدهم

لوی سارنوال رهبری فعالیت ارگان‌های سارنوالی کشور را به عهده دارد.

ارگان‌های سارنوالی در اجراءات خویش مستقل بوده، صرف تابع قانون و لوی سارنوال می‌باشند.

ماده یکصد و نوزدهم

لوی سارنوال و معاونان او توسط رئیس جمهور برای مدت شش سال تعیین می‌گردند.

ماده یکصد و بیستم

نظارت عالی بر تطبیق و رعایت یکسان قوانین از طرف تمام وزارت‌ها و سایر ارگان‌های مرکزی اداره دولتی، کمیته‌های اجرائیوی، شوراهای محلی، مأسسات دولتی، مختلط، خصوصی، ادارات، کوپراتیف‌ها، احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی، مسئولین امور و اتباع، بر عهده لوی سارنوال و سارنوالان تحت اثر او می‌باشد.

ماده یکصد و بیست و یکم

تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت سارنوالی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

فصل دهم

شورای قانون اساسی

ماده یکصد و بیست و دوم

شورای قانون اساسی جمهوری افغانستان، به منظور مراقبت از مطابقت قوانین، سایر اسناد تقنینی و معاهدات بین‌المللی با قانون اساسی ایجاد می‌گردد.

ماده یکصد و بیست و سوم

شورای قانون اساسی دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی و معاهدات بین‌المللی با قانون اساسی.

۲. اعطای مشوره‌های حقوقی و قضایی درباره مسائل ناشی از قانون اساسی به رئیس جمهور.

ماده یکصد و بیست و چهارم

شورای قانون اساسی به منظور تعمیم صلاحیت‌های خود حق دارد:

۱. اسناد تقنینی‌ای [را] که جهت توشیح به رئیس جمهور ارائه می‌گردد، مطالعه و راجع به مطابقت آن‌ها با قانون اساسی ابراز نظر نماید.

۲. پیشنهادات مشخص را در زمینه اجرای تدابیر به منظور انکشاف امور قانون‌گذاری که قانون اساسی حکم می‌کند، به رئیس جمهور ارائه نماید.

ماده یکصد و بیست و پنجم

شورای قانون اساسی متشکل از رئیس و (۸) عضو می‌باشد که توسط رئیس جمهور برای مدت (۶) سال تعیین می‌شود.

ماده یکصد و بیست و ششم

شورای قانون اساسی در مقابل رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می‌باشد.

ماده یکصد و بیست و هفتم

تشکیل و طرز فعالیت شورای قانون اساسی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

فصل یازدهم شوراهای محلی

ماده یکصد و بیست و هشتم

جمهوری افغانستان از لحاظ اداره محلی، به واحدهای اداری ولایات، لویه ولسوالی‌ها، ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها، قریه‌ها، شهرها و نواحی تقسیم می‌گردد.

ارگان‌های قدرت دولتی در واحدهای اداری، شوراهای محلی آن می‌باشد. ارگان‌های اجرائیوی شوراهای محلی عبارتند از کمیته‌های اجرائیوی که توسط شوراهای محلی و کلای مردم انتخاب می‌شود. در رأس کمیته‌های اجرائیوی شوراهای محلی، بالترتیب والی‌ها، لوی ولسوال‌ها، ولسوال‌ها، علاقه‌دارها، قریه‌دارها، شاروال‌ها و آمران نواحی قرار دارند.

ماده یکصد و بیست و نهم

ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی تمام امور مربوط به اداره محل را با نظر داشت منافع عامه کشور اجرا می‌کنند. تمام مؤسسات، سازمان‌ها و ادارات محلی مربوط، مکلف به تعمیم تصامیم شوراهای محلی و کمیته‌های اجرائیوی آن می‌باشند.

ماده یکصد و سی ام

دوره صلاحیت شوراهای محلی سه سال است.

ماده یکصد و سی و یکم

تشکیل، وظایف، صلاحیت طرز انتخاب و فعالیت شوراهای محلی توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل دوازدهم

سیاست خارجی

ماده یکصد و سی و دوم

سیاست خارجی جمهوری افغانستان، بر مبنای تأمین منافع ملی، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور، حفظ صلح و امنیت جهانی، همزیستی مسالمت آمیز، تساوی حقوق و انکشاف همه جانبه همکاری بین المللی استوار است.

ماده یکصد و سی و سوم

جمهوری افغانستان منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اصول و موازین قبول شده حقوق بین المللی را احترام و رعایت می کند.

ماده یکصد و سی و چهارم

جمهوری افغانستان سیاست عدم انسلاک را به حیث اصل مهم سیاست خارجی دولت تعقیب کرده و به مثابه یکی از بنیان گذاران جنبش عدم انسلاک، در جهت نیل به اهداف آن تلاش می کند.

ماده یکصد و سی و پنجم

جمهوری افغانستان خواهان برقراری و تحکیم مناسبات دوستانه با همه

کشورها به خصوص کشورهای همجوار و اسلامی بدون نظر داشت نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها، مبتنی بر اصول تساوی حقوق، احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، عدم توسل به زور، تهدید و یا قوه، تقبیح همه اشکال مداخله و تجاوز، اجرای صادقانه تعهدات بین‌المللی مطابق اصول و موازین قبول شده حقوق بین‌المللی می‌باشد.

ماده یکصد و سی و هشتم

جمهوری افغانستان از مبارزه مردمان و ملل به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و حق ملل در تعیین سرنوشت، پشتیبانی نموده، بر ضد استعمار، استعمار نو، امپریالیزم، صهیونیزم، راسیسم، پارتاید و فاشیسم مبارزه می‌کند.

ماده یکصد و سی و هفتم

جمهوری افغانستان از مبارزه به خاطر خلع سلاح عام و تام، قطع مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضا، عدم گسترش و امحای سلاح هسته‌ای و کیمیاوی و سایر انواع سلاح کشتار جمعی، از بین بردن پایگاه‌های نظامی خارجی، رفع تشنجات بین‌المللی و استقرار نظم نوین و عادلانه اقتصادی و اطلاعاتی بین‌المللی پشتیبانی می‌کند.

ماده یکصد و سی و هشتم

در جمهوری افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است.

فصل سیزدهم احکام متفرقه

ماده یکصد و سی و نهم

قانون اساسی جمهوری افغانستان، دارای عالی ترین اعتبار حقوقی بوده، قوانین و سایر اسناد تقنینی مطابق به آن وضع می گردد.

ماده یکصد و چهلم

دولت و تمام ارگان های آن بر اساس قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان فعالیت کرده، نظم حقوقی، منافع جامعه، حقوق و منافع قانونی اتباع را تأمین می کند.

مؤسسات دولتی، کوپراتیفی، مختلط، خصوصی، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، مسئولین امور و اتباع، مکلف به رعایت قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان می باشند.

ماده یکصد و چهلم و یکم

تعدیل قانون اساسی مستقیماً توسط لویه جرگه صورت می گیرد. هم چنان اتخاذ تصمیم در مورد تعدیل قانون اساسی به پیشنهاد رئیس جمهور یا پیشنهاد یک ثلث و تأیید دو ثلث اعضای شورای ملی نیز صورت می گیرد. در این حالت رئیس جمهور لویه جرگه را دایر می کند. در صورتی که لویه جرگه پیشنهاد تعدیل را وارد بداند، قانون اساسی را تعدیل و در غیر آن پیشنهاد تعدیل را رد می کند.

در حالت اضطرار تعدیل قانون اساسی جواز ندارد.

ماده یک صد و چهل و دوم

برای رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، اعضای شورای ملی، صدراعظم، اعضای حکومت، قاضی القضاة، قضات ستره محکمه، اعضای شورای قانون اساسی، لوی سارنوال و معاونان او طبق قانون معاش تعیین می شود.

ماده یک صد و چهل و سوم

هر گاه به علت جنگ، خطر جنگ، بحران و یا حالات مماثلی که حفظ استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یا امنیت داخلی از مجاری که توسط قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، رئیس جمهور می تواند حالت اضطرار را اعلان کند.

هر گاه حالت اضطرار از سه ماه بیشتر دوام نماید برای تمدید آن موافقه لویه جرگه شرط است.

ماده یک صد و چهل و چهارم

در مدت حالت اضطرار رئیس جمهور دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. تمدید دوره صلاحیت شورای ملی؛
۲. تفویض برخی از صلاحیت های شورای ملی به شورای وزیران؛
۳. اعطای برخی از صلاحیت های محاکم به محاکم اختصاصی و محاکم قوای مسلح؛
۴. تعلیق و یا تحدید اعتبار مواد (۳۰-۴۴-۴۵-۴۶-۴۹-۵۰- فقره اخیر ماده ۵۱، ماده ۵۳ و ۶۰) قانون اساسی؛
۵. تعمیم سایر صلاحیت ها طبق قانون.

ماده یک صد و چهل و پنجم

در صورتی که معاهدات یا میثاق های بین المللی که جمهوری افغانستان

آن را عقد یا به آن الحاق نموده، مغایر احکام قوانین جمهوری افغانستان باشد، به معاهده بین‌المللی و میثاق رجحان داده می‌شود.

ماده یک‌صد و چهل و ششم

با نفاذ این قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور، هیأت رئیسه شوری انقلابی منحل گردیده و شورای انقلابی الی تشکیل شورای ملی با داشتن صلاحیت‌های مندرج فصل (۶) قانون اساسی به وظیفه خود ادامه می‌دهد. شورای ملی در ظرف شش ماه از تاریخ تصویب قانون اساسی تشکیل می‌گردد. شورای وزیران با داشتن صلاحیت‌های مندرج فصل (۷) قانون اساسی الی تشکیل حکومت جدید که طبق احکام قانون اساسی از طرف ولسی جرگه کسب رأی اعتماد می‌کند، به وظیفه خود ادامه می‌دهد.

رئیس جمهور در خلال مدت شش ماه از تاریخ تصویب قانون اساسی، ارگان‌های قضا و سارنوالی را مطابق احکام این قانون اساسی بر اساس سیستم واحد، تجدید سازماندهی کرده و شورای قانون اساسی را تأسیس می‌نماید.

ماده یک‌صد و چهل و هفتم

اولین رئیس جمهور توسط لویه جرگه‌ای که این قانون اساسی را به تصویب می‌رساند، انتخاب می‌شود.

ماده یک‌صد و چهل و هشتم

با انفاذ این قانون اساسی، اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان از اعتبار ساقط می‌گردد.

قوانین و سایر اسناد تقنینی که قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌شود که متناقض با احکام این قانون اساسی نباشند.

مادهٔ یکصد و چهل و نهم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و توسط رئیس جمهور
توشیح و اعلام می گردد.

(۸)

قانون اساسی جمهوری افغانستان^۱
دورهٔ داکتر نجیب الله
(تعدیل ۹ جوزای ۱۳۶۹ شمسی)

۱. وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره مسلسل ۷۲۸، مورخ ۱۵ عقرب ۱۳۶۹.

فرمان رئیس جمهور جمهوری افغانستان

شماره: (۴۶۴)

مورخ: ۱۳۶۹/۳/۸

درباره توشیح و اعلام تعدیل قانون اساسی
به تاسی از حکم فقره دوم ماده یک صد و چهل ونهم قانون اساسی،
تعدیلات در قانون اساسی را که از تاریخ تصویب لویه جرگه مورخ هفت
و هشت ماه جوزای سال سیزده صد و شصت و نه، نافذ می باشد، به منظور
تحقق آرمان تاریخی مردم افغانستان به خاطر تأمین صلح و آرامش در
سرزمین افغانها و تحقق کامل مشی مصالحه ملی و در جهت سعادت
مردم و ترقی افغانستان عزیز، توشیح و اعلام می دارم.

نجیب الله

رئیس جمهور افغانستان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ پر افتخار وطن محبوب ما افغانستان مشحون از مبارزات قهرمانانه مردم دلیر ما به خاطر استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، وحدت ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی می‌باشد. در مرحله کنونی، دولت جمهوری افغانستان متکی بر حمایت نیروهای ملی، سیاسی و وطن دوست، سیاست مصالحه ملی را فعالانه به پیش می‌برد.

بنابراین، با نظر داشت تحولات تاریخی که در میهن ما و جهان معاصر رونما گردیده است، با پیروی از اساسات دین مقدس اسلام، با رعایت سنن و شعایر پسندیده افغانی، مبتنی بر حقایق تاریخ و فرهنگ کشور، با احترام به موارث ارزنده نهضت مشروطیت و در مطابقت با منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، به منظور:

- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و تحکیم حاکمیت ملی؛

- دستیابی به صلح سراسری و تعمیق وحدت ملی؛

- تأمین عدالت و دموکراسی؛

- اعمار مجدد و رشد متوازن اقتصادی، اجتماعی و ارتقای سطح

زندگی مردم؛

- افزایش نقش و اعتبار کشور در عرصه بین‌المللی؛

- ایجاد شرایط مساعد به خاطر تثبیت موقف حقوقی و بی‌طرفی دایمی

افغانستان و غیر نظامی شدن آن؛

ما نمایندگان مردم افغانستان در لویه جرگه مورخ هفت و هشت ماه

جوزای سال هزار و سه صد و شصت و نه، قانون اساسی مصوب لویه جرگه

مورخ نهم ماه قوس سال هزار و سه صد و شصت و شش را که دارای سیزده فصل و یک صد و چهل و نه ماده بود، به مثابه عالی ترین وثیقه ملی، ذیلاً تعدیل نمودیم.

فصل اول اساسات نظام سیاسی

ماده اول

جمهوری افغانستان دولت مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه بوده، بر تمام قلمرو خود دارای حاکمیت می باشد.

حاکمیت ملی در جمهوری افغانستان به مردم تعلق دارد. مردم حاکمیت ملی را توسط لویه جرگه و شورای ملی اعمال می کنند.

ماده دوم

دین افغانستان دین مقدس اسلام است.
در جمهوری افغانستان هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

ماده سوم

جمهوری افغانستان کشور غیر منسلک بوده، در پیمان های نظامی شامل نمی شود و تأسیس پایگاه های نظامی خارجی را در قلمرو خود اجازه نمی دهد.

ماده چهارم

دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، از جمله وظایف اساسی دولت است. دولت امنیت و قابلیت دفاعی کشور را تأمین و قوای مسلح را تجهیز می نماید.

ماده پنجم

تعدد احزاب سیاسی، اساس سیستم سیاسی جمهوری افغانستان می باشد. در جمهوری افغانستان، احزاب سیاسی مشروط بر این که مرامنامه، اساسنامه و فعالیت آن‌ها مغایر احکام قانون اساسی و قوانین کشور نباشد، تشکیل شده می توانند.

تشکیلات و منابع مالی حزب سیاسی غیر علنی بوده نمی تواند. حزبی که مطابق احکام قانون تشکیل می شود، بدون مجوز قانونی منحل شده نمی تواند. قضات و سارنوالان نمی توانند در مدت تصدی وظیفه عضویت حزب سیاسی را داشته باشند.

ماده ششم

این ماده لغو گردید.

ماده هفتم

تشکیل اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های اجتماعی در جمهوری افغانستان، طبق قانون مجاز است.

ماده هشتم

از جمله زبان‌های ملی کشور، پشتو و دری، زبان‌های رسمی می باشد.

ماده نهم

نشان دولتی جمهوری افغانستان، دارای تصویر آفتاب در حال طلوع، محراب و منبر در متن سبز محاط با خوشه گندم و فیته دارای سه رنگ سیاه سرخ و سبز می باشد.

ماده دهم

بیرق دولتی جمهوری افغانستان، دارای سه رنگ می باشد که به شکل

قطعات سیاه، سرخ و سبز از بالا به پایین به صورت افقی به اندازه مساوی واقع شده است.

در ربع قسمت بالایی هر دو روی بیرق، به طرف چپ به آن، نشان دولتی جمهوری افغانستان قرار دارد. طول بیرق نسبت به عرض آن دوچند می باشد.

ماده یازدهم

پایتخت جمهوری افغانستان، شهر کابل است.

ماده دوازدهم

این ماده لغو گردید.

فصل دوم

اساسات نظام اجتماعی، اقتصادی

ماده سیزدهم

جمهوری افغانستان، کشور کثیرالملیت است.

دولت سیاست رشد همه جانبه تفاهم، دوستی و همکاری همه ملیت ها، اقوام و قبایل کشور را به منظور تأمین برابری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رشد و انکشاف سریع تر مناطق عقب مانده از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تعقیب می کند. دولت زمینه ایجاد واحدهای اداری را بر مبنای خصوصیات ملی به تدریج مهیا می سازد.

ماده چهاردهم

دولت به منظور رشد فرهنگ، زبان و ادبیات مردم، تدابیر لازم اتخاذ کرده،

میراث شایسته فرهنگ، رسوم، زبان، ادبیات و فولکلور تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل را حفظ نموده، انکشاف می‌دهد.

مادهٔ پانزدهم

در جمهوری افغانستان، خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد. دولت به منظور تأمین صحت طفل و مادر و تربیه اطفال تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

مادهٔ شانزدهم

دولت از نسل جوان مواظبت دائمی نموده، شرایط لازم تعلیم و تربیه، تأمین کار، تفریح، استراحت، پرورش معنوی و جسمی آن‌ها را فراهم آورده، در جهت رشد استعداد نوجوانان و جوانان مساعدت می‌کند.

مادهٔ هفدهم

دولت به منظور اعمار منازل مسکونی دولتی و کوپراتیفی، امور ساختمانی را توسعه داده، در امر ساختمان منازل شخصی، مساعدت می‌کند.

مادهٔ هجدهم

دولت سیاست اقتصادی را که هدف آن بسیج و به کار بردن تمام منابع کشور به خاطر رفع عقب ماندگی، ارتقای سطح زندگی مردم، تکامل ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه می‌باشد، عملی می‌نماید و به این منظور پلان‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و تطبیق می‌کند.

مادهٔ نوزدهم

ملکیت در جمهوری افغانستان به اشکال دولتی، مختلط، کوپراتیفی، اوقاف، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمان‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد. ملکیت از تعرض مصون است. دولت از تمام انواع ملکیت قانونی حمایت می‌کند.

ماده بیستم

در جمهوری افغانستان، منابع زیر زمینی، جنگل‌ها، چراگاه‌ها معادن، منابع اساسی انرژی، آبادات تاریخی، تأسیسات رادیو تلویزیون، تأسیسات مخابراتی، بندهای بزرگ بنادر و خطوط مواصلاتی از جمله ملکیت‌های دولت می‌باشند.

سرمایه گذاری بخش خصوصی جهت استفاده از جنگل‌ها، چراگاه‌ها، منابع انرژی، معادن و خرید و فروش وسایل مخابراتی، طبق قانون مجاز است.

در جمهوری افغانستان در کنار بانک‌ها، بیمه و ترانسپورت هوایی دولتی، ایجاد بانک‌های سهامی، بیمه و ترانسپورت هوایی مختلط و ترانسپورت زمینی خصوصی و مختلط طبق قانون مجاز است. در جمهوری افغانستان فعالیت نمایندگی بانک‌ها و مؤسسات بیمه خارجی طبق قانون مجاز است.

ماده بیست و یکم

دولت در امر تقویه و گسترش کوپراتیف‌ها مساعدت کرده، اشتراک داوطلبانه مردم را در آن تشویق می‌کند.

ماده بیست و دوم

دولت فعالیت‌های انفرادی پیشه‌وران و شرکت داوطلبانه آن‌ها را در اتحادیه‌های صنفی و کوپراتیف‌ها تشویق و حمایت نموده، در امر ارتقای سطح مهارت حرفوی پیشه‌وران، تأمین وسایل کار، مواد خام و فروش محصولات‌شان، کمک‌های همه‌جانبه مبذول می‌دارد.

ماده بیست و سوم

دولت به منظور احیا و انکشاف زراعت، کمک‌های متمم زراعتی را به

دهقانان و زمین داران انجام می دهد و در ایجاد فارم های زراعتی و میکا نیزه مختلط و خصوصی و آبادی زمین های بکر و بایر مساعدت مؤثر می نماید.

ماده بیست و چهارم

دولت برای کوچیان و مالداران، امکان استفاده از چراگاه ها را طبق قانون تضمین نموده، جهت ایجاد شرایط مساعد برای رشد مالداری، فروش محصولات، بهبود شرایط اقتصادی اجتماعی و معیشتی آنها مساعدت می کند.

ماده بیست و پنجم

دولت مصونیت سرمایه گذاری خصوصی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی تضمین نموده، اشتراک سرمایه داران ملی را در انکشاف صنایع تجارت، ساختمان، ترانسپورت، زراعت و عرصه های خدمات طبق قانون تشویق و حمایت می کند.

دولت مناسبات سودمند و همه جانبه را با متشبثان خصوصی توسعه داده و از سکتور خصوصی در مقابل رقابت با سرمایه خارجی حمایت می کند و حین تنظیم سیاست مالی، کریدتی، گمرکی و قیم منافع سکتور خصوصی را طبق قانون در نظر می گیرد.

ماده بیست و ششم

این ماده لغو گردید.

ماده بیست و هفتم

دولت به منظور رشد اقتصاد ملی سرمایه گذاری خارجی را در جمهوری افغانستان طبق قانون تشویق می نماید.

ماده بیست و هشتم

در جمهوری افغانستان، اشخاص خارجی حق ملکیت عقاری را ندارند. فروش عقار به نمایندگی های سیاسی و دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به مؤسسات بین المللی که جمهوری افغانستان عضو آن باشد، بعد از موافقه حکومت مجاز می باشد.

ماده بیست و نهم

حق وراثت ملکیت طبق شریعت اسلام توسط قانون تضمین می گردد.

ماده سی ام

استملاک طبق قانون تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل عوض عادلانه و قبلی صورت می گیرد. مصادره ملکیت بدون حکم قانون و فیصله محکمه جایز نیست.

ماده سی و یکم

در جمهوری افغانستان بر اساس قانون و عدالت اجتماعی، معیارها، اندازه و انواع مالیه و محصول تعیین می گردد.

ماده سی و دوم

دولت به منظور حفظ طبیعت، ثروت های طبیعی و استفاده معقول از منابع طبیعی، بهبود محیط زیست، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و ابقای عالم حیوانات و نباتات، تدابیر لازم اتخاذ و عملی می نماید.

فصل سوم تابعیت، حقوق، آزادی‌ها و مکلفیت‌های اساسی اتباع

ماده سی و سوم

تابعیت جمهوری افغانستان برای تمام اتباع مساوی و یکسان است. حصول و از دست دادن تابعیت و سایر مسائل مربوط آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. هر شخصی که تابعیت جمهوری افغانستان را طبق قانون دارا باشد، افغان نامیده می‌شود.

ماده سی و چهارم

هیچ یک از اتباع جمهوری افغانستان در داخل و یا خارج کشور تبعید نمی‌شود.

ماده سی و پنجم

هیچ یک از اتباع جمهوری افغانستان به دولت خارجی تسلیم داده نمی‌شود.

ماده سی و ششم

اتباع جمهوری افغانستان در خارج کشور تحت حمایت دولت قرار دارند. دولت از حقوق و منافع قانونی آن‌ها دفاع کرده، رابطه افغان‌های مقیم خارج را با کشور تحکیم می‌بخشد و به منظور بازگشت آن‌ها به وطن مساعدت می‌کند.

ماده سی و هفتم

جمهوری افغانستان، حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی و اشخاص بدون

تابعیت مقيم افغانستان را طبق قانون تضمين می کند. آن‌ها مکلف اند قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را رعایت کنند.

ماده سی و هشتم

اتباع جمهوری افغانستان، اعم از زن و مرد، بدون نظر داشت تعلقات ملیت، نژاد، لسان، قبیله، دین، مذهب، عقیده سیاسی، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت و اقامت، در برابر قانون دارای حقوق و مکلفیت‌های مساوی می‌باشند. تعیین هر نوع امتیاز غیر قانونی و یا تبعیض، نسبت به حقوق و مکلفیت‌های اتباع ممنوع است.

ماده سی و نهم

زندگی حق طبیعی انسان است. هیچ کس بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد.

ماده چهلیم

در جمهوری افغانستان، آزادی اجرای مناسک دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد.

پیروان سایر ادیان، در اجرای مراسم مذهبی‌شان آزاد می‌باشند. هیچ شخص نمی‌تواند به منظور تبلیغات ضد ملی و ضد مردمی، ایجاد دشمنی و ارتکاب سایر اعمال خلاف منافع جمهوری افغانستان، از دین سوء استفاده کند.

ماده چهل و یکم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون بوده، دولت آن را احترام و حمایت می‌کند. برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا زمانی که به حکم قطعی محکمه

محکوم نشده، بی گناه شناخته می شود.
هیچ عملی را نمی توان جرم شمرد، مگر مطابق به احکام قانون.
هیچ کس را نمی توان گرفتار و متهم به ارتکاب جرم نمود، مگر مطابق به احکام قانون.
هیچ کس را نمی توان توقیف نمود، مگر به استیذان از محکمه باصلاحیت و مطابق به احکام قانون.
هیچ کس را نمی توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه، مطابق به احکام قانون و متناسب به جرمی که مرتکب شده است.
جرم امر شخصی است و با ارتکاب آن شخص دیگر مجازات نمی شود. متهم حق دارد شخصا و یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند.

مادهٔ چهل و دوم

در جمهوری افغانستان، جزای مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب جواز ندارد. گرفتن اقرار، شهادت یا اظهار از متهم یا شخص دیگر، به وسیلهٔ اکراه و تهدید ممنوع است.
اظهار یا شهادتی که از متهم یا شخص دیگر به وسیلهٔ اکراه گرفته شود اعتبار ندارد.

هر گاه موظف خدمات عامه، متهم یا شخص دیگر را به منظور گرفتن شهادت، اظهار و یا اقرار شکنجه نماید، یا به تعمیل شکنجه امر کند، مطابق قانون مجازات می گردد.
استناد به امر مقامات مافوق، مرتکب را از ارتکاب اعمال خلاف قانون برائت نمی دهد.

مادهٔ چهل و سوم

مدیون بودن شخص، موجب سلب آزادی وی شده نمی تواند. طرز و وسایل تحصیل دین، توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ چهل و چهارم

در جمهوری افغانستان، مصونیت مسکن تضمین می‌گردد. هیچ شخص به شمول نمایندهٔ دولت، بدون اجازه ساکن و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح گردیده، نمی‌تواند به مسکن شخص داخل شود و یا آن را تفتیش کند.

مادهٔ چهل و پنجم

در جمهوری افغانستان، محرمت مکاتیب، مخبره‌های تلفنی و تیلگرافی تضمین می‌گردد. هیچ شخص به شمول نماینده دولت نمی‌تواند بدون حکم قانون، به تفتیش مخبره‌های تلفنی، تیلگرافی و مکاتیب اقدام ورزد.

مادهٔ چهل و ششم

اتباع جمهوری افغانستان که از ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و مسئولین امور حین اجرای وظیفه، به صورت غیر قانونی متضرر می‌گردند، دارای حق جبران خساره می‌باشند. شرایط و طرز جبران خساره توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و هفتم

اتباع جمهوری افغانستان، حق دارند در زندگی اجتماعی، سیاسی و ادارهٔ امور دولت، به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان خود شرکت نمایند.

مادهٔ چهل و هشتم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن می‌باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و نهم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق آزادی فکر و بیان می‌باشند. اتباع

می‌توانند از این حق به صورت علنی، شفاهی و تحریری طبق قانون استفاده کنند.

سانسور مطبوعات قبل از نشر جواز ندارد.

ماده پنجاهم

اتباع جمهوری افغانستان، طبق قانون دارای حق اجتماعات، تظاهرات مسالمت‌آمیز و اعتصاب می‌باشند.

ماده پنجاه و یکم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق شکایت، انتقاد، پیشنهاد انفرادی و جمعی می‌باشند. ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و مسئولین امور، موظف‌اند به شکایات، پیشنهادات و انتقادات در موعدی که قانون تعیین کرده، رسیدگی نموده، اجرائات لازم به عمل آورند. تعقیب به خاطر انتقاد ممنوع است.

ماده پنجاه و دوم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق کار و دریافت مزد مساوی در مقابل کار مساوی می‌باشند. دولت از طریق وضع و تطبیق قوانین عادلانه و مترقی کار، شرایط لازم را برای استفاده اتباع از این حق مساعد می‌سازد.

ماده پنجاه و سوم

تحمیل کار اجباری ممنوع است. اجرای کار اجباری در حالت جنگ، آفات طبیعی و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از این امر مستثنی می‌باشد.

ماده پنجاه و چهارم

اتباع جمهوری افغانستان، با نظر داشت نیازمندی جامعه مطابق رشته تخصصی، دارای حق احراز وظایف دولتی و انتخاب شغل می‌باشند.

ماده پنجاه و پنجم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق استراحت می‌باشند. دولت تعیین ساعات کار و رخصتی نوبتی با مزد و چگونگی شرایط کار را در روزهای رخصتی، جشن‌ها و اعیاد تنظیم کرده، شرایط استراحت، گسترش شبکه‌های مؤسسات فرهنگی، هنری، رشد تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم را مساعد می‌سازد.

ماده پنجاه و ششم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق آموزش رایگان می‌باشند. دولت به منظور امحای بی‌سوادی، تعمیم تعلیم و تربیه متوازن، آموزش به لسان مادری، تأمین تعلیمات ابتدایی اجباری، گسترش تدریجی تعلیمات عمومی، تخنیک، حرفوی و مسلکی و رشد سیستم تحصیلات عالی جهت تربیه کادرهای ملی، تدابیر لازم اتخاذ می‌کند. در جمهوری افغانستان ایجاد مؤسسات تعلیمی و تحصیلی توسط سکتور خصوصی و اشخاص خارجی طبق قانون مجاز است.

ماده پنجاه و هفتم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق صحت و تأمینات اجتماعی می‌باشند. دولت از طریق توسعه همه‌جانبه و متوازن سیستم خدمات طبی سراسری ملی، توسعه شفاخانه‌ها، مراکز صحتی، پرورش دو کتوران طب و کارمندان خدمات طبی، جلوگیری از امراض همگانی، توسعه خدمات صحتی رایگان، تنظیم و تشویق خدمات طبی خصوصی، بهبود تأمینات مادی برای کهن‌سالان، معلولین جنگ و کار و بازماندگان شهدا، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده پنجاه و هشتم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق آزادی فعالیت‌های علمی، تخنیک

و هنری می‌باشند. دولت پیشرفت منظم علم و تربیه کادرهای علمی را تأمین، حقوق مؤلفان و مخترعان را حفظ و تحقیقات علمی را در تمام عرصه‌ها تشویق و حمایه کرده، استفاده مؤثر از نتایج تحقیقات علمی را تعمیم می‌بخشد.

ماده پنجاهونهم

اتباع جمهوری افغانستان، دارای حق مسافرت و انتخاب آزاد محل سکونت و اقامت در کشور می‌باشند. دولت می‌تواند به منظور حفظ امنیت و نظم عامه، جلوگیری از شیوع امراض، حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص، مسافرت، سکونت و یا اقامت را در بعضی مناطق کشور موقتاً ممنوع قرار دهد.

ماده شصتم

اتباع جمهوری افغانستان، حق دارند طبق قانون به خارج کشور مسافرت و به وطن عودت کنند.

ماده شصت و یکم

هر تبعه جمهوری افغانستان مکلف است قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را رعایت کند.
بی‌خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی‌شود.

ماده شصت و دوم

اتباع جمهوری افغانستان و اشخاص خارجی مکلف‌اند به دولت طبق قانون مالیه و محصول پردازند.

ماده شصت و سوم

دفاع از وطن، استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور، مکلفیت

پرافتخار اتباع جمهوری افغانستان می باشد. شرایط خدمت در قوای مسلح مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده شصت و چهارم

دولت شرایط لازم را برای استفاده از حقوق و آزادی های اساسی و انجام مکلفیت های اتباع فراهم می سازد. هیچ کس حق ندارد از حقوق و آزادی های مندرج در قانون علیه منافع عامه و به ضرر حقوق و آزادی های سایر اتباع استفاده نماید.

فصل چهارم لویه جرگه

ماده شصت و پنجم

لویه جرگه مطابق به سنن ملی و تاریخی عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

ماده شصت و ششم

لویه جرگه متشکل است از:

۱. رئیس جمهور و معاونان رئیس جمهور؛
۲. اعضای شورای ملی؛
۳. صدراعظم، معاونان صدراعظم و اعضای شورای وزیران؛
۴. قاضی القضاة و معاونان قاضی القضاة؛
۵. لوی سارنوال؛
۶. رئیس شورای قانون اساسی؛
۷. رؤسای شوراهای ولایات؛
۸. از هر ولایت به تعداد وکلای آنها در ولسی جرگه به انتخاب مردم،

از طریق رأی گیری عمومی، مساوی، آزاد، سری و مستقیم؛
۹. حد اکثر پنجاه نفر از جمله شخصیت های سیاسی، علمی، فرهنگی،
اجتماعی و روحانی که توسط رئیس جمهور تعیین می شود.

ماده شصت و هفتم

لویه جرگه دارای صلاحیت های ذیل می باشد:
۱. تصویب و تعدیل قانون اساسی؛
۲. انتخاب و قبول استعفای رئیس جمهور؛
۳. موافقت به اعلان جنگ و متارکه؛
۴. اتخاذ تصمیم در مورد مهمترین مسائلی که به سرنوشت کشور
ارتباط می گیرد.

ماده شصت و هشتم

به استثنای حالاتی که در این قانون اساسی طور دیگر پیش بینی شده
باشد، لویه جرگه توسط رئیس جمهور دعوت، افتتاح و جلسات آن تحت
ریاست او یا شخص دیگری که رئیس جمهور به حیث نایب خود تعیین
کند دایر می شود.

نصاب لویه جرگه با حضور دو و ثلث مجموع اعضای آن تکمیل
می گردد. تصامیم لویه جرگه به اکثریت آرای مجموع اعضای آن اتخاذ
می گردد.

ماده شصت و نهم

در حالت انحلال ولسی جرگه، اعضای آن الی انتخاب ولسی جرگه جدید،
عضویت خود را به حیث اعضای لویه جرگه حفظ می نمایند.

ماده هفتادم

انتخابات لویه جرگه توسط قانون و طرز العمل آن توسط خود لویه جرگه
تنظیم می گردد.

فصل پنجم رئیس جمهور

ماده هفتادویکم

رئیس جمهور در رأس دولت قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در عرصه‌های تقنینیه، اجرائیه و قضائیه مطابق احکام این قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان تعمیم می‌کند.

ماده هفتادودوم

رئیس جمهور به اکثریت آرای اعضای لویه جرگه برای مدت هفت سال انتخاب می‌شود.

یک شخص نمی‌تواند بیش از دو بار به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد. رئیس جمهور نزد لویه جرگه مسئول و مکلف به ارائه گزارش می‌باشد.

به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید، لویه جرگه طی مدت سی روز قبل از ختم دوره صلاحیت رئیس جمهور، دعوت می‌گردد.

ماده هفتادوسوم

هر تبعه مسلمان جمهوری افغانستان که سن (۴۰) سالگی را تکمیل کرده، خود و همسر وی از والدین افغان متولد و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد، به حیث رئیس جمهور انتخاب شده می‌تواند.

ماده هفتادوچهارم

رئیس جمهور بعد از انتخاب در لویه جرگه حلف آتی را به جا می‌آورد:

«به نام خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نموده، از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست کنم. حقوق و آزادی‌های اساسی اتباع را حفاظت نمایم و تمام مساعی خود را به خاطر تأمین عدالت اجتماعی، سعادت مردم، تحکیم صلح و ترقی کشور به کار برم.»

ماده هفتاد و پنجم

رئیس جمهور علاوه بر سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی، دارای صلاحیت‌های آتی می‌باشد:

۱. قیادت اعلاى قوای مسلح؛
۲. توشیح قوانین و مصوبات شورای ملی؛
۳. تعیین صدراعظم موظف به تشکیل حکومت؛
۴. منظوری تقرر صدراعظم، معاونان صدراعظم و وزرا، بعد از کسب رأی اعتماد از جانب ولسی جرگه و قبول استعفای آنان؛
۵. تدویر و ریاست جلسات شورای وزیران عنداللزوم؛
۶. منظوری، انسلاک قضات و منظوری تقرر، ترفیع و تقاعد قضات، کارمندان و افسران عالی‌رتبه طبق قانون؛
۷. اتخاذ تصمیم در مورد تدویر نظرخواهی عمومی یا مراجعه به آرای عامه (رفراندوم) راجع به مسائل عمده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛
۸. عفو و تخفیف مجازات؛
۹. تعیین رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک جمهوری افغانستان در کشورهای دیگر و سازمان‌های بین‌المللی؛
۱۰. قبول اعتمادنامه‌های رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک کشورهای دیگر در جمهوری افغانستان؛

۱۱. اعلان حالت اضطرار، سفربری عمومی و قسمی و خاتمه دادن به آن‌ها؛
 ۱۲. اعلان جنگ و متار که به موافقه لویه جرگه؛
 ۱۳. اجازه نشر پول و ریفورم پولی طبق قانون؛
 ۱۴. اعطای تابعیت و پناهندگی طبق قانون؛
 ۱۵. اعطای نشان‌ها، مدال‌ها و القاب افتخاری طبق قانون؛
 ۱۶. منظوری سرود ملی جمهوری افغانستان؛
 ۱۷. الغای قوانین و سایر اسناد تقنینی که عدم مطابقت آن‌ها با قانون اساسی توسط شورای قانون اساسی تثبیت شده باشد؛
 ۱۸. ایجاد دستگاه اداری ریاست جمهوری؛
 ۱۹. اعمال سایر صلاحیت‌ها طبق قانون.
- رئیس جمهور می‌تواند برخی از صلاحیت‌های قانونی خود را به معاونان رئیس جمهور تفویض نماید.

ماده هفتادوشم

رئیس جمهور به جز از حالات بیماری صعب‌العلاج و دوامدار و یا استعفا الی ختم دوره صلاحیت، به وظایف خود دوام می‌دهد. در تمام حالاتی که رئیس جمهور نتواند وظایف خود را ایفا نماید، این وظایف از طرف معاون اول رئیس جمهور اجرا می‌شود.

در صورت از دست دادن دایمی قابلیت کار، مرگ و یا استعفای رئیس جمهور، لویه جرگه توسط معاون اول او به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید طی مدت یک‌ماه دعوت می‌شود.

در حالت استعفا، رئیس جمهور استعفای خود را مستقیماً به لویه جرگه ارائه می‌کند.

فصل ششم شورای ملی

ماده هفتاد و هفتم

شورای ملی عالی ترین ارگان تقنینی جمهوری افغانستان می باشد.

ماده هفتاد و هشتم

شورای ملی متشکل از دو مجلس ولسی جرگه و سنا می باشد.

ماده هفتاد و نهم

وکلاي مردم در ولسی جرگه، از طریق رأی گیری عمومی، مساوی، آزاد، سری و مستقیم برای یک دوره تقنینیه پنج ساله طبق قانون انتخاب می شوند.

اعضای مجلس سنا (سناتوران) به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می شوند:
۱. از هر ولایت دو نفر برای مدت پنج سال و به انتخاب مردم از طریق رأی گیری عمومی، مساوی، آزاد، سری و مستقیم.
۲. از جمله اعضای شورای هر ولایت دو نفر برای مدت سه سال به انتخاب شورای مربوط.

۳. یک ثلث باقیمانده از جمله شخصیت های ملی، فرهنگی، افراد خیر، دانشمند و با اعتبار، برای مدت چهار سال به تعیین رئیس جمهور.

ماده هشتادم

تعداد، شرایط، طرز انتخاب و انتصاب اعضای شورای ملی مطابق قانون تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و یکم

شورای ملی علاوه بر سایر صلاحیت های مندرج این قانون اساسی دارای

صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تصویب، تعدیل و لغو قوانین و فرامین تقنینی و تقدیم آن‌ها به رئیس جمهور جهت توشیح؛
۲. تفسیر قوانین؛
۳. تصویب، عقد و فسخ معاهدات دوجانبه و تصویب الحاق به معاهدات بین‌المللی و انفصال از آن‌ها؛
۴. تصویب پلان‌های انکشاف اقتصادی - اجتماعی و تأیید گزارش حکومت در مورد اجرای آن‌ها؛
۵. تصویب بودجه دولتی و بررسی گزارش در مورد اجرای آن؛
۶. ایجاد واحدهای اداری و تعدیل آن‌ها؛
۷. تأسیس و لغو وزارت‌ها؛
۸. اتخاذ تصمیم در مورد تعیین و عزل معاونان رئیس جمهور به اساس معرفی و مطالبه رئیس جمهور؛
۹. اجازه اخذ قرضه به دولت و اعطای امتیاز دارای اهمیت اساسی در اقتصاد ملی به شمول اعطای انحصار؛
۱۰. وضع نشان‌ها، مدال‌ها و القاب افتخاری طبق قانون؛
۱۱. تأیید برقراری روابط با دول دیگر و سازمان‌های بین‌المللی؛
۱۲. استماع جواب صدراعظم و اعضای حکومت در مورد اجرائات شامل صلاحیت حکومت در جلسه استجواب.

ماده هشتاد و دوم

ولسی جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:

۱. اتخاذ تصمیم در مورد اعطای رأی اعتماد و یا سلب اعتماد از شورای وزیران و یا یکی از اعضای آن؛
۲. اتخاذ فیصله نهایی راجع به طرح پلان‌های انکشاف اقتصادی،

اجتماعی و بودجه دولتی در صورت اختلاف نظر بین ولسی جرگه و سنا.

ماده هشتادوسوم

هر مجلس شورای ملی در اولین اجلاس، کمیسیونی را از بین اعضای خود، جهت بررسی و تأیید انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس مربوط گزارش می‌دهد.

ماده هشتادوچهارم

ولسی جرگه از جمله اعضای خود برای تمام دوره تقنینیه در اولین اجلاس، هیأت اداری را به ترکیب رئیس، دو معاون و دو منشی انتخاب می‌کند. سنا از جمله اعضای خود هیأت اداری را به ترکیب رئیس برای مدت پنج سال، دو معاون و دو منشی را برای مدت یک سال انتخاب می‌کند. رؤسای مجالس شورای ملی، رهبری و تأمین نظم جلسات مربوط را به عهده دارند. در غیاب رؤسا، وظایف آنها را یکی از معاونین انجام می‌دهد.

ماده هشتادوپنجم

اجلاس عادی شورای ملی سالانه دو بار در هفته اول ماه سنبله و هفته اول ماه حوت دایر می‌شود. مدت هر اجلاس عادی شورای ملی سه ماه می‌باشد.

در صورتی که در اجلاس شورای ملی بودجه سالانه یا پلان انکشافی مطرح باشد، مدت اجلاس شورای ملی قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی‌تواند.

هر گاه تصویب بودجه، قبل از شروع سال مالی صورت نگیرد، بودجه سال گذشته تا زمان تصویب بودجه سال جدید تطبیق می‌شود.

اجلاس فوق‌العاده شورای ملی بر اساس تصمیم رئیس جمهور، مطالبه

رئیس هر یک از مجالس و یا تقاضای یک خمس اعضای هر مجلس دایر شده می‌تواند.

ماده هشتادوشم

مجالس شورای ملی به صورت جداگانه یا مشترک تشکیل جلسه می‌دهد. جلسات مشترک مجالس شورای ملی، از طرف رؤسای آن بالنوبه رهبری می‌شود.

افتتاح و اختتام اجلاس شورای ملی توسط رئیس جمهور صورت می‌گیرد. اولین اجلاس دوره تقنینیه شورای ملی به وسیله رئیس جمهور طی مدت سی روز بعد از ختم انتخابات ولسی جرگه دعوت می‌شود.

ماده هشتادوهفتم

نصاب هر مجلس شورای ملی با حضور دو ثلث اعضای آن تکمیل می‌شود. تصمیم هر مجلس به اکثریت آرای مجموع اعضای آن اتخاذ می‌گردد.

ماده هشتادوهشتم

جلسات جداگانه و مشترک مجالس شورای ملی علنی می‌باشد، مگر این که مجلس به سری بودن آن تصمیم بگیرد. جریان مباحثات هر دو مجلس ثبت می‌گردد.

ماده هشتادونهم

هر مجلس شورای ملی، کمیسیون‌های دایمی را از بین اعضای خود جهت بررسی مقدماتی و آماده ساختن مسائل داخل صلاحیت هر مجلس انتخاب می‌کند.

ماده نودم

هر مجلس شورای ملی صلاحیت دارد در صورت لزوم، کمیسیون‌های

تحقیق، تفتیش و سایر کمیسیون‌های موقتی را ایجاد کند. وظایف و طرزالعمل کمیسیون‌های تحقیق و تفتیش توسط هر یک از مجالس شورای ملی تنظیم می‌گردد.

ماده نودویکم

ولسی جرگه و اعضای آن حق دارند در جلسه استیضاح صدراعظم و یا هر یک از اعضای حکومت را مورد استیضاح قرار دهند. پاسخ به استیضاح به صورت تحریری یا شفاهی ارائه می‌گردد. ولسی جرگه می‌تواند براساس پاسخ ارائه شده، موضوع سلب اعتماد از حکومت را بررسی کند. در صورتی که حکومت مورد سلب اعتماد قرار گیرد، تا تشکیل شورای وزیران جدید به وظایف خود ادامه می‌دهد.

ماده نودودوم

اعضای شورای وزیران می‌توانند با کسب اجازه رئیس جلسه، با رأی مشورتی در جلسات مجلسین شورای ملی و کمیسیون‌های دایمی آنها شرکت نمایند.

ماده نودوسوم

اعضای شورای ملی در اجلاس جداگانه و مشترک دارای حق رأی و اظهار نظر می‌باشند. هیچ عضو شورای ملی به خاطر رأی یا اظهار نظر در داخل یا خارج اجلاس شورای ملی مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد. عضو شورای ملی بدون موافقه مجلس مربوط و در بین دو اجلاس شورای ملی بدون موافقه هیأت اداری آن به استثنای حالات جرم مشهود، گرفتار و توقیف شده نمی‌تواند و مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد. هرگاه عضو شورای ملی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد، باید به هیأت اداری مجلس مربوط اطلاع داده شود.

ماده نود و چهارم

مقامات ذیل حق پیشنهاد وضع، تعدیل و لغو قانون را به هر یکی از مجلسین شورای ملی، دارا می‌باشند:

۱. رئیس جمهور؛

۲. کمیسیون‌های دائمی مجلسین شورای ملی؛

۳. حداقل عشر اعضای هر مجلس؛

۴. شورای وزیران؛

۵. ستره محکمه؛

۶. لویه سارنوالی.

در صورتی که وضع، تعدیل و لغو قانون افزایش مصارف و یا کاهش عواید دولت را به بار آورد، موافقه قبلی حکومت در زمینه حاصل می‌گردد.

ماده نود و پنجم

به استثنای حالاتی که در این قانون اساسی طور دیگر پیش‌بینی شده است، تصامیم یک مجلس در مورد صلاحیت‌های مندرج ماده (۸۱) به مجلس دیگر فرستاده می‌شود.

در صورتی که تصویب یک مجلس از جانب مجلس دیگر رد شود، به منظور نیل به توافق، هیأت مختلط به تعداد مساوی، از اعضای هر دو مجلس ایجاد می‌گردد. تصمیم هیأت مختلط که به دو ثلث آرای اعضای هیأت اتخاذ گردیده باشد، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

هرگاه هیأت مختلط موفق به رفع اختلاف نظر نشود، موضوع در جلسه مشترک مجلسین شورای ملی بررسی و تصمیم در آن باره به اکثریت آرای اعضای جلسه مشترک اتخاذ می‌گردد.

ماده نودوششم

تصمیم شورای ملی بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ می‌گردد. در صورتی که رئیس جمهور به تصمیم شورای ملی موافقه نداشته باشد، می‌تواند آن را در ظرف سی روز از تاریخ تقدیم، با تذکر دلایل، به شورای ملی مسترد نماید.

با سپری شدن مدت سی روز و هم‌چنان در صورتی که مجالس شورای ملی در جلسات جداگانه اجلاس آینده خود، آن را به دو ثلث آرای اعضا مجدداً تصویب نماید، تصمیم نافذ شمرده می‌شود و رئیس جمهور آن را توشیح می‌نماید.

ماده نودوهفتم

رئیس جمهور می‌تواند در مشوره با رؤسای ولسی جرگه، سنا، صدراعظم، قاضی‌القضات و رئیس شورای قانون اساسی، انحلال ولسی جرگه یا شورای ملی را با ذکر دلایل موجه آن اعلام نماید.

انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه بعد از انحلال ولسی جرگه یا شورای ملی صورت می‌گیرد. انحلال ولسی جرگه یا شورای ملی جدیدالی یک سال بعد از انتخابات مجدد، صورت گرفته نمی‌تواند. ولسی جرگه یا شورای ملی، در جریان شش ماه اخیر دوره صلاحیت رئیس جمهور، غیر قابل انحلال می‌باشد.

ماده نودوهشتم

قوانین و مصوبات شورای ملی به لسان‌های پشتو و دری به نشر می‌رسد و می‌توان آن را به زبان‌های سایر ملیت‌های کشور نشر نمود.

ماده نودونهم

طرز فعالیت هر مجلس شورای ملی و کمیسیون‌های دائمی آن توسط

طرز العمل مجلس مربوط، در مطابقت با احکام قانون اساسی و قوانین نافذ، تنظیم می گردد.

فصل هفتم شورای وزیران

ماده صدم

شورای وزیران (حکومت) عالی ترین ارگان اجرائیوی جمهوری افغانستان می باشد.

شورای وزیران مرکب است از:

- صدراعظم؛

- معاونان صدراعظم؛

- وزرا.

ماده یکصد و یکم

صدراعظم موظف در اولین اجلاس دوره تقنینیه، خط مشی سیاست داخلی و خارجی و ترکیب حکومت را جهت اخذ رأی اعتماد به ولسی جرگه ارائه و معرفی می کند.

صدراعظم بعد از اخذ رأی اعتماد و منظوری رئیس جمهور، خط مشی سیاست داخلی و خارجی و اعضای حکومت را به سنا ارائه و معرفی می کند.

ماده یکصد و دوم

شورای وزیران در برابر ولسی جرگه و رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

ماده یک‌صد و سوم

شورای وزیران دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. طرح و تطبیق خط‌مشی سیاست داخلی و خارجی؛
۲. تأمین اجرای امور اقتصاد ملی، طرح پلان‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی، ترتیب بودجه دولتی، تطبیق پلان‌ها و بودجه و ارائه گزارش مبنی بر اجرای آن‌ها به شورای ملی؛
۳. اتخاذ تدابیر به منظور دفاع از منافع عامه، حمایت تمام اشکال ملکیت قانونی، تأمین نظم و امنیت عامه و حراست از حقوق و آزادی‌های اتباع؛
۴. رهبری مناسبات خارجی، برقراری روابط دیپلماتیک و عقد موافقتنامه‌ها با دول دیگر و مؤسسات بین‌المللی طبق قانون؛
۵. ایجاد ادارات و ارگان‌های وابسته به شورای وزیران به تأیید رئیس جمهور؛
۶. تصویب مقرر و اساسنامه در حدود صلاحیت طبق قانون؛
۷. ارائه مقرر و اساسنامه‌ها و مصوبات شورای وزیران به رئیس جمهور؛
۸. اعمال سایر صلاحیت‌ها طبق قانون.

ماده یک‌صد و چهارم

در هنگام تعطیل شورای ملی و یا انحلال ولسی جرگه، شورای وزیران در صورت ضرورت عاجل، می‌تواند در مورد مسائل شامل صلاحیت شورای ملی، به استثنای مسائل مربوط بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی وضع نماید. فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

شورای وزیران فرامین تقنینی را که مطابق حکم این ماده قانون اساسی

وضع گردیده، در اولین اجلاس شورای ملی جهت منظوری ارائه می نماید. فرامین تقنینی در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از تاریخ تصمیم شورای ملی از اعتبار ساقط می گردد.

رئیس جمهور می تواند در خلال دو اجلاس شورای ملی یا در جریان انحلال ولسی جرگه، بر اساس پیشنهاد صدراعظم بعضی از اعضای حکومت را سبکدوش و یا اعضای جدید را تعیین نماید. این موضوع در اولین اجلاس ولسی جرگه جهت اتخاذ تصمیم ارائه می گردد.

ماده یکصد و پنجم

حکومت در حالات آتی منحل می گردد:

۱. استعفای صدراعظم؛
۲. بیماری صعب‌العلاج و دوامدار و یا فوت صدراعظم؛
۳. سلب اعتماد ولسی جرگه از حکومت؛
۴. ختم دوره تقنینیه؛
۵. انحلال ولسی جرگه یا شورای ملی؛
۶. در تمام این حالات حکومتی که منحل گردیده، الی تشکیل حکومت جدید تحت سرپرستی یکی از اشخاص مندرج ماده (صدم) قانون اساسی که از طرف رئیس جمهور توظیف می گردد، به وظیفه خود دوام می دهد.

ماده یکصد و ششم

تشکیل، ترکیب و طرز فعالیت شورای وزیران توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل هشتم قضاء

ماده یک صد و هفتم

قضا (قوه قضائیه) یک رکن مستقل دولت می باشد.

ماده یک صد و هشتم

قضاوت در جمهوری افغانستان صرف توسط محکمه طبق قانون صورت می گیرد. قوه قضائیه مرکب است از ستره محکمه و محاکم دیگری که مطابق قانون تشکیل می گردند.

ماده یک صد و نهم

ستره محکمه به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس سیستم واحد قضایی کشور قرار داشته، مرکب است از قاضی القضاة، معاونان قاضی القضاة و اعضا. ستره محکمه بر طبق احکام قانون فعالیت های محاکم را نظارت نموده، تطبیق یکسان قانون را در فعالیت های محاکم تأمین می کند.

ماده یک صد و دهم

قاضی القضاة، معاونان و اعضای ستره محکمه طبق قانون توسط رئیس جمهور تعیین می گردند. قاضی القضاة نزد رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

ماده یک صد و یازدهم

محاکم در قضاوت خود مستقل بوده، صرف تابع قانون می باشند. رسیدگی و صدور حکم توسط محاکم بر اساس اصل تساوی طرفین در برابر قانون و محکمه صورت می گیرد.

ماده یکصد و دوازدهم

قضات حین بررسی قضایا، احکام قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان را تطبیق می‌نمایند.

در حالاتی که قانون صراحت نداشته باشد، محکمه قضایا را طبق احکام شریعت اسلام، به نحوی حل و فصل می‌نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تأمین نماید.

ماده یکصد و سیزدهم

در محاکم جمهوری افغانستان محاکمه به صورت علنی اجرا می‌شود. حالاتی که قضایا در جلسات سری رسیدگی می‌شود، توسط قانون تعیین می‌گردد.

ابلاغ حکم محکمه در همه حالات علنی است.

ماده یکصد و چهاردهم

رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به لسان‌های پشتو و دری و یا به لسان اکثریت ساکنین محل صورت می‌گیرد. اگر طرف دعوا لسانی را که محاکمه توسط آن صورت می‌گیرد، نداند، حق آشنایی با مواد و اسناد قضیه توسط ترجمان و حق صحبت در محکمه به زبان مادری برایش تضمین می‌گردد.

ماده یکصد و پانزدهم

فیصله‌های محاکم باید مدلل باشد و اسباب حکم در آن ذکر گردد. فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است، به استثنای حکم به اعدام که بعد از منظوری رئیس جمهور تعمیم می‌گردد.

ماده یکصد و شانزدهم

تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت محاکم توسط قانون تنظیم می‌شود.

فصل نهم سارنوالی

ماده یکصد و هفدهم

سارنوالی جمهوری افغانستان سیستم واحد مبتنی بر اصل مرکزیت بوده، متشکل است از لویه سارنوالی و سارنوالی‌های دیگری که طبق قانون تشکیل می‌گردند.

ماده یکصد و هجدهم

لوی سارنوال رهبری فعالیت ارگان‌های سارنوالی کشور را به عهده دارد. ارگان‌های سارنوالی در اجرائات خویش مستقل بوده، صرف تابع قانون و لوی سارنوال می‌باشند.

ماده یکصد و نوزدهم

لوی سارنوال و معاونان لوی سارنوال طبق قانون، توسط رئیس جمهور تعیین می‌گردند.

لوی سارنوال نزد رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می‌باشد.

ماده یکصد و بیستم

نظارت عالی بر تطبیق و رعایت یکسان قوانین از طرف تمام وزارت‌ها، ادارات، مؤسسات دولتی مختلط، خصوصی، کوپراتیف‌ها، احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی، مسئولین امور و اتباع، بر عهده لوی سارنوال و سارنوالان تحت اثر او می‌باشد.

ماده یکصد و بیست و یکم

تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت سارنوالی توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل دهم

شورای قانون اساسی

ماده یکصد و بیست و دوم

شورای قانون اساسی جمهوری افغانستان، به منظور مراقبت از مطابقت قوانین، سایر اسناد تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی ایجاد می گردد.

ماده یکصد و بیست و سوم

شورای قانون اساسی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. بررسی مطابقت قوانین فرامین تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی؛

۲. ارائه مشوره های حقوقی درباره مسائل ناشی از قانون اساسی به رئیس جمهور.

ماده یکصد و بیست و چهارم

شورای قانون اساسی به منظور تعمیم صلاحیت های خود حق دارد:

۱. اسناد تقنینی ای که جهت توشیح به رئیس جمهور ارائه می گردد، مطالعه و راجع به مطابقت آنها با قانون اساسی ابراز نظر نماید.
۲. پیشنهادات مشخص را در زمینه اجرای تدابیر به منظور انکشاف امور قانون گذاری که قانون اساسی حکم می کند، به رئیس جمهور ارائه نماید.

ماده یک صد و بیست و پنجم

شورای قانون اساسی متشکل از رئیس، معاون، منشی و (۸) عضو می باشد که توسط رئیس جمهور تعیین می شوند.

ماده یک صد و بیست و هشتم

شورای قانون اساسی در مقابل رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

ماده یک صد و بیست و هفتم

تشکیل و طرز فعالیت شورای قانون اساسی توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل یازدهم

اداره

ماده یک صد و بیست و هشتم

اداره جمهوری افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و محلی طبق قانون تنظیم می گردد.

جمهوری افغانستان از لحاظ اداره محلی متشکل از واحدهای اداره ولایات، ولسوالی ها، شهرها و نواحی می باشد.

در رأس واحدهای متذکره بالترتیب والی ها، ولسوال ها، شاروال ها و آمرین نواحی قرار دارند.

در هر ولایت و ولسوالی، شورای ولایت و شورای ولسوالی طبق قانون تشکیل می شود.

شورای ولایت و شورای ولسوالی، یک یک نفر را از بین اعضای خود به حیث رئیس و منشی انتخاب می کنند.

دوره صلاحیت شورای ولایت و شورای ولسوالی سه سال است.

ماده یکصد و بیست و نهم

شورای ولایت و شورای ولسوالی طبق قانون، در تأمین اهداف انکشافی دولت در محل سهم گرفته، به اداره درباره بهبود و انکشاف امور مربوط مشوره می دهد. برای اعضای شورای ولایت و شورای ولسوالی حق الحضور مناسب پرداخته می شود.

ماده یکصد و سی ام

به منظور اداره امور شهرها و نواحی، مجالس شاروالی ها و نواحی طبق قانون تشکیل می گردد.

برای اعضای مجالس شاروالی ها و نواحی حق الحضور مناسب پرداخته می شود.

شهر کابل و نواحی آن، به ارتباط انتخاب نمایندگان برای لویه جرگه و شورای ملی، بالترتیب معادل ولایت و ولسوالی ها می باشد.

ماده یکصد و سی و یکم

امور مربوط به اداره مرکزی و محلی و مصونیت و ثبات وظیفوی و سایر مسائل مربوط به کارکنان طبق قانون تنظیم می گردد.

فصل دوازدهم

سیاست خارجی

ماده یکصد و سی و دوم

سیاست خارجی جمهوری افغانستان، بر مبنای تأمین منافع ملی، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور، حفظ صلح و امنیت

جهانی، همزیستی مسالمت آمیز، تساوی حقوق و انکشاف همه جانبه همکاری بین المللی استوار است.

ماده یکصد و سی و سوم

جمهوری افغانستان، منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اصول و موازین قبول شده حقوق بین المللی را احترام و رعایت می کند.

ماده یکصد و سی و چهارم

جمهوری افغانستان، سیاست عدم انسلاک را به حیث اصل مهم سیاست خارجی دولت تعقیب کرده و به مثابه یکی از بنیان گذاران جنبش عدم انسلاک در جهت نیل به اهداف آن تلاش می کند.

ماده یکصد و سی و پنجم

جمهوری افغانستان، خواهان برقراری و تحکیم مناسبات دوستانه با همه کشورها به خصوص کشورهای همجوار و اسلامی بدون نظر داشت نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها، مبتنی بر اصول تساوی حقوق، احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، عدم توسل به زور، تهدید و یا قوه، تقبیح همه اشکال مداخله و تجاوز، اجرای صادقانه تعهدات بین المللی مطابق اصول و موازین قبول شده حقوق بین الملل می باشد.

ماده یکصد و سی و ششم

جمهوری افغانستان، از مبارزه مردمان و ملل به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و حق ملل در تعیین سرنوشت پشتیبانی نموده، بر ضد استعمار، استعمار نو، صهیونیسم، راسیسم، آپارتاید و فاشیسم مبارزه می کند.

ماده یک صد و سی و هفتم

جمهوری افغانستان، از مبارزه به خاطر خلع سلاح عام و تام، قطع مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضا، عدم گسترش و امحای سلاح هسته‌ای و کیمیاوی و سایر انواع سلاح کشتار جمعی، از بین بردن پایگاه‌های نظامی خارجی، رفع تنش‌جات بین‌المللی و استقرار نظم نوین و عادلانه اقتصادی و اطلاعاتی بین‌المللی پشتیبانی می‌کند.

ماده یک صد و سی و هشتم

در جمهوری افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است.

فصل سیزدهم احکام متفرقه

ماده یک صد و سی و نهم

قانون اساسی جمهوری افغانستان دارای عالی‌ترین اعتبار حقوقی بوده، قوانین و سایر اسناد تقنینی مطابق به آن وضع می‌گردد.

ماده یک صد و چهلیم

دولت و تمام ارگان‌های آن براساس قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان فعالیت کرده، نظم حقوقی، منافع جامعه، حقوق و منافع قانونی اتباع را تأمین می‌کند.

مؤسسات دولتی، کوپراتیفی، مختلط، خصوصی، احزاب سیاسی، سازمان‌های اجتماعی، مسئولین امور و اتباع، مکلف به رعایت قانون اساسی و قوانین جمهوری افغانستان می‌باشند.

ماده یک صد و چهل و یکم

تعدیل قانون اساسی مستقیماً توسط لویه جرگه صورت می گیرد. هم چنان اتخاذ تصمیم در مورد تعدیل قانون اساسی به پیشنهاد رئیس جمهور یا پیشنهاد یک ثلث و تأیید دو ثلث اعضای شورای ملی نیز صورت می گیرد. در این حالت رئیس جمهور لویه جرگه را دایر می کند. در صورتی که لویه جرگه پیشنهاد تعدیل را وارد بداند، قانون اساسی را تعدیل و در غیر آن پیشنهاد تعدیل را رد می کند. در حالت اضطرار تعدیل قانون اساسی جواز ندارد.

ماده یک صد و چهل و دوم

برای رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، اعضای شورای ملی، صدراعظم، معاونان صدراعظم، اعضای حکومت، قاضی القضاة، معاونان و اعضای ستره محکمه، رئیس، معاونان و منشی شورای قانون اساسی، لوی سارنوال و معاونان لوی سارنوال، طبق قانون معاش تعیین می شود.

ماده یک صد و چهل و سوم

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، بحران و یا حالات مماثلی که حفظ استقلال حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یا امنیت داخلی از مجاری ای که توسط قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، رئیس جمهور می تواند در مشوره بارؤسای مجلسین شورای ملی، صدراعظم، قاضی القضاة و رئیس شورای قانون اساسی حالت اضطرار را اعلام کند.

هرگاه حالت اضطرار از سه ماه بیشتر دوام نماید، برای تمدید آن موافقه لویه جرگه شرط است.

ماده یک صد و چهل و چهارم

در مدت حالت اضطرار، رئیس جمهور دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. تمدید دوره صلاحیت شورای ملی؛
۲. تفویض برخی از صلاحیت‌های شورای ملی به شورای وزیران؛
۳. اعطای برخی از صلاحیت‌های محاکم به محاکم اختصاصی و محاکم قوای مسلح؛
۴. تعلیق و یا تحدید اعتبار مواد (۳۰- ۴۴- ۴۵- ۴۶- ۴۹- ۵۰- فقره اخیر ماده ۵۱، ماده ۵۳ و ۶۰) قانون اساسی؛
۵. تعمیم سایر صلاحیت‌ها طبق قانون.

ماده یک‌صد و چهل و پنجم

در صورتی که معاهدات یا میثاق‌های بین‌المللی که جمهوری افغانستان آن را عقد یا به آن الحاق نموده، مغایر احکام قوانین جمهوری افغانستان باشد، به معاهده بین‌المللی و میثاق رجحان داده می‌شود.

ماده یک‌صد و چهل و هشتم

بررسی اتهامات وارده بر رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، اعضای هیأت‌های اداری مجلسین شورای ملی، صدراعظم، معاونان صدراعظم، اعضای شورای وزیران، قاضی‌القضات، معاونان و اعضای ستره محکمه، لوی سارنوال، معاونان لوی سارنوالی و رئیس شورای قانون اساسی و طرز محاکمه آنان طبق قانون خاص تنظیم می‌گردد.

ماده یک‌صد و چهل و نهم

در جمهوری افغانستان، اشخاصی که خود و یا همسرشان از والدین افغان متولد نگردیده باشند، به حیث معاون رئیس جمهور، صدراعظم، معاون صدراعظم، وزیر و قاضی‌القضات، لوی سارنوال، افسر عالی‌رتبه و یا کارمند دیپلماتیک تعیین شده نمی‌توانند.

مادهٔ یکصد و چهل و هشتم

با انفاذ این قانون اساسی اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان از اعتبار ساقط می‌گردد.

قوانین و سایر اسناد تقنینی که قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده، به شرطی نافذ شمرده می‌شود که متناقض با احکام این قانون اساسی نباشند.

مادهٔ یکصد و چهل و نهم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و توسط رئیس جمهور توشیح و اعلام می‌گردد.

تعدیل در این قانون اساسی، از تاریخ تصویب لویه جرگه، نافذ و توسط رئیس جمهور توشیح و اعلام می‌گردد.

(۹)

اصول اساسی دولت اسلامی افغانستان^۱
دوره حکومت مجاهدین به رهبری
استاد برهان‌الدین ربانی
(میزان ۱۳۷۲)

۱ با سقوط حکومت داکتر نجیب‌الله و پیروزی مجاهدین و برقراری دولت اسلامی به رهبری استاد برهان‌الدین ربانی، مسوده این اصول اساسی تدوین شد و در شورای عالی دولتی آن زمان از تاریخ ۳۱ سنبله الی ۵ میزان ۱۳۷۲ مورد بحث هم قرار گرفت و به تصویب رسید و قرار بر این بود که با توشیح رئیس دولت نافذ گردد. اما مخالفت نیروها و احزاب سیاسی دیگر و تشدید جنگ‌ها و منازعات داخلی فرصت نداد که این سند نهایی شده و نافذ گردد. بنابراین، این قانون اساسی از قوانین اساسی نافذ شده افغانستان به شمار نمی‌رود و تنها به این دلیل آن را در این مجموعه، ضمیمه کردیم که دیدگاه‌های دولت اسلامی مجاهدین و وضعیت سیاسی و حقوقی آن دوره را نیز انعکاس بدهیم.

این سند در هیچ منبع رسمی یا جریده رسمی قبلاً به چاپ نرسیده و برای اولین بار این جانب آن را در سال ۱۳۷۴ در مجموعه‌ای به نام «قوانین اساسی افغانستان» از طریق انتشارات مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان در ایران نشر کردم و پس از آن یک‌بار دیگر هم نشر شد. آنچه اکنون مطالعه می‌کنید از همان منبع نخست گرفته شده است.

توشیح رئیس دولت اسلامی افغانستان

به نام خداوند بزرگ و با آرزوی سعادت و آرامی مردم نجیب افغانستان، به منظور قطع جنگ و خونریزی در کشور، من برهان‌الدین ربانی، اولین رئیس دولت اسلامی افغانستان، مسودهٔ اصول اساسی جدید افغانستان را که توسط کمیسیون عالی از تاریخ سی و یکم سنبله الی پنجم میزان در شهر کابل تحت غور و مذاقه قرار داشته و تصویب گردیده است، توشیح می‌نمایم و سر از امروز (... میزان ۱۳۷۲ به حیث اصول اساسی دولت اسلامی افغانستان انفاذ آن را اعلام می‌دارم.

پروفسور برهان‌الدین ربانی
رئیس دولت اسلامی افغانستان

فصل اول

اساسات کلی

ماده اول

افغانستان دولت اسلامی آزاد، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه است.

ماده دوم

نظام دولت اسلامی افغانستان، بر مبنای نص قرآنی (ان الحکم الا لله) استوار است.

ماده سوم

دین افغانستان، دین مقدس اسلام است.

ماده چهارم

مذهب رسمی افغانستان، مذهب حنفی است.

ماده پنجم

شریعت اسلام، یگانه مصدر تقنینی در کشور بوده، تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی مردم در فروغ تعالیم زندگی ساز اسلام، تنظیم و به هیچ وجه قوانین و مقررات خلاف اساسات شریعت وضع شده نمی تواند.

ماده ششم

دولت اسلامی افغانستان، بر مبنای نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستند به اصول و موازین اسلامی، پایه گذاری شده، روش قانون گذاری و تنظیم مجدد زندگانی ملی، بر اساس احکام قرآن و سنت، مطابق فقه حنفی عیار می گردد.

ماده هفتم

دولت اسلامی افغانستان، کار را به اهل آن سپرده و تقوا اولین شرط اهلیت است.

ماده هشتم

حق مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طبق موازین شریعت اسلام، از طریق شورای منتخب نمایندگان ملت تأمین می گردد.

ماده نهم

دولت اسلامی افغانستان دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همه مردم نسبت به یکدیگر و وظیفه متقابل دولت و مردم شناخته، شرایط و حدود آن توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دهم

تربیه مسلمان، فامیل مسلمان و تأسیس یک جامعه اسلامی و تلاش به سوی وحدت امت مسلمه و گسترش نهایی تعالیم اسلام، از وجایب عمده دولت اسلامی افغانستان است.

ماده یازدهم

پشتو و دری، زبان های رسمی افغانستان می باشد. قوانین، مقررات، اسناد، دفاتر، کتب مواد درسی، نشرات و مطبوعات از طرف دولت به زبان های رسمی ترتیب و تنظیم می گردد.

زبان های محلی کشور در مطبوعات، وسایل ارتباط جمعی و تدریس زبان و ادبیات هر یک در محل خود مورد استفاده قرار گرفته، دولت در امر انکشافات آن تلاش می ورزد.

ماده دوازدهم

دولت اسلامی افغانستان، تدریس زبان عربی را که زبان قرآن و علوم و معارف اسلام است، از طریق طرح و تطبیق پروگرام‌های اختصاصی انکشاف می‌دهد.

ماده سیزدهم

مبدأ تقویمی کشور، بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است. تاریخ هجری شمسی و قمری هر دو اعتبار مساوی دارد. مبنای کار ادارات دولت، هجری شمسی است. جمعه روز تعطیل عمومی بوده، سایر رخصتی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده چهاردهم

اداره دولت اسلامی افغانستان، بر اصل مرکزیت استوار بوده و پایتخت آن شهر کابل است.

ماده پانزدهم

بیرق دولت افغانستان مرکب است از: سه پارچه به رنگ‌های سیاه، سفید و سبز، به صورت افقی به شکل مستطیل که طول آن دو برابر عرض آن است، به اندازه‌های مساوی از پایین به بالا در کنار هم قرار دارد. در وسط، نشان محراب و منبر به رنگ طلایی جا داشته، در دو طرف آن، دو بیرق کوچک نصب و بالای آن کلمه مبارک (الله اکبر) نوشته شده و به دو خوشه گندم محاط می‌باشد. در قسمت بالایی آن کلمه طیبه تحریر و دو شمشیر متقاطع دو طرف دو خوشه گندم را احاطه نموده است. تعریف و اندازه بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده شانزدهم

خانواده واحد اساسی جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد. دولت، قوانین،

مقررات و برنامه‌های لازم را در جهت تسهیل امور مربوط به خانواده و تشکیل آن و پاسداری از بقا و استحکام روابط خانوادگی براساس حقوق و اخلاق اسلامی تنظیم می‌کند.

فصل دوم حقوق و وجایب اساسی مردم

ماده هفدهم

تمام مردم افغانستان، بدون تبعیض و امتیاز با رعایت موازین اسلامی در برابر قانون حقوق و وجایب مساوی دارند.

ماده هجدهم

آزادی حق طبیعی انسان است، مگر این که به آزادی و کرامت دیگران یا به منفعت و امنیت عامه، مصالح ملی، اصول و مقررات اسلامی لطمه وارد کند. این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده نوزدهم

هر افغان در چوکات شریعت اسلام، دارای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن می‌باشد. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده بیستم

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه باصلاحیت، محکوم علیه قرار نگیرد، بری پنداشته می‌شود.

ماده بیست و یکم

هیچ عملی را نمی توان جرم شمرد، مگر به موجب احکام شریعت اسلام و قوانینی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده است.

ماده بیست و دوم

هیچ کسی را نمی توان مجازات نمود، مگر طبق حکم محکمه باصلاحیت. هیچ کسی را نمی توان مجازات نمود، مگر به موجب احکام شریعت اسلام و قوانینی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و سوم

هیچ کسی را نمی توان تعقیب یا گرفتار نمود، مگر طبق احکام قوانین.

ماده بیست و چهارم

هیچ کسی را نمی توان توقیف نمود، مگر به اذن محکمه باصلاحیت و مطابق به احکام قانون.

ماده بیست و پنجم

جرم امر شخصی است و به ارتکاب آن شخص دیگری تعقیب، گرفتار، توقیف و مجازات نمی شود.

ماده بیست و ششم

گرفتن اقرار، شهادت یا اظهار از متهم یا شخص دیگر به وسیله اکراه، تهدید، تعذیب و تطمیع ممنوع است. اظهار یا شهادتی که از متهم یا شخص دیگر با استفاده از وسایل متذکره گرفته شود، اعتبار ندارد.

ماده بیست و هفتم

هرگاه شخص موظف، متهم یا شخص دیگری را به منظور گرفتن شهادت، اظهار یا اقرار، شکنجه نماید یا به تعمیل شکنجه امر کند، مطابق احکام قانون مجازات می گردد.

ماده بیست و هشتم

متهم حق دارد شخصاً یا توسط وکیل مدافع طبق احکام قانون از خود دفاع نماید.

ماده بیست و نهم

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه کشور خود سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

ماده سی ام

هر افغان حق دارد مطابق احکام قانون به خارج سفر نماید و به وطن عودت کند.

ماده سی و یکم

هیچ افغان به سلب تابعیت محکوم شده نمی تواند مگر طبق احکام قانون.

ماده سی و دوم

آزادی و محرمانه بودن اخبارات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفن و تلگراف یا وسایل دیگر از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش اخبارات اشخاص را ندارد، مگر به اذن محکمه باصلاحیت و مطابق احکام قانون.

ماده سی و سوم

مسکن شخصی از تعرض مصون است، هیچ کس به شمول موظفین دولت نمی تواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه باصلاحیت یا مواردی که قانون آن را پیش بینی کرده است، به مسکن کسی داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

ماده سی و چهارم

آزادی فکر و بیان در محدوده شریعت اسلام از تعرض مصون است. هر

افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار نماید.

ماده سی و پنجم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد مشروع، بدون حمل سلاح، به طور مسالمت آمیز، با اجتناب از اذیت مردم مطابق احکام قانون اجتماع نمایند.

ماده سی و ششم

ملکیت از تعرض مصون است. ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت، استملاک و مصادره شده نمی تواند. شکایات در مورد انتقال تحمیلی ملکیت‌ها توسط محکمه باصلاحیت رسیدگی می شود.

ماده سی و هفتم

کار حق و وجیبه هر افغانی است که قدرت اجرای آن را داشته باشد. روابط بین کارگران و کارفرمایان به صورت عادلانه توسط قانون تنظیم می گردد. کار اجباری اگرچه برای دولت باشد جواز ندارد. تحریم کار اجباری، مانع تطبیق قوانینی نمی شود که به منظور تنظیم فعالیت‌های دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع می گردد.

ماده سی و هشتم

رتبه‌ها، امتیازات و القابی که به اشخاص در دوران جنگ یا قبل از انفاذ این قانون اعطا گردیده، توسط کمیسیون باصلاحیت، بررسی و تثبیت می گردد.

ماده سی و نهم

تعمیم تعلیمات ابتدایی اجباری، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی،

مسئله‌ی و عالی از وظایف دولت بوده و به صورت مجانی تأمین می‌گردد. تعلیم نسوان در چوکات شریعت اسلام توسط سند تقنینی خاص تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهلیم

هیچ شخصی نمی‌تواند با استفاده از حق، خود را وسیلهٔ ضرر به غیر یا تجاوز به منافع عامه قرار دهد.

مادهٔ چهل و یکم

حراست از دست‌آورد‌های جهاد، دفاع از حریم دولت اسلامی و حفاظت نوامیس ملی، وجیه هر فرد ملت است. کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت عسکری مطابق احکام قانون مکلف می‌باشند.

مادهٔ چهل و دوم

رعایت کامل قوانین اسلامی در زندگی فردی، فامیلی و اجتماعی، پیروی از احکام این اصول اساسی و سایر قوانین دولت، رعایت نظم و امنیت عامه و صیانت منافع دولت اسلامی وجیه تمام مردم افغانستان است.

مادهٔ چهل و سوم

حجاب شرعی واجب‌الرعايت است.

مادهٔ چهل و چهارم

مردم افغانستان حق دارند مدارس دینی خصوصی را تأمین نمایند. نصاب تعلیمی این مدارس توسط دولت توحید می‌گردد.

مادهٔ چهل و پنجم

مکاتب عمومی و کورس‌های مسلکی طور خصوصی به استیذان حکومت، تأسیس شده می‌تواند. حکومت حق کنترل و نظارت بر مضامین و نصاب تعلیمی را دارد.

فصل سوم شورای عالی

مادهٔ چهل و هشتم

شورای عالی مجلس موقتی است، متشکل از هفتاد نفر که علاوه بر تصویب قوانین ضروری موقت، الی زمان به میان آمدن شورای منتخب، از نحوهٔ اجراءات ارگان‌های مختلف دولت نظارت می‌نماید.

مادهٔ چهل و هفتم

اعضای این شورا از رهبران، علما، قومندانان و شخصیت‌های جهاد، طوری تشکیل می‌گردد که همهٔ ولایات در آن تمثیل شده باشد.

مادهٔ چهل و هشتم

طرز کار و فعالیت این شورا توسط لایحهٔ داخلی تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و نهم

شورای عالی دارای رئیس، معاون و منشی می‌باشد.

مادهٔ پنجاهم

وظایف و صلاحیت‌های شورای عالی عبارت است از:

۱. تصویب قوانین دورهٔ موقت؛
۲. نظارت بر قانونیت اجراءات ارگان‌های دولتی؛
۳. اتخاذ تصمیم به ارتباط مسائل متنازع فیها؛
۴. تصویب پلان تشکیل بودجهٔ عادی و انکشافی دولت؛
۵. اتخاذ تصمیم به ارتباط صلح و جنگ به اشتراک مجلس وزرا

- تحت ریاست رئیس دولت؛
۶. تصویب معاهدات بین الدول به سطح دولت‌ها به اشتراک مجلس وزرا؛
۷. تصویب پالیسی حکومت؛
۸. استيضاح و استجواب از حکومت؛
۹. حراست از دست آوردها، اهداف و مقاصد جهاد؛
۱۰. تصویب اعطا و اخذ قرضه و کمک‌های بلاعوض کشورها و مؤسسات بین‌المللی؛
۱۱. تصویب اعطای حق امتیاز تأسیس شرکت‌های بزرگ و صنایع ثقیله به اتباع خارجی طبق قانون؛
۱۲. تعیین رئیس جدید در صورت فوت یا استعفای رئیس دولت در ظرف یک‌ماه.
- در این مدت معاون ریاست جمهوری از امور دولت سرپرستی می‌نماید.

فصل چهارم رئیس دولت

ماده پنجاه و یکم

رئیس دولت در رأس دولت اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در امور تقنینی، اجرایی و قضایی مطابق احکام این اصول اساسی و سایر قوانین انجام می‌دهد.

ماده پنجاه و دوم

رئیس دولت، مرد مسلمان پیرو مذهب حنفی بوده، تابعیت افغانی داشته، از پدر و مادر مسلمان افغانی الاصل متولد باشد.

ماده پنجاه و سوم

رئیس دولت در محدوده صلاحیت‌های قانونی، آمر اعطای عمومی درجه اول می‌باشد.

ماده پنجاه و چهارم

صلاحیت‌ها و وظایف رئیس دولت عبارت است از:

۱. قیادت اعلاى اردوى اسلامى افغانستان؛
۲. نصب و عزل معاونین رئیس دولت؛
تعداد معاونین از چهار نفر زیاد بوده نمی‌تواند.
- رئیس دولت می‌تواند برخی از صلاحیت‌های قانونی خویش را به معاونین خود و یا صدراعظم تفویض نماید.
۳. منظوری کابینه پیشنهاد شده صدراعظم بعد از تصویب شورای عالی و اعلان آن؛
۴. تعیین رئیس ستره محکمه؛
۵. تعیین اعضای ستره محکمه به مشوره رئیس ستره محکمه؛
۶. منظوری نصب و عزل قضات؛
۷. منظوری ترفیع و تقاعد مأمورین و صاحب منصبان عالی رتبه مطابق احکام قانون؛
۸. تعیین سفرا و نمایندگان در دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی و قبول اعتماد نامه‌ها؛
۹. اعطای القاب، مدال و نشان‌های افتخاری طبق احکام قانون؛
۱۰. اعلان جنگ و صلح بعد از تصویب شورای عالی؛

۱۱. تمثیل از دولت اسلامی افغانستان در مجامع بین‌المللی در سطح رؤسای دولت‌ها؛
۱۲. توشیح قوانین و اصدار فرامین تقنینی؛
۱۳. امضای قراردادها و معاهدات بین‌الدول بعد از فیصله شورای عالی؛
۱۴. اعلان انتخابات عمومی بعد از فیصله کمیسیون انتخابات؛
انتخابات مطابق احکام شریعت برگزار می‌گردد.
۱۵. مراجعه به آرای عامه جهت حل و فصل قضایای مهم و اصدار فرامین در این مورد مطابق فیصله شورای عالی؛
۱۶. عفو، تخفیف یا تعطیل مجازات در چوکات احکام شرعی؛
۱۷. توشیح بودجه عادی و انکشافی دولت؛
۱۸. تدویر جلسه فوق‌العاده کابینه در امور حیاتی و مهم که در چوکات اجرائات روزمره عادی کشور نمی‌گنجد؛
۱۹. اعطای تابعیت افغانی طبق احکام قانون؛
۲۰. دعوت از اعضای شورا، افتتاح و اختتام مجالس آن؛
۲۱. اعطای اجازه رسمی طبع بانک‌نوت‌ها، توزیع و نشر آن به پیشنهاد حکومت بعد از طی مراحل قانونی؛
۲۲. اعلان حالت اضطرار و ختم آن در کشور مطابق احکام قانون بعد از فیصله شورای عالی.

ماده پنجاه و پنجم

معاش رئیس دولت و تصرفات او در ملکیت عامه و مکافات توسط قانون تعیین می‌شود.

ماده پنجاه و ششم

رئیس دولت نمی‌تواند از اموال دولتی و ملکیت‌های عامه برای خود و خانواده‌اش خریداری نماید یا با دولت معامله انتفاعی انجام دهد.

ماده پنجاه و هفتم

رئیس دولت در برابر شورای عالی مسئولیت دارد.

ماده پنجاه و هشتم

در غیاب رئیس دولت یکی از معاونین وی که به او تفویض صلاحیت می شود، از امور دولت سرپرستی می کند.

ماده پنجاه و نهم

رئیس دولت و صدراعظم در برابر قانون دارای همان مسئولیت هایی می باشند که سایر افراد کشور دارند.

ماده شصتم

در صورت فوت یا استعفای صدراعظم، رئیس دولت وظیفه دارد در ظرف پانزده روز، شخص دیگری را به شورای عالی به صفت صدراعظم نامزد و معرفی نماید.

فصل پنجم حکومت

ماده شصت و یکم

حکومت عالی ترین ارگان اجرائیوی و اداری دولت بوده، متشکل از صدراعظم، معاونین صدراعظم و وزرا می باشد. تعداد وزرا و وظایف وزیران توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده شصت و دوم

رئیس حکومت، مرد مسلمان پیرو مذهب حنفی بوده، از پدر و مادر مسلمان تولد شده باشد.

ماده شصت و سوم

برای رئیس و اعضای حکومت معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد.

ماده شصت و چهارم

صدر اعظم من حیث رئیس حکومت دارای وظایف و صلاحیت های آتی می باشد:

۱. ممثل حکومت است؛
۲. آمر اعطای درجه اول در سطح حکومت مطابق احکام قانون؛
۳. کابینه تحت ریاست صدر اعظم به حیث هیأت متحده عمل می نماید؛
۴. پیشنهاد نصب و عزل معاونین صدر اعظم به مقام ریاست دولت؛
۵. انتقال برخی از صلاحیت ها به معاون یا معاونین صدارت؛
۶. تمثیل از کشور به سطح حکومت ها در مجامع بین المللی؛
۷. امضای قراردادها و معاهدات به سطح حکومت؛
۸. اشراف بر اداره و تنظیم امور و اجراءات وزارت خانه ها و واحدهای اداری مستقل در چوکات حکومت؛
۹. منظوری تقرر، ترفیع، تقاعد و عزل مأمورین دولت طبق احکام قانون.

ماده شصت و پنجم

وظایف و صلاحیت های حکومت عبارت است از:

۱. تعمیم سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق احکام قانون؛
۲. تنظیم اجراءات وزارت خانه ها، واحدهای اداری مستقل و دواير مربوط؛
۳. اتخاذ تدابیر لازمه در امور اجرائیوی و اداری براساس قوانین، مقررات و مصوبات شورای عالی؛

۴. تهیه و تسوید قوانین و مقررات؛
۵. طرح و تنظیم بودجه دولتی و تعدیلات آن به شورای عالی؛
۶. طرح و تطبیق برنامه‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی و پلان‌های اعمار مجدد؛
۷. مراقبت و کنترل از امور بانک‌ها، تأمینات دولتی و جلوگیری از تورم پولی؛
۸. تنظیم امور استقراض داخلی و خارجی به تصویب شورای عالی؛
۹. تأمین امنیت و نظم عامه در سرتاسر کشور؛
۱۰. عقد قراردادهای و معاهدات با کشورهای خارجی و مؤسسات بین‌المللی مطابق قانون؛
۱۱. اتخاذ تدابیر لازم در جهت امحای فساد اخلاقی و اداری؛
۱۲. تعمیل حجاب به وجه شرعی آن؛
۱۳. فراهم آوری زمینه‌های مساعد جهت رشد شخصیت معنوی، علمی و ثقافی اتباع کشور در پرتو تعلیمات و ارزش‌های والای اسلام؛
۱۴. تحکیم و تعمیم اخوت اسلامی، وحدت ملی و تقویه روحیه تعاون و تساند میان مردم؛
۱۵. تشکیل اردوی اسلامی و تقویه تربیه، رشد و تنظیم سالم آن به راهنمایی رئیس دولت؛
۱۶. تنظیم امور مربوط به بازماندگان شهدا، معلولین، معیوبین، ایتام و اراذل؛
۱۷. تنظیم امور عودت مهاجرین، فراهم آوری تسهیلات برای اسکان و معیشت ابتدایی آن‌ها؛
۱۸. مساعد ساختن زمینه برای اجرای انتخابات طبق این قانون؛
۱۹. حکومت به حیث ارگان اجرائیوی دولت، در برابر شورای عالی و رئیس دولت از اجرائات خود مسئولیت دارد؛

۲۰. حکومت مکلف به تطبیق فیصله‌های قطعی محاکم می‌باشد؛
۲۱. طرح، تنظیم و تطبیق نصاب تعلیمی کلیه مؤسسات تعلیمی مطابق به موازین اسلام؛
۲۲. حمایه از ملکیت‌های دولتی و شخصی از تصرفات ناجایز؛
۲۳. جلب کمک‌های بی‌قید و شرط کشورها و مؤسسات بین‌المللی برای اعمار مجدد افغانستان؛
۲۴. منظوری استخدام کارشناسان خارجی.

ماده شصت و ششم

نصب و عزل ورزابه پیشنهاد صدر اعظم، تأیید شورای عالی و منظوری رئیس دولت صورت می‌گیرد.

ماده شصت و هفتم

اعضای حکومت حین اشغال وظیفه، نمی‌توانند در تصدی‌های دولتی اجرای وظیفه نمایند یا با دولت معامله انتفاعی انجام دهند.

ماده شصت و هشتم

حقوق و وجایب مأمورین و کارکنان دولت توسط قانون تنظیم می‌گردد.

فصل ششم

قضا

ماده هفتم

قضا یک رکن مستقل دولت اسلامی افغانستان بوده و متشکل است از ستره محکمه و سایر محاکم مربوط به آن. تشکیل و صلاحیت‌های محاکم توسط قانون تنظیم می‌شود.

ماده هفتادویکم

محاکم در قضاوت خود مستقل بوده و مکلف به تأمین عدالت و صدور حکم مستند شرعی می باشد.

ماده هفتادودوم

احکام قطعی محاکم واجب التعمیل است، به استثنای حکم اعدام که تنفيذ آن مشروط به توشیح رئیس دولت می باشد.

ماده هفتادوسوم

در محاکم دولت اسلامی افغانستان، محاکمه به شکل علنی صورت می گیرد. حالاتی که قضایا باید در جلسات سری مورد رسیدگی قرار گیرد، توسط قانون معین می شود. ابلاغ حکم محکمه در همه حالات علنی می باشد.

ماده هفتادوچهارم

تعیین رئیس قوه قضائیه با در نظر داشت اهلیت کامل از طرف رئیس دولت صورت می گیرد. معاونین و رؤسای دیوانها با در نظر داشت معیارهای دیانت، علمیت، تقوا و آگاهی کافی به امور قضایی و حقوقی کشور، به مشوره رئیس ستره محکمه از طرف رئیس دولت تعیین می گردد.

ماده هفتادوپنجم

قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس دولت تعیین می گردد.

ماده هفتادوششم

هرگاه قاضی مرتکب جرمی شود، ستره محکمه به حالت قاضی رسیدگی کرده، بعد از استماع دفاع او پیشنهاد عزلش را به رئیس دولت تقدیم کرده می تواند. در صورتی که پیشنهاد مذکور از طرف رئیس دولت تأیید گردد، قاضی از وظیفه عزل می شود.

ماده هفتاد و هفتم

هیچ قانون یا مقامی نمی تواند، قضیه یا ساحه‌ای را از دایره صلاحیت قوه قضائیه خارج سازد و به مرجع دیگری تفویض کند.

ماده هفتاد و هشتم

قضات در مدت تصدی و وظیفه منحیث قاضی عضویت هیچ حزب یا سازمان سیاسی را داشته نمی تواند.

ماده هفتاد و نهم

بودجه ستره محکمه از طرف شورای عالی ستره محکمه ترتیب و از طریق حکومت به شورای عالی تقدیم و منظوری اخذ می گردد.

ماده هشتادم

در مورد مأمورین و کارکنان اداری قوه قضائیه، قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت قابل تطبیق است.

ماده هشتاد و یکم

صلاحیت قضا علاوه بر رسیدگی قضایای مربوط، شامل حل و فصل تمام دعاوی ای است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی و مدعی علیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق احکام قانون اقامه شود.

ماده هشتاد و دوم

تبدیلی، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و محاکمه قضات توسط ستره محکمه مطابق احکام قانون صورت می گیرد.

ماده هشتاد و سوم

رئیس و اعضای ستره محکمه در مدت تصدی و وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی تواند.

ماده هشتاد و چهارم

در چوکات ستره محکمه یک دیوان به نام احتساب تأسیس می گردد.

فصل هفتم شوراهای محلی

ماده هشتاد و پنجم

دولت اسلامی افغانستان از لحاظ اداره محلی به واحدهای اداری ولایات، ولسوالی ها، علاقه داری ها و حوزه های شهری تقسیم شده است که توسط حکومت اداره و تمویل می گردد.

ماده هشتاد و ششم

هر واحد اداری، دارای شورای باصلاحیت می باشد که طرز انتخاب و صلاحیت های آن توسط قانون جداگانه تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و هفتم

تشکیل واحدهای اداری از طرف حکومت پیشنهاد و بعد از تصویب شورای عالی، به منظوری رئیس دولت می رسد.

فصل هشتم

نظام اقتصادی و امور مالی

ماده هشتاد و هشتم

نظام اقتصادی دولت اسلامی افغانستان، بر پایه های ملکیت فردی، ملکیت

عامه و ملکیت دولتی استوار می‌باشد. دولت رشد اقتصادی کشور را در هر سه بخش با برنامه‌ریزی منظم در قانون، رهبری، تشویق و حمایت می‌کند.

ماده هشتادونهم

دولت به رشد و تقویۀ بیت‌المال و رعایت اصول اسلامی در مصرف آن مکلف است. جمع‌آوری و توزیع زکات و عشر توسط قانون جداگانه تنظیم می‌گردد. لغو و از میان برداشتن تمام معاملات ربوی و ربح بلاعوض و وظیفۀ دولت می‌باشد.

ماده نودم

دولت کلیه منابع کشور را برای تأمین و خودکفایی اقتصادی جهت رفع عقب‌ماندگی و بلند بردن سویۀ زندگی مردم در چوکات برنامه‌های انکشاف اقتصادی اجتماعی مطابق اصول شرعی به کار می‌برد.

ماده نودویکم

در افغانستان، امور مربوط به منابع زیرزمینی، معادن، جنگل‌ها و چراگاه‌های لامالک، منابع اساسی انرژی، آثار تاریخی، تأسیسات مخابراتی، بندهای بزرگ، بندر، خطوط مواصلاتی، صنایع بزرگ و دستگاه‌های رادیو و تلویزیون، میدان‌های هوایی و امثال آن توسط قانون جداگانه با نظر داشت مصالح‌علیای کشور و رعایت اصول شرعی تنظیم می‌گردد.

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی جهت استفاده از جنگل‌ها، چراگاه‌ها، منابع انرژی، خرید و فروش وسایل مخابراتی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده نودودوم

در افغانستان فعالیت نمایندگی بانک‌ها و مؤسسات خارجی در حدود قانون، طبق اصول اسلامی تنظیم می‌گردد.

ماده نودوسوم

اصلاح سیستم بانکی و تغییر آن بر وفق احکام اقتصادی اسلام وظیفه دولت می باشد.

ماده نودوچهارم

دولت فعالیت مؤسسات تعاونی، تولیدی و توزیعی را در حدود ضوابط اسلامی از طریق ارگان های مربوط تقویه و توسعه می بخشد.

ماده نودوپنجم

دولت به منظور احیاء، انکشاف و توسعه زراعت و افزایش انواع تولیدات زراعتی و مالداری مطابق به احکام قانون، کمک های مالی و تخنیکی را به دهقانان، زمین داران و مال داران مهیا ساخته و در ایجاد فارم های زراعتی، مکانیزه مختلط و خصوصی و آبادی زمین های بکر و بایر، توسعه و انکشاف سیستم آبیاری توسط ادارات مسئول آن مساعدت می نماید.

ماده نودوششم

دولت سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی در عرصه های صنعت، تجارت، ساختمان، ترانسپورت، زراعت و خدمات طبق قانون، تشویق و حمایت می کند.

ماده نودوهفتم

چگونگی فروش عقار به اشخاص و نمایندگی های سیاسی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نودوهشتم

دولت از تمام انواع ملکیت قانونی اعم از عمومی و خصوصی حمایت می کند. هر شخص مالک قانونی محصول کسب و کار مشروع خود می باشد.

ملکیت قانونی شخص از تعرض مصون است. مصادره ملکیت طبق احکام قانون و به موجب حکم محکمه باصلاحیت صورت می گیرد. استملاک طبق قانون تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل عوض عادلانه و قبلی صورت گرفته می تواند.

ماده نودونهم

در دولت اسلامی افغانستان براساس قانون شرعی و عدالت اجتماعی، معیارها، اندازه، انواع مالیه و محصول تعیین می گردد. اتباع دولت اسلامی افغانستان و اشخاص خارجی به دولت مطابق قانون مالیه و محصول می پردازد.

ماده صدم

دولت به منظور حفاظت از ثروت های طبیعی و استفاده معقول از منابع آن از طریق ارگان های مسئول، تدابیر لازم اتخاذ و از آلودگی محیط زیست حتی المقدور جلوگیری به عمل می آورد.

فصل نهم سیاست خارجی

ماده یکصد و یکم

سیاست خارجی دولت اسلامی افغانستان در فروغ تعالیم ارجدار اسلام، بر مبنای ارزش های انسانی، تأمین مصالح ملی، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، ایفای نقش مؤثر و سازنده در تأمین صلح جهانی و همکاری بین المللی استوار می باشد.

ماده یکصد و دوم

دولت اسلامی افغانستان، از منشور ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم انسلاک و اعلامیه حقوق بشر و سایر اصول و مقررات قبول شده تا جایی که با اصول اسلامی و مصالح ملی کشور تضاد نداشته باشد، رعایت و پشتیبانی می نماید.

ماده یکصد و سوم

دولت اسلامی افغانستان، خواهان تأسیس روابط حسنه، رشد و گسترش آن براساس رعایت حقوق یکدیگر و احترام متقابل در چوکات شریعت اسلامی با کلیه ملل جهان بوده و به خصوص با کشورهایی که از داعیه بر حق ملت مظلوم افغانستان در دوران جهاد چهارده ساله پشتیبانی نموده است، خواهان پیشرفت مناسبات می باشد.

ماده یکصد و چهارم

دولت اسلامی افغانستان، براساس حق همجواری، خواهان تعاون و تساند بیشتر در میان کشورهای همسایه بوده و در تحکیم اخوت اسلامی و همبستگی جهان اسلام و وحدت امت مسلمه کوشا می باشد.

ماده یکصد و پنجم

دولت اسلامی افغانستان، از سیاست بی طرفی مثبت و فعال و قضاوت آزاد در قضایای بین المللی پیروی می کند.

ماده یکصد و ششم

دولت اسلامی افغانستان، حقوق همه ملت های جهان را در حدود شریعت اسلام محترم شمرده و هر نوع تجاوز بر حقوق و سلب آزادی آنان را محکوم می نماید.

ماده یکصد و هفتم

دولت اسلامی افغانستان، به منظور حفظ و تأمین حقوق انسانی برای کلیه افراد جامعه انسانی از داعیه بر حق ملت‌های محکوم در جهت آزادی‌شان حمایت نموده و خواهان حل و فصل منازعات منطوقی از طریق معقول و صلح‌آمیز در چوکات موازین عدل و انصاف اسلامی بوده و اعمال هر نوع زور و قوه را محکوم می‌نماید.

ماده یکصد و هشتم

دولت اسلامی افغانستان، از پلان خلع سلاح ذره‌وی و اسلحه‌کشتار جمعی قدرت‌های نیرومند موجوده جهان جانبداری می‌نماید.

ماده یکصد و نهم

اتباع دولت اسلامی افغانستان، در خارج کشور تحت حمایت دولت قرار داشته، از منافع و حقوق شرعی آنها دفاع می‌کند.

فصل دهم

احکام متفرقه

ماده یکصد و دهم

هر نوع تعدیل، تنقیص و تزئید در این اصول اساسی، به پیشنهاد رئیس‌جمهور، شورای وزیران یا یک‌ثلث اعضای شورای عالی و تصویب مجلس مشترک شورای عالی و شورای وزیران صورت گرفته می‌تواند.

ماده یکصد و یازدهم

با انفاذ این اصول اساسی، قانون اساسی رژیم‌های سابق کاملاً ملغی و از اعتبار ساقط می‌گردد.

مادهٔ یکصد و دوازدهم

تفسیر این اصول اساسی از اختصاصات شورای عالی می‌باشد.

مادهٔ یکصد و سیزدهم

احکام قوانینی که قبل از انفاذ این اصول اساسی صادر گردیده، به شرطی نافذ شمرده می‌شود که مناقض احکام و ارزش‌های این اصول اساسی نباشد.

مادهٔ یکصد و چهاردهم

این اصول اساسی که در ظرف ده فصل و یکصد و چهارده ماده ترتیب گردیده، انفاذ آن از تاریخ توشیح اعلام و در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

(۱۰)

قانون اساسی افغانستان^۱
دوره حکومت حامد کرزی^۲
(۱۴ جدی ۱۳۸۲)

-
۱. وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره مسلسل ۸۱۸، مورخ ۸ دلو ۱۳۸۲.
 ۲. از آنجا که با عضویت در کمیسیون‌های تسوید و تدقیق این قانون اساسی از نزدیک در جریان همه مراحل آن قرار داشتم، برای شرح و تفصیل و چگونگی تسوید، تدقیق و تصویب قانون اساسی ۱۳۸۲ نگاه کنید به:
سرور دانش، حقوق اساسی افغانستان، چاپ سوم، کابل، انتشارات پوهنتون ابن سینا، ۱۳۹۴، رویداد تدوین و تصویب قانون اساسی، ص ۲۶۶ الی ۳۴۲.

فرمان رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد توشیح قانون اساسی افغانستان

شماره: (۱۰۳)

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۶

به نام خداوند بزرگ و با آرزوی سعادت مردم نجیب و صلح دوست افغانستان، قانون اساسی جدید را که توسط لویه جرگه تاریخی ۲۲ قوس الی ۱۴ جلدی ۱۳۸۲ هجری شمسی، منعقدہ شهر کابل در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به اتفاق آرا تصویب گردید، توشیح و انفاذ آن را اعلام می‌دارم.

از بارگاه خداوند متعال استدعا دارم تا این قانون اساسی با رعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمار جامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مشعل راه دولت و مردم کشور گردیده، صلح، برابری و برادری را بین ملت افغانستان تأمین نماید.

و من الله توفیق.

حامد کرزی

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

۶ دلو ۱۳۸۲ هجری شمسی

کابل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيد الانبياء و المرسلين
محمد صلى الله عليه و آله و اصحابه اجمعين.

مقدمه

ما مردم افغانستان:

- با ايمان راسخ به ذات پاك خداوند(ج) و توكل به مشيت حق تعالى
و اعتقاد به دين مقدس اسلام؛

- با درك بى عدالتى ها و نابسامانى هاى گذشته و مصايب بى شمارى
كه بر کشور ما وارد آمده است؛

- با تقدير از فداكارى ها، مبارزات تاريخى، جهاد و مقاومت بر حق
تمام مردم افغانستان و ارج گذارى به مقام والای شهدای راه آزادى کشور؛
با درك اين كه افغانستان واحد و يکپارچه به همه اقوام و مردم اين
سرزمين تعلق دارد؛

با رعايت منشور ملل متحد و با احترام به اعلاميه جهانى حقوق بشر؛
به منظور تحکيم وحدت ملی و حراست از استقلال، حاکمیت ملی و
تمامیت ارضی کشور؛

به منظور تأسيس نظام متكى بر اراده مردم و دموکراسى؛
به منظور ايجاد جامعه مدنى عارى از ظلم، استبداد، تبعيض و خشونت
و مبتنى بر قانونمندی، عدالت اجتماعى، حفظ کرامت و حقوق انسانى و
تأمین آزادى ها و حقوق اساسى مردم؛

به منظور تقویت بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور؛
به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان
این سرزمین؛

و سرانجام، به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده
بین‌المللی؛

این قانون اساسی را مطابق به واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی
کشور و مقتضیات عصر، از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه
مورخ چهاردهم جدی سال یک‌هزار و سه صد و هشتاد و دو هجری
شمسی در شهر کابل تصویب کردیم.

فصل اول دولت

ماده اول

افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم

در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده چهارم

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می باشد.

بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود.

هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد.
امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم

تطبيق احكام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم

دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.

ماده هفتم

دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می کند.

ماده هشتم

دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم

معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می باشند.

حفاظت و ادارهٔ املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ دهم

دولت، سرمایه گذاری‌ها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن‌ها را تضمین می نماید.

مادهٔ یازدهم

امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ دوازدهم

د افغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می باشد. نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت بانک مرکزی می باشد. بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه مشوره می نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می شود.

مادهٔ سیزدهم

دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیت‌های پیشه‌وران، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

مادهٔ چهاردهم

دولت برای انکشاف زراعت و مالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان، در حدود

بنیه مالی دولت، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید. دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت‌های عامه برای اتباع مستحق، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده پانزدهم

دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم

از جمله زبان‌های پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌ای، نورستانی، پامیری و سایر زبان‌های رایج در کشور، پشتو و دری زبان‌های رسمی دولت می‌باشند.

در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان‌های ازبکی، ترکمنی، پشه‌ای، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می‌نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می‌باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.

دولت برای تقویت و انکشاف همه زبان‌های افغانستان پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.

نشر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تمام زبان‌های رایج در کشور آزاد می‌باشد.

مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می‌گردد.

ماده هفدهم

دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده هجدهم

مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است.
مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد.
روزهای جمعه، ۲۸ اسد و ۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی ها
توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم

بیرق افغانستان مرکب است از: سه قطعه با رنگ های سیاه، سرخ و سبز که
به صورت عمودی، به اندازه های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم
واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان
ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که
در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک
لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و
در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان، جا
داشته و از دو طرف باخوشه های گندم احاطه شده است.
طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم

سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان
می باشد.

ماده بیست و یکم

پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دوم حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست و دوم

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.
اتباع افغانستان اعم از زن و مرد، در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و سوم

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

ماده بیست و چهارم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.
آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.
دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم

برائت ذمه حالت اصلی است.
متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و ششم

جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

ماده بیست و هفتم

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمانهای بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم

تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به

دست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده سی و یکم

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.

محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می باشد. وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و دوم

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و سوم

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و چهارم

آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده سی و پنجم

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر این‌که:

۱. مرانامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد؛
 ۲. تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛
 ۳. اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛
 ۴. وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد.
- تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه باصلاحیت، منحل نمی‌شود.

ماده سی و ششم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم

آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب

باشد و چه به وسیله تلفن، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و هشتم

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه باصلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و نهم

هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند. دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهلیم

ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می‌باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می‌گیرد.

مادهٔ چهل و یکم

اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند. اجاره عقار به منظور سرمایه‌گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می‌باشد.

فروش عقار به نمایندگی‌های سیاسی دول خارجی و به مؤسسات بین‌المللی که افغانستان عضو آن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز می‌باشد.

مادهٔ چهل و دوم

هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی‌شود. اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می‌گردد.

این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می‌شود. هر نوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می‌شود.

مادهٔ چهل و سوم

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان،

تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند فراهم کند.

مادهٔ چهل و چهارم

دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سوادی در کشور، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید.

مادهٔ چهل و پنجم

دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می‌کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می‌نماید.

مادهٔ چهل و ششم

تأسیس و اداره مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی و وظیفه دولت است.

اتباع افغانستان می‌توانند به اجازه دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سوادآموزی اقدام نمایند.

دولت می‌تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و هفتم

دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر، پروگرام‌های مؤثر طرح می‌نماید.

دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه‌ها تشویق و حمایت می کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

مادهٔ چهل و هشتم

کار حق هر افغان است.

تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

مادهٔ چهل و نهم

تحمیل کار اجباری ممنوع است.

سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

مادهٔ پنجاهم

دولت مکلف است به منظور ایجاد ادارهٔ سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجرائات خود را با بی طرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.

اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچ گونه تبعیض و به موجب احکام قانون، به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

ماده پنجاه و یکم

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند. به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه باصلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم

دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید. دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند. دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزش های ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه و سوم

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید. دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه و چهارم

خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین

مقدس اسلام، تدابیر لازم اتخاذ می کند.

ماده پنجاه و پنجم

دفاع از وطن و جبهه تمام اتباع افغانستان است. شرایط اجرای دوره مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و ششم

پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جبهه تمام مردم افغانستان است. بی خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم

دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه و هشتم

دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس می نماید. هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و نهم

هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این

قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

فصل سوم رئیس جمهور

ماده شصتم

رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در عرصه‌های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می‌کند.

رئیس جمهور دارای دو معاون، اول و دوم، می‌باشد. کاندید ریاست جمهوری نام هر دو معاون را همزمان با کاندید شدن خود به ملت اعلام می‌دارد.

معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفا و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می‌کند. در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می‌کند.

ماده شصت و یکم

رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای دهنندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردد. وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می‌یابد.

انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می‌گردد.

هر گاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرا را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیش ترین آرا را در دور اول به دست آورده اند، شرکت می نمایند.

در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود.

هر گاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می گردد.

ماده شصت و دوم

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد:

۱. تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛

۲. در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛

۳. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.

ماده شصت و سوم

رئیس جمهور قبل از تصدی و وظیفه، مطابق به طرز العمل خاص که توسط

قانون تنظیم می گردد، حلف آتی را به جامی آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم. قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان به کار برم.»

ماده شصت و چهارم

رئیس جمهور دارای صلاحیت‌ها و وظایف ذیل می‌باشد:

۱. مراقبت از اجرای قانون اساسی؛
۲. تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛
۳. قیادت اعلا‌ی قوای مسلح افغانستان؛
۴. اعلان حرب و متار که به تأیید شورای ملی؛
۵. اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛
۶. فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی؛
۷. دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛
۸. اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن‌ها؛
۹. افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛
۱۰. قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛
۱۱. تعیین وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره‌میاشت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آن‌ها؛
۱۲. تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه؛

۱۳. تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مأمورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛
۱۴. تعیین سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی؛
۱۵. قبول اعتمادنامه‌های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛
۱۶. توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛
۱۷. اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین‌الدول مطابق به احکام قانون؛
۱۸. تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون؛
۱۹. اعطای مدال‌ها، نشان‌ها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛
۲۰. تأسیس کمیسیون‌ها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون؛
۲۱. سایر صلاحیت‌ها و وظایف مندرج این قانون اساسی.

ماده شصت و پنجم

رئیس جمهور می‌تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل آن باشد.

ماده شصت و ششم

رئیس جمهور در اعمال صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی، مصالح‌علیای مردم افغانستان را رعایت می‌کند.

رئیس جمهور نمی‌تواند بدون حکم قانون ملکیت‌های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.

رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی و وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نماید.

ماده شصت و هفتم

در صورت استعفا، عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید. تثبیت مریضی صعب العلاج توسط هیأت طبی با صلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین می گردد، صورت می گیرد.

در این حالات در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق ماده شصت و یکم این قانون اساسی برگزار می گردد. معاون اول رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

۱. تعدیل قانون اساسی؛

۲. عزل وزرا؛

۳. مراجعه به آرای عامه.

معاونین رئیس جمهور می توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند.

در صورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده شصت و هشتم

هر گاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفاء و یا وفات نماید، عوض وی شخص دیگری توسط رئیس جمهور به تأیید و لسی جرگه تعیین می گردد. در صورت وفات همزمان رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب

معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری، مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

ماده شصت و نهم

رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسئول می باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند. در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می نماید. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می گردد.

محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه، اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می گردد، صورت می گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده هفتادم

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد. رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، به استثنای حالت عزل، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل چهارم حکومت

ماده هفتادویکم

حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نمایند. تعداد وزرا و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتادودوم

شخصی که به حیث وزیر تعیین می شود واجد شرایط ذیل می باشد:

۱. تنها حامل تابعیت افغانستان باشد؛

هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد، ولسی جرگه صلاحیت تأیید و یا رد آن را دارد.

۲. دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد؛

۳. سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد؛

۴. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان

از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده هفتادوسوم

وزرا می توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند.

هرگاه عضو شورای ملی به حیث وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شورا از دست می دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می گردد.

ماده هفتادوچهارم

وزرا قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، به جا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سو گند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود خداوند (ج) را حاضر دانسته، وظایف محوله را صادقانه انجام دهم.»

ماده هفتاد و پنجم

حکومت دارای وظایف ذیل می باشد:

۱. تعمیم احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم؛
۲. حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی؛
۳. تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛
۴. ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه؛
۵. طرح و تطبیق پروگرام های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی؛
۶. ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی درباره امور انجام شده و پروگرام های عمده سالی مالی جدید؛
۷. انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از وظایف حکومت دانسته شده است.

ماده هفتاد و ششم

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع و تصویب می کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده هفتاد و هفتم

وزرا و وظایف خود را به حیث آمرین واحدهای اداری، در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می کند، اجرامی نمایند. وزرا از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسئولیت دارند.

ماده هفتاد و هشتم

هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یک صد و سی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول می گردد.

ماده هفتاد و نهم

حکومت می تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود. فرامین تقنینی باید در خلال ۳۰ روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می گردد.

ماده هشتادم

وزرا نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نمایند.

فصل پنجم شورای ملی

ماده هشتادویکم

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به حیث عالی ترین ارگان تقنینی، مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند. هر عضو شورادر موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده هشتادودوم

شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد. هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هشتادوسوم

اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردند.

دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید.

انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می گردد.

تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دو صد و پنجاه نفر می باشد. حوزه های انتخاباتی و سایر مسائل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد.

در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی،

نماینده‌گی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن و ولسی جرگه عضویت یابد.

ماده هشتاد و چهارم

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می‌شوند:

۱. از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال؛
 ۲. از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال؛
 ۳. یک‌ثُلث باقی‌مانده از جمله شخصیت‌های خیر و با تجربه، به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر از نمایندگان کوچی‌ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.
- رئیس جمهور تعداد پنجاه فی صد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می‌نماید.

شخصی که به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب می‌شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد.

ماده هشتاد و پنجم

- شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می‌شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب‌کنندگان واجد اوصاف ذیل می‌باشد:
۱. تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛
 ۲. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۳. اعضای ولسی جرگه سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندید شدن و اعضای مشرانو جرگه سن سی و پنج سالگی را در روز کاندید یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند.

ماده هشتاد و هشتم

و تائید انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می گردد.

ماده هشتاد و نهم

هر یک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می کند.

این اشخاص هیأت اداری ولسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل می دهند.

وظایف هیأت اداری در اصول و وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود.

ماده هشتاد و دهم

هر یکی از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول و وظایف داخلی، کمیسیون ها تشکیل می دهد.

ماده هشتاد و یازدهم

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول و وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

ماده نودم

شورای ملی دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱. تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛
۲. تصویب پروگرام‌های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛
۳. تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه؛
۴. ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن؛
۵. تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛
۶. سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی.

ماده نودویکم

ولسی جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:

۱. اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نودودوم این قانون اساسی؛
۲. اتخاذ تصمیم راجع به پروگرام‌های انکشافی و بودجه دولتی؛
۳. تأیید یا رد مقرری‌ها مطابق به احکام این قانون اساسی.

ماده نودودوم

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فی صد کل اعضا، می‌تواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد.

هر گاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می‌کند.

رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و براساس دلایل موجه باشد. این رأی به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می‌گردد.

ماده نودوسوم

هر يك از كميسيون‌های هر دو مجلس شورای ملی می‌تواند از هر يك از وزرا در موضوعات معين سؤال نماید. شخصی که از او سؤال به عمل آمده، می‌تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نودوچهارم

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر این که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتی که رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می‌تواند آن را در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید.

با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آن را مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می‌گردد.

ماده نودوپنجم

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می‌تواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می‌گیرد.

ماده نودوششم

هر گاه پیشنهاد طرح قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می‌شود که در متن پیشنهاد،

مدرک جبران نیز پیش‌بینی شده باشد.

ماده نود و هفتم

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می‌گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را، به شمول بودجه و امور مالی و پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه را، بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یا رد می‌کند.

ولسی جرگه نمی‌تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می‌سپارد.

مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کند. شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پروگرام‌های انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می‌دهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل می‌گردد.

ماده نود و هشتم

بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می‌شود.

تصمیم ولسی جرگه بدون ارائه به مشرانو جرگه، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

هرگاه نظر به عوامل تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت

نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌گردد. حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می‌نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق به احکام قانون، به شورای ملی تقدیم می‌گردد. ولسی جرگه نمی‌تواند تصویب بودجه را بیش از یک‌ماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تأخیر اندازد.

هرگاه ولسی جرگه در این مدت، راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می‌گردد.

ماده نودونهم

در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد، مدت اجلاس شورا قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی‌تواند.

ماده صدم

هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می‌گردد.

فیصله هیأت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می‌شود. در صورتی که هیأت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می‌رود. در این حالت ولسی جرگه می‌تواند در جلسه بعدی آن را با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

ماده یکصد و یکم

هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه‌ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

ماده یکصد و دوم

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است اطلاع می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می‌باشد، تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آن را حاصل نماید.

اگر اتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیأت اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

ماده یکصد و سوم

وزرا می‌توانند در جلسات هر یک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند.

هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور وزرا را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده یکصد و چهارم

هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می‌کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می تواند به طور مشترک دایر شود:

۱. در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می گردد؛

۲. در صورتی که رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می نماید.

ماده یکصد و پنجم

جلسات شورای ملی علنی می باشد مگر این که رئیس مجلس یا حداقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آن را درخواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد.

هیچ شخصی نمی تواند عنفاً به مقرر شورای ملی داخل شود.

ماده یکصد و ششم

نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رأی گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد.

ماده یکصد و هفتم

شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می کند. مدت کار هر دو اجلاس شورا، در هر سال نه ماه می باشد. در صورت ایجاب، شورا می تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق العاده شورا در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می تواند.

ماده یکصد و هشتم

در حالات وفات، استعفا و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینه، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد. امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول و وظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده یکصد و نهم

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.

فصل ششم لویه جرگه

ماده یکصد و دهم

لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

۱. اعضای شورای ملی؛

۲. رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالی ها.

وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی سارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.

ماده یکصد و یازدهم

لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

۱. اتخاذ تصمیم در مورد مسائل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور؛
۲. تعدیل احکام این قانون اساسی؛
۳. محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

ماده یک صد و دوازدهم

لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر را به حیث رئیس و یک نفر را به حیث معاون و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی انتخاب می کند.

ماده یک صد و سیزدهم

نصاب لویه جرگه هنگام رأی دهی، با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد.

تصامیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آرای کل اعضا اتخاذ می گردد.

ماده یک صد و چهاردهم

مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر این که یک ربع اعضا سری بودن آن را درخواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده یک صد و پانزدهم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد یک صد و یکم و یک صد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

فصل هفتم قضاء

ماده یک صد و شانزدهم

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.
قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آن‌ها توسط قانون تنظیم می گردد.
ستره محکمه به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده یک صد و هفدهم

ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه و با رعایت احکام مندرج فقره آخر ماده پنجاهم و ماده یک صد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین می گردند:
سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.
تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد.
تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.
رئیس جمهوری یکی از اعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.
اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یک صد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

ماده یک صد و هجدهم

عضو ستره محکمه واجد شرایط ذیل می باشد:

۱. سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد؛
۲. تبعه افغانستان باشد؛
۳. در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد؛
۴. دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛
۵. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛
۶. در حال تصدی و وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

ماده یک صد و نوزدهم

اعضای ستره محکمه قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور به جا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضا را با کمال امانت، صداقت و بی طرفی اجرا نمایم.»

ماده یک صد و بیستم

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده یکصد و بیست و یکم

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آن‌ها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد.

ماده یکصد و بیست و دوم

هیچ قانون نمی‌تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه‌ای را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به‌نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و نهم، هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی‌گردد. تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و بیست و سوم

با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجرائات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و بیست و چهارم

در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می‌باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات‌شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم

بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب

گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می شود.

تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یک صد و بیست و هشتم

اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می شوند، مشروط به این که به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

ماده یک صد و بیست و هفتم

هر گاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را براساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می گردد.

تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یک صد و بیست و هشتم

در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.

محکمه می تواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند، ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یک صد و بیست و نهم

محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند.

تمام فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است، مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می‌باشد.

ماده یک‌صد و سی‌ام

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌کنند.

هرگاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به‌نحوی حل و فصل می‌نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده یک‌صد و سی‌ویکم

محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نمایند.
در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می‌نمایند.

ماده یک‌صد و سی‌ودوم

قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می‌گردند.
تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذة و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد.

ستره محکمه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می‌نماید.

ماده یک‌صد و سی‌وسوم

هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام

قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتی که ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یکصد و سی و چهارم

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف سارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد. سارنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجرائات خود مستقل می باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت سارنوالی توسط قانون تنظیم می گردد.

کشف و تحقیق جرایم و وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

ماده یکصد و سی و پنجم

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین می گردد.

فصل هشتم

اداره

ماده یکصد و سی و هشتم

اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون، تنظیم می گردد.

اداره مرکزی به یک عده واحدهای اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، براساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یک صد و سی و هفتم

حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هر چه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیت های لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده یک صد و سی و هشتم

در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می شود. اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می گردند. شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده یک صد و سی و نهم

شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسائل مربوط به ولایت مشوره می دهد. شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید.

ماده یک صد و چهارم

برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها

و قریه‌ها، مطابق به احکام قانون، شوراها تشکیل می‌گردند. اعضای این شوراها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. سهم‌گیری کوچیان در شوراهای محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یک‌صد و چهل و یکم

برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل می‌شود. شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌شوند. امور مربوط به شاروالی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردند.

ماده یک‌صد و چهل و دوم

دولت به مقصد تعمیم احکام و تأمین ارزش‌های مندرج این قانون اساسی، ادارات لازم‌را تشکیل می‌نماید.

فصل نهم

حالت اضطرار

ماده یک‌صد و چهل و سوم

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس‌جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می‌شود. هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است.

ماده یکصد و چهل و چهارم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند به مشوره رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و چهل و پنجم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا بر آنها قیودی وضع نماید:

۱. فقره دوم ماده بیست و هفتم؛

۲. ماده سی و ششم؛

۳. فقره دوم ماده سی و هفتم؛

۴. فقره دوم ماده سی و هشتم.

ماده یکصد و چهل و هشتم

در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یکصد و چهل و نهم

هرگاه دوره ریاست جمهوری و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می شود. هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید، لویه جرگه از طرف رئیس جمهور دعوت می شود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه، انتخابات برگزار می گردد.

ماده یک صد و چهل و هشتم

در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که براساس مواد یک صد و چهل و چهارم و یک صد و چهل و پنجم این قانون اساسی به عمل آمده، بلافاصله از اعتبار ساقط می گردند.

فصل دهم تعدیل

ماده یک صد و چهل و نهم

اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شوند.

تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می باشد.

تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یک صد و چهل و ششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می گیرد.

ماده یک صد و پنجاهم

به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل، هیأتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده، طرح تعدیل را تهیه می کند.

برای تصویب تعدیل، لویه جرگه براساس فرمان رئیس جمهور و مطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد.

هر گاه لویه جرگه با اکثریت دو ثلث کل اعضا طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل یازدهم احکام متفرقه

ماده یکصد و پنجاه و یکم

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه، لوی سارنوال، رؤسای بانک مرکزی و امنیت ملی، والیان و شاروالها در مدت تصدی و وظیفه نمی توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام دهند.

ماده یکصد و پنجاه و دوم

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوی سارنوال و قضات نمی توانند در مدت تصدی و وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده یکصد و پنجاه و سوم

قضات، سارنوالان، صاحب منصبان قوای مسلح و پولیس و منسوبین امنیت ملی، در مدت تصدی و وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم

دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، اعضای ستره محکمه و لوی سارنوال قبل و بعد از دوره خدمت، توسط ارگانی که در قانون تعیین می گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می شود.

ماده یک صد و پنجاه و پنجم

برای معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، قضات و لوی سارنوال مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

ماده یک صد و پنجاه و هشتم

کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور، مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده یک صد و پنجاه و نهم

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.
اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تأیید و لسی جرگه تعیین می گردند.

فصل دوازدهم

احکام انتقالی

ماده یک صد و پنجاه و هشتم

لقب بابای ملت و امتیازاتی که توسط لویه جرگه اضطراری سال یک هزار و سه صد و هشتاد و یک هجری شمسی به اعلی حضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطا شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و نهم

مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می شود.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در دوره انتقال، وظایف ذیل را انجام می دهد:

۱. اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای محلی در مدت شش ماه؛
۲. اصدار فرامین در مورد تشکیلات و صلاحیت محاکم و آغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی در خلال مدت کم تر از یکسال؛
۳. تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات؛
۴. انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی؛
۵. اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده یکصد و شصتم

اولین رئیس جمهور منتخب، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز می کند.

کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد.

صلاحیت های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شورا به حکومت تفویض می شود و ستره محکمه موقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد.

ماده یکصد و شصت و یکم

شورای ملی، وظایف و صلاحیت های خود را به مجرد تأسیس، مطابق به

احکام این قانون اساسی، اعمال می‌کند. بعد از دایر شدن اولین جلسه شورای ملی، در خلال مدت سی روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می‌گردند.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانی که رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می‌نماید. ارگان‌های اجرایی و قضایی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یک‌صد و پنجاه و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره محکمه به وظایف خود ادامه می‌دهند. فرامین تقنینی که از آغاز دوره موقت به بعد نافذ گردیده است، به اولین جلسه شورای ملی ارجاع می‌گردند. این فرامین تا زمانی که از طرف شورای ملی لغو نگردیده باشند نافذ می‌باشند.

ماده یک‌صد و شصت و دوم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می‌گردد. با انفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی می‌باشد.

قانون اساسی جمهوری فدرال
اسلامی افغانستان
(طرح پیشنهادی حزب وحدت
اسلامی افغانستان در دوره رهبر شهید؛
استاد عبدالعلی مزاری)

مقدمه

وطن عزیز ما افغانستان یک کشور باستانی و دارای تاریخ چندین هزار ساله می باشد که در قلب آسیا، نقطه تقاطع مدنیت های قدیمی سواحل مدیترانه، هندوچین موقعیت داشته که همین موقعیت حساس جیوپولیتیکی آن توجه جهان گشایان و متجاوزین را در درازنای تاریخ به خود جلب و مورد تجاوز استیلاگران خارجی و لشکر کشی های استعماری قرار گرفته است و مردم این سرزمین از تجاوز اسکندر مقدونی الی شکست قطعی امپراطوری بریتانیای کبیر نه تنها وطن دوستی و آزادگی را از آن خود ساخت؛ بلکه برای سایر مردمان منطقه و جهان به حیث مرکز الهام مبدل شد.

زمانی که نظام های مستبد و بیگانه پرست، بر اریکه قدرت جا گرفته و حاکم بر سرنوشت مردم آزاده ما گردیدند، سعی نمودند تا ملیت ها و اقوام باهم برادر را از یکدیگر دور نگهدارد تا ارکان زندگی باهمی در پندار و کردارشان رشد نکرده و مناسبات بین آنها تا حدودی سرد و کرخت باشد و یا با دادن امتیاز به یکی و چشم پوشی از حقوق دیگری ایجاد زمینه بدبینی ها، تعصبات ناروا و حتی ستیزه جویی ها را در بین شان به راه انداخته تا خود چند روز به حاکمیت ظالمانه خویش ادامه دهند.

حکام ظالم وقت، برای مردم مسلمان ما کمتر مجال استفاده از منابع سرشار طبیعی کشور و مزایای تمدن بشری را داده که در نتیجه آن فقر، بی اتفاقی و عقب مانگی نصیب مردم ما گردیده است.

به دنبال کودتای هفت ثور فاجعه بزرگی در تاریخ کشور ما رخ داد و آن عبارت از هجوم و اشغال وطن عزیز ما از جانب قوای سرخ شوروی

که در نتیجه آن جاسوسان بیگانه پرست و ضد مردمی به قدرت رسیدند. در مقابل این تجاوز ننگین، مردم مسلمان و شهیدپرور، دلیر، باتور و وطن پرست ما به اساس حکم صریح قرآن که می فرمایند:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۱ در یک صف واحد جهاد به پا خاستند و با قبول هر گونه قربانی، فداکاری، شهادت، تحمل شکنجه، زجر سلول های تاریک زندان و رنج های بیکران مهاجرت با اراده پولادین و توکل به خداوند (ج) ایستادگی نموده با تشکل احزاب سیاسی، سنگرهای جهادی را ایجاد و سرانجام طی چهارده سال جهاد مقدس نه تنها وطن را از لوٹ قوای متجاوز و نوکران آن ها پاک کردند، بلکه سایر مردم مسلمان و ملل جهان را از چنگال الحادی شان نجات دادند. اکنون که انقلاب اسلامی، بر بنیاد ایمان و اعتقاد راسخ به قرآن پاک و احکام نجات بخش آن با ثمره جهاد کبیر چهارده ساله، دادن صدها هزار شهید، معلول، بیوه، یتیم و خسارات بی شمار مادی و معنوی به خاطر تحقق و پیاده شدن نظام عدل الهی به پیروزی رسیده که در نتیجه آن دولت اسلامی در کشور استقرار یافته و زمینه را برای تأمین عدالت اسلامی به خاطر ایجاد دولت با قاعده وسیع، برادری و برابری، تساوی حقوق، آبادی و عمران کشور هموار نموده است.

حزب وحدت اسلامی افغانستان معتقد است که به منظور حل عادلانه مسئله ملی و خاتمه دادن به نفاق های گوناگون نژادی، لسانی و منطقوی بهترین شکل حاکمیت اسلامی در کشور، ایجاد ساختار دولتی بر پایه اصول فدرال با در نظر داشت تقسیمات ملکی به اساس ویژگی های ملی، تاریخی، فرهنگی و سایر مشخصات اجتماعی می باشد. لہذا به منظور حل

۱. قرآن کریم، سورة النساء، آیه ۷۶.

عادلانه مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بازسازی کشور
جنگ زده مان مسوده این قانون اساسی را طرح و تقدیم می دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول

نظام سیاسی

ماده اول

دولت افغانستان، جمهوری فدرالی اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه بوده و بر تمام قلمرو خود دارای حاکمیت می باشد. حاکمیت ملی به مردم مسلمان افغانستان تعلق دارد. قدرت دولت از مردم برخاسته، مردم از طریق انتخابات و رأی دهی، به وسیله ارگان های مقننه، اجرائیه و قضائیه این قدرت را اعمال می نمایند. ارگان های اجرائیه و قضائیه مکلف اند از قانون و عدالت اطاعت و پیروی نمایند.

ماده دوم

دین رسمی مردم افغانستان دین مبین اسلام و مذاهب رسمی آن جعفری و حنفی می باشد.

ماده سوم

منبع اصلی قوانین در افغانستان اساسات دین مقدس اسلام بوده و هیچ قانونی نمی تواند مناقض قانون اسلام و این قانون اساسی باشد.

ماده چهارم

تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی در کشور مجاز است، مشروط بر این که برنامه آنها با اساسات اسلام، اصول دموکراسی، عدالت اجتماعی و ارزش های والای انسانی موافق بوده و منابع مالی آن علنی باشد. - حزبی که اهداف و اعمال آن استقلال سیاسی و حاکمیت ملی

کشور را به خطر مواجه سازد، مخالف قانون اساسی دانسته شده و محکمه عالی درباره انحلال آن تصمیم اتخاذ می نماید.

ماده پنجم

قضات، مدعی العموم (سارنوال) و منسوبین قوای مسلح در مدت تصدی و وظیفه نمی توانند، عضویت حزب سیاسی را داشته باشد.

ماده ششم

مردم حق دارند در برابر شخص، مقام و حزبی که قانون اساسی را رعایت نمی کنند، مقاومت نشان دهند.

ماده هفتم

دفاع از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، حفظ دست آوردهای انقلاب اسلامی، تجهیز مادی و معنوی قوای مسلح (اردو، امنیت و پولیس) از جمله وظایف اساسی دولت اسلامی است.

ماده هشتم

از جمله زبان های ملی کشور، دری و پشتو، زبان های رسمی می باشد.

ماده نهم

نشان دولتی افغانستان مطابق حکم فقره (۱۶) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی از طرف شورای ملی فدرال طرح و تصویب می گردد.

ماده دهم

بیرق جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای سه رنگ می باشد که به شکل قطعات سیاه، سرخ و سبز از بالا به پایین به صورت افقی به اندازه مساوی واقع شده است. در ربع قسمت بالایی هر دو روی بیرق به طرف چپ آن نشان جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان قرار دارد. طول بیرق نسبت به عرض آن دو چند می باشد.

ماده یازدهم

پایتخت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان شهر کابل است.

ماده دوازدهم

ایالات جمهوری اسلامی افغانستان عبارت اند از:

۱. ایالت غرچستان که مرکز آن شهر بامیان می باشد؛
۲. ایالت بلخ که مرکز آن شهر مزار شریف می باشد؛
۳. ایالت هرات که مرکز آن شهر هرات می باشد؛
۴. ایالت کندهار که مرکز آن شهر کندهار می باشد؛
۵. ایالت ننگرهار که مرکز آن شهر جلال آباد می باشد؛
۶. ایالت کابل که مرکز آن شهر کابل می باشد.

ماده سیزدهم

قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان توسط کمیسیون تدوین قانون اساسی طرح و مجلس مؤسسان آن را تصویب می دارد.

ماده چهاردهم

هر ایالت دارای قانون اساسی و قوانین فرعی خاص می باشد؛ اما قانون اساسی و قوانین فرعی هیچ ایالت مخالف با قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی کشور وضع شده نمی تواند. قانون اساسی و قوانین ایالتی توسط شورای ایالتی هر ایالت طرح و توسط مجلس شورای ملی فدرال به تصویب می رسد.

ماده پانزدهم

برای تجدید نظر در تشکیلات اساسی واحدهای اداری و تعیین حدود جغرافیای ایالات کمیسیون باصلاحیتی از جانب دولت توظیف گردیده

و نظریات کمیسیون توسط شورای ملی فدرال تصویب می‌گردد.

ماده شانزدهم

به ملاحظه علایق منطوقی، تاریخی، کلتوری، مقتضیات اقتصادی و سازگاری اخلاقی و اجتماعی، الحاق ایالات به همدیگر و انفصال آنها از یکدیگر و تجدید سازمان و ایجاد تغییر در حدود جغرافیایی ایالات و ایجاد ایالات جدید بر اساس اراده مردمان ایالات مطابق به احکام این قانون مجاز است.

ماده هفدهم

سیاست خارجی، دفاعی، امنیت ملی، نشر پول، تجارت خارجی، قراردادهای خارجی و معاهدات بین‌المللی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تحت اداره مستقیم دولت مرکزی فدرال قرار دارد و هیچ ایالتی نمی‌تواند در موارد فوق‌الذکر بدون اجازه دولتی مرکزی فدرال مستقلانه عمل نماید.

ماده هجدهم

هرگاه بر اثر انعقاد قرارداد و معاهدات دولتی مرکزی با دول خارجی، اوضاع و شرایط ایالت و یا ایالاتی متأثر گردد، باید دولت مرکزی قبل از آن با آن ایالت و یا ایالات مذاکره و تفاهم نموده تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده نوزدهم

مأمورین عالی‌رتبه که در مقامات عالیه دولتی مرکزی فدرال و همچنین سفرا و دیپلمات‌های افغانی که در خارج و محافل بین‌المللی تعیین می‌گردد، از تمام ایالات بر اساس اهلیت و متناسب با تعداد نفوس شان انتخاب می‌شوند.

ماده بیستم

ملیت‌های ساکن در کشور به تناسب نفوس شان در تشکیل قوای مسلح

و قوای امنیت ملی سهمی می گردند. پولیس هر ایالت از مردم آن ایالت تشکیل می گردد.

ماده بیست و یکم

چگونگی پرداخت مالیه، محصول، عواید به دولت و مسائل مالی بین دولت مرکزی و ایالات و بودجه ایالات توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیست و دوم

به خاطر جلوگیری از فاجعه ملی و سانحه بزرگ، هر ایالت می تواند از پولیس سایر ایالات قوای سرحدی، قوای مسلح، تجهیزات و امکانات مقامات دولتی استمداد نمایند.

ماده بیست و سوم

در صورتی که خطر فاجعه و سانحه از حدود جغرافیای یک ایالت فراتر رود، دولت مرکزی فدرال به ادارات ایالات همجوار دستور می دهد تا قوای پولیس و تجهیزات خود را در اختیار ایالاتی که در معرض خطر واقع گردیده اند، قرار داده به قوای سرحدی و قوای مسلح دستور می دهد که قوای پولیس و مقامات اداری ایالتی را تقویت نمایند. تدابیر و قیودی که در چنین حالات وضع می گردد، با از میان رفتن خطر بدون تأخیر رفع می گردد.

ماده بیست و چهارم

تمام مقامات دولتی مرکزی فدرال و مقامات ایالتی به یکدیگر کمک های متقابل قانونی و اداری را انجام می دهد.

ماده بیست و پنجم

هر عملی که هدف آن ایجاد دشمنی بین ملیت ها، اقوام و ایالات باشد؛ مخصوصاً عمل آمادگی برای جنگ تجاوزکارانه، مخالف قانون اساسی

اعلام گردیده جرم قابل مجازات تلقی می گردد.

ماده بیست و هشتم

اسلحه و وسایل نظامی که برای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و دفع و طرد تجاوز خارجی تدارک دیده می شود، استعمال، انتقال و استفاده از آن بدون اجازه دولت مرکزی و حکم قانون مجاز نیست.

ماده بیست و نهم

در صورت بروز اختلافات و منازعات بین ایالات قضیه به محکمه عالی فدرال ارجاع و فیصله می گردد.

فصل دوم

اساسات نظام اجتماعی

ماده بیست و هشتم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان کشور کثیرالملیت است، دولت سیاست تقویه روحیه برابری و برادری، تفاهم، دوستی، همکاری متقابل ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور را به منظور تأمین عدالت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعقیب می نماید.

ماده بیست و نهم

دولت به منظور رشد فرهنگ، زبان، ادبیات و فلکلور مردم تدابیر لازم اتخاذ کرده و آن را انکشاف می دهد.

ماده سی ام

در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان خانواده رکن اساسی جامعه را

تشکیل می‌دهد، خانواده بر اساس احکام اسلام، اخلاق و عنعنات ملی تشکیل گردیده و دولت حرمت و خصایل اصیل اسلامی و ملی آن را حفظ نموده، به رشد خانواده در مناسبات داخلی جامعه توجه می‌کند. دولت به منظور حفظ سلامت جامعه دربارهٔ تأمین صحت طفل و مادر و تربیه سالم اطفال تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

مادهٔ سی و یکم

تعلیمات عالیّه اسلام، اخلاق اسلامی، وطن‌دوستی، رسوم و عنعنات پسندیدهٔ ملی، زیربنای معنوی جامعه ما را تشکیل داده و دولت به حفظ حرمت، ترویج و تعمیل آن مکلف می‌باشد.

مادهٔ سی و دوم

دولت از حقوق و مکلفیت‌های زن در برابر خانواده و جامعه حمایت نموده تساوی حقوق اسلامی و قانون زن و مرد را در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضمین می‌نماید.

مادهٔ سی و سوم

دولت به تربیه و مشکلات جوانان و نوجوانان توجه نموده شرایط لازم را جهت پرورش سالم بدنی و استعدادهای فکری آنها فراهم می‌آورد.

مادهٔ سی و چهارم

حق زندگی، آزادی، کار، تحصیل، حق اشتراک در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حق تأمین صحت و معیشت در ایام بیکاری، حق بازنشستگی بر اثر مرض، کهولت سن و معلولیت ناشی از اجرای وظیفه و حقوق خانوادهٔ شهدا از طرف جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تضمین می‌گردد.

فصل سوم اساسات اقتصادی

ماده سی و پنجم

دولت سیاست اقتصادی ای را که هدف آن بسیج و به کار بردن تمام منابع کشور به خاطر رفع عقب ماندگی، ایجاد شرایط کار، ارتقای سطح زندگی مردم، تکامل اجتماعی، تحکیم و توسعه اقتصادی و رفاه جامعه می باشد، عملی نموده و به این منظور پلان های انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و تطبیق می نماید.

ماده سی و ششم

در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان ملکیت از تعرض مصون است.

ماده سی و هفتم

ملکیت به اشکال مختلف دولتی، مختلط، جمعی، اوقاف، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمان های سیاسی و اجتماعی وجود دارد و دولت از تمام انواع ملکیت های قانونی حمایت می کند.

ماده سی و هشتم

منابع زیرزمینی، جنگل ها، چراگاه ها، اراضی بایر لم یزرع و لامالک، معادن، منابع اساسی انرژی، آبدات تاریخی، تأسیسات رادیو، تلویزیون، تأسیسات مخابراتی، بندرهای بزرگ زراعتی و انرژی، بنادر و خطوط مواصلاتی از جمله ملکیت های دولت می باشد.

- سرمایه گذاری خصوصی جهت استفاده از جنگل ها و چراگاه ها، منابع انرژی، معادن و خرید و فروش وسایل مخابراتی طبق قانون مجاز است.

- در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در کنار بانک‌ها، بیمه و ترانسپورت زمینی و هوای دولتی، ایجاد بانک‌های سهامی، بیمه، ترانسپورت‌های هوای و زمینی، خصوصی و مختلط طبق قانون مجاز است.

- تأسیس و فعالیت نمایندگی بانک‌ها و بیمه خارجی طبق قانون مجاز است.

ماده سی و نهم

دولت در ایجاد، تقویه و گسترش مؤسسات تعاونی اسلامی مساعدت می‌نماید.

ماده چهلیم

دولت از فعالیت‌های انفرادی پیشه‌وران، اهل حرفه و صنعت، صنایع مستظرفه و صنایع دستی حمایت می‌کند.

ماده چهل و یکم

دولت بانک‌های زراعتی، صادراتی، معاملاتی، رهنی و تعمیراتی و بانک‌های تجارتي را تقویه و شرایط استفاده از آن‌ها را برای مردم تسهیل می‌نماید.

ماده چهل و دوم

دولت به دهقانان و زمین‌داران کمک نموده و در ایجاد فارم‌های عادی و مکانیزه زراعتی، مال‌داری و مرغداری خصوصی و مختلط و آبادی اراضی لامزروع مساعدت مؤثر می‌نماید.

ماده چهل و سوم

دولت شرایط لازم را برای رشد مال‌داری و ارتقای سطح زندگی مال‌داران آماده می‌سازد.

مادهٔ چهل و چهارم

دولت سرمایه و سرمایه‌گذاری خصوصی را به منظور انکشاف اقتصادی ملی تضمین نموده و اشتراک سرمایه‌داران ملی را در انکشاف تجارت، ساختمان، ترانسپورت، صنایع خفیفه و ثقیله، ایجاد مؤسسات تحقیقات علمی، صنعتی، تولیدی، زراعت و حفر چاهای عمیق، اعمار بندهای کوچک برق، ایجاد کلینیک‌های صحی طبق قانون تشویق و حمایت می‌کند.

دولت از سرمایه و از سرمایه‌داران ملی در برابر رقابت سرمایه خارجی حمایت کرده و حین تنظیم سیاست مالی، کربدتی، گمرکی و قیم، منافع آن‌ها را طبق قانون در نظر می‌گیرد.

مادهٔ چهل و پنجم

به منظور رفع عقب‌ماندگی و جبران آن و ایجاد زندگی مرفه و نوین مطابق به مقتضیات عصر و زمان، وصول سریع به سطح زندگی عالی، سرمایه‌گذاری خصوصی، مختلط داخلی و خارجی را در عرصه‌های ثقیله و خفیفه، راه آهن، نفت و گاز، بندهای بزرگ برق، نساجی، سمنت، ذوب آهن، فابریکات تولید ماشین‌آلات و راه‌های مواصلاتی، دولت طبق قانون تشویق و حمایت می‌کند؛ مشروط بر این که سرمایه‌گذار خارجی مغایر منافع ملی کشور نباشد.

مادهٔ چهل و ششم

در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اشخاص خارجی حق ملکیت عقاری را ندارند، فروش عقار به نمایندگی‌های سیاسی و دول خارجی بر اساس رویهٔ بالمثل و به مؤسسات بین‌المللی که افغانستان عضو آن می‌باشد، بعد از موافقهٔ حکومت و تصویب شورای ملی (پارلمان) مجاز است.

مادهٔ چهل و هفتم

استملاک ملکیت شخصی از جانب دولت تنها به مقصد تأمین مصالح عامه و در بدل عوض عادلانه صورت می‌گیرد. مصادره ملکیت بدون حکم قانون و فیصله محکمه به هیچ وجه جایز نیست.

مادهٔ چهل و هشتم

تأدیه مالیه و محصول به دولت مکلفیت اتباع است، اخذ هیچ نوع مالیه و محصول بدون حکم قانون مجاز نیست. اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن با رعایت عدالت اسلامی توسط قانون تعیین و تنظیم می‌گردد. این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می‌گردد.

مادهٔ چهل و نهم

دولت در مورد حفظ طبیعت، ثروت‌های طبیعی و استفاده معقول از منابع آن، بهبود محیط زیست، حفظ جنگلات، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و ابقای عالم حیوانات و نباتات تدابیر لازم اتخاذ و عملی می‌نماید.

مادهٔ پنجاهم

تطبیق و گسترش اوزان، مقیاس‌ها و محک‌ها با نورم و استاندارد بین‌المللی در سراسر کشور وظیفهٔ دولت می‌باشد.

فصل چهارم تابعیت، آزادی، حقوق اساسی و وجایب اتباع کشور

ماده پنجاه و یکم

تابعیت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان برای تمام اتباع مساوی و یکسان است، حصول و سلب تابعیت توسط قانون تنظیم می‌گردد. - هر شخص تابعیت جمهوری فدرال اسلامی افغانستان را طبق قانون دارا باشد، افغان نامیده می‌شود.

ماده پنجاه و دوم

هیچ افغان به علت اتهام به یک جرم به دولت خارجی تسلیم داده نمی‌شود.

ماده پنجاه و سوم

هیچ افغان در داخل و خارج کشور تبعید نمی‌گردد.

ماده پنجاه و چهارم

اتباع جمهوری اسلامی افغانستان در خارج تحت حمایت دولت قرار داشته و دولت از حقوق و منافع قانونی آنها حمایت می‌کند.

ماده پنجاه و پنجم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی مقیم در افغانستان حمایت نموده و آنها مکلف‌اند، احکام قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت کنند.

ماده پنجاه و هشتم

اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اعم از زن و مرد بدون در نظر داشت تعلقات ملیت، نژاد، لسان، قبیله، دین، مذهب، عقیده سیاسی، تحصیل و شغل، دارایی، موقف دولتی و اجتماعی و محل سکونت و اقامت در برابر قانون دارای حقوق و وجایب یکسان بوده مورد تبعیض و یا امتیاز قرار نمی گیرند.

ماده پنجاه و نهم

زندگی حق طبیعی انسان است، هیچ کس بدون مجوز قانونی و شرعی از این حق محروم نمی گردد.

ماده پنجاه و هشتم

کرامت انسان از تعرض مصون است و دولت مکلف به حمایت از آن می باشد.

ماده پنجاه و نهم

آزادی حق طبیعی انسان بوده و این حق جز آزادی دیگران، منافع عامه و احکام قانون حدودی ندارد.

ماده شصتم

تمام اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در انتخاب شغل، حرفه، مسلک، محل کار و زیست و محل آموزش و پرورش آزادند.

ماده شصت و یکم

اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای حق مسافرت و انتخاب آزاد محل سکونت و اقامت در کشور می باشد. دولت می تواند به منظور حفظ امنیت و نظم عامه و جلوگیری از شیوع امراض مسافرت، سکونت و اقامت را در بعضی مناطق موقتاً محدود و یا ممنوع سازد.

ماده شصت و دوم

اتباع حق دارند به خارج از کشور مسافرت نموده و به وطن عودت نمایند.

ماده شصت و سوم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اجرای مناسک و مراسم دینی و مذهبی را برای تمام مسلمانان کشور تضمین می کند و پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم مذهبی خویش آزاد می باشند؛ اما تبلیغ و اظهار آن گونه عقاید و اجرای مراسمی که بر وحدت ملی و امنیت کشور صدمه وارد نموده و مناقض احکام دین اسلام باشد و موجب ایجاد دشمنی در میان اقوام، ملیت ها و مردم ساکن در کشور گردد، اکیداً ممنوع است.

ماده شصت و چهارم

اتباع حق دارند در زندگی سیاسی، اجتماعی و اداره امور دولت به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان خود شرکت نمایند.

ماده شصت و پنجم

اتباع دارای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بوده شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده شصت و ششم

اتباع دارای حق آزادی، فکر و بیان می باشند و آن ها از این حق به وسیله گفتن، نوشتن، رسم، تصویر، نشر کتب، مجلات و جراید و سایر وسایل طبق قانون استفاده می نمایند.

ماده شصت و هفتم

آزادی مطبوعات، طبع و نشر کتب، مجله، روزنامه و جریده طبق قانون آزاد است.

ماده شصت و هشتم

در حالت اضطرار و یا زمان جنگ بالای مطبوعات، جراید و سایر وسایل ارتباطات جمعی کنترل محدود و موقت وضع گردیده که بعد از رفع آن حالت، محدودیت وضع شده مرفوع می گردد.

ماده شصت و نهم

دولت آزادی تحقیقات علمی، هنری، کلتوری و ابتکارات ادبی را تضمین نموده و وسایل تشویق لازم را برای این منظور فراهم می سازد.

ماده هفتادم

اتباع حق دارند به صورت مسالمت آمیز، بدون حمل سلاح و بدون اطلاعیه قبلی به دولت اجتماعات تشکیل دهند. گردهم آیی‌ها مطابق قانون جواز دارد.

ماده هفتاد و یکم

اتباع حق دارند که سازمان‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و تحقیقاتی طبق قانون ایجاد نماید، تشکیل سازمان‌های که مخالف مصالح عالیای مملکت و دارای خصلت نظامی باشد، جواز ندارد.

ماده هفتاد و دوم

اتباع دارای حق شکایت، انتقاد و پیشنهاد فردی و جمعی بوده و ارگان‌های دولت و مسئولین موظف‌اند به شکایات، پیشنهادات در موعد که قانون تعیین کرده رسیدگی و اجراءات نمایند. تعقیب به خاطر انتقاد ممنوع است.

ماده هفتاد و سوم

برائت ذمه، حالت اصلی است. متهم تا زمانی که به حکم قطعی محکمه محکوم نشده باشد، بی گناه شناخته می شود.
- هیچ عملی جرم شمرده نمی شود؛ مگر مطابق به احکام قانون.

- هیچ کس را نمی توان توقیف کرد؛ مگر با استیذان محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.

- هیچ کس را نمی توان مجازات نمود؛ مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون و متناسب به جرمی که مرتکب گردیده است.

- جرم امر شخصی است، با ارتکاب آن شخص دیگر مجازات نمی گردد.

- متهم حق دارد، شخصاً و یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند.

ماده هفتاد و چهارم

جزای مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب جواز ندارد.

- گرفتن اقرار، شهادت یا از متهم یا شخص دیگر به وسیله تهدید، تخویف و اکراه ممنوع است.

- اقرار، اظهار و شهادتی که از متهم و یا شخص دیگر به وسیله تهدید، تخویف و اکراه گرفته می شود، اعتبار ندارد. هر گاه موظفین خدمات عامه متهم و یا شخص دیگر را به منظور گرفتن اقرار، اظهار و شهادت شکنجه نمایند و یا به تعمیم شکنجه امر نمایند، مطابق قانون مجازات می گردد.

- استناد به امر مقامات مافوق، مرتکب را از مجازات ناشی از ارتکاب اعمال خلاف قانون برائت نمی دهد.

ماده هفتاد و پنجم

مدیون بودن شخص موجب سلب آزادی وی شده نمی تواند. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و ششم

در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان، حرمت و مصونیت منزل و مسکن

تضمین می‌گردد، هیچ‌کس به شمول نماینده دولت بدون اجازه ساکن و اهل منزل نمی‌تواند، در آن داخل گردیده و یا تفتیش نماید؛ مگر در حالت که قانون اجازه دهد.

ماده هفتاد و هفتم

دولت محرمیت مراسلات، مخابرات تلفنی و تلگرافی را تضمین می‌نماید، هیچ‌کس به شمول نماینده دولت نمی‌تواند بدون حکم قانون به تفتیش مراسلات و استراق سمع مخابرات اقدام نماید.

ماده هفتاد و هشتم

هرگاه اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و مسئولین امور حین اجرای وظیفه متضرر گردد، دارای حق جبران خساره می‌باشد.
- شرایط و طرز جبران خساره توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و نهم

هر نوع تجاوز بر آزادی‌های شخصی، مصونیت زندگی و سایر حقوق و آزادی‌های قانونی اتباع جرم بوده، بالای متجاوز اقامه دعوی جزای و مدنی صورت می‌گیرد، دولت تعویض و جبران خساره عادلانه را برای شخصی که مورد تجاوز قرار گرفته تضمین می‌کند.

ماده هشتادم

اتباع جمهوری فدرالی افغانستان با در نظر داشت نیازمندی‌های جامعه مطابق رشته تخصصی خویش دارای حق احراز وظایف دولتی و انتخاب می‌باشد.

عزل کارمندان دولت بدون حکم قانون و حکم محکمه باصلاحیت جواز ندارد.

ماده هشتاد و یکم

دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین ساعات کار، اندازه مزد، ایام رخصتی، ایام تعطیل با معاش، چگونگی شرایط کار و ایام استراحت، تأمین ایام بیکاری حقوق متقاعدین و حقوق معلولینی که معلولیت شان ناشی از اجرای وظیفه شده باشد و حقوق بازماندگان شهدا را طبق قانون تنظیم می کند.

ماده هشتاد و دوم

اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای حق تعلیم و تربیه و تحصیل رایگان می باشند.

- دولت به منظور ارتقای سطح و تجهیز جامعه به علوم و تکنولوژی معاصر و رشد سیستم تحصیلات عالی و تربیه کادرهای ملی، تأمین تعلیمات اجباری، تعلیمات عمومی تخنیکی، حرفوی و مسلکی و امحای بی سوادی تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

- ایجاد مؤسسات تعلیمی و تحصیلی در صورتی که با معیارهای تعلیمی و تحصیلی دولت برابر باشد، توسط بخش خصوصی طبق قانون مجاز است.

ماده هشتاد و سوم

دولت به منظور حفظ صحت عامه و خدمات صحی سراسری ملی و جلوگیری از امراض واگیر، مراکز خدمات صحی و مؤسسات پرورش دکترا طب را توسعه داده و از ایجاد مؤسسات و خدمات طبی خصوصی که با معیارهای دولتی برابر باشد، مطابق قانون حمایت می نماید. - دولت درباره توسعه خدمات صحی رایگان، تأمین صحت کهن سالان، معلولین، کار، جنگ و وارثین شهدا، تأمین صحت طفل و مادر تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده هشتاد و چهارم

دولت از تحقیقات علمی، فنی و هنری تشویق و حمایت نموده و از حقوق مادی و معنوی مؤلفان، مخترعان و محققان حراست نموده نتایج تحقیقات علمی، فنی و هنری را در جامعه و زندگی اجتماعی ترویج می نماید.

ماده هشتاد و پنجم

اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مکلف اند احکام این قانون و سایر قوانین افغانستان را رعایت نمایند.
- بی خبری از احکام قانون عذر و سند برائت شمرده نمی شود.

ماده هشتاد و ششم

هر تبعه کشور مکلف اند طبق حکم ماده (۴۸) این قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

ماده هشتاد و هفتم

اتباع افغانی مکلف اند که از استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دفاع نمایند، شرایط خدمت در قوای مسلح مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و هشتم

دولت از حقوق اساسی و آزادی های اتباع حمایت نموده شرایط لازم را برای انجام مکلفیت های اتباع فراهم می سازد. هیچ کس حق ندارد از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی علیه امنیت مملکت، مصالح علیای وطن، منافع عامه و بر ضرر حقوق سایر اتباع استفاده نماید.

ماده هشتاد و نهم

دولت مکلف است جهت جلوگیری از فرار مغزها شرایط لازم اقتصادی،

سیاسی و اجتماعی را برای بازگشت دانشمندان و متخصصین افغانی مقیم خارج کشور به وطن ایجاد نماید.

ماده نودم

دولت مکلف است به منظور بازگشت با اطمینان هموطنان مهاجر، مناطق مزروعی، مسکونی و راه‌ها را از وجود انواع ماین‌ها و مواد منفجره پاک‌سازی نموده و شرایط لازم زندگی را برای‌شان مساعد نماید.

فصل پنجم مجلس مؤسسان

ماده نودویکم

مجلس مؤسسان صرف برای یک دوره تقنینه موقت بوده که به منظور تصویب اولین قانون اساسی دولت فدرالی اسلامی کشور، نمایندگان منتخب مردم دعوت می‌گردند.

ماده نودودوم

مجلس مؤسسان متشکل از:

۱. رئیس جمهور و معاونان آن؛
۲. رهبران احزاب جهادی کشور؛
۳. وزرای دولت؛
۴. قاضی القضاة و معاونان او؛
۵. رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال)؛
۶. از هر (پنجاه) هزار نفر یک نفر نماینده بر اساس انتخابات عمومی، آزاد، سری و مستقیم؛

۷. اعضای کمیسیون موظف طرح تسوید قانون اساسی.

ماده نودوسوم

شخص انتخاب شونده برای عضویت در مجلس مؤسسان باید خواندن و نوشتن را بداند.

ماده نودوچهارم

هیأت اداری مؤسسان توسط خود مجلس مؤسسان تصویب و تعداد آن‌ها در طرز العمل مجلس تعیین می‌گردد.

ماده نودوپنجم

مجلس مؤسسان اولین قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را تصویب نموده و به توشیح رئیس جمهور می‌رساند.

ماده نودوششم

کار مجلس مؤسسان بعد از تصویب اولین قانون اساسی دولت فدرال اسلامی کشور خاتمه می‌یابد.

فصل ششم

شورای ملی فدرال

ماده نودوهفتم

شورای ملی فدرال مظهر اراده مردم افغانستان است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند.

- مردم افغانستان از طریق شورای ملی فدرال در زندگی سیاسی مملکت سهم می‌گیرند.

ماده نودوهشتم

اعضای شورای ملی فدرال از طریق رأی گیری عمومی، مساوی، آزاد، سری و مستقیم بر اساس تعداد نفوس برای یک دوره تقنینی چهارساله طبق قانون انتخاب می شوند.

ماده نودونهم

سن قانونی عضویت در شورای ملی فدرال برای مرد و زن تکمیل (۲۵) سال و سن قانونی برای رأی دهنده در تمام عرصه های انتخاباتی تکمیل (۲۰) سال می باشد.

- شرط اشتراک در رأی دهی و انتخاب شدن، داشتن تذکره تابعیت می باشد.

- سایر شرایط و طرز انتخابات در قانون انتخابات تنظیم می گردد.

ماده صدم

شورای ملی فدرال در اولین جلسه خویش یک نفر را به حیث رئیس و دو نفر را به حیث نایب رئیس، دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت دو سال از بین خویش انتخاب می نماید.

ماده یک صد و یکم

شورای ملی فدرال دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. تعدیل قانون اساسی به پیشنهاد (۵۰) فیصد اعضای شورای ملی و موافقت مقام ریاست جمهوری و محکمه عالی به تصویب سه ربع اعضای شورای ملی فدرال؛

۲. قبول استعفای رئیس جمهور و معاونان او؛

۳. تصمیم بر عزل، تحقیق و محاکمه رئیس جمهور و معاونان او در

حالت حکم فقره (۴) این ماده؛

۴. هرگاه رئیس جمهور و معاونان او به ارتکاب جرم و خیانت بزرگ متهم گردند، موضوع به اساس درخواست یک ثلث اعضا در مجلس شورای ملی فدرال مطرح و مورد غور و بررسی قرار می گیرد. هرگاه دو ثلث اعضای شورا آن را وارد دانست، در آن صورت جهت تعقیب، تحقیق، تعیین کیفر و مجازات رئیس جمهور و یا معاونان او محکمه اختصاصی تشکیل می گردد.

- اعضای محکمه اختصاصی عبارت اند از:

- الف. رئیس محکمه عالی به حیث رئیس محکمه اختصاصی؛
- ب. رئیس شورای ملی فدرال به حیث نایب محکمه اختصاصی؛
- ج. رئیس دیوان عالی یا مدعی العمومیت (لوی سارنوال) به حیث منشی؛

- د. رئیس محکمه قانون اساسی به حیث عضو محکمه اختصاصی؛
- ه. نایبان و منشیان شورای ملی فدرال به حیث عضو محکمه اختصاصی

؛

و. رؤسای شورای ایالات فدرال به حیث عضو محکمه اختصاصی. این محکمه اختصاصی می تواند از قضات، پولیس، مدعی العموم (سارنوال) و افراد اداری و مسلکی در مسائل تحقیق استفاده نماید. افراد اخیرالذکر عضو محکمه اختصاصی نبوده و حق رأی و قضاوت را ندارند. در تمام این حالات جریان تحقیق سری بوده و افشا کننده آن طبق قانون حفظ اسرار دولت مجازات می گردد.

- محکمه اختصاصی مکلف است که از آغاز تشکیل در مدت حداکثر (۵۰) روز فیصله خود را صادر نماید. این فیصله نهایی بوده استیناف طلب نیست.

- در صورتی که محکمه اختصاصی بعد از فیصله لازم داند، جریان به

اطلاع عامه رسانیده می شود.

- در حالت فوق، معاون اول رئیس جمهور از مقام ریاست جمهوری

سرپرستی می نماید.

- در صورتی که معاون اول نیز به عین جرم متهم گردد، معاون دوم

رئیس جمهور از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می نماید.

- هرگاه معاون دوم نیز به عین جرم متهم باشد، در آن صورت وظایف

مقام ریاست جمهوری را رئیس شورای ملی فدرال تا فیصله محکمه

اختصاصی به عهده می گیرد.

- هرگاه رئیس جمهور و معاونان او نزد محکمه اختصاصی براءت

حاصل نماید تا ختم دوره ریاست جمهوری به وظایف خویش ادامه

می دهد؛ ولی به هیچ وجه در دوره بعدی کاندید شده نمی تواند.

- هرگاه رئیس جمهور و معاونان او نظر به فیصله محکمه اختصاصی

محکوم شناخته شوند، شورای ملی فدرال کمیسیونی را توظیف تا طبق

فقرة (۳) ماده (۱۱۸) این قانون اساسی، انتخابات عمومی را برگزار نماید.

۵. تصویب، تعدیل و لغو قوانین، فرامین تقنینی و تقدیم آن ها به رئیس

جمهور غرض توشیح و اعلام الغای آن ها از جانب رئیس جمهور؛

۶. تصویب پلان های انکشافی، اقتصادی و اجتماعی و تأیید گزارش

حکومت در مورد اجرای آن ها؛

۷. تصویب، عقد و فسخ معاهدات دو جانبه بین دول و تصویب الحاق

به معاهدات بین المللی و انفصال از آن ها؛

۸. تصویب بودجه دولت فدرالی اسلامی افغانستان و بودجه ایالات و

بررسی گزارش در مورد اجرای آن ها؛

۹. تصویب ایجاد ایالت جدید و الحاق ایالات به همدیگر و تصویب

تغییرات جغرافیای ناشی از ایجاد ایالت جدید و الحاق ایالات به همدیگر؛

۱۰. تصویب حدود جغرافیای ایالات و واحدهای اداری آن‌ها؛
۱۱. ایجاد و لغو وزارت خانه‌های فدرال؛
۱۲. تصویب اخذ قرضه از دول خارجی و اعطای قرضه و امتیازات به آن‌ها؛
۱۳. موافقت با اعلان جنگ و متارکه؛
۱۴. اتخاذ تصمیم در مسائل مهمی که به سرنوشت کشور تعلق دارد؛
۱۵. وضع نشان‌ها و مدال‌ها و القاب افتخاری طبق قانون؛
۱۶. تصویب نشان دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و تصویب سرود ملی به زبان‌های دری و پشتو؛
۱۷. تأیید برقراری و قطع روابط با دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی؛
۱۸. استماع جواب قوه اجرائیه در مورد اجرائات شامل صلاحیت‌های شان در جلسه استجواب؛
۱۹. اعطای رأی اعتماد و یا سلب اعتماد از کابینه و اعضای آن؛
۲۰. تصویب قوانین مطروحه شوراهای ایالات فدرال.

ماده یکصد و دوم

مجلس شورای ملی فدرال در اولین اجلاس خود کمیسیونی را از بین اعضای خود جهت بررسی و تأیید عضویت انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس شورای ملی فدرال گزارش می‌دهد.

ماده یکصد و سوم

رئیس مجلس شورای ملی فدرال رهبری و تأمین نظم مجلس را به عهده دارد. در غیاب رئیس مجلس وظایف آن را یکی از نایبان مجلس مربوط انجام می‌دهد.

- اجلاس عادی شورای ملی فدرال در سال هفت ماه و در دو موعده می‌باشد.

- اجلاس اول از هفته اول برج حوت شروع و به سی و یکم برج جوزا ختم می گردد.

- اجلاس دوم از اول برج سنبله شروع و به روز سی ام برج عقرب ختم می گردد.

- در صورتی که در اجلاس مجلس شورای ملی فدرال بودجه سالانه و یا پلان انکشافی دولت مطرح باشد، مدت اجلاس مجلس شورای ملی الی تصویب آن تمدید می گردد.

- در صورتی که تصویب بودجه قبل از شروع سال مالی صورت نگیرد، بودجه سال گذشته الی تصویب بودجه سال جدید تطبیق می گردد.

- اجلاس فوق العاده مجلس شورای ملی بر اساس تصمیم رئیس جمهور، مطالبه مجلس شورای ملی فدرال و یا تقاضای یک ربع اعضای مجلس دایر شده می تواند.

ماده یک صد و چهارم

اولین اجلاس دوره تقنینیه شورای ملی به وسیله رئیس جمهور و طی مدت سی روز بعد از ختم انتخابات فراخوانده می شود.

ماده یک صد و پنجم

به استثنای حالاتی که اخذ تصمیم در آن به اکثریت دو ثلث مجموع آرای اعضا و یا بالاتر تصریح و قید گردیده باشد، نصاب مجلس شورای ملی با حضور دو ثلث اعضای آن تکمیل و تصمیم مجلس به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می گردد.

ماده یک صد و ششم

اجلاس شورای ملی علنی بوده مگر این که مجلس به سری بودن آن تصمیم بگیرد. جریان مباحث مجلس ثبت می گردد.

- هیچ کس نمی تواند عنفاً به مقرر شورا داخل شود، متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات می گردند.

ماده یک صد و هفتم

مجلس شورای ملی اصول و وظایف داخلی خود را وضع و تصویب می نماید.

ماده یک صد و هشتم

مجلس برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث، طبق احکام اصول و وظایف داخلی خود کمیسیونها را تعیین می کند.

ماده یک صد و نهم

شورای ملی فدرال صلاحیت دارد، بر اساس پیشنهاد یک ثلث اعضای خود جهت تحقیق اجرائات کابینه در مرکز و ایالات کمیسیونهای تحقیق تعیین نماید.

- ترکیب و طرز العمل کمیسیون تحقیق در اصول و وظایف داخلی تثبیت می گردد.

ماده یک صد و دهم

شورای ملی فدرال حق دارد در جلسه استیضاح از رئیس و هیأت وزرا توضیحات بخواهد، پاسخ استیضاح به صورت تحریری و یا شفاهی ارائه می گردد.

- شورای ملی فدرال می تواند بر اساس پاسخ ارائه شده موضوع سلب اعتماد از رئیس هیأت وزرا و یا اعضای آن را مورد بررسی قرار دهد. هیأت وزرای که مورد سلب اعتماد قرار می گیرد تا تشکیل کابینه جدید وظایف خود را ادامه می دهند.

ماده یکصد و یازدهم

اعضای کابینه می‌توانند با کسب اجازه از رئیس شورای ملی فدرال برای مشورتی در جلسات عمومی و کمیسیون‌های آن اشتراک نمایند.

ماده یکصد و دوازدهم

اعضای شورای ملی فدرال در اجلاس خویش دارای حق رأی و اظهار نظر می‌باشند.

- هیچ عضو شورای ملی فدرال به خاطر رأی و یا اظهار نظر در داخل و یا خارج شورای ملی مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

- به استثنای حالات جرم مشهود، عضو شورای ملی بدون موافقه شورای ملی فدرال و در حالت بین دو اجلاس شورای ملی فدرال بدون موافقت هیأت اداری آن مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی‌تواند.

- هرگاه عضو شورای ملی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد، باید به هیأت اداری مجلس شورای ملی فدرال اطلاع داده شود.

ماده یکصد و سیزدهم

مقامات ذیل حق پیشنهاد، وضع، تعدیل و لغو قانون را به شورای ملی دارا می‌باشد:

۱. رئیس جمهور؛
۲. کمیسیون‌های مجلس شورای ملی فدرال؛
۳. حداقل عشر اعضای شورای ملی فدرال؛
۴. هیأت وزراء؛
۵. محکمه عالی؛
۶. دیوان عالی مدعی العمومیت (سارنوالی)؛
۷. در صورتی که وضع، تعدیل و لغو قانون موجب افزایش و یا کاهش

عواید دولت گردد، مشوره با هیأت وزرا ضروری است.

ماده یک صد و چهاردهم

تصاوید شورای ملی بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.
- در صورتی که رئیس جمهور به تصمیم شورای ملی موافقه نداشته باشد، می تواند آن را در ظرف (۳۰) روز از تاریخ تقدیم با تذکر دلایل به شورای ملی فدرال مسترد نماید.

- هرگاه رئیس جمهور بعد از سپری شدن تاریخ تقدیم تصاوید شورای ملی مسترد نمود و همچنان در صورت استرداد هرگاه مجلس شورای ملی فدرال موضوع مسترد شده را دوباره با اکثریت آرا اعضا تصویب نماید، تصمیم نافذ شمرده شده رئیس جمهور مکلف است آن را توشیح نموده و انفاذ آن را اعلام نماید.

ماده یک صد و پانزدهم

قوانین و مصوبات شورای ملی به زبان های دری و پشتو به نشر می رسد.
می توان آن را به زبان های سایر ملیت های کشور نیز نشر نمود.

ماده یک صد و شانزدهم

طرز فعالیت مجلس شورای ملی فدرال و کمیسیون های دایمی آن توسط طرز العمل مجلس شورا در مطابقت به احکام قانون اساسی و قوانین نافذ کشور تنظیم می گردد.

فصل هفتم رئیس جمهور و معاونان او

ماده یکصد و هفدهم

رئیس جمهور، رئیس دولت و عالی‌ترین شخصیت ملی کشور است. رئیس جمهور از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، قانون اساسی، حاکمیت قانون و وحدت ملی حمایت نموده حدود قوای دولت را جهت تأمین نقش آن‌ها در اجرای وظایف ملی و اسلامی رعایت می‌کند.

- رئیس جمهور از صلاحیت‌های قانونی در عرصه تقنینیه، اجرائیه، قضائیه و ارگان‌های ایالتی فدرال مطابق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین کشور برخوردار می‌باشد.

ماده یکصد و هجدهم

رئیس جمهور توسط آرای عمومی و مستقیم مردم برای مدت (۴) سال انتخاب می‌گردد.

- یک شخص نمی‌تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

- رئیس جمهور نزد شورای ملی مسئول بوده و مکلف به ارائه گزارش می‌باشد.

- به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید، شورای ملی فدرال طی مدت (۶۰) روز قبل از ختم دوره صلاحیت رئیس جمهور انتخابات را برگزار می‌نماید.

ماده نوزدهم

هر تبعه جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان که سن (۳۰) سالگی را تکمیل کرده باشد، خود و همسر وی از والدین افغان متولد شده و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد، به حیث رئیس جمهور انتخاب شده می تواند.

ماده یکصد و بیستم

رئیس جمهور بعد از انتخاب شدن در شورای ملی فدرال حلف آتی را به جا می آورد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، به نام خداوند عظیم و توانا سوگند یاد می کنم که در تمام اعمال خود الله جل جلاله را حاضر و ناظر دانسته، احکام دین مبین اسلام را اطاعت، قانون اساسی و قوانین دولت را حمایت، استقلال وطن، تمامیت ارضی مملکت را حفاظت، حقوق مردم و آزادی های اتباع را حراست نمایم. به استعانت از بارگاه پروردگار تمام مساعی خود را در برقراری عدالت در جامعه و در راه سعادت مردم و ترقی ملت افغانستان به کار برم.»

ماده یکصد و بیست و یکم

رئیس جمهور علاوه بر سایر صلاحیت های مندرج این قانون اساسی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. قیادت اعلاى قواى مسلح کشور؛
۲. اعلان و متار که جنگ به موافقه شورای ملی فدرال؛
۳. تعیین اعضای کمیسیون طرح تسوید قانون اساسی؛
۴. اعلان انتخابات برای تدویر مجلس مؤسسان؛
۵. دعوت، دایر کردن و افتتاح شورای ملی فدرال به استثنای حالت مندرج فقره (۳) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی؛

۶. دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورای ملی فدرال؛
۷. توشیح قانون اساسی و سایر قوانین و اعلام انفاذ آنها و صدور فرامین تقنینی؛
۸. اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام قانون؛
۹. توشیح معاهدات بین الدول بعد از تصویب شورای ملی فدرال؛
۱۰. معرفی معاونان رئیس جمهور به شورای ملی فدرال به منظور تأیید تقرر آنها؛
- الف. معاون یا معاونان رئیس جمهور باید تبعه افغانستان بوده خود و همسران شان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.
- ب. معاونان رئیس جمهور بعد از اخذ تأیید شورای ملی حلف آتی را به حضور اعضای مجلس شورای ملی فدرال به جامی آورند:
- «به نام خداوند بزرگ (ج) سو گند یاد می کنم که قانون اساسی و دیگر قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده از اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان حمایت نمایم.»
۱۱. مطالبه عزل معاونان رئیس جمهور از شورای ملی فدرال؛
۱۲. معرفی هیأت وزرا غرض اخذ رأی اعتماد به شورای ملی فدرال؛
۱۳. منظوری وزرا بعد از کسب رأی اعتماد از شورای ملی فدرال و قبول استعفای آنان؛
۱۴. منظوری رؤسای ایالتی بعد از تصویب شورای ایالت فدرال و تعلیق صلاحیت آنها در حالت اضطراری طبق قانون؛

۱۵. منظوری انفکاک، تقرر، ترفیع و تقاعد اعضای محکمه عالی، قضات، کارمندان و افسران عالی رتبه طبق قانون؛

۱۶. اتخاذ تصمیم در مورد نظرخواهی عمومی راجع به مسائل عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

۱۷. عفو و تخفیف مجازات؛

۱۸. منظوری سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و منظوری نمایندگان دائمی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان نزد مؤسسات بین‌المللی و قبول اعتمادنامه‌های نمایندگان سیاسی خارجی؛

۱۹. اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن از طریق قانون؛

۲۰. اعطای القاب افتخاری و اعطای نشان‌ها و مدال‌ها طبق قانون؛

۲۱. منظوری سرود ملی و نشان دولتی بعد از تصویب شورای ملی

فدرال؛

۲۲. اعلام الغای قوانین و اسناد تقنینی که عدم مطابقت آن با قانون

اساسی توسط محکمه عالی قانون اساسی تثبیت شده باشد؛

۲۳. ایجاد دستگاه اداری ریاست جمهوری؛

۲۴. اعمال سایر صلاحیت‌هایی که در این قانون اساسی و سایر قوانین

کشور به آن تصریح شده باشد.

ماده یک صد و بیست و دوم

رئیس جمهور و معاونان او در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی‌توانند.

ماده یک صد و بیست و سوم

معاونان رئیس جمهور نزد رئیس جمهور و شورای ملی فدرال در قسمت اجرائات وظیفوی خویش مسئول می‌باشند.

ماده یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور غیر از بیماری صعب‌العلاج و دوام‌دار، استعفا و یا حالت مندرج فقره (۴) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی الی ختم دوره صلاحیت به وظیفه خود ادامه می‌دهد.

- در تمام حالاتی که رئیس جمهور نتواند وظایف خود را ایفا نماید، وظایف او از طرف معاون اول رئیس جمهور اجرا می‌گردد.

- در صورتی که معاون اول رئیس جمهور نیز با حالت فقره (۴) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی مواجه باشد، یکی دیگر از معاونان وظایف رئیس جمهور را به عهده می‌گیرد.

- در حالی که همه معاونان رئیس جمهور با حالت فقره (۴) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی مواجه باشد، وظایف رئیس جمهور را رئیس شورای ملی فدرال اجرا می‌نماید.

ماده یکصد و بیست و پنجم

در حالت اراده استعفا، رئیس جمهور استعفای خود را مستقیماً به شورای ملی فدرال تقدیم می‌نماید.

ماده یکصد و بیست و ششم

در حالت استعفا یا وفات رئیس جمهور، معاون اول او الی انتخابات ریاست جمهوری جدید از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می‌نماید.
- در صورت نبودن معاون اول، معاون دوم وظایف ریاست جمهوری را به عهده می‌گیرد.

- در چنین حالت، شورای ملی فدرال مکلف به اجرای حکم فقره سوم ماده (۱۱۸) این قانون اساسی می‌باشد.

فصل هشتم هیأت وزرا

ماده یک صد و بیست و هفتم

هیأت وزرا ارگان عالی اجرائیوی و اداری دولت بوده و تحت رهبری رئیس جمهور ایفای وظیفه می نماید.
- وزرا باید تبعه افغانستان بوده خود و همسران شان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوقی مدنی و سیاسی باشند.

ماده یک صد و بیست و هشتم

هیأت وزرا دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات دین مقدس اسلام؛
۲. اداره، انسجام، مراقبت امور وزارت خانه ها و سایر دواير و مؤسسات دولتی؛
۳. صدور تصامیم اجرائیوی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت بر تطبیق آنها؛
۴. تسوید قوانین و وضع مقررات؛
۵. ترتیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و مالی و تقدیم آن غرض تصویب شورای ملی فدرال؛
۶. طرح پلان های انکشافی دولت و تقدیم آن غرض تصویب به شورای ملی فدرال و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن؛

۷. اخذ قروض داخلی و خارجی و تأدیه آن بعد از تصویب شورای ملی فدرال؛
۸. اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت از بین بردن هر نوع فساد اداری مطابق به احکام قانون؛
۹. تأمین نظم و امن عامه؛
۱۰. عقد قراردادها با ممالک و مؤسسات خارجی مطابق به احکام قانون؛
۱۱. اجرای سایر وظایفی که این قانون اساسی و قوانین به هیأت وزرا سپرده باشد.

ماده یکصد و بیست و نهم

هیأت وزرا برای تنظیم امور اجرائیوی خویش مقررات وضع می کند. این مقررات مناقض نص یا روحیه این قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور بوده نمی تواند.

ماده یکصد و سی ام

هیأت وزرا در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

ماده یکصد و سی و یکم

هیأت وزرا در برابر رئیس جمهور و شورای ملی فدرال در قسمت اجرائات خود مسئول می باشد.

ماده یکصد و سی و دوم

اتهام جرم علیه وزیر یا وزرا از طرف یک ثلث اعضای شورای ملی تقاضا شده می تواند.

- تعقیب، تحقیق و محاکمه آنها طبق حکم فقره (۴) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی صورت می گیرد.

فصل نهم قوه قضائیه فدرال

ماده یکصد و سی و سوم

قوه قضائیه یک رکن مستقل دولت بوده و مرکب از محکمه عالی و محاکم دیگری که طبق قانون تشکیل می گردد، می باشد.

ماده یکصد و سی و چهارم

محکمه عالی، عالی ترین ارگان قوه قضائیه فدرال بوده که مرکب است از: قاضی القضاة، معاونان قاضی القضاة و اعضا؛ - تعداد مجموعی اعضای محکمه عالی نباید از پانزده نفر بیشتر باشد.

ماده یکصد و سی و پنجم

رئیس جمهور یک نفر از قضاة را به حیث قاضی القضاة تعیین می نماید.

ماده یکصد و سی و ششم

اعضای محکمه عالی و رؤسای دیوانهای محکمه عالی و رؤسای محاکم به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین و مقرر می گردد.

ماده یکصد و سی و هفتم

رئیس القضاة ایالت به پیشنهاد رئیس هیأت اجرائیه ایالت، موافقه قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین و مقرر می گردد. - سایر قضاة ایالتی به پیشنهاد رئیس القضاة و منظوری رئیس هیأت اجرائیه ایالت تعیین و مقرر می گردد.

ماده یکصد و سی و هشتم

اعضای محکمه عالی دارای صفات ذیل می باشد:

۱. سن (۳۵) سالگی را تکمیل و تابعیت دولت فدرالی افغانستان را دارا

باشد؛

۲. از احکام فقه اسلامی، قوانین مدنی و حقوقی آگاهی کافی داشته و

دارای امانت و تقوا باشد؛

۳. محکوم به حرمان از حقوق مدنی نشده باشد.

ماده یکصد و سی و نهم

قاضی القضاة و اعضای محکمه عالی قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را

به حضور رئیس جمهور به جا می آورند:

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که وظیفه قضا را با کمال

امانت و شرافت اجرا نموده حق، عدالت و قوانین اسلامی و سایر احکام

و ارزش های قانون اساسی و قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان

را رعایت نموده و در همه احوال و اجرائات خود خداوند (ج) را حاضر

دانسته از حقوق مردم و عدالت حمایت نمایم.»

ماده یکصد و چهارم

در تمام مقامات قوه قضائیه، دو ثلث قضات از پیروان مذهب حنفی و یک

ثلث قضات آن از پیروان مذهب جعفری می باشد.

ماده یکصد و چهل و یکم

قوه قضائیه در قضاوت خود صرف تابع قانون و شریعت مقدس اسلام

می باشد.

ماده یکصد و چهل و دوم

صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که در آن اشخاص

حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی الیه قرار گرفته و در پیشگاه قضا مطابق به احکام قانون اقامه می گردد.

ماده یک صد و چهل و سوم

محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود طبق مواد این قانون اساسی و قوانین دولت فدرال و احکام شریعت اسلام حکم می نماید.
- هرگاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت فدرال حکمی موجود نباشد، در آن صورت محاکم مطابق اساسات شریعت اسلام که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید، حکم صادر می کند.

ماده یک صد و چهل و چهارم

در محاکم کشور محاکمه به صورت علنی اجرامی گردد و هر کس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد.
- فیصله‌های قطعی محاکم واجب التعمیل است، در صورتی که محکمه شخص را محکوم به اعدام نماید، توشیح رئیس جمهور شرط است.
- محکمه می تواند در حالات استثنای جلسات سری را دایر نماید، ولی اعلام به هر حالت باید علنی صورت گیرد.
- محاکم مکلف اند، دلایل حکم را در فیصله خویش ذکر نمایند.

ماده یک صد و چهل و پنجم

کشف جرائم از طرف پولیس بوده تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی آن از طرف مدعی العموم (سارنوال) که جز قوه قضائیه می باشد، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یک صد و چهل و ششم

در هیچ حالت به استثنای جنگ نمی توان امور مربوط به قضا را از دایره

صلاحیت قوه قضائیه دولت فدرال به نحوی که در این فصل معین گردیده خارج ساخته و به مقام دیگری تفویض نمود.
- این حکم مانع تشکیل محاکم نظامی نمی گردد، حدود صلاحیت محاکم نظامی منحصر به جرائم منسوبین قوای مسلح بوده، تشکیل و صلاحیت آن توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یک صد و چهل و هفتم

رئیس جمهور می تواند در مورد اعضای محکمه عالی و رئیس آن بعد از مرور هر چهار سال از تاریخ تعیین شان تجدید نظر نماید.
- قاضی القضاة و اعضای محکمه عالی و رئیس القضاة به استثنای حالت مندرج ماده (۱۵۰) این قانون اساسی قبل از انقضای چهار سال به هیچ وسیله دیگر از وظایف شان برطرف نمی شوند.

ماده یک صد و چهل و هشتم

قاضی القضاة و اعضای محکمه عالی به استثنای حالت مندرج ماده (۱۵۰) این قانون اساسی بعد از ختم قانونی دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از امتیازات قانونی مستفید می گردند.

ماده یک صد و چهل و نهم

قاضی القضاة، اعضای محکمه عالی و قضاة عالی رتبه می توانند، طبق احکام این قانون از وظیفه قضا استعفا بدهند. استعفای آنها از طرف رئیس جمهور منظور می گردد.

ماده یک صد و پنجاهم

هر گاه یک ثلث اعضای شورای ملی، محاکمه قاضی القضاة، یک یا چند عضو محکمه عالی به اساس اتهام جرم تقاضا نماید و شورای ملی فدرال این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضا تصویب نماید، متهم از وظیفه سبک دوش می گردد.

- شورای ملی فدرال هیأت با صلاحیتی را از میان اعضای خویش جهت تعقیب، تحقیق و محاکمه متهم یا متهمین تعیین می کند.
- این هیأت تحت ریاست رئیس شورای ملی فدرال متهم را مطابق به حکم قانون محاکمه نموده، در صورتی که جرم متهم ثابت گردد، او را از وظیفه عزل و به جزا محکوم می سازد.

ماده یکصد و پنجاه و یکم

محکمه عالی، تشکیلات و اجرائات محاکم و امور قضایی را مطابق به احکام این قانون اساسی و قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قضایی تنظیم می نماید.

ماده یکصد و پنجاه و دوم

بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاة به مشوره هیأت وزرا ترتیب گردیده به حیث یک جزء بودجه دولت به شورای ملی فدرال تقدیم می شود. تطبیق بودجه قضا از صلاحیت قاضی القضاة می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و سوم

محکمه عالی می تواند در ساحه تنظیم امور قضایی قوانین را تسوید و به شورای ملی فدرال پیشنهاد نماید.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم

در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و پنجم

تبدیل، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و مواخذه قضاة مطابق قانون صورت می گیرد.

ماده یک صد و پنجاه و ششم

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد.

ماده یک صد و پنجاه و هفتم

قاضی القضاة و اعضای محکمه عالی در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی تواند.

فصل دهم

مدعی العمومیت (سارنوالی)

ماده یک صد و پنجاه و هشتم

مدعی العمومیت (سارنوالی) بخشی از قوه قضائیه بوده و متشکل از رئیس عمومی، معاونین و سایر سارنوالان می باشند.

ماده یک صد و پنجاه و نهم

نظارت بر تطبیق، اجرا و رعایت یکسان قوانین از طرف وزارت خانه ها، ادارات، مؤسسات دولتی و اجتماعی، ایالات، احزاب سیاسی، مسئولین امور و اتباع به عهده مدعی العمومیت (سارنوالی) می باشد.

ماده یک صد و شصتم

رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال)، رهبری فعالیت ارگان های مدعی العمومیت (سارنوالی) را به عهده دارد.

ماده یک صد و شصت و یکم

رئیس عمومی و معاونین مدعی العمومیت به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور و سایر مدعی العموم ها (سارنوالان)، به پیشنهاد

رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال) و منظوری قاضی القضاة تعیین می گردند.

ماده یکصد و شصت و دوم

رئیس مدعی العمومیت (لوی سارنوال) ایالت بر اساس پیشنهاد رئیس هیأت اجرائیه ایالت و موافقه رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال) مرکزی و منظوری قاضی القضاة مقرر می شود.

- سایر مدعی العموم های ایالت بر اساس پیشنهاد رئیس مدعی العموم ایالت و منظوری رئیس هیأت اجرائیه ایالت مقرر می شوند.

ماده یکصد و شصت و سوم

تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت مدعی العمومیت (سارنوالی) توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل یازدهم

محکمه قانون اساسی

ماده یکصد و شصت و چهارم

محکمه قانون اساسی جمهوری فدرالی افغانستان به منظور مراقبت و نظارت از مطابقت قوانین، اسناد تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی و تفسیر قوانین در چوکات قوه قضائیه ایجاد می گردد.

ماده یکصد و شصت و پنجم

محکمه قانون اساسی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

الف. بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی؛

ب. تفسیر قانون اساسی؛

ج. ارائه مشوره‌های قانونی درباره مسائل ناشی از قانون اساسی به رئیس جمهور؛

د. ابراز نظر درباره مطابقت و عدم مطابقت اسناد تقنینی با قانون اساسی؛

ه. ارائه پیشنهادات مشخص به منظور بهبود انکشاف امور قانون گذاری

به مراجع مربوط؛

و. محکمه قانون اساسی منازعات و اختلافات قانونی را که حکم صریح در قانون اساسی نداشته باشد و بین مراجع دولتی و بین اشخاص و دولت مورد منازعه باشد، حل و فصل می نماید.

ماده یک صد و شصت و هشتم

محکمه قانون اساسی متشکل از رئیس، معاون، منشی و ده نفر عضو می باشد.

ماده یک صد و شصت و هفتم

اعضای محکمه قانون اساسی به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین و مقرر می گردد.

ماده یک صد و شصت و هشتم

تشکیل و طرز فعالیت محکمه قانون اساسی توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل دوازدهم اداره

ماده یکصد و شصت و نهم

اداره جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ایالتی طبق قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و هفتادم

اداره مرکزی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان متشکل از هیأت وزرا و ادارات مربوطه آن می باشد.

- اداره ایالتی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان متشکل از ایالات، ولایات، ولسوالی ها، شاروالی ها و نواحی می باشد.

- در رأس واحدهای متذکره بالترتیب مسئول هیأت وزرا، رئیس هیأت اجرائیه ایالت، والی ها، ولسوال ها، شاروال ها و آمرین نواحی قرار دارند.

ماده یکصد و هفتادویکم

والی ها بر اساس پیشنهاد رئیس اجرائیه ایالت، تصویب شورای ایالت و منظوری مسئول هیأت وزرا مقرر می گردند.

- ولسوال ها بر اساس پیشنهاد والی و منظوری رئیس هیأت اجرائیه ایالت مقرر می گردند، شاروال ها و آمرین نواحی بر اساس قانون شاروالی ها انتخاب می گردد.

فصل سیزدهم سیاست خارجی

ماده یکصد و هفتادودوم

سیاست خارجی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بر مبنای تأمین منافع ملی، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور، حفظ و امنیت جهانی، حس همجواری تساوی حقوق و انکشاف همه جانبه همکاری بین‌المللی استوار می‌باشد.

ماده یکصد و هفتادوسوم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان سیاست عدم انسلاک را به حیث اصل مهم سیاست خارجی خویش دنبال کرده و به مثابه یکی از بنیان‌گذاران جنبش عدم انسلاک در جهت نیل به اهداف آن تلاش می‌کند.

ماده یکصد و هفتادوچهارم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان خواهان برقراری و تحکیم مناسبات نیک با کشورهای اسلامی برادر، کشورهای دوست و همه کشورهای جهان مبتنی بر اصول تساوی حقوق احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله و تجاوز در امور داخلی یکدیگر، عدم توسل به زور، تهدید یا قوه، رد هر گونه مداخله علنی و مخفی، عدم اشتراک در پیمان‌های نظامی استعماری، اجرای تعهدات بین‌المللی مطابق به اصول و موازن قبول‌شده حقوق بین‌الملل می‌باشد.

ماده یکصد و هفتادوپنجم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان موادات منشور سازمان ملل، اعلامیه

جهانی حقوق بشر و سایر تصمیمات و مقررات بین‌المللی را رعایت می‌کند.

- در صورتی که قسماً یا تماماً فیصله‌های بین‌المللی که تنها وسیله تأمین منافع استعمار، استثمار، تجاوز و سلطه‌گری باشد و به ضرر ملل و کشورهای مسلمان و جهان تمام گردد، این نوع فیصله‌ها را غیر عادلانه دانسته، خود را مکلف به اجرای آن نمی‌داند.

ماده یک‌صد و هفتادوششم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از مبارزات برحق مردمان مسلمان و جهان به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و حق تعیین سرنوشت‌شان پشتیبانی نموده، بر ضد استعمار، صهیونیسم و فاشیسم مبارزه می‌کند.

ماده یک‌صد و هفتادوهفتم

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در مبارزه به خاطر خلع سلاح عام و تام، قطع مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضا، عدم گسترش و امحای سلاح‌های هستوی و کیمیاوی و سایر انواع کشتار جمعی، از بین بردن پایگاه‌های نظامی خارجی، رفع تشنجات منطقوی و بین‌المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی جهانی پشتیبانی می‌کند.

فصل چهاردهم

حالت اضطرار

ماده یک‌صد و هفتادوهشتم

هرگاه خطر جنگ، جنگ، اغتشاش و امثال آن که استقلال، حاکمیت

ملی و امنیت داخلی را به خطر مواجه سازد، به نحوی تأمین آن در این قانون مشخص شده، ناممکن گردد؛ حالت اضطرار را از طرف رئیس جمهور و بعد از موافقه رئیس شورای ملی فدرال و قاضی القضاة اعلام می‌گردد.

ماده یکصد و هفتادونهم

هرگاه حالت اضطرار بیش از یک ماه دوام نماید، برای تمدید آن تصویب شورای ملی فدرال شرط است.

ماده یکصد و هشتادم

در حالت اضطرار، مجلس شورای ملی فدرال می‌تواند صلاحیت‌های فوق‌العاده‌ای به رئیس جمهور واگذار نماید.

ماده یکصد و هشتادویکم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می‌تواند بعد از اخذ موافقه رئیس شورای ملی و قاضی القضاة محکمه اختصاصی ایجاد نماید.

ماده یکصد و هشتادودوم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می‌تواند بعد از اخذ موافقه شورای ملی فدرال پایتخت کشور را موقتاً در محل دیگر انتقال دهد.

ماده یکصد و هشتادوسوم

هرگاه دوره و کالت اعضای شورای ملی فدرال در جریان حالت اضطرار ختم گردد، رئیس جمهور می‌تواند بعد از موافقه مجلس شورای ملی فدرال جریان انتخابات جدید را معطل قرار داده و دوره و کالت اعضای شورای ملی فدرال را تا ختم حالت اضطرار تمدید نماید.
- بعد از ختم حالت اضطرار بالوقفه انتخابات برگزار می‌گردد.

ماده یک صد و هشتاد و چهارم

در حالت اضطرار، قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعدیل نمی شود.

ماده یک صد و هشتاد و پنجم

هرگاه در حالت اضطرار دوره صلاحیت رئیس جمهور خاتمه یابد، مجلس شورای ملی فدرال میعاد خدمت رئیس جمهور را الی ختم حالت اضطرار تمدید می نماید.

- بعد از ختم حالت اضطرار مطابق حکم ماده (۱۱۸) این قانون اساسی رئیس جمهور جدید انتخاب می گردد.

فصل پانزدهم تعدیل

ماده یک صد و هشتاد و هشتم

اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری فدرالی کشور مطابق به احکام این قانون اساسی کشور تعدیل نمی شود.

ماده یک صد و هشتاد و نهم

نظر به ایجابات عصر، مواد این قانون اساسی مطابق حکم فقره (۱) ماده (۱۰۱) تعدیل می گردد.

ماده یک صد و هشتاد و دهم

طرح تعدیل قانون اساسی هر ایالت به پیشنهاد اکثریت اعضای این ایالت و موافقه رئیس اجرائیه ایالت غرض تصویب به شورای ملی فدرال تقدیم و بعد از تصویب شورای ملی و توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل شانزدهم احکام انتقالی

ماده یکصد و هشتادونهم

اولین قانون انتخابات توسط فرمان تقنینی رئیس جمهور نافذ و اعلان می گردد.

ماده یکصد و نودم

با انفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور موقت فرمان انتخابات ریاست جمهوری جدید را به اساس قانون انتخابات اعلام می دارد.

ماده یکصد و نودیکم

رئیس جمهور جدید مطابق به احکام قانون انتخابات، انتخابات اعضای شورای ملی را اعلام می دارد.

ماده یکصد و نوددوم

بعد از تشکیل مجلس شورای ملی فدرال اسلامی، رئیس جمهور جدید فرمان انحلال کابینه موقت را صادر و کابینه جدید را بر طبق روحیه این قانون اساسی توظیف و به مجلس شورای ملی فدرال غرض اخذ رأی اعتماد معرفی می نماید.

- در خلال مدت تشکیل کابینه جدید الی اخذ رأی اعتماد از شورای ملی فدرال کابینه موقت به وظیفه خود ادامه می دهد.

ماده یکصد و نودسوم

مطابق حکم ماده (۱۳۵) این قانون اساسی، رئیس جمهور جدید، رئیس محکمه عالی را تعیین می نماید.

قانون اساسی ایالت فدرال ضمیمه قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول

نظام سیاسی ایالت

ماده اول

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان کشور کثیرالملیت بوده که بنا برخواست اکثریت مردم، علایق فرهنگی، مذهبی، زبانی و سیاسی ایالات در قلمرو آن تشکیل می گردد.

ماده دوم

هر ایالت در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مطابق قانون اساسی دارای حدود معین جغرافیای بوده و بر تمام قلمرو خویش دارای حاکمیت می باشد.

ماده سوم

دین رسمی مردم ایالت دین مقدس اسلام و مذاهب رسمی آن جعفری و حنفی می باشد.

ماده چهارم

دفاع از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حفظ دست آوردهای

انقلاب اسلامی از جمله وظایف اساسی تمام مردم ایالت می باشد.

ماده پنجم

زبان های رسمی ایالت دری و پشتو است.

ماده ششم

هر ایالت دارای قانون اساسی است که با قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان مطابقت داشته و خصوصیات ایالت را در نظر می گیرد.

ماده هفتم

قانون اساسی ایالت توسط کمیسیونی تدوین قانون اساسی و بعد از نظرخواهی مردم ایالت و تأیید شورای ایالتی به شورای ملی جمهوری فدرالی اسلامی جهت تصویب پیشنهاد می گردد.

ماده هشتم

منبع اساسی قوانین در ایالت، اساسات دین مقدس اسلام بوده و هیچ قانونی نمی تواند، مناقض شریعت اسلام و قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان وضع گردد.

ماده نهم

ایالت دارای قوه مستقل مقننه، مجریه و قضائیه بوده و در حدود صلاحیت خود مسائل را حل و فصل می نماید.

ماده دهم

هر ایالت در پهلوی بیرق جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بنا بر خصوصیات ایالتی خویش دارای بیرق و نشان ایالتی نیز می باشد.

ماده یازدهم

ایالت در محدوده حاکمیت خویش دارای واحدهای اداری: مرکز ایالت،

ولایت، ولسوالی، شاروالی و نواحی آن می باشد.

ماده دوازدهم

حدود ایالت و واحدهای اداری آن بدون موافقت شورای ایالتی و تصویب شورای ملی فدرال تغیر نمی یابد.

- برای تعیین حدود ایالات کمیسیون باصلاحیتی از طرف دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین گردیده و حدود معینه ایالات را شورای ملی تصویب می نماید.

ماده سیزدهم

مناسبات بین ایالات بر مبنای حسن تفاهم، تقویه روحیه برادری، برابری، روابط نیک، دوستی و همکاری متقابل استوار است.

ماده چهاردهم

ایالات حق دارند قراردادهای متقابل مفید تجارتي، فرهنگی و غیره را باهم عقد و از تجارت یکدیگر استفاده نمایند.

ماده پانزدهم

مقامات ایالت با مقامات جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و مقامات سایر ایالات کمک های متقابل قانونی و اداری را انجام می دهند.

ماده شانزدهم

مردم ایالت برای حفظ منافع ایالت، از طریق شورای ایالتی و برای حفظ منافع علیای کشور از طریق شورای ملی سهم می گیرند.

ماده هفدهم

ایالت پلان های اقتصادی و اجتماعی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را در قلمرو خویش تطبیق نموده و فیصله های مقامات عالیله دولتی و اداری جمهوری فدرالی اسلامی کشور را عملی می سازد.

ماده هجدهم

چگونگی پرداخت مالیه، جمع آوری محصول، عواید و مسائل مالی ایالت توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم

مردم هر ایالت به تناسب نفوس خویش در ترکیب قوای مسلح اشتراک می ورزد.

- پولیس هر ایالت از مردم آن ایالت تشکیل می گردد.

ماده بیستم

مردم ایالت حق دارد، متناسب نفوس شان و همچنان بر اساس اصل اهلیت و شایستگی در تمام مقامات عالیۀ دولت مرکزی، قوای مسلح، سفارت خانه ها و نمایندگی های دیپلماتیک در خارج و محافل بین المللی تعیین و مقرر گردد.

فصل دوم

اساسات نظام اجتماعی اقتصادی

ماده بیست و یکم

ایالت اصل تقویه روحیه همکاری، تفاهم، دوستی و برادری را به منظور تأمین عدالت در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در میان مردمان ایالت تعقیب می نماید.

ماده بیست و دوم

ایالت به منظور رشد فرهنگ، زبان و ادبیات، جمع آوری و نشر فلکلور مردم تدابیر لازم اتخاذ و آن را انکشاف می دهد.

ماده بیست و سوم

ایالت مکلف است حرمت و خصایل اصیل اسلامی، ملی، قومی و نژادی مردمان ایالت را حفظ نموده و به تقویه مناسبات داخلی مردم تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده بیست و چهارم

ایالت به منظور حفظ سلامت ساکنان ایالت درباره تأمین صحت طفل و مادر و تربیه سالم اطفال توجه جدی مبذول می دارد.

ماده بیست و پنجم

تعلیمات عالیّه اسلام، اخلاق اسلامی، وطن دوستی، رسم و رواج‌های پسندیده مردم زیربنای معنوی جامعه ما را تشکیل داده، ایالت به حفظ، حرمت، ترویج و تعمیل آن مکلف می باشد.

ماده بیست و ششم

ایالت از حقوق و خدمات زن در برابر خانواده و جامعه حمایت می کند.
- تساوی حقوق اسلامی و قانونی زن و مرد را در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضمین می نماید.

ماده بیست و هفتم

ایالت به تربیه سالم جوانان و نوجوانان مطابق به احکام شریعت اسلام توجه نموده و شرایط لازم را جهت پرورش سالم بدنی و استعدادهای فکری آنان فراهم می سازد.

ماده بیست و هشتم

حق زندگی، آزادی، کار، تحصیل، مسافرت و حق اشتراک در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حق تأمین صحت، تأمین معیشت

ایام بیکاری، بازنشستگی، معلولیت و حق خانواده شهدا در ایالت مطابق قانون تضمین می گردد.

ماده بیست و نهم

ایالت پلان های انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را به منظور بسیج و بهره برداری از تمام منابع ایالتی به خاطر رفع عقب ماندگی، بلند بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم، ایجاد زمینه کار، تکامل ساختار اجتماعی - اقتصادی طرح و تدوین نموده و از طریق هیأت وزرا غرض تصویب به شورای ملی تقدیم می نماید.

ماده سی ام

در ایالت ملکیت از تعرض مصون است.

- ملکیت به اشکال مختلف دولتی، مختلط، جمعی، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمان های سیاسی و اجتماعی وجود دارد. ایالت از تمام انواع ملکیت های قانونی حمایت می کند.

ماده سی و یکم

ایالت در رابطه به ملکیت دولتی، سرمایه گذاری های خصوصی و خارجی، ایجاد و فعالیت نمایندگی بانک های خارجی مطابق احکام ماده (۳۸)، (-)، (-) قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان عمل می نماید.

ماده سی و دوم

ایالت پلان های اقتصادی را در عرصه های استخراج منابع زیرزمینی، معادن، استفاده از چراگاه ها، بهره گیری از زمین های بایر و لا مزروع، حفظ آبادات تاریخی، ایجاد و توسعه منابع اساسی انرژی، تأسیسات رادیو و تلویزیون، مخبرات، شفاخانه ها، بندهای زراعتی و انرژی، بنادر و خطوط مواصلاتی را طرح و از طریق هیأت وزرا غرض تصویب به شورای ملی فدرال تقدیم می نماید.

ماده سی و سوم

ایالت در ایجاد، تقویه و گسترش مؤسسات تعاونی اسلامی مساعدت می نماید.

ماده سی و چهارم

ایالت در فعالیت های انفرادی و جمعی کسبه کاران، اهل حرفه و صنعت، صنایع مستظرفه و صنایع دستی که یکی از محصولات خوب و قدیمی کشور به شمار می رود، تشویق و حمایت می نماید.

ماده سی و پنجم

ایالت در مورد حفظ طبیعت، ثروت های طبیعی و استفاده معقول از آن ها، بهبود محیط زیست، حفظ جنگلات، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و ابقای جهان حیوانات و نباتات تدابیر لازم اتخاذ و عملی می نماید.

ماده سی و ششم

ایالت وظیفه خود می داند که نسبت به بسط و توسعه اجباری رایگان، همگانی و ریشه کن نمودن بی سوادی و سوادآموزی عمومی، ایجاد و استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات، جهت رشد آگاهی عمومی، تأسیس و توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، فراهم نمودن امکانات لازم غرض آموزش عالی، بسط و توسعه مراکز طبی برای تأمین صحت و سلامتی مردم و تحصیل خود کفایی در تمام زمینه های علمی، فرهنگی، صنعتی و هنری اقدامات لازم نماید.

ماده سی و هفتم

ایالت اوزان، مقیاس ها و محک ها را با نورم و استندرد بین المللی گسترش داده و تطبیق می نماید.

ماده سی و هشتم

ایالت احکام مواد فصل چهارم قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را در رابطه به تابعیت، آزادی، حقوق اساسی و وجایب اتباع را در نظر گرفته عملی می نماید.

فصل سوم شورای ایالتی قوه مقننه

ماده سی ونهم

شورای ایالتی مظهر اراده مردم و عالی ترین ارگان تقنینی ایالت می باشد که از اراده مردم نمایندگی می کند.
- مردم ایالت از طریق شورای ایالتی در زندگی سیاسی - اجتماعی ایالت سهم می گیرد.

ماده چهلم

اعضای شورای ایالتی از طریق رأی گیری عمومی، مساوی، سری، آزاد و مستقیم برای یک دوره تقنینی سه ساله طبق قانون انتخاب می شوند.

ماده چهل و یکم

سن قانونی عضویت در شورای ایالتی برای مرد و زن (۲۵) سال و سن قانونی برای رأی دهنده تکمیل (۲۰) سال می باشد.
- شرط اشتراک در رأی دهی و انتخاب شدن تذکره تابعیت می باشد.

- سایر شرایط و طرز انتخابات در قانون انتخابات خود ایالت تنظیم می گردد.

مادهٔ چهل و دوم

اولین اجلاس دورهٔ تقنینیه شورای ایالتی به وسیله رئیس هیأت اجرائیه ایالت طی مدت (۳۰) روز بعد از ختم انتخابات فراخوانده می شود.

مادهٔ چهل و سوم

شورای ایالتی در اولین اجلاس خویش کمیسیونی را از بین اعضای خود جهت بررسی وثایق عضویت انتخاب می کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس شورای ایالتی مربوط گزارش می دهد.

مادهٔ چهل و چهارم

شورای ایالتی در اولین جلسهٔ خویش یک نفر را به حیث رئیس، دو نفر را به حیث نایب رئیس و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک و نیم سال از بین اعضای خویش انتخاب می کند.
- بعد از یک و نیم سال این انتخابات تجدید می گردد.

مادهٔ چهل و پنجم

از هر (۳۰۰۰۰) یک نفر به حیث نماینده در شورای ایالتی انتخاب می گردد.

مادهٔ چهل و ششم

رئیس شورای ایالتی رهبری و تأمین نظم مجلس را به عهده دارد. در غیاب رئیس شورای ایالتی وظایف آن را یکی از نایبان شورای ایالتی انجام می دهد.

مادهٔ چهل و هفتم

مدت اجلاس عادی سالانه شورای ایالتی توسط طرزالعمل خود شورای ایالتی تعیین می گردد.

مادهٔ چهل و هشتم

اجلاس فوق العاده شورای ایالتی بر اساس تصمیم هیأت اجرائیه ایالت، مطالبه رئیس شورای ایالت و یا تقاضای یک ربع اعضای مجلس شورای ایالت دایر شده می تواند.

مادهٔ چهل و نهم

اجلاس شورای ایالتی علنی بوده؛ مگر این که شورا به سری بودن آن تصمیم بگیرد.
- جریان مباحثات شورای ایالتی ثبت می گردد.

مادهٔ پنجاهم

شورای ایالتی اصول و وظایف داخلی خود را وضع و تصویب می نماید.

مادهٔ پنجاه و یکم

اعضای شورای ایالتی در اجلاس خویش دارای حق رای و اظهار نظر می باشد.

- هیچ عضو شورای ایالتی به خاطر رأی و اظهار نظر در داخل و یا خارج شورا مورد تعقیب قرار نمی گیرد، به استثنای جرم مشهود.
- عضو شورای ایالتی بدون موافقهٔ شورا و در حالت بین دو اجلاس شورای ایالتی بدون موافقه هیأت اداری آن توقیف و مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی تواند.
- هرگاه عضو شورای ایالتی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد، باید به هیأت اداری شورای ایالتی اطلاع داده شود.

مادهٔ پنجاه و دوم

شورای ایالتی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:
۱. طرح تعدیل قانون اساسی ایالت به پیشنهاد یک ثلث و موافقه دو

ثلث اعضای شورا تأیید رئیس هیأت اجرائیه ایالت که جهت تصویب به شورای ملی فدرال پیشنهاد می گردد.

۲. قبول استعفای رئیس، معاون و اعضای هیأت اجرائیه ایالت.

۳. تصمیم بر عزل، تحقیق و محاکمه رئیس هیأت اجرائیه، معاونین و اعضا در حالت اتهام به ارتکاب جرم و خیانت بزرگ.

۴. هرگاه رئیس هیأت اجرائیه ایالت متهم به جرمی و یا ارتکاب خیانت قرار گیرد، موضوع بر اساس درخواست یک ثلث اعضا در مجلس شورای ایالتی مطرح و تحت غور و بررسی قرار می گیرد.

هرگاه دو ثلث اعضای شورا آن را وارد دانست، در آن صورت موضوع را جهت تعقیب، تحقیق و تعیین مجازات متهم به مقام ریاست جمهوری فدرال اطلاع و محکمه اختصاصی از طرف رئیس جمهور تعیین می گردد.

- الی تعیین و انتخاب رئیس هیأت اجرائیه جدید، معاون رئیس هیأت اجرائیه ایالت از وظایف او سرپرستی می نماید.

- در صورتی که معاون ریاست هیأت اجرائیه نیز به عین جرم متهم گردد، رئیس شورای ایالتی از مقام ریاست هیأت اجرائیه سرپرستی می نماید.

- در حالت وفات رئیس هیأت اجرائیه ایالت الی تعیین و انتخاب رئیس هیأت اجرائیه جدید، معاون او وظایف ریاست هیأت اجرائیه ایالت را به عهده می گیرد.

۵. تعیین حدود جغرافیای، واحدهای اداری ایالت مربوط با تصویب شورای ملی فدرال.

۶. اتخاذ تصمیم در مسائل مهمی که به سرنوشت ایالت تعلق دارد.

۷. پیشنهاد تعدیل و لغو قوانین ایالتی و طرح قوانین جدید بعد از موافقه

رئیس هیأت اجراییه و ارسال آن‌ها غرض تصویب به شورای ملی فدرال.
۸. طرح پلان‌های انکشافی، اقتصادی - اجتماعی ایالت بعد از تأیید
رئیس هیأت اجراییه و تقدیم آن به هیأت وزرای فدرال.
۹. استماع جواب رئیس هیأت اجراییه در مورد اجرائات شامل
صلاحیت‌های شان.
۱۰. اعطای رای اعتماد و یا سلب اعتماد از هیأت اجراییه ایالت.

ماده پنجاه و سوم

شورای ایالتی صلاحیت دارد، بر اساس پیشنهاد ثلث اعضای خود جهت
بررسی اجرائات هیأت اجراییه، ولایات، ولسوالی‌ها و نواحی کمیسیونی
را توظیف نماید.

ماده پنجاه و چهارم

شورای ایالتی حق دارد، در جلسه استیضاح از رئیس هیأت اجراییه (رئیس
ایالت) توضیحات بخواهد.
- پاسخ استیضاح به صورت تحریری و یا شفاهی ارائه می‌گردد.
- شورای ایالتی می‌تواند بر اساس پاسخ ارائه شده، موضوع سلب
اعتماد رئیس و اعضای هیأت اجراییه را مورد بررسی قرار دهد.

ماده پنجاه و پنجم

اعضای هیأت اجراییه می‌تواند با کسب اجازه از رئیس شورای ایالتی با
رای مشورتی در جلسات عمومی و کمیسیون‌های شورا اشتراک نماید.

ماده پنجاه و ششم

مقامات ذیل حق پیشنهاد تعدیل و لغو قوانین ایالتی و طرح قوانین جدید را
به شورای ایالتی دارا می‌باشند.
۱. رئیس ایالت (رئیس هیأت اجراییه)؛

۲. دو ثلث اعضای شورای ایالتی؛

۳. هیأت اجرائیه؛

۴. رئیس قوه قضائیه ایالت.

ماده پنجاه و هفتم

تصویب مقررات و طرز العملها در شورای ایالتی بعد از منظوری رئیس هیأت اجرائیه ایالت نافذ می گردد.

ماده پنجاه و هشتم

نشر تصاویب، طرز العملها و مقررات شورای ایالتی به زبان های رسمی کشور بوده و به زبان های اکثریت ساکنین محل نیز نشر می گردد.

فصل چهارم **رئیس هیأت اجرائیه ایالت** **و معاونان او**

ماده پنجاه و نهم

هیأت اجرائیه که عالی ترین ارگان اجرائیه ایالت می باشد، عبارت اند از رئیس هیأت، دو نفر معاونان و دو نفر منشی.

ماده شصتم

رئیس هیأت اجرائیه ایالت توسط آرای عمومی مردم ایالت برای مدت سه سال انتخاب می گردد.

- یک شخص صرف برای دو دوره به حیث رئیس ایالت انتخاب می گردد.

- رئیس ایالت نزد شورای ایالتی مسئول است.

ماده شصت و یکم

هر تبعه جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان که سن (۳۰) سالگی را تکمیل و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد، به حیث رئیس ایالت انتخاب شده می تواند.

ماده شصت و دوم

رئیس هیأت اجرائیه ایالت بعد از انتخاب شدن، در شورای ایالتی حلف آتی را به جا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم.

به نام خداوند بزرگ و توانا سوگند یاد می کنم که در تمام اعمال و کردار خود، الله جل جلاله را حاضر و ناظر دانسته، احکام دین مقدس اسلام را اطاعت، قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و قانون اساسی ایالت را حمایت، حقوق و آزادی های اتباع را حراست نمایم.

با استعانت از بارگاه پروردگار تمام مساعی خود را در برقراری عدالت در جامعه و در راه سعادت مردم و ترقی ملت افغانستان به کار برم.

ماده شصت و سوم

رئیس هیأت اجرائیه ایالت از صلاحیت های مندرج در قانون اساسی فدرال و این قانون اساسی و سایر قوانین ایالتی در عرصه تقنینیه، اجرائیه و قضائیه برخوردار می باشد.

ماده شصت و چهارم

رئیس هیأت اجرائیه ایالت علاوه بر سایر صلاحیت های مندرج این قانون، دارای صلاحیت های آتی می باشد:

۱. دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورای ایالتی؛
۲. تأیید قانون اساسی ایالت و منظوری مقررات، طرز العمل ها و

- مصوبات شورای ایالت و اعلام انفاذ آن؛
۳. معرفی معاونان و منشیان رئیس هیأت اجرائیه ایالت به شورای ایالتی غرض تأیید تعیین آنها و استحصال منظوری شان از مقام جمهوری فدرالی اسلامی کشور؛
۴. مطالبه تأیید عزل معاونان و منشیان هیأت اجرائیه از شورای ایالتی؛
۵. منظوری تقرر، انفکاک، ترفیع و تقاعد قضات، افسران پولیس، قوای مسلح و کارمندان ملکی طبق قانون؛
۶. اتخاذ تصمیم در مورد نظرخواهی عمومی راجع به مسائل عمده سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در سطح ایالت.

ماده شصت و پنجم

در حالت اراده استعفا، رئیس هیأت اجرائیه ایالت استعفای خود را مستقیماً به شورای ایالت تقدیم می نماید.

- در صورتی که شورای ایالت استعفای وی را به اکثریت قاطع تأیید نماید، رئیس جمهور دولت فدرالی اسلامی افغانستان آن را منظور می نماید.

فصل پنجم

قوه قضائیه ایالت

(شورای قضایی)

ماده شصت و هشتم

قضا (قوه قضائیه) رکن مستقل ایالت فدرال می باشد.

ماده شصت و هفتم

قضاوت در ایالت، صرف توسط محکمه و طبق قانون صورت می گیرد.

ماده شصت و هشتم

قوة قضائیه فدرال مرکب است از شورای قضایی ایالت و محاکم دیگر که طبق قانون تشکیل می گردند.

ماده شصت و نهم

شورای قضایی ایالت فدرال به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس سیستم واحد قضایی ایالت قرار داشته، مرکب است از رئیس القضاة (رئیس شورای قضایی)، دو نفر معاون و چهار نفر اعضا.

ماده هفتادم

شورای قضایی ایالت مطابق احکام قانون فعالیت های محاکم را در ایالت مربوطه نظارت نموده تطبیق یکسان قانون را در فعالیت های محاکم تأمین می کند.

ماده هفتاد و یکم

رئیس القضاة ایالت، معاونان و اعضای او به پیشنهاد رئیس هیأت اجرائیه ایالت، موافقه قاضی القضاة دولت فدرال و منظوری رئیس جمهور مقرر می گردد.

- سایر قضاة ایالت به پیشنهاد رئیس القضاة و منظوری رئیس ایالت مقرر می گردند.

ماده هفتاد و دوم

ترفع، تقاعد، استعفا و عزل رئیس القضاة، معاونان، اعضای شورای قضایی و سایر قضاة ایالت توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتادوسوم

قضات در قضاوت خود صرف تابع قانون و احکام شریعت اسلام می باشند.

ماده هفتادوچهارم

صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی الیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه می گردد.

ماده هفتادوپنجم

قضات حین بررسی قضایا، احکام قانون اساسی، قوانین دولت فدرال و احکام این قانون اساسی را تطبیق می نماید.

- در حالات که قانون صراحت نداشته باشد، محکمه، قضایا را طبق احکام شریعت مقدس اسلام به نحوی حل و فصل می نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تأمین نماید.

ماده هفتادوششم

در محاکم ایالت، محاکمه به صورت علنی اجرامی شود. حالاتی که قضایا در جلسات سری رسیدگی می شود، توسط قانون تعیین می گردد.

- فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است، در صورتی که محکمه شخصی را محکوم به اعدام نماید، توشیح رئیس جمهور شرط است.
- ابلاغ حکم محکمه در همه حالات علنی است.

ماده هفتادوهفتم

رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به لسان های پشتو، دری و یا به لسان اکثریت ساکنین محل صورت می گیرد.

- فیصله های محاکم باید مدلل باشد و دلایل حکم در آن ذکر گردد.

ماده هفتاد و هشتم

کشف جرائم از طرف پولیس ایالت بوده تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی از طرف مدعی العموم (سارنوال) که جز قوه قضائیه ایالت می باشد، مطابق احکام قانون صورت می گیرد.

ماده هفتاد و نهم

شورای قضایی ایالت در ساحه تنظیم امور قضایی، قوانین را طرح و به شورای ایالتی پیشنهاد می نماید.

ماده هشتادم

تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز العمل محاکم ایالت توسط قانون تنظیم می گردد.